

قرآن مجید

به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر

به زبان های زنده دنیا

الملك

آشنایی. اعراب آیات. آوانگاری قرآن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# قرآن مجید - ۲۸ ترجمه - ۶ تفسیر

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

## فهرست

فهرست	۵
۶۷. سوره الملك	۷
مشخصات كتاب	۷
سوره الملك	۷
آشنایی با سوره	۹
اعراب آیات	۱۰
آوانگاری قرآن	۲۳
ترجمه سوره	۲۵
ترجمه فارسی استاد فولادوند	۲۵
ترجمه فارسی آیت الله مكارم شیرازی	۲۸
ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین انصاریان	۳۱
ترجمه فارسی استاد الهی قمشه ای	۳۴
ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین قرائتی	۳۸
ترجمه فارسی استاد مجتبیوی	۴۰
ترجمه فارسی استاد آیتی	۴۳
ترجمه فارسی استاد خرمشاهی	۴۶
ترجمه فارسی استاد معزی	۴۸
ترجمه انگلیسی قرائی	۵۰
ترجمه انگلیسی شاکر	۵۳
ترجمه انگلیسی ایروینگ	۵۶
ترجمه انگلیسی آربری	۵۸
ترجمه انگلیسی پیکتال	۶۱
ترجمه انگلیسی یوسفعلی	۶۴
ترجمه فرانسوی	۶۷

۶۹	ترجمه اسپانیایی
۷۲	ترجمه آلمانی
۷۵	ترجمه ایتالیایی
۸۰	ترجمه روسی
۸۴	ترجمه ترکی استانبولی
۸۸	ترجمه آذربایجانی
۹۴	ترجمه اردو
۹۷	ترجمه پشتو
۹۸	ترجمه کردی
۱۰۰	ترجمه اندونزی
۱۰۴	ترجمه مالزیایی
۱۱۲	ترجمه سواحیلی
۱۱۶	تفسیر سوره
۱۱۶	تفسیر المیزان
۱۶۱	تفسیر نمونه
۱۹۹	تفسیر مجمع البیان
۲۴۲	تفسیر اطیب البیان
۲۵۷	تفسیر نور
۲۷۵	تفسیر انگلیسی
۲۸۴	درباره مرکز

سرشناسه: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۸۸ عنوان و نام پدیدآور: قرآن مجید به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر/ مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان مشخصات نشر دیجیتالی: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع: معارف قرآنی

## سوره الملك

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱)

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ (۲)

الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ (۳)

ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ (۴)

وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ (۵)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۶)

إِذَا أُلقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهيقًا وَهِيَ تَفُورُ (۷)

تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ (۸)

قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ (۹)

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ (۱۰)

فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ (۱۱)

إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ (۱۲)

وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۱۳)

أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ (١٤)

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ (١٥)

أَأَمِنتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمُ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ

أَمْ أَمِنتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ (۱۷)

وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (۱۸)

أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَّاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ (۱۹)

أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصَرُّكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنَّ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي غُرُورٍ (۲۰)

أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ (۲۱)

أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَى أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۲۲)

قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ (۲۳)

قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۲۴)

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۲۵)

قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ (۲۶)

فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدْعُونَ (۲۷)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِيَ اللَّهُ وَ مَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ (۲۸)

قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ آمَنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (۲۹)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ (۳۰)

## آشنایی با سوره

۶۷- ملک [فرمانروائی]

فرمانروائی و حکومت در دست خدای تواناست. با این فراز، سوره شروع می شود. از خداوند و خلقت زمین و آسمان و حیوانات، سخن می گوید، و از روز قیامت و پاداش و کیفر، و نعمت و نعمت خدا یاد می کند. هدف کلی سوره، بیان ربوبیت و تدبیر عام خداوند نسبت به عالم است. این سوره، بعد از سوره طور، در سال ۷



بعثت در مکه نازل شده است و ۳۰ آیه دارد. به خواندن این سوره، زیاد سفارش شده است به سوره «تبارک» هم معروف است

## اعراب آیات

{بِسْمِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {اللَّهِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر / فعل مقدر یا محذوف / فاعل محذوف  
{الرَّحْمَنِ} نعت تابع {الرَّحِيمِ} نعت تابع

{تَبَارَكَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری {الَّذِي} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {بِيَدِهِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / {هُ} ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه / خبر مقدم محذوف {الْمَلِكُ} مبتدا مؤخر {وَهُوَ} (و) حرف عطف / مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {عَلَى} حرف جر {كُلِّ} اسم مجرور یا در محل جر {شَيْءٍ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {قَدِيرٌ} خبر، مرفوع یا در محل رفع

{الَّذِي} بدل تابع {خَلَقَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {الْمَوْتَ} مفعول به، منصوب یا در محل نصب {وَالْحَيَاةَ} (و) حرف عطف / معطوف تابع {لِيَبْلُوَكُمْ} (ل) حرف نصب / فعل مضارع، منصوب به فتحه ظاهری یا تقدیری / {كَ} ضمیر متصل در محل نصب، مفعول به / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {أَيُّكُمْ} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع / {كَ} ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {أَحْسَنُ} خبر، مرفوع یا در محل رفع {عَمَلًا} تمییز، منصوب {وَهُوَ} (و) حالیه / مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {الْعَزِيزُ} خبر، مرفوع یا در محل رفع {الْغَفُورُ} خبر ثان (دوم)، مرفوع یا در محل رفع

{الَّذِي} بدل تابع {خَلَقَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری

یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {سَبَّعَ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {سَمَواتِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {طَباقاً} نعت تابع {ما} حرف نفی غیر عامل {تَرى} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (أنت) در تقدیر {فِی} حرف جر {خَلَقَ} اسم مجرور یا در محل جر {الرَّحْمَنِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {مِنْ} حرف جر زائد {تَفَاوُتِ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {فَارْجِعَ} (ف) رابط جواب برای شرط / فعل امر مبنی بر سکون / فاعل، ضمیر مستتر (أنت) در تقدیر {الْبَصَرَ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {هَلْ} حرف استفهام {تَرى} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (أنت) در تقدیر {مِنْ} حرف جر زائد {فُطُورِ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب

{ثُمَّ} حرف عطف {ارْجِعَ} فعل امر مبنی بر سکون / فاعل، ضمیر مستتر (أنت) در تقدیر {الْبَصَرَ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {كَرَّتَيْنِ} مفعول مطلق یا نائب مفعول، منصوب {يُنْقَلِبُ} فعل مضارع، مجزوم به سکون {إِلَيْكَ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {الْبَصِيرُ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {خَاسِتًا} حال، منصوب {وَهُوَ} (و) حالیه / مبتداء، مرفوع یا در محل رفع {حَسِيرٌ} خبر، مرفوع یا در محل رفع

{وَلَقَدْ} (و) حرف قسم / (ل) حرف جواب / حرف تحقیق {زَيْنًا} فعل ماضی، مبنی بر ضمه / (نا) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {السَّمَاءِ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {الدُّنْيَا} نعت تابع {بِمَصَائِحَ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {وَجَعَلْنَاهَا}

(و) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر سکون / (نا) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، مفعول به {رُجُومًا} مفعول به ثان (دوم)، منصوب یا در محل نصب {لِلشَّيَاطِينِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {وَأَعْتَدْنَا} (و) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر سکون / (نا) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {لَهُمْ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {عَذَابٍ} مفعول به، منصوب یا در محل نصب {السَّعِيرِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر

{وَالَّذِينَ} (و) حرف استیناف / حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / خبر مقدم محذوف {كَفَرُوا} فعل ماضی، مبنی بر ضمه / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {بِرَبِّهِمْ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {عَذَابٌ} مبتدا مؤخر {جَهَنَّمَ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {وَبِئْسَ} (و) حرف استیناف / فعل ماضی جامد برای انشاء ذم {الْمَصِيرُ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع

{إِذَا} ظرف یا مفعول فیه، منصوب یا در محل نصب {الْقُوا} فعل ماضی، مبنی بر ضمه / (و) ضمیر متصل در محل رفع، نائب فاعل {فِيهَا} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {سَاجِدُونَ} فعل ماضی، مبنی بر ضمه / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {لَهَا} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {شَهِيقًا} مفعول به، منصوب یا در محل نصب {وَهِيَ} (و) حالیه / مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {تَفُورُ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر

مستتر (هی) در تقدیر / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل

{تَكَادُ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / اسم کاد، ضمیر مستتر (هی) در تقدیر {تَمَيَّزُ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هی) در تقدیر / خبر کاد محذوف {مِنْ} حرف جر {الْعَيْظِ} اسم مجرور یا در محل جر {كُلَّمَا} ظرف یا مفعولٌ فيه، منصوب یا در محل نصب {أَلْقَى} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری {فِيهَا} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {فَوُجَّ} نائب فاعل، مرفوع یا در محل رفع {سَأَلَهُمْ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به {خَزَنَتُهَا} فاعل، مرفوع یا در محل رفع / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {أَلَمْ} همزه (أ) حرف استفهام / حرف جزم {يَأْتِكُمْ} فعل مضارع مجزوم به حذف حرف عله (ی) / (ك) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به {نَذِيرٌ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع

{قَالُوا} فعل ماضی، مبنی بر ضمه / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {بَلَى} حرف جواب {قَدْ} حرف تحقیق {جَاءَنَا} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (نا) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به {نَذِيرٌ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {فَكَذَّبْنَا} (ف) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر سکون / (نا) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {وَقُلْنَا} (و) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر سکون / (نا) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {مَا} حرف نفی غیر عامل {نَزَلَ} فعل ماضی، مبنی بر

فتحه ظاهری یا تقدیری {اللَّهُ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {مِنْ} حرف جر زائد {شَيْءٍ} مفعول به، منصوب یا در محل نصب {إِنْ} حرف نفی غیر عامل {أَنْتُمْ} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {إِلَّا} حرف استثنا {فِي} حرف جر {ضَلَالٍ} اسم مجرور یا در محل جر / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل {كَبِيرٍ} نعت تابع

{وَقَالُوا} (و) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر ضمه / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {لَوْ} حرف شرط غیر جازم {كُنَّا} فعل ماضی، مبنی بر سکون / (نا) ضمیر متصل در محل رفع، اسم کان {نَسْمَعُ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (نحن) در تقدیر / خبر کان، محذوف یا در تقدیر {أَوْ} حرف عطف {نَعْقِلُ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (نحن) در تقدیر {مَا} حرف نفی غیر عامل {كُنَّا} فعل ماضی، مبنی بر ضمه / (نا) ضمیر متصل در محل رفع، اسم کان {فِي} حرف جر {أَصْحَابِ} اسم مجرور یا در محل جر {السَّعِيرِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر / خبر کان، محذوف یا در تقدیر

{فَاعْتَرَفُوا} (ف) حرف استیناف / فعل ماضی، مبنی بر ضمه / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {بِدُنْيِهِمْ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {فَقِيحًا} (ف) حرف استیناف / فعل مقدر یا محذوف / فاعل محذوف / مفعول مطلق یا نائب مفعول، منصوب {لَأَصِيحَابِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {السَّعِيرِ} مضاف الیه، مجرور یا در

{إِنَّ} حرف مشبه بالفعل یا حرف نفی ناسخ {الَّذِينَ} اسم إِنَّ، منصوب یا در محل نصب {يَخْشَوْنَ} فعل مضارع، مرفوع به ثبوت نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {رَبَّهُمْ} مفعول به، منصوب یا در محل نصب / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {بِالْغَيْبِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {لَهُمْ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / خبر مقدم محذوف {مَغْفِرَةً} مبتدا مؤخر / خبر إِنَّ محذوف {وَأَجْرٌ} (و) حرف عطف / معطوف تابع {كَبِيرٌ} نعت تابع

{وَأَسِئْرُوا} (و) حرف استیناف / فعل امر، مبنی بر حذف نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {قَوْلَكُمْ} مفعول به، منصوب یا در محل نصب / (ك) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {أَوْ} حرف عطف {اجْهَرُوا} فعل امر، مبنی بر حذف نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {بِهِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {إِنَّهُ} حرف مشبه بالفعل یا حرف نفی ناسخ / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، اسم إِنَّ {عَلَيْمٌ} خبر إِنَّ، مرفوع یا در محل رفع {بِذَاتِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {الْصُّدُورِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر

{أَلَا-} همزه (أ) حرف استفهام / حرف نفی غیر عامل {يَعْلَمُ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {مَنْ} مفعول به، منصوب یا در محل نصب {خَلَقَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {وَهُوَ} (و) حالیه / مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {اللَّطِيفُ}

خبر، مرفوع یا در محل رفع {الْخَيْرُ} خبر ثان (دوم)، مرفوع یا در محل رفع

{هُوَ} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {الَّذِي} خبر، مرفوع یا در محل رفع {جَعَلَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {لَكُمْ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {الْأَرْضُ} مفعول به، منصوب یا در محل نصب {ذُلُولًا} مفعول به ثان (دوم)، منصوب یا در محل نصب {فَإِمْشَوْا} (ف) حرف عطف / فعل امر، مبنی بر حذف نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {فِي} حرف جر {مَنَاجِبَهَا} اسم مجرور یا در محل جر / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {وَكُلُوا} (و) حرف عطف / فعل امر، مبنی بر حذف نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {مِنْ} حرف جر {رِزْقِهِ} اسم مجرور یا در محل جر / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {وَالَيْهِ} (و) حرف عطف / حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / خبر مقدم محذوف {النُّشُورُ} مبتدا مؤخر

{أَأْمِنْتُمْ} همزه (أ) حرف استفهام / فعل ماضی، مبنی بر سکون / (ت) ضمیر متصل، در محل رفع و فاعل {مَنْ} مفعول به، منصوب یا در محل نصب {فِي} حرف جر {السَّمَاءِ} اسم مجرور یا در محل جر {أَنَّ} حرف نصب {يُخْسِفُ} فعل مضارع، منصوب به فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {بِكُمْ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {الْأَرْضُ} مفعول به، منصوب یا در محل نصب {فَإِذَا} (ف) حرف عطف / حرف مفاعله {هِيَ} مبتدا، مرفوع یا در محل

رفع {تَمُورُ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هی) در تقدیر / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل

{أَمْ} حرف عطف {أَمْثَلُ} فعل ماضی، مبنی بر سکون / (ت) ضمیر متصل، در محل رفع و فاعل {مَنْ} مفعول به، منصوب یا در محل نصب {فِي} حرف جر {السَّمَاءِ} اسم مجرور یا در محل جر {أَنَّ} حرف نصب {يُرْسَلُ} فعل مضارع، منصوب به فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {عَلَيْكُمْ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {حَاصِبًا} مفعول به، منصوب یا در محل نصب {فَسَيَتَعَلَّمُونَ} (ف) رابط جواب برای شرط / (س) حرف استقبال / فعل مضارع، مرفوع به ثبوت نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {كَيْفَ} خبر مقدم {نَذِيرٌ} مبتدا مؤخر / (ی) محذوفه در محل جر، مضاف الیه

{وَلَقَدْ} (و) حرف قسم / (ل) حرف جواب / حرف تحقیق {كَذَّبَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری {الَّذِينَ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {مَنْ} حرف جر {قِيلَ لَهُمْ} اسم مجرور یا در محل جر / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {فَكَيْفَ} (ف) حرف عطف / خبر کان، منصوب یا در محل نصب {كَانَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری {نَكِيرٌ} اسم کان، مرفوع یا در محل رفع / (ی) محذوفه در محل جر، مضاف الیه

{أَوَلَمْ} همزه (أ) حرف استفهام / (و) حرف استیناف / حرف جزم {يُرَوُّا} فعل مضارع مجزوم به حذف نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {إِلَى} حرف جر {الطَّيْرِ} اسم مجرور یا در محل



جر {فَوْقَهُمْ} ظرف یا مفعولٌ فيه، منصوب یا در محل نصب / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {صَافَاتٍ} حال، منصوب {وَيَقْبِضَنَّ} (و) حرف عطف / فعل مضارع، مبنی بر سکون / (ن) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {مَا} حرف نفی غیر عامل {يُمَسِّكُهُنَّ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به {إِلَّا} حرف استثنا {الرَّحْمَنُ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {إِنَّهُ} حرف مشبه بالفعل یا حرف نفی ناسخ / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، اسمِ إِنَّ {بِكُلِّ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {شَيْءٍ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {بَصِيرَةٍ} خبرِ إِنَّ، مرفوع یا در محل رفع

{أَمَّنْ} {أَم} حرف عطف / (من) مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {هَذَا} خبر، مرفوع یا در محل رفع {الَّذِي} بدل تابع {هُوَ} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {جُنُودٌ} خبر، مرفوع یا در محل رفع {لَكُمْ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {يَنْصُرُكُمْ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / (ك) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {مِنْ} حرف جر {دُونِ} اسم مجرور یا در محل جر {الرَّحْمَنِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {إِنْ} حرف نفی غیر عامل {الْكَافِرُونَ} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {إِلَّا} حرف استثنا {فِي} حرف جر {غُرُورٍ} اسم مجرور یا در محل جر / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل

{أَمَّنْ} {أَم} حرف عطف / (من) مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {هَذَا} خبر، مرفوع یا در محل

رفع {الَّذِي} بدل تابع {يَرْزُقُكُمْ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / (ك) ضمیر متصل در محل نصب، مفعول به / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {إِنْ} حرف شرط جازم {أَمْسَكَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {رَزَقَهُ} مفعول به، منصوب یا در محل نصب / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {بَلْ} حرف اضراب {لَجُوا} فعل ماضی، مبنی بر ضمه / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {فِي} حرف جر {عَتَوْا} اسم مجرور یا در محل جر {وَنُفُورٍ} (و) حرف عطف / معطوف تابع

{أَفَمَنْ} همزه (أ) حرف استفهام / (ف) حرف استیناف / (من) مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {يَمْشِي} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {مُكِبًّا} حال، منصوب {عَلَى} حرف جر {وَجْهِهِ} اسم مجرور یا در محل جر / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {أَهْدَى} خبر، مرفوع یا در محل رفع {أَمَّنْ} (أَم) حرف عطف / معطوف تابع {يَمْشِي} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {سَوِيًّا} حال، منصوب {عَلَى} حرف جر {صِرَاطٍ} اسم مجرور یا در محل جر {مُسْتَقِيمٍ} نعت تابع

{قُلْ} فعل امر مبنی بر سکون / فاعل، ضمیر مستتر (أَنْتَ) در تقدیر {هُوَ} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {الَّذِي} خبر، مرفوع یا در محل رفع {أَنْشَأَكُمْ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ك) ضمیر متصل در محل نصب، مفعول به / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {وَجَعَلَ} (و) حرف

عطف / فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {لَکُمْ} حرف جر و اسم بعد از آن  
 مجرور {السَّمِيعُ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {وَالْأَبْصَارُ} (و) حرف عطف / معطوف تابع {وَالْأَفْئِدَةُ} (و) حرف  
 عطف / معطوف تابع {قَلِيلًا} مفعول مطلق یا نائب مفعول، منصوب {مَا} حرف زائد {تَشْكُرُونَ} فعل مضارع، مرفوع به ثبوت  
 نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل

{قُلْ} فعل امر مبنی بر سکون / فاعل، ضمیر مستتر (أنت) در تقدیر {هُوَ} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {الَّذِي} خبر، مرفوع یا  
 در محل رفع {ذَرَأَكُمْ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ک) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به / فاعل،  
 ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {فِي} حرف جر {الْأَرْضِ} اسم مجرور یا در محل جر {وَالِإِلَهِ} (و) حرف عطف / حرف جر و اسم  
 بعد از آن مجرور {تُحْشَرُونَ} فعل مضارع، مرفوع به ثبوت نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع، نائب فاعل

{وَيَقُولُونَ} (و) حرف استیناف / فعل مضارع، مرفوع به ثبوت نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {مَتَى} ظرف یا  
 مفعولٌ فيه، منصوب یا در محل نصب / خبر مقدّم محذوف {هَذَا} مبتدا مؤخّر {الْوَعْدُ} بدل تابع {إِنْ} حرف شرط جازم  
 {كُنْتُمْ} فعل ماضی، مبنی بر سکون / (ت) ضمیر متصل در محل رفع، اسم کان {صَادِقِينَ} خبر کان، منصوب یا در محل  
 نصب

{قُلْ} فعل امر مبنی بر سکون / فاعل، ضمیر مستتر (أنت) در تقدیر {إِنَّمَا} حرف مکفوف (کافّه و مکفوفه) {الْعِلْمُ} مبتدا،  
 مرفوع یا در محل رفع

{عِنْدَ} ظرف یا مفعولٌ فيه، منصوب یا در محل نصب {اللَّهِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل {وَإِنَّمَا} (و) حرف عطف / حرف مکفوف (کافّه و مکفوفه) {أَنَا} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {نَذِيرٌ} خبر، مرفوع یا در محل رفع {مُبِينٌ} نعت تابع

{فَلَمَّا} (ف) حرف استیناف / ظرف یا مفعولٌ فيه، منصوب یا در محل نصب {رَأَوْهُ} فعل ماضی، مبنی بر ضمه / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به {زُلْفَةً} مفعولٌ به ثان (دوم)، منصوب یا در محل نصب {سَيِّئٌ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ت) تأنیث {وُجُوهٌ} نائب فاعل، مرفوع یا در محل رفع {الَّذِينَ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {كَفَرُوا} فعل ماضی، مبنی بر ضمه / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {وَقِيلَ} (و) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری {هَذَا} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {الَّذِي} خبر، مرفوع یا در محل رفع / نائب فاعل محذوف {كُنتُمْ} فعل ماضی، مبنی بر سکون / (ت) ضمیر متصل در محل رفع، اسم کان {بِهِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {تَدْعُونَ} فعل مضارع، مرفوع به ثبوت نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل / خبر کان، محذوف یا در تقدیر

{قُلْ} فعل امر مبنی بر سکون / فاعل، ضمیر مستتر (أنت) در تقدیر {أَرَأَيْتُمْ} همزه (أ) حرف استفهام / فعل ماضی، مبنی بر سکون / (ت) ضمیر متصل، در محل رفع و فاعل {إِنْ}

حرف شرط جازم {أَهْلَكْنِي} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ن) حرف وقایه / (ی) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به {اللَّهُ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {وَمَنْ} (و) حرف عطف / عطف (ی) {مَعِيَ} ظرف یا مفعولٌ فیه، منصوب یا در محل نصب / (ی) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {أَوْ} حرف عطف {رَحِمْنَا} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (نا) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {فَمَنْ} (ف) رابط جواب برای شرط / مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {يُجِيرُ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل {الْكَافِرِينَ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {مَنْ} حرف جر {عَذَابٍ} اسم مجرور یا در محل جر {أَلِيمٍ} نعت تابع

{قُلْ} فعل امر مبنی بر سکون / فاعل، ضمیر مستتر (أنت) در تقدیر {هُوَ} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {الرَّحْمَنُ} خبر، مرفوع یا در محل رفع {آمَنَّا} فعل ماضی، مبنی بر سکون / (نا) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {بِهِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {وَعَلَيْهِ} (و) حرف عطف / حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {تَوَكَّلْنَا} فعل ماضی، مبنی بر سکون / (نا) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {فَسَيَعْلَمُونَ} (ف) رابط جواب برای شرط / (س) حرف استقبال / فعل مضارع، مرفوع به ثبوت نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {مَنْ} مفعولٌ به، منصوب یا در

محل نصب {هُيَوُ} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {فِي} حرف جر {ضَلَالٍ} اسم مجرور یا در محل جر / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل {مُبِينٍ} نعت تابع

{قُلْ} فعل امر مبنی بر سکون / فاعل، ضمیر مستتر (أنت) در تقدیر {أَرَأَيْتُمْ} همزه (أ) حرف استفهام / فعل ماضی، مبنی بر سکون / (ت) ضمیر متصل، در محل رفع و فاعل {إِنْ} حرف شرط جازم {أَصْبَحَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری {مَاؤُكُمْ} اسم أصبح، مرفوع یا در محل رفع / (ك) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {غَوْرًا} خبر أصبح، منصوب یا در محل نصب {فَمَنْ} (ف) رابط جواب برای شرط / مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {يَأْتِيَكُمْ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / (ك) ضمیر متصل در محل نصب، مفعول به / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل {بِمَاءٍ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {مَعِينٍ} نعت تابع

## آوانگاری قرآن

Bismi Allahi alrrahmani alrraheemi

Tabaraka allathee biyadihi almulku wahuwa AAala kulli shay-in qadeerun.۱

Allathee khalaqa almawta waalhayata liyabluwakum ayyukum ahsanu AAamalan.۲  
wahuwa alAAazeezu alghafooru

Allathee khalaqa sabAAa samawatin tibaqan ma tara fee khalqi alrrahmani min.۳  
tafawutin fairjiAAi albasara hal tara min futoorin

Thumma irjiAAi albasara karratayni yanqalib ilayka albasaru khasi-an wahuwa.۴  
haseerun

Walaqad zayyanna alssamaa alddunya bimasabeeha wajaAAalnaha rujooman.۵  
lilshshayateeni waaAAtadna lahum AAathaba alssaAAaeri

Walillatheena kafaroo birabbihim AAathabu jahannama wabi/sa almaseeru.۶

Itha olqoo feeha samiAAoo laha shaheeqan wahiya tafooru.۷

Takadu tamayyazu mina alghaythi kullama olqiya feeha fawjun saalahum.۸  
khazanatuha alam ya/tikum natheerun

Qaloo bala qad.۹

jaana natheerun fakaththabna waqulna ma nazzala Allahu min shay-in in antum illa  
fee dalalin kabeerin

Waqaloo law kunna nasmaAAu aw naAAqilu ma kunna fee as-habi alssaAAeeri.١٠

FaiAAatarafoo bithanbihim fasuhqan li-as-habi alssaAAeeri.١١

Inna allatheena yakshawna rabbahum bialghaybi lahum maghfiraton waajrun.١٢  
kabeerun

Waasirroo qawlakum awi ijharoo bihi innahu AAaleemun bithati alssudoori.١٣

Ala yaAAalamu man khalaqa wahuwa allateefu alkhabeeru.١٤

Huwa allathee jaAAala lakumu al-arda thaloolan faimshoo fee manakibiha wakuloo.١٥  
min rizqihi wa-ilayhi alnnushooru

Aamintum man fee alssama-i an yakhsifa bikumu al-arda fa-itha hiya tamooru.١٦

Am amintum man fee alssama-i an yursila AAalaykum hasiban fasataAAalamoona.١٧  
kayfa natheeri

Walaqad kaththaba allatheena min qablihim fakayfa kana nakeeri.١٨

Awa lam yaraw ila alttayri fawqahum saffatin wayaqbidna ma yumsikuhunna illa.١٩  
alrrahmanu innahu bikulli shay-in baseerun

Amman hatha allathee huwa jundun lakum yansurukum min dooni alrrahmani ini.٢٠  
alkafiroona illa fee ghuroorin

Amman hatha allathee yarzuqukum in amsaka rizqahu bal lajjoo fee AAutuwwin.٢١  
wanufoorin

Afaman yamshee mukibban AAala wajhihi ahda amman yamshee sawiyyan AAala.٢٢  
siratin mustaqeemin

Qul huwa allathee anshaakum wajaAAala lakumu alssamAAa waal-absara waal-.٢٣

af-idata qaleelan ma tashkuroona

Qul huwa allathee tharaakum fee al-ardi wa-ilayhi tuhsharoona.۲۴

Wayaqooloona mata hatha alwaAAdu in kuntum sadiqeena.۲۵

Qul innama alAAilmu AAinda Allahi wa-innama ana natheerun mubeenun.۲۶

Falamma raawhu zulfatan see-at wujoohu allatheena kafaroo waqeela hatha.۲۷  
allathee kuntum bihi taddaAAoona

Qul araaytum in ahlakaniya Allahu waman maAAiya aw rahimana faman yujeeru.۲۸  
alkafireena min AAathabin aleemin

Qul huwa alrrahmanu amanna bihi waAAalayhi tawakkalna fasataAAalamoona man.۲۹  
huwa fee dalalin mubeenin

Qul araaytum in asbaha maokum ghawran faman ya/teekum bima-in maAAeenin.۳۰

ترجمہ سورہ

ترجمہ فارسی استاد فولادوند

به نام خداوند رحمتگر مهربان

بزرگوار [و خجسته است آنکه فرمانروایی



به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست. (۱)

همانکه مرگ و زندگی را پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان نیکو کارترید، و اوست ارجمند آمرزنده. (۲)

همان که هفت آسمان را طبقه طبقه بیافرید. در آفرینش آن [خدای بخشایشگر هیچ گونه اختلاف [و تفاوتی نمی بینی. بازبنگر، آیا خلل [و نقصانی می بینی؟ (۳)

باز دوباره بنگر تا نگاهت زبون و درمانده به سویت باز گردد. (۴)

و در حقیقت، آسمان دنیا را با چراغهایی زینت دادیم و آن را مایه طرد شیاطین [=قوای مزاحم گردانیدیم و برای آنها عذاب آتش فروزان آماده کرده ایم. (۵)

و کسانی که به پروردگارشان انکار آوردند، عذاب آتش جهنم خواهند داشت و چه بد سرانجامی است. (۶)

چون در آنجا افکنده شوند، از آن خروشی می شنوند در حالی که می جوشد. (۷)

نزدیک است که از خشم شکافته شود. هر بار که گروهی در آن افکنده شوند، نگاهبانان آن از ایشان پرسند: «مگر شما را هشدار دهنده ای نیامد؟» (۸)

گویند: «چرا، هشدار دهنده ای به سوی ما آمد و [لی تکذیب کردیم و گفتیم: خدا چیزی فرو نفرستاده است، شما جز در گمراهی بزرگ نیستید.» (۹)

و گویند: «اگر شنیده [و پذیرفته بودیم یا تعقل کرده بودیم در [میان دوزخیان نبودیم.» (۱۰)

پس به گناه خود اقرار می کنند. و مرگ باد بر اهل جهنم (۱۱)

کسانی که در نهان از پروردگارشان می ترسند، آنان را آمرزش و پاداشی بزرگ خواهد بود. (۱۲)

و [اگر] سخن خود را پنهان دارید، یا آشکارش نمایید، در حقیقت وی به راز دلها آگاه است. (۱۳)

آیا کسی که آفریده

است نمی داند؟ با اینکه او خود باریک بین آگاه است. (۱۴)

اوست کسی که زمین را برای شما رام گردانید، پس در فراخنای آن رهسپار شوید و از روزی [خدا] بخورید و رستاخیز به سوی اوست. (۱۵)

آیا از آن کس که در آسمان است ایمن شده اید که شما را در زمین فرو برد، پس بناگاه [زمین به تپیدن افتد؟] (۱۶)

یا از آن کس که در آسمان است ایمن شده اید که بر [سر] شما تندبادی از سنگریزه فرو فرستد؟ پس به زودی خواهید دانست که بیم دادن من چگونه است (۱۷)

و پیش از آنان [نیز] کسانی به تکذیب پرداختند پس عذاب من چگونه بود؟ (۱۸)

آیا در بالای سرشان به پرندگان ننگریسته اند [که گاه بال می گسترند و] گاه بال می آند؟ جز خدای رحمان [کسی آنها را نگاه نمی دارد، او به هر چیزی بیناست. (۱۹)

یا آن کسی که خود برای شما [چون سپاهی است که یاریتان می کند، جز خدای رحمان کیست؟ کافران جز گرفتار فریب نیستند. (۲۰)

یا کیست آن که به شما روزی دهد اگر [خدا] روزی خود را [از شما] باز دارد؟ [نه بلکه در سرکشی و نفرت پافشاری کردند. (۲۱)

پس آیا آن کس که نگونسار راه می پیماید هدایت یافته تر است یا آن کس که ایستاده بر راه راست می رود؟ (۲۲)

بگو: «اوست آن کس که شما را پدید آورده و برای شما گوش و دیدگان و دلها آفریده است. چه کم سپاسگزارید.» (۲۳)

بگو: «اوست که شما را در زمین پراکنده کرده، و به نزد او [ست که گرد آورده خواهید

و می گویند: «اگر راست می گوید، این وعده کی خواهد بود؟» (۲۵)

بگو: «علم [آن فقط پیش خداست و من صرفاً هشدار دهنده ای آشکارم.» (۲۶)

و آنگاه که آن [لحظه موعود] را نزدیک ببینند، چهره های کسانی که کافر شده اند در هم رود، و گفته شود: «این است همان چیزی که آن را فرا می خواندید» (۲۷)

بگو: «به من خبر دهید، اگر خدا مرا و هر که را با من است هلاک کند یا ما را مورد رحمت قرار دهد، چه کسی کافران را از عذابی پر درد پناه خواهد داد؟» (۲۸)

بگو: «اوست خدای بخشایشگر، به او ایمان آوردیم، و بر او توکل کردیم. و به زودی خواهید دانست چه کسی است که خود در گمراهی آشکاری است.» (۲۹)

بگو: «به من خبر دهید، اگر آب [آشامیدنی شما] به زمین فرو رود، چه کسی آب روان برایتان خواهد آورد؟» (۳۰)

### ترجمه فارسی آیت الله مکارم شیرازی

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر.

«۱» پربرکت و زوال ناپذیر است کسی که حکومت جهان هستی به دست اوست، و او بر هر چیز تواناست.

«۲» آن کس که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما بهتر عمل می کنید، و او شکست ناپذیر و بخشنده است.

«۳» همان کسی که هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید؛ در آفرینش خداوند رحمان هیچ تضادّ و عیبی نمی بینی! بار دیگر نگاه کن، آیا هیچ شکاف و خللی مشاهده می کنی؟!

«۴» بار دیگر [به عالم هستی] نگاه کن، سرانجام چشمانت [در جستجوی خلل و نقصان ناکام مانده] به سوی تو باز می گردد در حالی که خسته و ناتوان است!

«۵» ما آسمان پایین [نزدیک] را با چراغهای فروزانی زینت بخشیدیم، و آنها [=شهابها] را تیرهایی برای شیاطین قرار دادیم، و برای آنان عذاب آتش فروزان فراهم ساختیم!

«۶» و برای کسانی که به پروردگارشان کافر شدند عذاب جهنم است، و بد فرجامی است!

«۷» هنگامی که در آن افکنده شوند صدای وحشتناکی از آن می شنوند، و این در حالی است که پیوسته می جوشد!

«۸» نزدیک است [دوزخ] از شدت غضب پاره پاره شود؛ هر زمان که گروهی در آن افکنده می شوند، نگهبانان دوزخ از آنها می پرسند: (مگر بیم دهنده الهی به سراغ شما نیامد؟!)

«۹» می گویند: (آری، بیم دهنده به سراغ ما آمد، ولی ما او را تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند هرگز چیزی نازل نکرده، و شما در گمراهی بزرگی هستید!)

«۱۰» و می گویند: (اگر ما گوش شنوا داشتیم یا تعقل می کردیم، در میان دوزخیان نبودیم!)

«۱۱» اینجاست که به گناه خود اعتراف می کنند؛ دور باشند دوزخیان از رحمت خدا!

«۱۲» [اما] کسانی که از پروردگارشان در نهان می ترسند، مسلماً آمرزش و پاداش بزرگی دارند!

«۱۳» گفتار خود را پنهان کنید یا آشکار [تفاوتی نمی کند]، او به آنچه در سینه هاست آگاه است!

«۱۴» آیا آن کسی که موجودات را آفریده از حال آنها آگاه نیست؟! در حالی که او [از اسرار دقیق] باخبر و آگاه است!

«۱۵» او کسی است که زمین را برای شما رام کرد، بر شانه های آن راه بروید و از روزیهای خداوند بخورید؛ و بازگشت و اجتماع همه به سوی اوست!

«۱۶» آیا خود را از عذاب کسی که حاکم بر آسمان است در امان می دانید که دستور دهد زمین

بشکافد و شما را فرو برد و به لرزش خود ادامه دهد؟!

«۱۷» یا خود را از عذاب خداوند آسمان در امان می دانید که تندبادی پر از سنگریزه بر شما فرستد؟! و بزودی خواهید دانست تهدیدهای من چگونه است!

«۱۸» کسانی که پیش از آنان بودند [آیات الهی را] تکذیب کردند، اما [بین] مجازات من چگونه بود!

«۱۹» آیا به پرندگان که بالای سرشان است، و گاه بالهای خود را گسترده و گاه جمع می کنند، نگاه نکردند؟! جز خداوند رحمان کسی آنها را بر فراز آسمان نگه نمی دارد، چرا که او به هر چیز بیناست!

«۲۰» آیا این کسی که لشکر شماست می تواند شما را در برابر خداوند یاری دهد؟ ولی کافران تنها گرفتار فریبند!

«۲۱» یا آن کسی که شما را روزی می دهد، اگر روزیش را بازدارد [چه کسی می تواند نیاز شما را تأمین کند]؟! ولی آنها در سرکشی و فرار از حقیقت لجاجت می ورزند!

«۲۲» آیا کسی که به رو افتاده حرکت می کند به هدایت نزدیکتر است یا کسی که راست قامت در صراط مستقیم گام برمی دارد؟!

«۲۳» بگو: (او کسی است که شما را آفرید و برای شما گوش و چشم و قلب قرار داد؛ اما کمتر سپاسگزاری می کنید!)

«۲۴» بگو: (او کسی است که شما را در زمین آفرید و به سوی او محشور می شوید!)

«۲۵» آنها می گویند: (اگر راست می گوئید این وعده قیامت چه زمانی است؟!)

«۲۶» بگو: (علم آن تنها نزد خداست؛ و من فقط بیم دهنده آشکاری هستم!)

«۲۷» هنگامی که آن [وعده الهی] را از نزدیک می بینند، صورت کافران زشت و سیاه می گردد، و به آنها گفته می شود: (این

همان چیزی است که تقاضای آن را داشتید!

«۲۸» بگو: (به من خبر دهید اگر خداوند مرا و تمام کسانی را که با من هستند هلاک کند، یا مورد ترحم قرار دهد، چه کسی کافران را از عذاب دردناک پناه می دهد؟!)

«۲۹» بگو: (او خداوند رحمان است، ما به او ایمان آورده و بر او توکل کرده ایم؛ و بزودی می دانید چه کسی در گمراهی آشکار است!)

«۳۰» بگو: (به من خبر دهید اگر آبهای [سرزمین] شما در زمین فرو رود، چه کسی می تواند آب جاری و گوارا در دسترس شما قرار دهد؟!)

### ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین انصاریان

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

همیشه سودمند و با برکت است آنکه فرمانروایی [همه هستی] به دست اوست و او بر هر کاری تواناست. (۱)

آنکه مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید، و او توانای شکست ناپذیر و بسیار آمرزنده است. (۲)

آنکه هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید. در آفرینش [خدای] رحمان، خلل و نابسامانی و ناهمگونی نمی بینی، پس بار دیگر بنگر آیا هیچ خلل و نابسامانی و ناهمگونی می بینی؟ (۳)

سپس بار دیگر بنگر تا دیده ات در حالی که خسته و کم سو شده [و از یافتن خلل، نابسامانی و ناهمگونی فرو مانده] و درمانده گشته است، به سویت باز گردد. (۴)

همانا ما آسمان دنیا را با چراغ هایی آراستیم و آنها را تیرهایی برای راندن شیطان ها قرار دادیم، و برای آنان [در آخرت] آتشی افروخته، آماده کرده ایم؛ (۵)

و برای کسانی که به پروردگارشان کافر شدند، عذاب دوزخ است و بد بازگشت گاهی است. (۶)

هنگامی که در

آن افکنده شوند از آن در حالی که در جوش و فوران است، صدایی هولناک و دلخراش می شنوند. (۷)

نزدیک است که از شدت خشم متلاشی و پاره پاره شود. هرگاه گروهی در آن افکنده شوند، نگهبانانش از آنان می پرسند: آیا شما را بیم دهنده ای نیامد؟ (۸)

می گویند: چرا، بیم دهنده آمد، ولی او را انکار کردیم و گفتیم: خدا هیچ چیز نازل نکرده است؛ شما بیم دهندگان جز در گمراهی بزرگی نیستید؟ (۹)

و می گویند: اگر ما [دعوت سعادت بخش آنان را] شنیده بودیم، یا [در حقایقی که برای ما آوردند] تعقل کرده بودیم، در میان [آتش] اهل آتش سوزان نبودیم. (۱۰)

پس به گناه خود اعتراف می کنند. و مرگ و دوری از رحمت بر اهل آتش سوزان باد. (۱۱)

بی تردید کسانی که در نهان از پروردگارشان می ترسند، برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ است. (۱۲)

و گفتارتان را پنهان کنید یا آن را آشکار سازید، مسلماً او به نیت و اسرار سینه ها داناست. (۱۳)

آیا کسی که [همه موجودات را] آفریده است، نمی داند؟ و حال آنکه او لطیف و آگاه است. (۱۴)

اوست که زمین را برای شما رام قرار داد، بنابراین بر اطراف و جوانب آن راه روید و از روزی خدا بخورید، و برانگیختن مردگان و رستاخیز به سوی اوست. (۱۵)

آیا از کسی که [حاکمیت و فرمانروایی اش] در آسمان قطعی است [چه رسد در زمین] خود را در امان دیده اید، از اینکه [با شکافتن زمین] شما را در آن فرو برد در حالی که زلزله و جنبش موج آسایش را ادامه دهد؟ (۱۶)

آیا از کسی که حاکمیت و فرمانروایی اش

در آسمان قطعی است [چه رسد در زمین] خود را در امان دیده اید از اینکه توفانی سخت [که با خود ریگ و سنگ می آورد] بر شما فرستد؟ پس به زودی خواهید دانست که بیم دادن من چگونه است! (۱۷)

و مسلماً کسانی که پیش از آنان بودند [آیات خدا و پیامبران را انکار کردند]، پس [بنگر] عذاب من چگونه بود! (۱۸)

آیا ندانسته اند که پرندگان بالای سرشان را در حالی که بال می گشایند و می بندند، فقط [خدای] رحمان در فضا نگه می دارد؟ یقیناً او بر همه چیز بیناست. (۱۹)

آیا آن کیست [از] سپاهتان که شما را به هنگام نزول عذاب در برابر خدای رحمان یاری دهد؟ کافران جز دچار فریب [شیطان] نیستند. (۲۰)

یا کیست آنکه به شما روزی دهد، اگر خدا روزی اش را از شما باز دارد؟ [نه اینکه حقیقت را نمی دانند] بلکه در سرکشی و نفرت [از حق سرسختی و] پافشاری می کنند. (۲۱)

آیا کسی که نگونسار و به صورت افتاده حرکت می کند، هدایت یافته تر است یا آنکه راست قامت بر راه راست می رود؟ (۲۲)

بگو: اوست که شما را آفرید و برای شما گوش و دیده و دل قرار داد، ولی اندکی سپاس می گزارید. (۲۳)

بگو: اوست که شما را در زمین آفرید و به سوی او محشور می شوید. (۲۴)

و می گویند: اگر راستگوئید این وعده وقوع [رستاخیز] کی خواهد بود؟ (۲۵)

بگو: دانش و آگاهی [این حقیقت] فقط نزد خداست و من تنها بیم دهنده ای آشکارم. (۲۶)

پس زمانی که آن [وعده داده شده] را از نزدیک ببینند، چهره کافران درهم و زشت گردد [و به آنان گویند:] این است



همان چیزی که آن را [از روی مسخره] می خواستید. (۲۷)

بگو: به من خبر دهید اگر خدا من را و هر که را با من است هلاک کند، یا مورد رحمت قرار دهد، پس چه کسی کافران را از عذاب دردناک پناه خواهد داد؟ (۲۸)

بگو: اوست رحمان، به او ایمان آوردیم، و بر او توکل کردیم، پس به زودی خواهید دانست چه کسی در گمراهی آشکار است. (۲۹)

بگو: به من خبر دهید اگر آب مورد بهره برداری شما [چون آب رودها، چشمه ها، سدها و چاه ها] در زمین فرو رود [تا آنجا که از دسترس شما خارج گردد] پس کیست که برایتان آب روان و گوارا بیاورد؟! (۳۰)

### ترجمه فارسی استاد الهی قمشه ای

بنام خداوند بخشنده مهربان

بزرگوار خدائی که سلطنت ملک هستی به دست قدرت اوست و در همه عالم بر همه چیز وی را توانائیست (۱)

خدائی که مرگ و زندگانی را آفرید که شما بندگان را بیازماید تا کدام نیکوکارتر و خلوص اعمالش بیشتر است و او مقتدر بر همه عالم آفرینش و آمرزنده گناهان بندگان است (۲)

آن خدائی که هفت آسمان بلند را به طبقاتی منظم بیافرید و هیچ در نظم خلقت خدای رحمان بی نظمی و نقصان نخواهی یافت بارها به دیده عقل در نظام مستحکم آفرینش بنگر تا هیچ سستی و خلل هرگز در آن توانی یافت؟ (۳)

باز دوباره به چشم بصیرت دقت کن تا دیده خرد زبون و خسته نقصی نیافته به سوی تو بازگردد و به حسن نظم الهی بینا شود (۴)

و ما آسمان دنیا را به چراغهای انجم رخشان زیب و زیور دادیم و به تیر شهاب

آن ستارگان شیاطین را رانندیم و عذاب آتش فروزان را بر آنها مهیا ساختیم (۵)

و بر آنان که به خدای خود کافر شدند عذاب جهنم که بسیار بد منزلگاه‌یست مهیاست (۶)

که چون به آن جهنم درافتند فریاد منکری چون شهیق خران از آتش چون دیگ جوشان میشنوند (۷)

و دوزخ از خشم کافران نزدیکست شکافته و قطعه قطعه شود هر فوجی را که به آتش درافکنند خازنان جهنم به آنها گویند  
آیا پیغمبری برای راهنمایی شما نیامد (۸)

آنها در جواب گویند آری رسول حق آمد ولی ما تکذیب او کردیم و از جهل و شقاوت گفتیم که خدا چیزی از آسمان  
نفرستاده و جز اینکه شما رسولان به دعوی دروغ وحی سخت به گمراهی و ضلالتید هیچ نیست (۹)

و آنگاه اهل دوزخ با تسف و حسرت با هم گویند اگر ما در دنیا سخن انبیاء می شنیدیم یا به دستور عقل رفتار میکردیم امروز  
از دوزخیان نبودیم (۱۰)

آنجا به گناه خود معترف شوند که سودی ندارد و خطاب قهر فرا رسد که اهل آتش قهراز رحمت حق دور باد (۱۱)

همانا آنان که از خدای خود در پنهان می ترسند یعنی در باطن متقی و خداترسند نه به نفاق و ظاهرسازی آنها را آمرزش و  
پاداش بزرگ بهشت ابد خواهد بود (۱۲)

و شما سخن پنهان گوئید یا آشکار در علم حق یکسانست که خدا به اسرار دلها همالبته آگاهست (۱۳)

آیا آن خدائی که خلق را آفریده عالم به اسرار آنها نیست؟ و حال آن که او بر باطن و ظاهر همه امور عالم آگاهست (۱۴)

او آن خدائست که زمین

را برای شما نرم و هموار و مطیع و مسخر گردانید پس شما در پست و بلندی های آن حرکت کنید و روزی او خورید و شکرش گوئید که بازگشت همه خلایق به سوی اوست (۱۵)

آیا از قهر خدائی که در آسمان مقتدر و حکم فرماست ایمنید که شما را به زمین فروبرد در حالی که زمین چون دریا به موج و اضطراب درافتد؟ (۱۶)

آیا از قهر خدای مقتدری که در زمین و در آسمان حکم فرماست ایمنید که تندبادی بفرستد و بر سر شما سنگ ببارد تا بدانید که وعده عذاب من چگونه است؟ (۱۷)

و اممی پیش از اینها رسولان ما را تکذیب کردند و چگونه سخت آنها را هلاک کردیم تا این امت بترسند و عبرت گیرند (۱۸)

آیا مرغ هوا را نمینگرند که بالای سرشان پر گشوده و گاه بی حرکت و گاه با حرکت بال پرواز میکنند؟ کسی جز خدای مهربان آنها را در فضا نگاه نمی دارد که اوبه احوال همه موجودات کاملاً آگاهست (۱۹)

آیا کسی که سپاه و مددکار شما باشد و همه گونه شما را یاری تواند کرد در جهان جز خدای مهربان کسی هست؟ هرگز نیست پس کافران به خدا به هر چه غیر خدا توجه کنند بر آنها جز غرور و فریبی بیش نیست (۲۰)

آیا آن کیست که اگر خدا از شما رزق خود بازگیرد او روزی به شما تواند داد؟ و کافران هم انکار نکنند که جز خدا کسی روزی نمیدهد بلکه به هوای نفس دانسته در طغیان و عصیان لجاج ورزند و از حق اعراض میکنند (۲۱)

آیا آن کس که در

کفر و جهالت سرنگون برو درافتاده یا آنکه به راه راست ایمانست کدام بهتر هدایت یافته اند؟ (۲۲)

ای رسول ما، بگو اوست خدائی که شما را از نیستی به هستی آورد دو گوش و چشم شنوا و بینا و دل هوشیار به شما عطا کرد تا شکر نعمتش گوئید و حال آن که بسیار کم از نعم او شکرگزاری میکنید (۲۳)

ای رسول باز بگو اوست خدائی که شما را در زمین از خاک برانگیخت و پس از مرگ باز به سوی او محشور میشوید (۲۴)

و کافران به تمسخر گویند این وعده قیامت کی خواهد بود اگر شما پیغمبران راستمی گوئید؟ (۲۵)

بگو علم آن تنها نزد خداست و من منحصر وظیفه ام اینست که شما را از عذاب حق بترسانم (۲۶)

که چون کافران آن عذاب سخت را نزدیک خود به چشم مشاهده کنند رخسار آنها از خوف زشت و سیاه شود و به آنها گویند این همان عذابیست که جدا به تمسخر درخواست می کردید (۲۷)

ای رسول با کافران بگو چه تصور می کنید اگر خدا من و مومنانی که با منند با وجود ایمان و اطاعت همه را هلاک کند یا لطف و رحمت فرماید فرمان، او راست اما آنان که به خدا کافرند که از عذاب دردناک دوزخ نجاتشان خواهد داد؟ (۲۸)

ای رسول کافران را بگو آن که من شما را به سوی او میخوانم او خدای مهربانست که ما مسلمانان به او ایمان آورده و بر او توکل کردیم و به زودی شما را معلومشود کیست که آشکارا به ضلالت و گمراهیست؟ (۲۹)

ای رسول ما، باز

بگو ای کافران به دیده تامل بنگرید که اگر آب که مایه زندگانی شماست صبحگاهی همه به زمین فرو رود جز خدا کیست که باز آب گوارا برای شما پدید آرد؟ (۳۰)

### ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین قرائتی

به نام خداوند بخشنده ی مهربان.

مایه خیر و برکت است آن (خدایی) که فرمانروایی به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست. (۱)

او که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدامیک از شما کار بهتری انجام می دهید و اوست عزّتمند و آمرزنده. (۲)

همان کسی که هفت آسمان را طبقه طبقه آفرید. در آفرینش خداوند رحمان هیچ خللی نمی بینی. بار دیگر دیده باز کن، آیا هیچ شکافی می بینی؟ (۳)

باز، پی در پی چشم خود را برگردان (و تماشا کن، خواهی دید که) چشم در حالی که خسته و ناتوان است به سوی تو بازمی گردد (بدون آن که نقص و خللی مشاهده کند). (۴)

و همانا ما آسمان دنیا را با چراغ هایی زینت دادیم و آن را وسیله راندن شیاطین قرار دادیم و برای آنها عذاب فروزان آماده کردیم. (۵)

و برای کسانی که به پروردگارشان کفر ورزند عذاب جهنّم است که بد بازگشتگاهی است. (۶)

هنگامی که به دوزخ پرتاب شوند، خروش نابهنجار آن را می شنوند در حالی که جوشش و فوران دارد. (۷)

نزدیک است از شدت خشم، پاره پاره شود، هرگاه گروهی در آن افکنده شوند، نگهبانان دوزخ از آنان پرسند: آیا هشدار دهنده ای به سراغ شما نیامد؟ (۸)

گویند: چرا، همانا هشداردهنده به سراغ ما آمد، ولی ما تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند چیزی نازل نکرده است و شما جز در گمراهی بزرگی

و گویند: اگر ما (حق را) می شنیدیم یا تعقل می کردیم، در زمره اهل آتش نبودیم. (۱۰)

پس به گناه خود اعتراف نمایند، پس لعنت بر اهل آتش باد. (۱۱)

همانا کسانی که از پروردگارشان در نهان می ترسند، برایشان آمرزش و پاداشی بزرگ است. (۱۲)

گفتارتان را پنهان کنید یا آشکار سازید، (تفاوتی ندارد) همانا او به آنچه در سینه هاست آگاه است. (۱۳)

آیا کسی که آفرید، (از حالات آفریده خود آگاه نیست؟) در حالی که او باریک بین و آگاه است. (۱۴)

اوست که زمین را برای شما رام ساخت، پس در شانه های آن رفت و آمد کنید و از رزق الهی بخورید (و بدانید که) برانگیخته شدن فقط به سوی اوست. (۱۵)

آیا خود را از (قهر) کسی که در آسمان است، ایمن می دانید، از این که شما را در زمین فرو برد، پس ناگاه زمین به لرزه افتد. (۱۶)

یا از (قهر) کسی که در آسمان است، ایمن شده اید که تندبادی از سنگریزه بر شما فرو فرستد. پس به زودی خواهید دانست که بیم دادن من چگونه است. (۱۷)

همانا کسانی که قبل از آنان بودند، انبیا را تکذیب کردند، پس (بنگر که) کیفر من چگونه بود. (۱۸)

آیا پرندگان را که بر فراز آنان، در حالی که بال های خود را گسترده و جمع می کنند (و در پروازند) نمی بینند؟ هیچ کس جز خداوند رحمن آنها را (در آسمان) نگاه نمی دارد. همانا او به هر چیز بینا است. (۱۹)

یا کیست این کسی که سپاه شماست و شما را در برابر (قهر) خداوند رحمن یاری می دهد؟ کافران جز در فریب نیستند. (۲۰)

یا کیست آن که اگر خداوند رزقش را قطع کند به شما روزی دهد؟ بلکه آنان در سرکشی و فرار (از حقیقت) لجابت می کنند. (۲۱)

پس آیا کسی که به رو افتاده راه می رود هدایت یافته تر است یا کسی که ایستاده بر راه راست می رود؟ (۲۲)

بگو: اوست کسی که شما را پدید آورد و برای شما گوش و چشم ها و دل ها قرار داد اما شما اندکی سپاس می گذارید. (۲۳)

بگو: اوست کسی که شما را در زمین بیافرید و به سوی او محشور می شوید. (۲۴)

و (کفار، پیوسته از روی استهزاء) می گویند: اگر راست می گوئید این وعده قیامت چه زمانی است؟ (۲۵)

(به آنان) بگو: علم (به زمان قیامت) تنها نزد خداوند است و من تنها بیم دهنده آشکارم. (۲۶)

پس چون آن (دوزخ موعود) را نزدیک ببینند، چهره های کسانی که کفر ورزیدند، زشت و گرفته گردد و (به آنها) گفته شود: این است آنچه (در دنیا به عنوان تمسخر) می خواستید. (۲۷)

(ای پیامبر!) بگو: اگر خداوند من و کسانی را که با من هستند نابود کند، یا بر ما رحم نماید، پس چه کسی کافران را از عذاب دردناک پناه می دهد؟ (۲۸)

بگو: او خدای رحمان است، ما به او ایمان آورده ایم و بر او توکل نموده ایم، پس خواهید دانست، کیست آن که در گمراهی آشکار است. (۲۹)

بگو: به من خبر دهید اگر آب (چشمه ها و چاه های) شما در زمین فرو رود، کیست آن که آب روان و گوارا برای شما بیاورد. (۳۰)

## ترجمه فارسی استاد مجتبی

به نام خدای بخشنده مهربان

بزرگ و بزرگوار است آن که پادشاهی به دست اوست و او بر هر

چیزی تواناست، (۱)

آن که مرگ و زندگی را بیافرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما نیکوکارتر است، و اوست توانای بی همتا و آمرزگار. (۲)

آن که هفت آسمان را مطابق - یا بر - یکدیگر بیافرید. در آفرینش خدای رحمان هیچ تفاوت - اختلاف و خلل و بی نظمی - نمی بینی، پس دیگر بار دیده را بگردان و بنگر، آیا هیچ شکافی - خلل و نقصی - می بینی (۳)

سپس بار دیگر نیز دیده بگردان و بنگر تا دیده ات خوار و فرومانده به سویت بازگردد - بی آنکه عیب و نقصی در آسمانها بیابد -. (۴)

و هرآینه آسمان دنیا - نزدیکتر به زمین - را به چراغهایی - ستارگان - بیاراستیم و آنها (چراغها) را تیرهای راندن شیطانها ساختیم، و آنان را عذاب سوزان آماده کرده ایم. (۵)

و کسانی را که به پروردگارشان کافر شدند عذاب دوزخ است، و بد بازگشت گاهی است، (۶)

چون در آن افکنده شوند، در حالی که می جوشد - و آنها را فرو می برد - آوازی دلخراش مانند آواز خران از آن بشنوند، (۷)

نزدیک است که از خشم پاره پاره شود. هرگاه گروهی - از دوزخیان - در آن افکنده شوند، نگهبانانش [به نکوهش و سرزنش] از آنها پرسند: مگر شما را بیم کننده ای نیامد (۸)

گویند: چرا، همانا ما را بیم کننده آمد، ولی تکذیب کردیم و گفتیم: خدا هیچ چیز فرو نفرستاده است، شما جز در گمراهی بزرگ نیستید. (۹)

و گویند: اگر ما می شنیدیم و خرد را کار می بستیم در زمره دوزخیان نبودیم. (۱۰)

پس به گناه خویش اقرار کنند، پس نابودی باد اهل آتش



افروخته را! (۱۱)

همانا کسانی که از پروردگارشان در نهان می ترسند، آمرزش و مزد بزرگ دارند. (۱۲)

و گفتارتان را چه پنهان دارید یا آن را آشکار کنید، همانا او بدانچه در سینه هاست داناست. (۱۳)

آیا کسی که آفریده است نمی داند - آیا آفریدگار از آفریده خود با خبر نیست -، و حال آنکه باریکدان و آگاه است؟! (۱۴)

اوست که زمین را برای شما رام کرد پس در اطراف و کناره‌های آن راه روید و از روزی او بخورید، و [بدانید که] برانگیختن - در روز رستاخیز - به سوی اوست. (۱۵)

آیا از آن که در آسمان است ایمن شده اید از اینکه شما را به زمین فرو برد و آنگاه آن (زمین) در جنبش و لرزش باشد؟ (۱۶)

یا از آن که در آسمان است ایمن شده اید از اینکه بر شما بادی سنگبار فرستد؟ پس بزودی خواهید دانست که بیم دادن من چگونه است. (۱۷)

و هرآینه کسانی که پیش از آنان بودند تکذیب کردند، پس انکار [و کفر] من چگونه بود؟ (۱۸)

و آیا به مرغان بر فراز سرشان ننگریسته اند که بالها گشایند و به هم آرند؟ [تا ببینند که] هیچ کس آنها را [در هوا] جز خدای رحمان نگاه نمی دارد، همانا او به هر چیزی بیناست. (۱۹)

یا کیست آن که سپاه شما باشد که شما را در برابر خدای رحمان یاری کند؟ کافران جز در فریفتگی - فریب خورده شیطان - نیستند. (۲۰)

یا کیست آن که شما را روزی دهد، اگر او روزی خویش باز گیرد؟ بلکه اینان در سرکشی و رمیدن [خویش] فرو رفته اند. (۲۱)

آیا کسی که

نگونسار بر روی خود می رود راه یافته تر است یا آن که راست ایستاده بر راه راست می رود؟ (۲۲)

بگو: اوست که شما را آفرید و برای شما گوش و دیدگان و دلها پدید آورد. [ولی] اندک سپاس می گزارید. (۲۳)

بگو: اوست که شما را در زمین بیافرید و به سوی او برانگیخته و فراهم می شوید. (۲۴)

و می گویند: این وعده کی خواهد بود، اگر راستگویید؟ (۲۵)

بگو: همانا دانش [آن] نزد خداست و من بیم کننده ای آشکارم و بس. (۲۶)

پس چون آن [وعده] را نزدیک شده بینند، روی آنان که کافر شدند بد - زشت و تاریک و ناخوش - گردد و گفته شود: این است آنچه می خواستید - می طلبید - . (۲۷)

بگو: مرا گویند که اگر خدای مرا و کسانی را که با مناند هلاک کند یا بر ما مهر و بخشایش آرد، چه کسی [شما] کافران را از عذاب دردناک پناه می دهد (۲۸)

بگو: او خدای رحمان است، به او ایمان آوردیم و بر او توکل کردیم. پس بزودی خواهید دانست چه کسی در گمراهی آشکار است. (۲۹)

بگو: مرا گویند که اگر آب شما [به زمین] فرو شود، چه کسی شما را آب روان می آورد؟ (۳۰)

### ترجمه فارسی استاد آیتی

به نام خدای بخشاینده مهربان

بزرگوار و متعالی است خداوندی که فرمانروایی به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست. (۱)

آن که مرگ و زندگی را بیافرید، تا بیازمایدتان که کدام یک از شما به عمل نیکوتر است و اوست پیروزمند و آمرزنده . (۲)

آن که هفت آسمان طبقه طبقه را بیافرید. در آفرینش خدای رحمان هیچ خلل و بی نظمی نمی بینی

پس بار دیگر نظر کن. آیا در آسمان شکافی می بینی (۳)

بار دیگر نیز چشم باز کن و بنگر. نگاه تو خسته و درمانده به نزد تو باز خواهد گشت. (۴)

ما آسمان فرودین را به چراغهایی بیاراستیم و آن چراغها را وسیله راندن شیاطین گردانیدیم و برایشان شکنجه آتش سوزان آماده کرده ایم. (۵)

و برای کسانی که به پروردگارشان کافر شده اند عذاب جهنم باشد و جهنم بد سرانجامی است. (۶)

چون در جهنم افکنده شوند، به جوش آید و بانگ زشتش را بشنوند، (۷)

نزدیک است که از خشم پاره پاره شود. و چون فوجی را در آن افکنند، خازنانش گویندشان: آیا شما را بیمدهنده ای نیامد؟ (۸)

گویند: چرا، بیمدهنده آمد ولی تکذیبش کردیم و گفتیم: خدا هیچ چیز نازل نکرده است، شما در گمراهی بزرگی هستید. (۹)

و می گویند: اگر ما می شنیدیم یا تعقل می کردیم، اهل این آتش سوزنده نمی بودیم. (۱۰)

پس به گناه خود اعتراف می کنند. ای لعنت باد بر آنها که اهل آتش سوزنده اند. (۱۱)

برای کسانی که نادیده از پروردگارشان می ترسند، آمرزش و مزد فراوان است. (۱۲)

چه به راز سخن گویند و چه آشکارا، او به هر چه در دلها می گذرد داناست. (۱۳)

آیا آن که آفریده نمی داند؟ حال آنکه او باریکبین و آگاه است. (۱۴)

اوست که زمین را رام شما گردانید. پس بر روی آن سیر کنید، و از رزق خدا بخورید. چون از قبر بیرون آیید به سوی او می روید. (۱۵)

آیا از آن که در آسمان است ایمن نشسته اید

که ناگاه زمین را به لرزش درآورد و زمین شما را در خود فرو- برد؟ (۱۶)

یا از آن که در آسمان است ایمن نشسته اید که ناگاه بادی همراه با سنگریزه بر سر شما فرستد؟ به زودی خواهید دانست که بیم- دادن من چگونه است. (۱۷)

هر آینه کسانی که پیش از آنها بودند. پیامبران را تکذیب کردند. پس عذاب من چگونه بود. (۱۸)

آیا پرندگان را که بال گشوده یا بال فراهم کشیده بر فراز سرشان در- پروازند، ندیده اند؟ آنها را جز خدای رحمان کسی در هوا نگاه نتواند داشت. اوست که به همه چیز بیناست. (۱۹)

آیا آنان که یاران شمايند توانند در برابر خدا یاريتان کنند؟ کافران در فريبی بیش نيستند. (۲۰)

آیا کيست آن که به شما روزی دهد اگر او روزی خویش باز دارد. نه ، در سرکشی و دوری از حق لجاج می ورزند. (۲۱)

آیا آن کس که نگونسار بر روی افتاده راه می رود، هدايت یافته تر است يا آن که بر پای ايستاده و بر راه راست می رود؟ (۲۲)

بگو: اوست که شما را آفریده است و گوش و چشم و دل داده است. چه اندك سپاس می گزاريد. (۲۳)

بگو: اوست که شما را در زمین آفرید و در قیامت نزد او گرد آورده می شوید. (۲۴)

می گویند: اگر راست می گوئید، اين وعده چه وقت فرا می رسد؟ (۲۵)

بگو: علم آن نزد خداست و من بیمدهنده ای آشکارم. (۲۶)

کافران چون نزدیکش بنگرند، چهره شان گرفته شود. و به آنها گفته می شود: اين است آنچه باطلش می خوانديد.

بگو: گیرم که خدا مرا و همراهانم را هلاک کند یا بر ما رحمت آورد، چه کسی کافران را از عذاب دردآور می رهاند؟ (۲۸)

بگو: او خدای رحمان است. به او ایمان آوردیم و بر او توکل کردیم. و زودا که خواهید دانست چه کسی در گمراهی آشکار است. (۲۹)

بگو: اگر آبتان در زمین فرو رود، چه کسی شما را آب روان خواهد داد. (۳۰)

### ترجمه فارسی استاد خرمشاهی

به نام خداوند بخشنده مهربان

بزرگا کسی که فرمانروایی به دست اوست و او بر هر کاری تواناست (۱)

کسی که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدامیک نیکو کردارتريد، و او پیروزمند آمرزگار است (۲)

کسی که هفت آسمان را تو بر تو آفرید، در آفرینش خداوند رحمان، هیچ گونه نابسامانی نمی بینی، باز چشم بگردان آیا هیچ رخنه ای می بینی؟ (۳)

سپس دوباره چشم بگردان، چشمت خسته و مانده باز می گردد (۴)

و به راستی آسمان دنیا را به چراغهای [ستارگان] آراستیم و آنها را رمانده شیاطین گردانیدیم و برای آنان عذاب آتش افروخته، آماده ساختیم (۵)

و برای کسانی که به پروردگارشان کفر ورزیدند عذاب جهنم [آماده] است، و چه بد سرانجامی است (۶)

چون در آنجا افکنده شوند، نعره آن را می شنوند، و آن بر می جوشد (۷)

نزدیک است که از خشم پاره پاره گردد، هرگاه که گروهی در آن افکنده شوند، نگهبانانش از ایشان پرسند آیا هشداردهنده ای نزد شما نیامد (۸)

گویند چرا، هشداردهنده ای نزد ما آمد، آنگاه [او را] تکذیب کردیم و گفتیم خداوند چیزی فرو نفرستاده است، شما جز در گمراهی بزرگ نیستید (۹)

و گویند اگر [سخنان آنان را]

به سمع قبول می شنیدیم یا تعقل می کردیم، از زمره دوزخیان نبودیم (۱۰)

و بدینسان به گناهشان اعتراف می کنند، لعنت باد دوزخیان را (۱۱)

بی گمان کسانی که به نهان از پروردگارشان می هراسند، برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ است (۱۲)

و سختان را چه پوشیده دارید چه آشکار، او به راز دلها داناست (۱۳)

آیا کسی که آفریده است، علم ندارد؟ و اوست باریکبین آگاه (۱۴)

اوست کسی که زمین را برای شما رام گردانید، پس در گوشه و کنار آن رهسپار شوید و از روزی او بخورید، و رستاخیز به امر [و در پیشگاه] اوست (۱۵)

آیا از آن که در آسمان است ایمنید که شما را در زمین فرو برد، در حالتی که آن ناگاه می جنبد؟ (۱۶)

یا از آن که در آسمان است ایمنید که بر شما شنبادی بفرستد، زودا که بدانید هشدار من چگونه است (۱۷)

و به راستی که پیشینیان آنان تکذیب پیشه کردند پس [بنگر که] عقوبت من چگونه بود (۱۸)

آیا به پرندگان بر فراز سرشان ننگریسته اند، که بال گشاده اند و فرو بندند [آن را]، هیچ کس جز خداوند رحمان آنها را نگه نمی دارد، که او به هر چیزی بیناست (۱۹)

یا کیست آنکه سپاه شماس است که شما را در برابر خدای رحمان یاری دهد؟ کافران جز در [توهم و] فریب خوردگی نیستند (۲۰)

یا کیست آنکه اگر [خداوند] روزی اش را باز گیرد، شما را روزی دهد؟، حق این است که در گردنکشی و رمیدگی پای می فشرند (۲۱)

آیا کسی که به رو در افتاده نگویند می رود، ره یافته تر است، یا کسی که استوار بر راه راست ره می سپارد؟ (۲۲)

بگو او کسی است که شما را پدید آورده است و برای شما گوش [ها] و چشم [ها] و قلب [ها] آفریده است، چه اندک مایه سپاس می گزارید (۲۳)

بگو او کسی است که شما را در زمین پدید آورد، و به نزد او محشور می شوید (۲۴)

و می گویند اگر راست می گویند، پس کی این وعده فرا می رسد؟ (۲۵)

بگو آگاهی از آن فقط نزد خداوند است، و من فقط هشداردهنده ای آشکارم (۲۶)

و چون آن را نزدیک بینند، چهره های کافران اندوهگین شود، و [به آنان] گفته شود، این همان است که [در دنیا از ما به شتاب] می طلبید (۲۷)

بگو ملاحظه کنید، اگر خداوند مرا و همراهانم را نابود کند، یا بر ما رحمت آورد، پس کیست که کافران را از عذابی دردناک پناه دهد؟ (۲۸)

بگو او خداوند رحمان است، که به او ایمان آورده ایم و بر او توکل کرده ایم، زودا بدانید که چه کسی در گمراهی آشکار است (۲۹)

بگو ملاحظه کنید، اگر آب شما در زمین فرو رود [و ناپدید گردد] چه کسی برای شما آب روان می آورد؟ (۳۰)

### ترجمه فارسی استاد معزی

بنام خداوند بخشناينده مهربان

خجسته باد آنکه به دستش پادشاهی است و او است بر همه چیز توانا (۱)

آنکه آفرید مرگ و زندگی را تا بيازمايد شما را کدامين نکوترید در کردار و او است عزّتمند آمرزگار (۲)

آنکه آفرید هفت آسمان تودرتو (یا پی در پی) نبینی در آفرینش خدای مهربان تفاوتی (کم و بیشی) پس بگشای دیده را آیا بینی شکافی را (۳)

پس برگردان دیده را دوبار باز گردد بسویت چشم سرافکنده حالی که آن است کند (یا خوار) (۴)

و هر آینه

آراستیم آسمان نزدیک را به چراغهایی و گردانیدیم آنها را پرتابهائی برای دیوان (شیاطین) و آماده ساختیم برای ایشان عذابی سوزان (۵)

و آنان را که کفر ورزیدند به پروردگار خویش عذاب دوزخ است و چه زشت است آن جایگاه (۶)

گاهی که افکنده شوند در آن بشنوند برایش دمیدنی (یا خروشی) و آن است جوشان (۷)

نزدیک است جدا شود از خشم هر گاه افکنده شوند در آن فوجی پرسندشان نگهبانانش آیا نیامد شما را ترساننده ای (۸)

گفتند بلی بیامد ما را ترساننده ای پس تکذیب کردیم و گفتیم نفرستاده است خدا چیزی نیستید شما مگر در گمراهی گران (۹)

و گفتند اگر بودیم می شنیدیم یا بخرد می یافتیم نمی شدیم در یاران آتش سوزان (۱۰)

پس اقرار کردند به گناه خویش پس دور باد برای یاران آتش سوزان (۱۱)

همانا آنان که بترسند پروردگار خویش را به نهان آنان را است آمرزشی و مزدی بزرگ (۱۲)

و نهان کنید سخن خویش را یا آشکارش سازید همانا او است دانا بدانچه در سینه ها است (۱۳)

آیا نداند آنکه بیافریده است و او است تیزبین کارآگاه (۱۴)

او است آنکه گردانید برای شما زمین را رام پس روان شوید به هر سویی و بخورید از روزیش و بسوی او است گردآمدن (۱۵)

آیا ایمن شدید از آنکه در آسمان است که فروبرد شما را در زمین ناگاه آن است لرزنده (۱۶)

یا ایمن شدید از آنکه در آسمان است که بفرستد بر شما سنگ ریزه پس زود است بدانید چگونه بوده است ترساننده من (۱۷)

و همانا تکذیب کردند آنان که پیش از ایشان بودند پس چگونه بود



کین کشیدن من (۱۸)

آیا ننگریستند مرغان بر فراز ایشان بال گشایندگان و بازدارندگان بالهای خویش نگاه ندارندشان جز خداوند مهربان همانا او است به همه چیز بینا (۱۹)

آیا آنکه اوست سپاهی برای شما یاریتان کند جز خدای مهربان نیستند کافران مگر در فریب (۲۰)

آیا آنکه او روزیتان همی دهد اگر باز دارد روزی خویش را بلکه خیره گی کردند در سرکشی و رمیدنی (۲۱)

آیا آنکه روان است افتاد به روی خویش رهنمون تر است یا آنکه می رود استوار بر راهی راست (۲۲)

بگو او است آنکه پدید آورد شما را و نهاد برای شما گوش و دیدگان و دلها را به کمی سپاس گزارید (۲۳)

بگو او است آنکه آفرید شما را در زمین و بسویش باز گردانیده شوید (۲۴)

و گویند کی است این وعده اگر هستید راستگویان (۲۵)

بگو جز این نیست که علم نزد خدا است و جز این نیست که منم ترساننده آشکار (۲۶)

تا هنگامی که دیدندش جایگزین (یا نزدیک) دژم گشت چهره های آنان که کفر ورزیدند و گفته شد این است آنچه بودیدش به سختی می خواستید (۲۷)

بگو آیا دیدید اگر نابود سازدم خدا و آنکو با من است یا رحم کند بر ما که پناه دهد کافران را از عذابی دردناک (۲۸)

بگو او است خدای مهربان ایمان آوردیم بدو و بر او توکل کردیم زود است بدانید کیست آنکه او است در گمراهی آشکار (۲۹)

بگو آیا دیدید اگر بامداد کند آب شما فرو رفته کیست که آورد شما را به آبی نمایان (۳۰)

**ترجمه انگلیسی قرائی**

**In the Name of Allah, the All-beneficent, the All-merciful**

**Blessed is He in ۱**

.whose hands is all sovereignty, and He has power over all things

He, who created death and life that He may test you [to see] which of you is best in ۲  
.conduct. And He is the All-mighty, the All-forgiving

He created seven heavens in layers. You do not see any discordance in the creation ۳  
?of the All-beneficent. Look again! Do you see any flaw

.Look again, once more. Your look will return to you humbled and weary ۴

We have certainly adorned the lowest heaven with lamps, and made them missiles ۵  
.against the devils, and We have prepared for them punishment of the Blaze

.For those who defy their Lord is the punishment of hell, and it is an evil destination ۶

,When they are thrown in it, they hear it blaring, as it seethes ۷

almost exploding with rage. Whenever a group is thrown in it, its keepers will ask ۸  
’?them, ‘Did there not come to you any warner

They will say, ‘Yes, a warner did come to us, but we impugned [him] and said, ‘Allah ۹  
,.did not send down anything; you are only in great error

And they will say, ‘Had we listened or applied reason, we would not have been ۱۰  
,.among inmates of the Blaze

!Thus they will admit their sin. So away with the inmates of the Blaze ۱۱

Indeed for those who fear their Lord in secret there will be forgiveness and a great ۱۲  
.reward

Speak secretly, or do so loudly, indeed ۱۳

.He knows well what is in the breasts

.Would He who has created not know? And He is the All-attentive, the All-aware ١٤

It is He who made the earth tractable for you; so walk on its flanks and eat of His ١٥  
.provision, and towards Him is the resurrection

Are you secure that He who is in the sky will not make the earth swallow you while it ١٦  
?quakes

Are you secure that He who is in the sky will not unleash upon you a rain of stones? ١٧  
!Soon you will know how My warning has been

!Certainly those who were before them had denied; but then how was My rebuttal ١٨

Have they not regarded the birds above them spreading and closing their wings? ١٩  
.No one sustains them except the All-beneficent. Indeed He sees best all things

Who is it that is your host who may help you, besides the All-beneficent? The ٢٠  
.faithless only dwell in delusion

Who is it that may provide for you if He withholds His provision? Rather they persist ٢١  
.in defiance and aversion

Is he who walks prone on his face better guided, or he who walks upright on a ٢٢  
?straight path

Say, 'It is He who created you, and made for you hearing, eyesight, and hearts. ٢٣  
'Little do you thank

'Say, 'It is He who created you on the earth, and toward Him you will be mustered ٢٤

'?They say, 'When will this promise be fulfilled, should you be truthful ٢٥

'Say, 'Its knowledge is only with Allah; I am only a manifest warner ۲۶

When they see it brought near, the countenances of the faithless will be distorted, ۲۷  
'!and [they will be] told, 'This is what you asked for

Say, 'Tell me, whether Allah destroys me and those with me, or He has mercy on us, ۲۸  
'?who will shelter the faithless from a painful punishment

Say, 'He is the All-beneficent; we have faith in Him, and in Him do we trust. Soon ۲۹  
'you will know who is in manifest error

Say, 'Tell me, should your water sink down [into the ground], who will bring you ۳۰  
'?running water

ترجمہ انگلیسی شاکر

(Blessed is He in Whose hand is the kingdom, and He has power over all things, (۱

Who created death and life that He may try you-- which of you is best in deeds; and  
(He is the Mighty, the Forgiving, (۲

Who created the seven heavens one above another; you see no incongruity in the  
(creation of the Beneficent Allah; then look again, can you see any disorder? (۳

Then turn back the eye again and again; your look shall '~ come back to you confused  
(while it is fatigued. (۴

And certainly We have adorned this lower heaven with lamps and We have made  
these missiles for the Shaitans, and We have prepared for them the chastisement of  
(burning. (۵

And for those who disbelieve in their Lord is the punishment of hell, and evil is the  
(resort. (۶

When they shall

(be cast therein, they shall hear a loud moaning of it as it heaves, ﴿٧

Almost bursting for fury. Whenever a group is cast into it, its keeper shall ask them:

(Did there not come to you a warner? ﴿٨

They shall say: Yea! indeed there came to us a warner, but we rejected (him) and said:

(Allah has not revealed anything, you are only in a great error. ﴿٩

And they shall say: Had we but listened or pondered, we should not have been among

(the inmates of the burning fire. ﴿١٠

So they shall acknowledge their sins, but far will be (forgiveness) from the inmates of

(the burning fire. ﴿١١

As for) those who fear their Lord in secret, they shall surely have forgiveness and a)

(great reward. ﴿١٢

And conceal your word or manifest it; surely He is Cognizant of what is in the hearts.

((١٣

Does He not know, Who created? And He is the Knower of the subtleties, the Aware.

((١٤

He it is Who made the earth smooth for you, therefore go about in the spacious sides

(thereof, and eat of His sustenance, and to Him is the return after death. ﴿١٥

Are you secure of those in the heaven that He should not make the earth to swallow

(you up? Then lo! it shall be in a state of commotion. ﴿١٦

Or are you secure of those in the heaven that He should not send down upon you a

.punishment? Then shall you know how was My warning

And certainly those before them rejected (the truth), then how was My disapproval.

Have they not seen the birds above them expanding (their wings) and contracting (them)? What is it that withholds them save the Beneficent Allah? Surely He sees (everything). (١٩)

Or who is it that will be a host for you to assist you besides the Beneficent Allah? The (unbelievers are only in deception. (٢٠)

Or who is it that will give you sustenance if He should withhold His sustenance? Nay! (they persist in disdain and aversion. (٢١)

What! is he who goes prone upon his face better guided or he who walks upright upon (a straight path? (٢٢)

Say: He it is Who brought you into being and made for you the ears and the eyes and (the hearts: little is it that you give thanks. (٢٣)

(Say: He it is Who multiplied you in the earth and to Him you shall be gathered. (٢٤)

(And they say: When shall this threat be (executed) if you are truthful? (٢٥)

(Say: The knowledge (thereof is only with Allah and I am only a plain warner. (٢٦)

But when they shall see it nigh, the faces of those who disbelieve shall be sorry, and it (shall be said; This is that which you used to call for. (٢٧)

Say: Have you considered if Allah should destroy me and those with me-- rather He will have mercy on us; yet who will protect the unbelievers from a painful (punishment? (٢٨)

Say: He is

the Beneficent Allah, we believe in Him and on Him do we rely, so you shall come to  
(know who it is that is in clear error. (۲۹

Say: Have you considered if your water should go down, who is it then that will bring  
(you flowing water? (۳۰

ترجمہ انگلیسی ایروینگ

!In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful

Blessed is He in Whose hands there rests control ; He is Capable of [doing] ( ۱)  
,everything

the One Who created death and life, so He may test which of you is finest in action. (۲)  
"He is the Powerful, the Forgiving

Who created seven matching heavens. You do not see any discrepancy in the (۳)  
?Mercy-giving's creation. Look once again; do you see any flaws

Then look still another time: (your) gaze will come back to you bewildered, and feel (۴)  
.exhausted

We have decorated the nearest sky with lamps. We have placed them as missiles (۵)  
.directed towards the devils and prepared torment from the Blaze for them

Those who disbelieve in their Lord will have Hell's torment; it is such a wretched (۶)  
!goal

,As they are flung into it, they will hear it gasping as it seethes (۷)

almost bursting with rage. Each time a group is cast into it, its keepers will ask (۸)  
"?them: "Did no warner come to you

They will say: "Of course a warner came to us, and we rejected [him] and said: 'God (۹)  
".has not sent down anything; you (all) are merely in gross error

They will further say: "If we had only listened and reasoned things out, we would not  
".have become inmates of the Blaze

!They will acknowledge their offence, so away with the inmates of the Blaze (١١)

The ones who live in awe of their Lord even though [He is] Unseen will have (١٢)  
.forgiveness and a large payment

Hide anything you say or else shout it out: He is still Aware of whatever is on your (١٣)  
.minds

!Does He not know anyone He has created? He is the Gracious, the Informed (١٤)

He is the One Who has placed the earth to be developed by you, so walk along its (١٥)  
.byways and eat some of what He provides you with, for with Him lies reviving it again

Do you feel confident that Whoever is in Heaven will not let the earth swallow you (١٦)  
!up? How it will sway

Or do you feel secure that Whoever is in Heaven will not send a hailstorm against (١٧)  
?you, so that you shall find out how [true] My warning was

!Their predecessors denied it, and how [great] was My disgust (١٨)

Have they not watched the birds flapping [their wings] in rows above them? What (١٩)  
.holds them up except the Mercy-giving? He is Observant of everything

Who is there [to act] as an army for you in order to support you, besides the (٢٠)  
.Mercy-giving? Disbelievers are merely suffering from delusion

Who is there to provide for you if He should stop providing (٢١)



.for you] ? Rather they persist in insolence and disdain]

And is someone who walks along with his face bent down better guided than (۲۲)  
?someone who walks properly along a Straight Road

SAY: "He is the One Who has produced you and granted you hearing, eyesight and (۲۳)  
vital organs. Yet how seldom are you grateful

SAY: "He is the One Who has scattered you all over the earth, and to Him will you (۲۴)  
".be summoned

"?They say: "When will this promise [come to be] if you are so truthful (۲۵)

".SAY: "Knowledge rests only with God; I am merely a plain warner (۲۶)

Yet when they see it close at hand, the faces of those who disbelieve will look (۲۷)  
"!wretched and someone will say: "This is what you were appealing for

SAY: "Have you (all) considered whether God will wipe me out, as well as anyone (۲۸)  
who is with me, or whether He will show us mercy? Still who will shelter disbelievers  
"?from painful torment

SAY: "It will be the Mercy-giving. We believe in Him and on Him do we rely. You will (۲۹)  
".know anyone who is in plain error

SAY: "Have you considered who, if your water should sink into the ground, will (۳۰)  
"?bring you any water from a spring

ترجمہ انگلیسی آری

In the Name of God, the Merciful, the Compassionate

(Blessed be He in whose hand is the Kingdom—He is powerful over everything— (۱)

Who created death and life, that He might try you which of you is

(fairest in works; and He is the All-mighty, the All-forgiving— (۲

who created seven heavens one upon another. Thou seest not in the creation of the  
(All-merciful any imperfection. Return thy gaze; seest thou any fissure? (۳

Then return thy gaze again, and again, and thy gaze comes back to the dazzled,  
(a weary. (۴

And We adorned the lower heaven with lamps, and made them things to  
(stone Satans; and We have prepared for them the chastisement of the Blaze. (۵

And for those who disbelieve in their Lord there awaits the chastisement of Gehenna—  
(an evil homecoming! (۶

When they are cast into it they will hear it sighing, the while it boils and well nigh bursts  
(asunder with rage. (۷

As often as a troop is cast into it, its keepers ask them, 'Come there now, warners to  
(you?' (۸

They say, 'Yes indeed, a warner came to us; but we cried lies, saying, "God has not  
(sent down anything; you are only in great error." ' (۹

They also say, 'If we had only heard, or had understood, we would not have been of  
(the inhabitants of the Blaze.' (۱۰

(So they confess their sins. Curse the inhabitants of the Blaze! (۱۱

Surely those who fear their Lord in the Unseen—there awaits them forgiveness and a  
(great wage. (۱۲

(Be secret in your speech, or proclaim it, He knows the thoughts within the breasts. (۱۳

(Shall He not know, who created? And He is the All-subtle, the All-aware. (۱۴

It is He who made the earth submissive to you; therefore walk in its tracts, and eat of  
His

(provision; to Him is the Uprising. (١٥

Do you feel secure that He who is in heaven will not cause the earth to swallow you,  
(the while it rocks? (١٦

Do you feel secure that He who is in heaven will not loose against you asquall of  
(pebbles, then you shall know how My warning Is? (١٧

(Those that were before them also cried lies; then how was My horror! (١٨

Have they not regarded the birds above them spreading their wings, and  
(closing them? Naught holds them but the All-merciful. Surely He sees everything. (١٩

Or who is this that shall be a host for you to help you, apart from the All-merciful? The  
(unbelievers are only in delusion. (٢٠

Or who is this that shall provide for you if He withholds His provision? No, but they  
(persist in disdain and aversion. (٢١

What, is he who walks prone upon his face better guided than he who walks upright on  
(a straight path? (٢٢

Say: `It is He who produced you, and appointed for you hearing and sight and hearts;  
(little thanks you show!' (٢٣

(Say: `It is He who scattered you in the earth, and unto Him you shall be mustered.' (٢٤

(They say, `When shall this promise come to pass, if you speak truly? (٢٥

(Say: `The knowledge is with God; I am only a clear warner.' (٢٦

Then, when they see it nigh at hand, the faces of the unbelievers will be vexed, and it  
(will be said, `This is what you were promised.' (٢٧

Say: `What think you? If

God destroys me and those with me, or has mercy on us, then who will protect the  
(unbelievers from a painful chastisement?' (۲۸

Say: `He is the All-merciful. We believe in Him, and in Him we put all our trust.  
(Assuredly, you will soon know who is in manifest error.' (۲۹

Say: `What think you? If in the morning your water should have vanished into the  
(earth, then who would bring you running water?' (۳۰

ترجمہ انگلیسی پیکتال

.In the name of Allah, the Beneficent, the Merciful

(Blessed is He in Whose hand is the Sovereignty, and He is Able to do all things. (۱

Who hath created life and death that He may try you, which of you is best in conduct;  
(and He is the Mighty, Forgiving, (۲

Who hath created seven heavens in harmony. Thou (Muhammad) canst see no fault  
(in the Beneficent One's creation; then look again: Canst thou see any rifts? (۳

Then look again and yet again, thy sight will return unto thee weakened and made  
(dim. (۴

And verily We have beatified the world's heaven with lamps, and We have made them  
(missiles for the devils, and for them We have prepared the doom of flame. (۵

And for those who disbelieve in their Lord there is the doom of hell, a hapless  
(journey's end! (۶

(When they are flung therein they hear its roaring as it boileth up, (۷

As it would burst with rage. Whenever a (fresh) host flung therein the wardens  
(thereof ask them: Came there unto you no warner? (۸

They say: Yea, verily, a warner came unto us; but we denied and said: Allah hath  
(naught revealed; ye are in ought but a great error. (۹

And they say: Had we been wont to listen or have sense, we had not been among the  
(dwellers in the flames. (۱۰

So they acknowledge their sins; but far removed (from mercy) are the dwellers in the  
(flames. (۱۱

Lo! those who fear their Lord in secret, theirs will be forgiveness and a great reward.  
((۱۲

And keep your opinion secret or proclaim it, lo! He is Knower of all that is in the breasts  
((of men). (۱۳

(Should He not know what He created? And He is the Subtile, the Aware. (۱۴

He it is Who hath made the earth subservient unto you, so walk in the paths thereof  
(and eat of His providence. And unto Him will be the resurrection (of the dead). (۱۵

Have ye taken security from Him Who is in the heaven that He will not cause the earth  
(to swallow you when lo! it is convulsed? (۱۶

Or have ye taken security from Him Who is in the heaven that He will not let loose on  
(you a hurricane? But ye shall know the manner of My warning. (۱۷

And verily those before them denied, then (see) the manner of My wrath (with them)!  
((۱۸

Have they not seen the birds above them spreading out their wings and closing them?  
Naught upholdeth them save the Beneficent. Lo! He is Seer of

(all things. (١٩

Or who is he that will be an army unto you to help you instead of the Beneficent? The  
(disbelievers are in naught but illusion. (٢٠

Or who is he that will provide for you if He should withhold His providence? Nay, but  
(they are set in pride and frowardness. (٢١

Is he who goeth groping on his face more rightly guided, or he who walketh upright on  
(a beaten road? (٢٢

Say (unto them, O Muhammad): He it is Who gave you being, and hath assigned unto  
(you ears and eyes and hearts. Small thanks give ye! (٢٣

(Say, He it is Who multiplieth you in the earth, and unto Whom ye will be gathered. (٢٤

(And they say: When (will) this promise (be fulfilled), if ye are truthful? (٢٥

(Say: The knowledge is with Allah only, and I am but a plain warner; (٢٦

But when they see it nigh, the faces of those who disbelieve will be awry, and it will be  
(said (unto them): This is that for which ye used to call. (٢٧

Say (O Muhammad): Have ye thought: Whether Allah causeth me (Muhammad) and  
those with me to perish or hath mercy on us, still, who will protect the disbelievers  
(from a painful doom? (٢٨

Say: He is the Beneficent. In Him we believe and in Him we put our trust. And ye will  
(soon know who it is that is in error manifest. (٢٩

Say: Have ye thought: If (all) your water were to disappear

(into the earth, who then could bring you gushing water? ﴿٣٠

ترجمہ انگلیسی یوسفعلی

.In the name of Allah Most Gracious Most Merciful

(Blessed be He in Whose hands is Dominion: and He over all things Hath Power. ﴿١

He Who created Death and Life that He may try which of you is best in deed: and He is

(the Exalted in Might Oft-Forgiving ﴿٢

He Who created the seven heavens one above another; no want of proportion wilt thou see in the Creation of (Allah) Most Gracious so turn thy vision again: Seest thou

(any flaw? ﴿٣

Again turn thy vision a second time; (thy) vision will come back to thee dull and

(discomfited in a state worn out. ﴿٤

And We have (from of old) adorned the lowest heaven with Lamps and We have made such (Lamps) (as) missiles to drive away the Evil Ones and have prepared for them

(the Penalty of the Blazing Fire. ﴿٥

For those who reject their Lord (and Cherisher) is the Penalty of Hell: and evil is (such)

(destination. ﴿٦

When they are cast therein they will hear the (terrible) drawing in of its breath even as

(it blazes forth. ﴿٧

Almost bursting with fury: every time a Group is cast therein its Keepers will ask "Did

(no Warner come to you?" ﴿٨

They will say: "Yes indeed: a Warner did come to us but we rejected him and said

`Allah never sent down any (Message): ye are in nothing but an egregious delusion! "

((٩

:They will further say

Had we but listened or used our intelligence we should not (now) be among the"  
(Companions of the Blazing Fire!" (۱۰

They will then confess their sins: but far will be (Forgiveness) from the Companions of  
(the Blazing Fire! (۱۱

As for those who fear their Lord unseen for them is Forgiveness and a great Reward.  
(۱۲

And whether ye hide your word or publish it He certainly has (full) knowledge of the  
(secrets of (all) hearts. (۱۳

Should He not know He that created? And He is the One that understands the finest  
(mysteries (and) is well-acquainted (with them). (۱۴

It is He Who has made the earth manageable for you so traverse ye through its tracts  
(and enjoy of the Sustenance which He furnishes: but unto Him is the Resurrection. (۱۵

Do ye feel secure that He Who is in heaven will not cause you to be swallowed up by  
(the earth when it shakes (as in an earthquake)? (۱۶

Or do ye feel secure that He Who is in Heaven will not send against you a violent  
tornado (with showers of stones) so that ye shall know how (terrible) was My  
(warning? (۱۷

But indeed men before them rejected (My warning): then how (terrible) was My  
(rejection (of them)? (۱۸

Do they not observe the birds above them spreading their wings and folding them in?  
None can uphold them except (Allah) Most Gracious: truly it is He that watches over all  
(things. (۱۹

Nay who is there that can help you (even



as) an army besides (Allah) Most Merciful? In nothing but delusion are the  
(Unbelievers. (۲۰

Or who is there that can provide you with Sustenance if He were to withhold His  
provision? Nay they obstinately persist in insolent impiety and flight (from the Truth).  
(۲۱

Is then one who walks headlong with his face grovelling better guided or one who  
(walks evenly on a Straight Way? (۲۲

Say: "It is He Who has created you (and made you grow) and made for you the  
(faculties of hearing seeing feeling and understanding: little thanks it is ye give." (۲۳

Say: "It is He Who has multiplied you through the earth and to Him shall ye be  
(gathered together." (۲۴

(They ask: When will this promise be (fulfilled)? If ye are telling the truth. (۲۵

Say: "As to the knowledge of the time it is with Allah alone: I am (sent) only to warn  
(plainly in public." (۲۶

At length when they see it close at hand grieved will be the faces of the Unbelievers  
and it will be said (to them): "This is (the promise fulfilled) which ye were calling for!"  
(۲۷

Say: "See ye? If Allah were to destroy me and those with me or if He bestows His  
(Mercy on us yet who can deliver the Unbelievers from a grievous Penalty?" (۲۸

Say: "He is (Allah) Most Gracious: we have believed in Him and on Him have we put our  
trust: so soon will ye know which (of us) it is that is in

Say: "See ye? If your stream be some morning lost (in the underground earth) who  
(then can supply you with clear-flowing water?" (۳۰

### ترجمه فرانسوی

Au nom d'Allah, le Tout Miséricordieux, le Très Miséricordieux

.Béni soit celui dans la main de qui est la royauté, et Il est Omnipotent .۱

Celui qui a créé la mort et la vie afin de vous éprouver (et de savoir) qui de vous est .۲  
.le meilleur en oeuvre, et c'est Lui le Puissant, le Pardonneur

Celui qui a créé sept cieux superposés sans que tu voies de disproportion en la .۳  
création du Tout Miséricordieux. Ramène [sur elle] le regard. Y vois-tu une brèche  
?quelconque

.Puis, retourne ton regard à deux fois: le regard te reviendra humilié et frustré .۴

Nous avons effectivement embelli le ciel le plus proche avec des lampes [des .۵  
étoiles] dont Nous avons fait des projectiles pour lapider des diables et Nous leur  
.avons préparé le châtiment de la Fournaise

Ceux qui ont mécré à leur Seigneur auront le châtiment de l'Enfer. Et quelle .۶  
!mauvaise destination

.Quand ils y seront jetés, ils lui entendront un gémissement, tandis qu'il bouillonne .۷

Peu s'en faut que, de rage, il n'éclate. Toutes les fois qu'un groupe y est jeté, ses .۸  
«?gardiens leur demandent: «Quoi! ne vous est-il pas venu d'avertisseur

Ils dirent: «Mais si! un avertisseur nous était venu certes, mais nous avons crié au .۹  
mensonge et avons dit: Allah n'a rien fait descendre, vous n'êtes que dans un grand  
«égarement

Et ils dirent: «Si nous avions écouté ou raisonné, nous ne serions pas parmi les gens de  
la Fournaise

.Ils ont reconnu leur péché. Que les gens de la Fournaise soient anéantis à jamais .۱۱

Ceux qui redoutent leur Seigneur bien qu'ils ne L'aient jamais vu auront un pardon .۱۲  
et une grande récompense

Que vous cachiez votre parole ou la divulguiez Il connaît bien le contenu des .۱۳  
poitrines

Ne connaît-Il pas ce qu'Il a créé alors que c'est Lui Compatissant, le Parfaitement .۱۴  
Connaisseur

C'est Lui qui vous a soumis la terre: parcourez donc ses grandes étendues. Mangez .۱۵  
de ce qu'Il vous fournit. Vers Lui est la Résurrection

Etes-vous à l'abri que Celui qui est au ciel enfouisse en la terre? Et voici qu'elle .۱۶  
tremble

Ou êtes-vous à l'abri que Celui qui au ciel envoie contre vous un ouragan de .۱۷  
pierres? Vous saurez ainsi quel fut Mon avertissement

En effet, ceux d'avant eux avaient crié au mensonge. Quelle fut alors Ma .۱۸  
réprobation

N'ont-ils pas vu les oiseaux au-dessus d'eux, déployant et repliant leurs ailes tour à .۱۹  
tour? Seul le Tout Miséricordieux les soutient. Car Il est sur toute chose, Clairvoyant

Quel est celui qui constituerait pour vous une armée [capable] de vous secourir, en .۲۰  
dehors du Tout Miséricordieux? En vérité les mécréants sont dans l'illusion complète

Ou quel est celui qui vous donnera votre subsistance s'Il s'arrête de fournir Son .۲۱  
attribution? Mais ils persistent dans leur insolence et dans leur répulsion

Qui est donc mieux .۲۲

guidé? Celui qui marche face contre terre ou celui qui marche redressé sur un chemin droit.

Dis: «C'est Lui qui vous a créés et vous a donné l'ouïe, les yeux et les coeurs». Mais vous êtes rarement reconnaissants

Dis: «C'est Lui qui vous a répandus sur la terre, et c'est vers Lui que vous serez rassemblés».

Et ils disent: «A quand cette promesse si vous êtes véridiques».

Dis: «Allah seul [en] a la connaissance. Et moi je ne suis qu'un avertisseur clair».

Puis, quand ils verront (le châtiment) de près, les visages de ceux qui ont mécru seront affligés. Et il leur sera dit: «Voilà ce que vous réclamiez».

Dis: «Que vous en semble? Qu'Allah me fasse périr ainsi que ceux qui sont avec moi ou qu'Il nous fasse miséricorde, qui protégera alors les mécréants d'un châtiment douloureux».

Dis: «C'est Lui, le Tout Miséricordieux. Nous croyons en Lui et c'est en Lui que nous plaçons notre confiance. Vous saurez bientôt qui est dans un égarement évident».

Dis: «Que vous en semble? Si votre eau était absorbée au plus profond de la terre, qui donc vous apporterait de l'eau de source».

ترجمہ اسپانیایی

1. Bendito sea Aquél en Cuya mano está el dominio! Es omnipotentei

2. Es Quien ha creado la muerte y la vida para probaros, para ver quién de vosotros es el que mejor se porta. Es el Poderoso, el Indulgente

3. Es Quien ha creado siete cielos superpuestos. No ves ninguna contradicción en la creación del Compasivo

¿Mira otra vez! ¿Adviertes alguna falla?

Luego, mira otras dos veces: tu mirada volverá a ti cansada, agotada.

Hemos engalanado el cielo más bajo con luminares, de los que hemos hecho proyectiles contra los demonios y hemos preparado para ellos el castigo del fuego de la gehena.

Quienes no hayan creído en su Señor tendrán el castigo de la gehena. ¡Qué mal! ...fin

Cuando sean arrojados a ella, oirán su fragor, en plena ebullición.

a punto de estallar de furor. Siempre que se le arroje una oleada, sus guardianes les preguntarán: «¿Es que no vino a vosotros un monitor

Claro que sí!» dirán: «Vino a nosotros un monitor, pero desmentimos, y dijimos: 'Alá i'» .«no ha revelado nada. No estáis sino muy extraviados

Y dirán: «Si hubiéramos oído o comprendido, no moraríamos ahora en el fuego de la gehena.

¡Confesarán su pecado. ¡Que Alá aleje a los moradores del fuego de la gehena!

Quienes hayan tenido miedo a su Señor en secreto tendrán perdón y una gran recompensa.

Da lo mismo que mantengáis ocultas vuestras palabras o que las divulguéis. Él conoce bien lo que encierran los pechos.

¿No va a saber Quien ha creado, Él, Que es el Sutil, el Bien Informado?

Él es Quien os ha hecho dócil la tierra. Recorredla, pues, de acá para allá y comed de Su sustento. La Resurrección se hará hacia Él.

Estáis a salvo de que Quien está en el cielo haga que la tierra.

...os trague? He aquí que tiembla

O estáis a salvo de que Quien está en el cielo envíe contra vosotros una  
...tempestad de arena? Entonces veréis cómo era Mi advertencia

!Quienes fueron antes que ellos desmintieron y ¡cuál no fue Mi reprobación .18

Es que no han visto las aves encima de ellos, desplegando y recogiendo las alas?¿ .19  
.Sólo el Compasivo las sostiene. Lo ve bien todo

O ¿quién es el que podría auxiliarnos cual legión, fuera del Compasivo? Los infieles .20  
.son presa de una ilusión

O ¿quien es el que os proveería de sustento si Él interrumpiera Su sustento? Sí, .21  
.persisten en su insolencia y aversión

?Quien anda agachado ¿va mejor dirigido que quien anda erguido por una vía recta .22

Di: «Él es Quien os ha creado, Quien os ha dado el oído, la vista y el intelecto. ¡Qué .23  
«!poco agradecidos sois

.«Di: «Él es Quien os ha diseminado por la tierra. Y hacia Él seréis congregados .24

«?Y dicen: «¿Cuándo se cumplirá esta amenaza, si es verdad lo que decís .25

.«Di: «Sólo Alá lo sabe. Yo soy solamente un monitor que habla claro .26

Pero, en cuanto vean su inminencia, se afligirán los rostros de los infieles. Y se dirá: .27  
...«Aquí tenéis lo que reclamabais

Di: «¿Qué os parece? Lo mismo si Alá nos hace perecer, a mí y a los que están .28  
conmigo, que si se apiada de nosotros, ¿quién preservará a los infieles de un castigo  
?doloroso

!Di: «¡Es el Compasivo .29

Creemos en Él y confiamos en Él! Ya veréis quién es el que está evidentemente i  
«extraviado

Di: «¿Qué os parece? Si el agua se os agotara una mañana, ¿quien iba a traeros .۳۰  
«?agua viva

ترجمہ آلمانی

.digen, des Barmherzigen ۞ Im Namen Allahs, des Gn

Segensreich ist Der, in Dessen Hand die Herrschaft ist; und Er vermag alle Dinge zu .۱  
.tun

Er euch prüfe, wer von euch der ۞ Der den Tod erschaffen hat und das Leben, da .۲  
,chtige, der Allverzeihende ۞ Beste ist im Handeln; und Er ist der Allm

Der sieben Himmel im Einklang erschaffen hat. Keinen Fehler kannst du in der .۳  
Schpfung des Gnadenreichen sehen. So wende den Blick: siehst du irgendeinen  
?Mangel

So wende den Blick abermals und abermals: dein Blick wird nur zu dir zurückkehren .۴  
.cht ۞ ermüdet und geschw

Fürwahr, Wir haben den untersten Himmel mit Lampen geschmückt, und Wir haben .۵  
sie zu einem Mittel zur Vertreibung der Teufel gemacht, und für sie haben Wir die  
.Strafe des flammenden Feuers bereitet

Und für jene, die nicht an ihren Herrn glauben, ist die Strafe der Hlle, und eine üble .۶  
!Bestimmung ist das

Wenn sie hineingeworfen werden, dann werden sie sie brüllen hren, indes sie .۷  
.umt ۞ aufsch

Fast mchte sie bersten vor Wut. Sooft eine Schar hineingeworfen wird, werden ihre .۸  
«?chter sie fragen: «Ist denn kein Warner zu euch gekommen ۞ W

Sie werden sprechen: «Doch, sicherlich, es kam ein Warner zu uns, aber wir schalten .۹

in ك (ihn) einen Lügner und sprachen: "Allah hat nichts herabgesandt; ihr seid blo  
«".schwerem Irrtum

١٠. Sie



ren nicht, hätten wir nur zugehört oder Verstand gehabt, wir würden sprechen: «H  
«unter den Bewohnern des flammenden Feuers gewesen

So werden sie ihre Sünden bekennen; doch fern sind die Bewohner des . ۱۱  
(flammenden Feuers (der Gnade

Wahrlich, diejenigen, die ihren Herrn im geheimen fürchten, werden Vergebung . ۱۲  
en Lohn erhalten und gro

Und ob ihr euer Wort verbergt oder es offen verkündet, Er kennt die innersten . ۱۳  
Gedanken der Herzen

.Kennt denn Der nicht, Der erschaffen? Er ist scharfsinnig, allwissend . ۱۴

Er ist es, Der die Erde für euch dienstfertig gemacht hat; wandert also auf ihren . ۱۵  
et Seine Versorgung. Und zu Ihm wird die Auferstehung sein und genie

Er nicht die Erde euch . ۱۶  
Fühlt ihr euch sicher vor Dem, Der im Himmel ist, da  
t, wenn sie, siehe, zu beben beginnt und verschlingen l

Er nicht einen Sturmwind . ۱۷  
Fühlt ihr euch sicher vor Dem, Der im Himmel ist, da  
gegen euch schickt? Dann werdet ihr wissen, wie Meine Warnung war

Und schon leugneten jene, die vor ihnen waren; wie war dann (die Folge) Meiner . ۱۸  
Verleugnung

Haben sie nicht die Vgel über sich gesehen, wie sie ihre Flügel breiten und sie dann . ۱۹  
It sie zurück als der Gnadenreiche. Wahrlich, Er sieht alle Dinge einziehen? Keiner h

Oder wer ist es, der ein Heer für euch sein kann, euch beizustehen, gegen den . ۲۰  
uschung nur übrigen sind in T Gnadenreichen? Die Ungl

It? Oder wer ist es, der euch versorgen wird, wenn Er Seine Versorgung zurückh . ۲۱  
.Nein, aber sie verharren in Trotz und in Widerwillen

Wie! ist . ۲۲

der, der gebückt auf seinem Gesicht einhergeht, besser geleitet als jener, der  
?aufrecht wandelt auf dem geraden Weg

Sprich: «Er ist es, Der euch ins Dasein rief und Der euch Ohren und Augen und . ۲۳  
«Herzen gab; (aber) wenig ist es, was ihr Dank wisset

Sprich: «Er ist es, Der euch mehrte auf Erden, und zu Ihm werdet ihr versammelt . ۲۴  
«werden

ung (sich erfüllen), wenn ihr Und sie sprechen: «Wann wird diese Verhei . ۲۵  
«?wahrhaftig seid

render Sprich: «Das Wissen (darum) ist bei Allah allein, und ich bin nur ein aufkl . ۲۶  
«Warner

ubig Doch wenn sie es nahe sehen, dann werden die Gesichter derer, die ungl . ۲۷  
sind, verzerrt sein, und es wird gesprochen werden: «Das ist's, was ihr zu verlangen  
«pflegtet

Sprich: «Sagt an, wenn Allah mich vernichten sollte und die mit mir sind, oder wenn . ۲۸  
ubigen vor qualvoller Strafe Er uns Barmherzigkeit erweisen sollte, wer wird die Ungl  
«?schützen

Sprich: «Er ist der Gnadenreiche; an Ihn glauben wir und auf Ihn vertrauen wir. Ihr . ۲۹  
«werdet bald erfahren, wer in offenkundigem Irrtum ist

Sprich: «Sagt an, wenn euer Wasser versickern würde, wer knnte euch dann . ۳۰  
«?endes Wasser bringen flie

ترجمہ ایتالیایی

In nome di Allah, il Compassionevole, il Misericordioso

;Benedetto Colui nella Cui mano è la sovranità, Egli è onnipotente . ۱

Colui che ha creato la morte e la vita per mettere alla prova chi di voi meglio opera, . ۲  
;Egli è l'Eccelso, il Perdonatore

Colui che ha creato sette cieli sovrapposti senza che tu veda alcun difetto nella .۳  
creazione del Compassionevole. Osserva, vedi una

?qualche fenditura

.Osserva ancora due volte: il tuo sguardo ricadrà, stanco e sfinito .۴

Invero abbellimmo di luminarie il cielo più vicino, e ne abbiamo fatto strumenti; per .۵  
.lapidare i dèmoni per i quali abbiamo preparato la Fiamma

Per coloro che non credono nel loro Signore, c'è il castigo dell'Inferno: qual tristo .۶  
!divenire

:Quando vi sono precipitati, ne sentono il fragore mentre ribolle .۷

manca poco a che scoppi di rabbia. Ogni volta che un gruppo vi è precipitato, i suoi .۸  
..?guardiani chiedono: « Non vi è forse giunto un ammonitore

Risponderanno: « Sì, ci era giunto un ammonitore, ma noi lo tacciammo di menzogna .۹  
.." !e dicemmo: "Allah non ha fatto scendere alcunché, voi siete in evidente errore

E diranno: «Se avessimo ascoltato o compreso, non saremmo tra i compagni del a .۱۰  
..«Fiamma

!Riconoscono il loro peccato. Che siano ridotti in polvere i compagni della Fiamma .۱۱

Coloro che invece temono il loro Signore in ciò che è invisibile, avranno perdono e .۱۲  
.ricompensa grande

Sia che nascondiate i vostri intenti o li palesiate, Egli ben conosce quello che .۱۳  
.contengono i petti

Non conoscerebbe ciò che Egli stesso ha creato, quando Egli è il Sottile , il Ben .۱۴  
?informato

Egli è Colui che vi ha fatto remissiva la terra: percorretela in lungo e in largo, e .۱۵  
.mangiate della Sua provvidenza. Verso di Lui è la Resurrezione

Siete forse sicuri che Colui che sta nel cielo non vi faccia inghiottire dalla terra .۱۶  
?quando trema



siete sicuri che Colui che sta nel cielo non scateni contro di voi un uragano?  
.Conoscerete allora il Mio avvertimento

Invero coloro che li precedettero già tacciarono di menzogna. Quale fu la mia . ۱۸  
!riprovaione

Non hanno visto, sopra di loro, gli uccelli spiegare e ripiegare le ali? Non li sostiene . ۱۹  
.altri che il Compassionevole. In verità Egli osserva ogni cosa

Chi potrebbe costituire un esercito per voi, e [chi potrebbe] soccorrevvi all'infuori . ۲۰  
.del Compassionevole? I miscredenti sono in preda all'inganno

Chi provvederà a voi, se Egli tratterrà la Sua provvidenza? No, essi persistono . ۲۱  
.nell'insolenza e nel rifiuto

Colui che cammina con il volto rivolto al suolo è forse meglio guidato di colui che si . ۲۲  
? erge camminando sulla retta via

Di': « Egli è Colui che vi ha creati e vi ha dato l'udito, gli occhi e i cuori». Quanto poco . ۲۳  
!Gli siete riconoscenti

.«Di': « Egli è Colui che vi ha sparsi sulla terra e verso di Lui sarete riuniti . ۲۴

.«Dicono: « A quando questa promessa? [Ditecelo,] se siete veridici . ۲۵

Di': « La conoscenza [di ciò] appartiene ad Allah. Io non sono altro che un . ۲۶  
.«ammonitore esplicito

Quando la vedranno da vicino, saranno stravolti i visi dei miscredenti e sarà detto . ۲۷  
.« !loro: « Ecco ciò che vi ostinavate a chiedere

Di': « Cosa credete? Sia che Allah faccia perire me e quelli che sono con me sia che ci . ۲۸  
«?usi misericordia, chi potrà proteggere i miscredenti da un doloroso castigo

:!Di . ۲۹

Egli è il Compassionevole! Crediamo in Lui e in Lui confidiamo. Presto saprete chi è in »  
. «errore evidente

Di': « Cosa credete? Se la vostra acqua rientrasse nelle profondità [della terra] chi vi .۳۰  
..?procurerebbe acqua sorgiva

ترجمہ روسی

!Во имя Аллаха Милостивого, Милосердного

Благословен тот, в руках которого власть и который властен над всякой . ۱  
,вещью

который создал смерть и жизнь, чтобы испытать вас, кто из вас лучше по . ۲  
– идеяниям, – Он Велик, Прощающ

который создал семь небес рядами. Ты не видишь в творении Милосердного . ۳  
?никакой несоразмерности. Обрати свой взор: увидишь ли ты расстройство

Потом обрати свой взор дважды: вернется к тебе взор с унижением и . ۴  
.утомленный

Мы украсили уже небо ближайшее светильниками, и сделали их побиением . ۵  
.для дьяволов, и уготовали им наказание огня

А для тех, кто не верует в их Господа, – мучение геенны, и скверно это . ۶  
!возвращение

.Когда бросают их в нее, слышат они ее рев, и она кипит . ۷

Готова она лопнуть от гнева; всякий раз, как бросают в нее толпу, . ۸  
"?спрашивают стражи ее: "Разве к вам не приходил увещатель

Они говорят: "Да, приходил к нам увещатель, но мы объявили его лжецом и . ۹  
."сказали: "Ничего Аллах не посылает, вы только в великом заблуждении

Они говорят: "Если бы мы слушали или разумели, то не были мы среди . ۱۰

."обитателей огня

!И они признались в своем грехе; прочь же, обитатели огня .۱۱

Те, которые боятся своего Господа втайне, для них – прощение и великая .۱۲  
награда

Таите свои слова или открывайте... Поистине, Он .۱۳



!знает про то, что в груди

?Разве же не знает тот, кто сотворил, а Он – Проникающий, Сведущий .14

Он – тот, который сделал вам землю покорной, ходите же по ее раменам и .15  
.питайтесь от Его удела; и к Нему воскресение

Обезопасены ли вы от того, кто в небе, что Он не заставит землю поглотить .16  
.вас? И вот она движется

Обезопасены ли вы от того, кто в небе, что Он найдет на вас вихрь и .17  
.узнаете вы, каково Мое увещание

!Объявляли ложью те, кто был до них; и каково было Мое негодование .18

Разве они не видят птиц над ними расширяющими (крылья), а потом – .19  
!сжимают. Никто их не держит, кроме Милосердного; Он всякую вещь видит

Разве же это тот, который – войско для вас, он вам поможет помимо .20  
!Милосердного? Неверные только в заблуждении

Разве ж это тот, кто пропитает вас, если Он задержит Свое пропитание? Да, .21  
!они погрязли в непокорности и отчуждении

Тот ли, кто идет, опрокидываясь на свое лицо, идет вернее, или тот, кто идет .22  
?ровно по прямой дороге

Скажи: "Он – тот, кто вырастил вас и даровал вам слух, и зрение, и сердце. .23  
"!Мало вы благодарите

."Скажи: "Он – тот, кто рассеял вас по земле, и к Нему вы вернетесь .24

"?И говорят они: "Когда же это обещание, если вы говорите правду .25

."Скажи: "Знание у Аллаха; я – только увещатель, ясно излагающий .26

А когда они увидели его близко, обезобразились лики тех, которые не .27

веровали, и сказали им: "Это – то, что

"!вы призывали

Скажи: "Видите ли вы, если погубит меня Аллах и тех, кто со мной, или . ۲۸  
"?помилует нас, то кто защитит неверующих от мучительного наказания

Скажи: "Он – Милосердный, мы уверовали в Него и на Него положились.. ۲۹  
"!Узнаете же вы, кто в явном заблуждении

Скажи: "Видите ли вы, если вода ваша окажется в глубине, кто придет к вам с . ۳۰  
"?водой ключевой

ترجمہ ترکی استانبولی

.Rahman ve rahîm Allah adiyle

Saltanat, tasarruf ve tedbîr, elinde olan mâbûdun an yücedir, münezzehtir ve onun – ۱  
.her eye gücü yeter

yle bir mâbuttur ki yaratm tr lûmü ve dirimi, hanginiz daha güzel i te bulunacak, ض – ۲  
.snamak için sizi ve odur üstün olan ve suğlar rten

ylesine ki birbiri üstünde olarak yedi kat gü yaratm tr; rahmânn yarat nda hiçbir ض – ۳  
uygunsuzluk, aykrılık gremezsin; artk çevir gzünü de bak, grebilir misin bir yark, bir  
?çatlak

Gene de gzünü çevir de bir daha, bir daha bak; aradñ bulamaz da gzün, mahrum bir – ۴  
.halde sana dner ve yorgundur o, bitkindir

eytanlara ق ,Ve andolsun ki biz, en yakn olan dünyâ günü klarla bezedik ve onlar – ۵  
.eytanlara, yakp kavuran bir azaptr, hazrladk ق atlacak eyler olarak halkettik ve

Ve Rablerine kâfir olanlara cehennem azâb var ve cehennem, dnülüp varlacak ne – ۶  
.de ktü yer

Oraya atldlar m duyarlar ki cehennem, kesik-kesik nefes almada ve co up kaynıyor – ۷  
.o

Neredeyse h mndan patlayp daľacak; ona, her blük atldkça muhâfz memûrlar – ˆ  
?onlara sorarlar: Size bir korkutucu gelmedi mi

Evet derler, andolsun ki geldi bize korkutucu da yalanladk onu ve Allah dedik, hiçbir – ˆ  
eyi indirmemi tir; siz ancak, pek

.büyük bir sapkılâ dü mü sünüz

.Ve e er derler, duysaydk, yahut akl etseydik yakp kavuran cehennem ehli olmazdk –   

.Derken su ların sylerler; artk rak olsun yakp kavuran cehennemin ehli –   

  phe yok ki grmedikleri halde Rablerinden korkanlaradr yarlganma ve pek b  y  k ق –     
.bir m  k  fat

.Ve sz  n  z   gizli tutun, yahut a  a vurun onu,   phe yok ki o, gn  llerde olan bilir –   

.Hi  bilmez mi yaratan ve odur kullarna l  tfeden ve her eyden haberdar olan –   

O, yle bir m  buttur ki yery  z  n  , size kar a a  gn  ll  , m  nkat ve s  kin bir halde –     
yaratm tr, k esinde, buca nda dola n artk ve yiyin m  b  dunuzun rzkndan ve dn  p  
.gidece iniz yer, gene onun tapsdr

Kudreti ve emri, gkte bulunan, y  ce olan m  b  dun, sizi yerle ber  ber –     
batrmayaca ndan emin misiniz? O vakit gr  rs  n ki o s  kin yery  z  ,   alkanp durmada,  
.titreyip kvranmada

Yoksa kudreti ve emri; gkte bulunan, y  ce olan m  b  dun, size ta lar ya  dran bir –     
r  zg  r yollamayaca ndan emin misiniz? Derken yaknda bilirsiniz naslm benim  
.korkutmam

Ve andolsun ki onlardan ncekiler de yalanlam lard, derken nasl da gelip   att –     
.az  bm

Grmezler mi   stlerinde u an ku lar? Kanatlarn a mada ve kapamada onlar, onlar –     
.gkte, ancak rahman tutmada,   phe yok ki o, her eyi gr  r

Yoksa sizi rahmandan kurtaracak ordunuz mu var? K  firler, ancak bir aldan a dalm –     
.lar

Yoksa kimdir o ki m  b  dunuz, rzknz ksarsa sizi rzklandracak? Hayr, onlar, azgnlk –     
.i inde, ger  ekten tam  myla uzak bir halde inat edip durmadalar

Artk yüzüstü sürünerek giden mi daha ziyâde doŗu yolu bulur, yoksa doŗu yolda – ٢٢  
?dümdüz giden mi

O, yle bir mâbuttur ki sizi meydana getirmi tir ve sizin için – ٢٣

.kulak ve gözler ve güllər hələki tər, ne de az ükrədersiniz

De ki: O, yəsinə bir mabuttur ki sizi yaratmışdır yeryüzündə və gənə de tərində – ۲۴  
.toplanacaksınız

.Və derlər ki: Bu vaxt, ne vaxt yerinə gələcək doğru söylüyorsanız – ۲۵

.De ki: Bilgi, ancaq Allah katındadır və ben, ancaq apaçk bir kərkutucuyum – ۲۶

Azabın yaxla tən gərdələr mi kâfir olanların yüzləri kərr və i tən deyir, bu, isteyip – ۲۷  
.durduğunuz ey

De ki: Həbər verin bana, Allah bən və bənəmlə bərabər olanlar hələk etse, yaxut da – ۲۸  
?bizə əcsa bilə kim kurtəbəlir kâfirləri elemli əzaptan

De ki: Odur rəhman, ona inəndə və ona dayəndə; artk yaxnda bilirsiniz, kimdir – ۲۹  
.apaçk sapkıkta

De ki: Həbər verin bana, suyunuz, tamâmyla batmış çəkilərsə artk kimdir sizə bir – ۳۰  
?akarsu pənər peydahlayacak

ترجمہ آذربایجانی

!Mərhəmətli, rəhmli Allahın adı ilə

Hökm (hər şeyin ixtiyarı) əlində olan Allah nə qədər ucadır (nə qədər uludur). O, hər .۱  
!şeyə qadirdir

Hənsinizin əməlcə daha gözəl olduğunu sınamaq (bəlli etmək) üçün ölümü və həyatı .۲  
.yaradan Odur. O, yənilməz qüvvət sahibidir, (çox) bağışlayandır

Yeddi göyü (bir–birinin üstündə) qat–qat yaradan da Odur. (Ey insan!) Sən Rəhmanın .۳  
yaratdığında heç bir uyğunsuzluq görməzsən. Bir gözünü qaldır (səmaya) bax, heç  
!?orada bir yarıq (çatdaq, nöqsan) görə bilərsənmi

Sonra gözünü qaldır (iki dəfə) bax. Göz orada (axtardığını tapmayıb) zəif, yorğun .۴  
!düşərək yenə də sənə tərəf qayıdacaqdır

And olsun ki, Biz dünya səmasını (yerə ən yaxın olan göyü) qəndillərlə (ulduzlarla) .۵  
bəzədik, onları şeytanlara atılan mərmilər etdik və onlar (şeytanlar) üçün yandırıb-  
.yaxan alovlu atəş əzabı hazırladıq

Rəbbini inkar edənləri cəhənnəm əzabı gözləyir. Ora .۶



!necə də pis məskəndir

Onlar (özləri kimi kafirlərlə) qaynayan Cəhənnəmə atıldıqları zaman onun dəhşətli .v  
!uğultusunu eşidəcəklər

O, (kafirlərə olan) qeyzindən az qala parça-parça olsun. Hər hansı bir tayfa ora .^  
(Cəhənnəmə) atıldıqca onun gözətçiləri onlardan (məzəmmətlə): "Məgər sizə (Allahın  
.əzabı ilə) qorxudan bir peyğəmbər gəlməmişdimi?" – deyə soruşacaqlar

Onlar deyəcəklər: "Bəli, bizə (Allahın əzabı ilə) qorxudan peyğəmbər gəlmişdi. Amma .9  
biz (onu) yalançı sayıb demişdik: "Allah heç bir şey (vəhy) nazil etməmişdir. Siz sadəcə  
"!olaraq (haqdan) çox azmısınız

Onlar: "Əgər biz (peyğəmbərlərin öyüd-nəsihətinə) qulaq asıb aqlımızı başımıza .10  
,yığsaydıq, cəhənnəm əhli içində olmazdıq!" – deyəcək

!Və beləcə öz günahlarını e'tiraf edəcəklər. Məhv olsun cəhənnəm əhli .11

Rəbbindən (Onu) görmədən qorxanları isə (günahlardan) bağışlanma və böyük bir .12  
!mükafat gözləyir

Ey insanlar!) İstər sözünüzü gizli saxlayın, istər açıq deyin (heç bir fərqi yoxdur).) .13  
!(Allah) ürəklərdə olanları biləndir

Məgər yaradan (sizin gizli saxladığınız hər şeyi) bilməzmi?! O, (hər şeyi) incəliyinə .14  
!qədər biləndir, (hər şeydən) xəbərdardır

Yeri (Yer kürəsini) sizə ram edən Odur. Onun qoynunda gəzin, (Allahın) ruzisindən .15  
!yeyin. Axır dönüş də Onadır

Ey insanlar!) Göydə olanın (Allahın) yer hərəkətə gəlib çalxalandığı zaman sizi onun) .16  
!?dibinə batırmayacağına əminsinizmi

Yaxud göydə olanın sizin üstünüzə daş yağdıran bir yel göndərməyəcəyinə .17  
arxayınsınızmi?! Onda Mənim (sizi əzabla) qorxutmağımın necə olduğunu mütləq  
.biləcəksiniz

Onlardan (Məkkə mürşiklərindən) əvvəlkilər də (öz peyğəmbərlərini) təkzib . ۱۸  
etmişdilər. (Ya Peyğəmbər! Bir görəydin) Mənim onları cəzalandırmağım (inkar  
.etməyim) necə oldu

Məgər onlar başları üstündə (səf çəkib) qanad çalaraq (qanadlarını açıb–yumaraq) . ۱۹  
uçan quşları görmürlərmi? Onları (göydə) ancaq Rəhman (olan Allah) saxlayır.  
,Həqiqətən, O

!hər şeyi görəndir

Yaxud bu əsgərləriniz (köməkçiləriniz) kimdir ki, onlar sizi Rəhmanın əzabından . ۲۰ qurtara bilsinlər?! (Bəndələri Allahın əzabından Onun ?zündən başqa heç kəs xilas edə !bilməz!) Kafirlər, sadəcə olaraq, aldanmaqdadırlar

Əgər (Allah) ?z ruzisini kəssə, sizə kim ruzi verə bilər?! Xeyr onlar (cahillikləri . ۲۱ üzündən) dikbaşlıqdan və (haqqa) nifrət etməkdən (boyun qoymamaqdan) əl .çəkmirlər

Elə isə (küfrü ucbatından) üzüstə sürünən daha haqq yoldadır, yoxsa düz yolda düz . ۲۲ !?gedən

Ya Peyğəmbər!) De: "Sizi yoxdan yaradan, sizə qulaq, göz və qəlb verən Odur. ) . ۲۳ "(Allahın ne'mətlərinə) nə az şükür edirsiniz

De: "Sizi yer üzünə yayıb səpələyən Odur. (Qiyamət günü) Onun hüzuruna . ۲۴ " !toplanacaqsınız

Onlar (müşriklər) deyirlər: "Əgər doğru danışarlarsınızsa, (bir xəbər verin . ۲۵ "?görək) bu və'd (haqq-hesab, cəza) nə vaxt yerinə yetəcəkdir

De: "Onu bilmək yalnız Allaha məxsusdur. Mən isə ancaq (sizi Allahın əzabı ilə) açıq- . ۲۶ " !aşkar qorxudan bir peyğəmbərəm

Kafirlər əzabın yaxınlaşdığını gördükləri zaman üzləri eybəcər kökə düşəcək . ۲۷ (qaralacaq) və onlara: "Sizin (dünyada) istədiyiniz (və həmişə istehza edib .inanmadığınız) əzab budur!" – deyiləcəkdir

Ya Peyğəmbər! Bu müşriklərə) de: "Bir deyın görək, istər Allah məni və mənimlə ) . ۲۸ birlikdə olanları məhv etsin, istərsə də bizə bir mərhəmət əta etsin; siz kafirləri şiddətli əzabdan (Allahın əzabından) kim qurtara bilər?! (Biz ölsək də, qalsaq da, bu sizə heç bir fayda verməz. Allahın əzabından nıcat tapmaq üçün ancaq Onun haqq dininə iman (gətirmək lazımdır

De: "O bizim iman gətirdiyimiz və təvəkkül etdiyimiz Rəhmandır. Kimin (haqq . ۲۹

"İyoldan) açıq-aydın azmış olduğunu (tezliklə) biləcəksiniz

De: "Bir söyləyin görək, əgər suyunuz çəkilib (yerin dibinə) getsə, (Allahdan başqa) .۳.  
kim sizə

## ترجمہ اردو

شروع خدا کا نام لے کر جو بے المہربان نہایت رحم والا ہے

۱. وہ (خدا) جس کے ہاتھ میں بادشاہی ہے وہی برکت والا ہے اور وہ ہر چیز پر قادر ہے

۲. اسی نے موت اور زندگی کو پیدا کیا تاکہ تمہاری آزمائش کرے کہ تم میں کون اچھے عمل کرتا ہے اور وہ زبردست (اور) بخشنے والا ہے

۳. اس نے سات آسمان اوپر تلے بنائے (۱) دیکھنے والے) کیا تو (خدا) رحمن کی آفرینش میں کچھ نقص دیکھتا ہے؟ ذرا آنکھیں ملے کر دیکھو بلا تجھ کو (آسمان میں) کوئی شکاف نظر آتا ہے؟

۴. پھر دو بار (سے بار) نظر کر، تو نظر (ہر بار) تیرے پاس ناکام اور تھک کر لو آئے گی

۵. اور ہم نے قریب کے آسمان کو (تاروں کے) چراغوں سے زینت دی ہے اور ان کو شیطان کے مارنے کا آلہ بنایا اور ان کے لئے دھمکتی آگ کا عذاب تیار کر رکھا ہے

۶. اور جن لوگوں نے اپنے پروردگار سے انکار کیا ان کے لئے جہنم کا عذاب ہے اور وہ برا ہے کانٹا ہے

۷. جب وہ اس میں آئے جائیں گے تو اس کا چیخنا چلانا سنیں گے اور وہ جوش مار رہی ہوگی

۸. گویا مارے جوش کے پتے پتے گئے جب اس میں ان کی کوئی جماعت الی جائے گی تو دوزخ کے داروغہ ان سے پوچھیں گے کہ تمہارے پاس کوئی ہدایت کرنے والا نہیں آیا تھا؟

۹. وہ کہیں گے کیوں نہیں ضرور ہدایت کرنے والا آیا تھا لیکن ہم نے اس کو جہنم

دیا اور کہ! خدا نہ تو کوئی چیز نازل کی نہ یہ کی تم تو بلی غلطی میں (پہلے ہوئے) ہو

۱۰. اور کہ یہ گے اگر ہم سستے یا سمجھتے ہوتے تو دوزخیوں میں نہ ہوتے

۱۱. پس وہ اپنے گناہ کا اقرار کر لیں گے سو دوزخیوں کے لئے (رحمت خدا سے) دور کی

۱۲. (اور) جو لوگ بن دیکھے اپنے پروردگار سے ہر تہہ پہن ان کے لئے بخشش اور اجر عظیم

۱۳. اور تم (لوگ) بات پوشیدہ کہو یا ظاہر کہو دل کے بے یار و مددگار تک سے واقف

۱۴. بلا جس نہ پیدا کیا وہ بے خبر؟ وہ تو پوشیدہ باتوں کا جاننے والا اور (ہر چیز سے) آگاہ

۱۵. وہی تو جس نے تمہارے لئے زمین کو نرم کیا تو اس کی راہوں میں چلو پھرو اور خدا کا (دیا ہو) رزق کا اڑ اور تم کو اسی کے پاس (قبروں سے) نکل کر جانا

۱۶. کیا تم اس سے جو آسمان میں بے خوف ہو کہ تم کو زمین میں دھنسا دے اور وہ اس وقت حرکت کرنے لگے

۱۷. کیا تم اس سے جو آسمان میں ہر ذرہ کو تم پر کنکر باری ہوا چلو دے سو تم عنقریب جان لو گے کہ میرا رانا کیسا

۱۸. اور جو لوگ ان سے پہلے تھے انہوں نے بلی جھٹلایا تھا سو (دیکھ لو کہ) میرا کیسا عذاب ہوا

۱۹. کیا انہوں نے اپنے سروں پر اٹھائے ہوئے جانوروں کو نہ دیکھا جو پروں کو پہیلانے والے ہیں اور ان کو سکیں بلی لیتے ہیں خدا کے

سوا انہیں کوئی تلام نہیہ سکتا بیشک و ہر چیز کو دیکھ رہا ہوں

۲۰. بلا ایسا کون ہے جو تمہاری فوج کو کر خدا کے سوا تمہاری مدد کر سکے کافر تو دلوک میں ہے

۲۱. بلا اگر وہ اپنا رزق بند کرے تو کون ہے جو تم کو رزق دے؟ لیکن یہ سرکشی اور نفرت میں پھنسے ہوئے ہے

۲۲. بلا جو شخص چلتا ہوا منہ کے بل گر پڑتا ہے وہ سیدھے رستے پر ہے یا وہ جو سیدھے رستے پر برابر چل رہا ہو؟

۲۳. کہو وہ خدا ہی تو ہے جس نے تم کو پیدا کیا اور تمہارے کان اور آنکھیں اور دل بنائے (مگر) تم کم احسان مانتے ہو

۲۴. کہو دو کہ وہی ہے جس نے تم کو زمین میں پھیلایا اور اسی کے روبرو تم جمع کئے جاؤ گے

۲۵. اور کافر کہتے ہیں کہ اگر تم سچے ہو تو یہ وعید کب (پورا) ہوگا؟

۲۶. کہو دو اس کا علم خدا ہی کو ہے اور میں تو کلہول کلہول کر رہے سنائے دینے والا ہوں

۲۷. سو جب وہ دیکھے لیے گئے کہ وہ (وعدہ) قریب آگیا تو کافروں کے منہ پر ہوجائے گئے اور (ان سے) کہہ جائے گا کہ یہ وہی ہے جس کے تم خواستگار تھے

۲۸. کہو کہ بلا۔ دیکھو تو اگر خدا مجھے کو اور میرے ساتھیوں کو بلا۔ کُ کر دے یا ہم پر مہربانی کرے تو کون ہے کافروں کو دے دینے والے عذاب سے پناہ دے؟

۲۹. کہو دو کہ وہ جو (خدائے) رحمن (ہے) ہم اسی پر ایمان لائے اور

اسی پر بلروسا رکھتے ہیں۔ تم کو جلد معلوم ہو جائے گا کہ صریح گمراہی میں کون پہ ر ہا تھا۔

۳۰. کہو کہ بلا۔ دیکھو تو اگر تمہارا پانی (جو تم پیتے ہو اور برتن ہو) خشک ہو جائے تو (خدا کہ) سوا کون ہے جو تمہارے لئے شیریں پانی کا چشمہ بلا لائے۔

### ترجمہ پشتو

(۱) \$

(۲) \$

(۳) \$

(۴) \$

(۵) \$

(۶) \$

(۷) \$

(۸) \$

(۹) \$

(۱۰) \$

(۱۱) \$

(۱۲) \$

(۱۳) \$

(۱۴) \$

(۱۵) \$

(۱۶) \$



(۱۷) \$

(۱۸) \$

(۱۹) \$

(۲۰) \$

(۲۱) \$

(۲۲) \$

(۲۳) \$

(۲۴) \$

(۲۵) \$

(۲۶) \$

(۲۷) \$

(۲۸) \$

(۲۹) \$

(۳۰) \$

## ترجمه کردی

(۱) \$

(۲) \$

(۳) \$

(۴) \$

(۵) \$

(۶) \$

(۷) \$

(۸) \$

(۹) \$

(۱۰) \$

(۱۱) \$

(۱۲) \$

(۱۳) \$

(۱۴) \$

(۱۵) \$

(۱۶) \$

(۱۷) \$

(۱۸) \$

(۱۹) \$

(۲۰) \$

(۲۱) \$

(۲۲) \$

(۲۳) \$

(۲۴) \$

(۲۵) \$

(۲۶) \$

(۲۷) \$

(۲۸) \$

(۲۹) \$

(۳۰) \$

### ترجمہ اندونزی

Mereka menjawab:" Benar ada, sesungguhnya telah datang kepada kami seorang pemberi peringatan, maka kami mendustakan (nya) dan kami katakan:" Allah tidak menurunkan sesuatu pun, kamu tidak lain hanyalah di dalam kesesatan yang besar".

((۹

Dan mereka berkata:" Sekiranya kami mendengarkan atau memikirkan (peringatan itu) niscaya tidaklah kami termasuk penghuni- penghuni neraka yang menyala- (nyala)".(۱۰

Mereka mengakui dosa mereka. Maka kebinasaanlah bagi penghuni- penghuni (neraka yang menyala- nyala).(۱۱) (۲

Sesungguhnya orang- orang yang takut kepada Tuhannya Yang tidak nampak oleh (mereka, mereka akan memperoleh ampunan dan pahala yang besar).(۱۲) (۳

Dan rahasiakanlah perkataanmu atau lahirkanlah; sesungguhnya Dia Maha (Mengetahui segala isi hati).(۱۳) (۴

Apakah Allah Yang menciptakan itu tidak mengetahui (yang kamu lahirkan dan (rahasiakan); dan Dia Maha Halus lagi Maha Mengetahui (۱۴) (۵

Dialah Yang menjadikan bumi itu mudah bagi kamu, maka berjalanlah di segala penjurunya dan makanlah sebahagian dari rezeki- Nya. Dan hanya kepada- Nya- lah (kamu (kembali setelah) dibangkitkan).(۱۵) (۶

Apakah kamu merasa aman terhadap Allah yang di langit bahwa Dia akan menjungkir (balikkan bumi bersama kamu, sehingga dengan tiba-tiba bumi itu berguncang, (١٤) (٧ atau apakah kamu merasa aman terhadap Allah yang di langit bahwa Dia akan mengirimkan badai yang berbatu. Maka

kelak kamu akan mengetahui bagaimana (akibat mendustakan) peringatan- Ku (١٧)  
((٨

Dan sesungguhnya orang- orang yang sebelum mereka telah mendustakan (rasul-  
(rasul- Nya). Maka alangkah hebatnya kemurkaan- Ku. (١٨) (٩

Dan apakah mereka tidak memperhatikan burung- burung yang mengembangkan  
dan mengatupkan sayapnya di atas mereka Tidak ada yang menahannya (di udara)  
(selain Yang Maha Pemurah. Sesungguhnya Dia Maha Melihat segala sesuatu. (١٩) (١٠

Atau siapakah dia yang menjadi tentara bagimu yang akan menolongmu selain  
daripada Allah Yang Maha Pemurah Orang- orang kafir itu tidak lain hanyalah dalam  
(keadaan) tertipu. (٢٠) (١١

Atau siapakah dia ini yang memberi kamu rezeki jika Allah menahan rezeki- Nya  
Sebenarnya mereka terus- menerus dalam kesombongan dan menjauhkan diri (٢١)  
((١٢

Maka apakah orang yang berjalan terjungkel di atas mukanya itu lebih banyak  
mendapat petunjuk ataukah orang yang berjalan tegap di atas jalan yang lurus (٢٢)  
((١٣

Katakanlah:" Dia- lah Yang menciptakan kamu dan menjadikan bagi kamu  
(pendengaran, penglihatan dan hati". (Tetapi) amat sedikit kamu bersyukur. (٢٣) (١٤

Katakanlah:" Dia- lah Yang menjadikan kamu berkembang biak di muka bumi, dan  
(hanya kepada- Nya- lah kamu kelak dikumpulkan".(٢٤) (١٥

Dan mereka berkata:" Kapanakah datangnya ancaman itu jika kamu adalah orang-  
(orang yang benar".(٢٥) (١٦

Katakanlah:" Sesungguhnya ilmu (tentang hari kiamat itu) hanya pada sisi Allah. Dan  
(sesungguhnya aku hanyalah seorang pemberi peringatan yang menjelaskan". (٢٦) (١٧

Ketika mereka melihat azab (pada hari kiamat) sudah dekat, muka orang- orang kafir  
itu menjadi muram. Dan dikatakan (kepada mereka) inilah (azab) yang dahulunya

(kamu selalu meminta- mintanya. (٢٧) (١٨

Katakanlah:" Terangkanlah kepadaku jika Allah mematikan

aku dan orang-orang yang bersama dengan aku atau memberi rahmat kepada kami,  
(maka kami akan masuk surga), tetapi siapakah yang dapat melindungi orang-orang  
(yang kafir dari siksa yang pedih)".(۲۸) (۱۹

Katakanlah:" Dia-lah Allah Yang Maha Penyayang, kami beriman kepada-Nya dan  
kepada-Nya-lah kami bertawakal. Kelak kamu akan mengetahui siapakah dia yang  
(berada dalam kesesatan yang nyata)".(۲۹) (۲۰

Katakanlah:" Terangkanlah kepadaku jika sumber air kamu menjadi kering; maka  
(siapakah yang akan mendatangkan air yang mengalir bagimu)".(۳۰) (۲۱

(Dengan menyebut nama Allah Yang Maha Pemurah lagi Maha Penyayang. (۲۲

(Nun, demi kalam dan apa yang mereka tulis.(۱) (۲۳

(Berkat nikmat Tuhanmu kamu) Muhammad (sekali-kali bukan orang gila).(۲) (۲۴

Dan sesungguhnya bagi kamu benar-benar pahala yang besar yang tidak putus-  
(putusnya).(۳) (۲۵

(Dan sesungguhnya kamu benar-benar berbudi pekerti yang agung).(۴) (۲۶

Maka kelak kamu akan melihat dan mereka (orang-orang kafir) pun akan melihat,(۵)  
((۲۷

(Siapa di antara kamu yang gila).(۶) (۲۸

Sesungguhnya Tuhanmu, Dia-lah Yang Paling Mengetahui siapa yang sesat dari  
jalan-Nya; dan Dia-lah Yang Paling Mengetahui orang-orang yang mendapat  
(petunjuk).(۷) (۲۹

(Maka janganlah kamu ikuti orang-orang yang mendustakan (ayat-ayat Allah).(۸) (۳۰

ترجمہ مالیزیائی

Dengan nama Allah, Yang Maha Pemurah, lagi Maha Mengasihani

Maha Berkat (serta Maha Tinggi) Tuhan yang menguasai pemerintahan  
((dunia dan akhirat); dan memanglah Ia Maha Kuasa atas tiap-tiap sesuatu; (1

Dia lah yang telah mentakdirkan adanya mati dan hidup (kamu) – untuk menguji dan  
menzahirkan keadaan kamu: siapakah di antara kamu yang lebih baik amalnya; dan  
Ia Maha Kuasa (membalas amal



(kamu), lagi Maha Pengampun, (bagi orang-orang yang bertaubat); ﴿

Dia lah yang telah mengaturkan kejadian tujuh petala langit yang berlapis-lapis; engkau tidak dapat melihat pada ciptaan Allah Yang Maha Pemurah itu sebarang keadaan yang tidak seimbang dan tidak munasabah; (jika engkau ragu-ragu) maka (ulangilah pandangan – (mu) – dapatkah engkau melihat sebarang kecacatan? ﴿

Kemudian ulangilah pandangan (mu) berkali-kali, nescaya pandanganmu itu akan berbalik kepadamu dengan hampa (daripada melihat sebarang kecacatan), sedang ia (pula berkeadaan lemah lesu (kerana habis tenaga dengan sia-sia). ﴿

Dan demi sesungguhnya! Kami telah menghiasi langit yang dekat (pada penglihatan penduduk bumi) dengan bintang-bintang, dan Kami jadikan bintang-bintang itu punca rejaman terhadap Syaitan-syaitan; dan Kami sediakan bagi mereka azab neraka (yang menjulang-julang. ﴿

Dan bagi orang-orang yang kufur ingkar terhadap Tuhan mereka, disediakan azab (neraka Jahannam, dan itulah seburuk-buruk tempat kembali. ﴿

Apabila mereka dicampakkan ke dalamnya, mereka mendengar suara jeritannya (meraung-raung, sedang ia menggelegak. ﴿

Hampir-hampir ia pecah berkecai-kecai kerana kuat marahnya. Tiap-tiap kali dicampakkan ke dalamnya sekumpulan besar (dari orang kafir), bertanyalah penjaga-penjaga neraka itu kepada mereka: "Tidakkah kamu pernah didatangi (seorang Rasul pemberi ingatan dan amaran (di dunia dahulu)?" ﴿

Mereka menjawab: "Ada! Sebenarnya telah datang kepada kami seorang Rasul pemberi ingatan dan amaran, lalu kami dustakan serta kami katakan (kepadanya): Allah tidak menurunkan sesuatupun, kamu (wahai orang yang mendakwa menjadi (Rasul) hanyalah berada dalam kesesatan yang besar!" ﴿

Dan mereka berkata: "Kalaulah kami dahulu mendengar dan memahami (sebagai orang yang mencari kebenaran), tentulah kami tidak termasuk dalam kalangan ahli (neraka". ﴿

Akhirnya mereka mengakui dosa-dosa mereka

sebagai orang-orang yang kufur ingkar), maka tetaplah jauhnya rahmat Allah dari)  
(ahli neraka. (۱۱)

Sesungguhnya orang-orang yang takut (melanggar hukum) TuhanNya semasa mereka tidak dilihat orang dan semasa mereka tidak melihat azab Tuhan, mereka  
(beroleh keampunan dan pahala yang besar. (۱۲)

Dan tuturkanlah perkataan kamu dengan perlahan atau dengan nyaring, (sama sahaja keadaannya kepada Allah), kerana sesungguhnya Allah Maha Mengetahui  
(akan segala (isi hati) yang terkandung di dalam dada. (۱۳)

Tidakkah Allah yang menciptakan sekalian makhluk itu mengetahui (segala-galanya)?  
Sedang Ia Maha Halus urusan PentadbiranNya, lagi Maha Mendalam  
(PengetahuanNya! (۱۴)

Dia lah yang menjadikan bumi bagi kamu: mudah digunakan, maka berjalanlah di  
merata-rata ceruk rantaunya, serta makanlah dari rezeki yang dikurniakan Allah; dan  
(ingatlah), kepada Allah jualah (tempat kembali kamu sesudah) dibangkitkan hidup  
(semula; (maka hargailah nikmatNya dan takutilah kemurkaanNya). (۱۵)

Patutkah kamu merasa aman (tidak takut) kepada Tuhan yang pusat  
pemerintahannya di langit itu: menunggang-balikkan bumi menimbus kamu, lalu  
(bergegarlah bumi itu dengan serta-merta (melenyapkan kamu di bawahnya)? (۱۶)

Atau patutkah kamu merasa aman (tidak takut) kepada Allah yang pusat  
pemerintahannya di langit itu: menghantarkan kepada kamu angin ribut yang  
menghujani kamu dengan batu; maka dengan itu, kamu akan mengetahui kelak  
(bagaimana buruknya kesan amaranKu? (۱۷)

Dan demi sesungguhnya! orang-orang (kafir) yang terdahulu daripada mereka telah  
mendustakan (rasul-rasulnya lalu mereka dibinasakan); dengan yang demikian,  
(perhatikanlah) bagaimana buruknya kesan kemurkaanKu. (۱۸)

Patutkah mereka menutup mata dan tidak memerhatikan (kekuasaan Allah pada)  
burung-burung yang terbang di atas mereka, (siapakah yang menjaganya ketika)

burung-burung itu mengembang dan menutupkan sayapnya? Tidak ada yang  
(menahannya (daripada jatuh) melainkan (kekuasaan

Allah Yang Maha Pemurah. Sesungguhnya Ia Maha Melihat serta mengetahui akan  
(tiap-tiap sesuatu). (١٩)

Bahkan siapa dia yang menjadi tentera bagi kamu, yang akan menolong kamu selain dari Allah Yang Maha Pemurah? (Sebenarnya) orang-orang yang kafir tidak lain  
(hanyalah berada dalam keadaan terpedaya). (٢٠)

Atau siapa dia yang dapat memberi rezeki kepada kamu jika Allah menahan rezekiNya? (Tidak ada sesiapaupun), bahkan mereka (yang musyrik itu) kekal terus  
(dalam keadaan sombong angkuh serta melarikan diri (dari kebenaran)). (٢١)

Maka adakah orang yang berjalan (melalui jalan yang tidak betul, yang menyebabkan dia selalu jatuh) tersungkur di atas mukanya: boleh mendapat hidayah – atau orang  
(yang berjalan tegak betul, melalui jalan yang lurus rata? (٢٢)

Katakanlah (wahai Muhammad): "Allah yang menciptakan kamu (dari tiada kepada ada), dan mengadakan bagi kamu pendengaran dan penglihatan serta hati (untuk  
(kamu bersyukur, tetapi) amatlah sedikit kamu bersyukur". (٢٣)

Katakanlah lagi: "Dia lah yang mengembangkan kamu di bumi, dan kepadaNya lah  
(kamu akan dihipunkan)". (٢٤)

Dan mereka (yang ingkar) berkata: "Bilakah datangnya (hari kiamat) yang dijanjikan  
(itu, jika betul kamu orang-orang yang benar?" (٢٥)

Katakanlah (wahai Muhammad): "Sesungguhnya ilmu pengetahuan (tentang masa kedatangannya) hanya ada pada sisi Allah, dan sesungguhnya aku hanyalah seorang  
(Rasul pemberi ingatan dan amaran yang terang nyata". (٢٦)

Kemudian apabila (datang kiamat dan) mereka melihat (azab) yang dijanjikan itu secara dekat, muramlah muka orang-orang yang kafir itu, serta dikatakan (kepada mereka): "Inilah dia yang dahulu kamu kerap kali minta disegerakan  
(kedatangannya!". (٢٧)

Tanyalah (wahai Muhammad, kepada mereka): "Bagaimana fikiran kamu, jika Allah

binasakan daku dan orang-orang yang bersama-sama denganku (sebagaimana

yang kamu harap-harapkan), atau Ia memberi rahmat kepada kami (sehingga kami dapat mengalahkan kamu), – maka siapakah yang dapat melindungi orang-orang (yang kafir dari azab seksa yang tidak terperi sakitnya?". (٢٨

Tegaskan (wahai Muhammad, kepada mereka): "Allah Dia lah Yang Maha Pemurah, yang kami beriman kepadaNya, dan yang kepadaNya kami berserah diri; oleh itu kamu akan mengetahui kelak siapakah yang berada dalam kesesatan yang nyata". ((٢٩

Katakanlah lagi: "Bagaimana fikiran kamu, sekiranya air kamu hilang lenyap (di telan bumi), maka siapakah (selain Allah) yang dapat mendatangkan kepada kamu air yang (sentiasa terpancar mengalir?". (٣٠

ترجمہ سواحیلی

Kwajina la Mwenyeezi Mungu, Mwingi wa rehema, Mwenye kurehemu

Ametukuka yule ambaye mkononi mwake umo ufalme, naye ni Mwenye uwezo juu .١  
.ya kila kitu

Ambaye ameumba kifo na uzima ili kukujaribuni, ni nani miongoni mwenu aliye na .٢  
.vitendo vizuri zaidi, naye ni Mwenye nguvu, Mwingi wa kusamehe

Ambaye ameumba mbingu saba zilizo tabaka tabaka, huoni tofauti yoyote katika .٣  
uumbaji wa Mwenyeezi Mungu Mwingi wa rehema, basi rudisha macho, je unaona  
?kosa

Tena rudisha macho mara kwa mara, mtazamo wako utarudia hali ya mahangaiko .٤  
.na mchoko

Na kwa hakika tumeipamba mbingu ya karibu kwa mataa na tumeyafanya ili kupiga .٥  
.mashetani, na tumewawekea tayari adhabu ya Moto uwakao

Na kwa waliomkufuru Mola wao iko adhabu ya Jahannam na ni marejeo mabaya .٦  
!mno

.Watakapotupwa humo watasikia mngurumo wake nao unafoka .v

Unakaribia kupasuka kwa hasira kila mara kundi litakapotupwa humo walinzi wake .^

?watawauliza; Je, hakuwafikieni Muonyaji

Watasema: Kwa nini, alitufikia muonyaii lakini tulikadhibisha na tulisema: . 9

Mwenyeezi



.Mungu hakuteremsha chochote nyinyi hammo ila katika upotovu mkubwa

Na watasema: Kama tungelisikia au tungelikuwa na akili hatungekuwa katika watu . ١٠  
.wa Motoni

.Na watakiri dhambi zao, basi kuangamia kumewastahiki watu wa Motoni . ١١

Hakika wale wanaomuogopa Mola wao kwa siri wao watapata msamaha na . ١٢  
.malipo makubwa

.Na ficheni kauli yenu au idhihirisheni hakika yeye ni Mjuzi wa yaliyomo vifuani . ١٣

.Je, asijue aliyeumba? naye ndiye aonaye visivyoonekana Mwenye khabari . ١٤

Yeye ndiye aliyefanya ardhi laini kwa ajili yenu, basi nendeni katika pande zake na . ١٥  
.kuleni katika nziki zake, na kwake ndio marejeo

Je, mnadhani mko salama kwa alioko mbinguni ya kuwa yeye hatakididimizeni . ١٦  
.ardhini, na huku inataharaki

Au je, mnadhani mko salama kwa alioko mbinguni kuwa yeye hatakuleteeni . ١٧  
.kimbunga chenye changarawe? basi karibuni mtajua lilivyo onyo langu

Na bila shaka wamekwisha kadhibisha wale wa kabla yao, basi lilikuwaje kasiriko . ١٨  
?langu

Je, hawaoni ndege walioko juu yao wakizinyoosha (mbawa zao) na kuzikunja? . ١٩  
Hakuna awashikiliaye ila Mwenyeezi Mungu Mwingi wa rehema, hakika yeye anaona  
.kila kitu

Au ni lipi hilo jeshi lenu liwezalo kukunusuruni pasipo Mwenyeezi Mungu Mwingi wa . ٢٠  
.rehema? Hawako makafiri ila katika udanganyifu

Au ni nani ambaye atakupeni riziki kama akizuia riziki zake? bali wanaendelea . ٢١  
.katika uasi na chuki

Je anayekwenda kifudifudi kwa uso wake ni mwongofu zaidi au anayekwenda . ٢٢

.sawasawa katika njia iliyonyooka

Sema: Yeye ndiye aliyekuumbeni na akakupeni masikio na macho na nyoyo, kidogo .۲۳  
.tu mnayoshukuru

.Sema: Yeye ndiye aliyekutawanyeni katika ardhi, na kwake mtakusanywa .۲۴

Nao husema: Lini (itatimizwa) ahadi .۲۵

?hii ikiwa mnasema kweli

Sema: Kwa hakika elimu iko kwa Mwenyeezi Mungu na hakika Mimi ni Muonyaji tu .۲۶  
.abainishaye

Lakini watakapoiona karibu, nyuso za waliokufuru zitahuzunika, na itasemwa: . ۲۷  
.Hayo ndiyo mliyokuwa mkiyaomba

Sema: Niambieni kama Mwenyeezi Mungu akiniangamiza mimi na walio pamoja . ۲۸  
nami, au akiturehemu, basi ni nani atakayewalinda makafiri katika adhabu yenye  
?kuumiza

Sema: Yeye ndiye Mwenye huruma tunamwamini yeye, na kwake tunaiegemea na . ۲۹  
.karibuni mtajua ni nani aliye katika upotovu dhahiri

Sema: Mnaonaje, kama maji yenu yakiwa yamezama, basi nani atakuleteeni maji . ۳۰  
?safi yenye kutiririka

تفسير سورة

تفسير الميزان

صفحه ی ۵۸۲

(۶۷) سورة ملک مکی است و سی آیه دارد (۳۰)

[سورة الملك (۶۷): آیات ۱ تا ۱۴] ترجمه آیات به نام خداوند بخشنده بخشایشر،

پر برکت است خدایی که ملک به دست اوست و او بر هر چیزی توانا است (۱).

صفحه ی ۵۸۳ \_\_\_\_\_

کسی که موت و حیات را آفریده تا شما را بیازماید که کدامتان خوش رفتارترید و او عزیزی آمرزنده است (۲).

آن خدایی که هفت طبقه آسمان را آفرید تو در خلق رحمان هیچ تفاوتی نمی بینی به دقت نظر کن آیا هیچ فطور و اختلالی  
در نظام عالم به چشم می خورد؟ (۳).

نه، مسلماً اگر دوباره هم نظر بیندازی پلک چشمت از خستگی می افتد و اختلالی نخواهی یافت (۴).

ما آسمان دنیا را با چراغهایی زینت دادیم و آنها را وسیله رجم شیطانها قرار دادیم (تا برای شنیدن اخبار غیبی به آسمان نزدیک نشوند) و برای آن شیطانها عذابی دردناک تهیه کرده ایم (۵).

و کسانی هم که به پروردگار خود کافر شدند عذاب جهنم دارند و چه بد بازگشت گاهی است (۶).

زمانی که در آتش افکنده می شوند

از آتش صدای نفسی می شنوند که با همان نفس ایشان را چون هوا به داخل خود می کشد در حالی که فوران می کند (۷).

گویی از شدت غضب می خواهد متلاشی شود هر فوجی که داخل آن می شود خازنان آتش می پرسند مگر پیامبری بیم رسان برایتان نیامد؟ (۸).

می گویند چرا آمد ولی ما تکذیب کردیم و گفتیم خدا هیچ پیامی نازل نکرده و شما با سایرین هیچ فرقی ندارید جز اینکه در ضلالتی بزرگ هستید (۹).

و نیز می گویند (وا حسرتا) اگر گوش داده بودیم و تعقل می کردیم از دوزخیان نمی بودیم (۱۰).

و در آخر به گناه خود اعتراف می کنند، پس خرد و نابود باد یاران دوزخ (۱۱).

محققا کسانی که از پروردگار خود با اینکه او را ندیده اند حساب می برند و نگرانی دارند آمرزش و اجری کبیر دارند (۱۲).

و شما سخن خود را چه فاش بگویید و چه پنهان بدانید، او دانای به اسرار نهفته در سینه ها است (۱۳).

آیا کسی که موجودات را آفریده از حال آنها آگاه نیست؟ در حالی که او از اسرار دقیق با خبر و نسبت به همه چیز عالم است (۱۴).

بیان آیات [اشاره به غرض سوره مبارکه ملک

غرض این سوره بیان عمومیت ربوبیت خدای تعالی برای تمامی عالم است، در مقابل  
صفحه ی ۵۸۴

مسلك وثنی ها كه معتقدند برای هر يك از نواحی عالم ربی جداگانه است كه یا از خیل فرشتگان است، و یا از مخلوقات دیگر، و خدای عز و جل رب همه عالم نیست، بلکه تنها رب آن ارباب است و بس.

و به همین جهت در این سوره بسیاری از نعمت های الهی از خلقت و تدبیر را نام می برد، چون در حقیقت ذکر این

نعمت‌ها استدلالی است بر ربوبیت عامه الهی.

و نیز به همین مناسبت است که سخن را با کلمه "تبارک" آغاز کرده، چون این کلمه به معنای کثرت صدور برکات از ناحیه خدای عز و جل است، و نیز مکرر جناب ربوبی را به صفت رحمان که مبالغه در رحمت است می ستاید، چون رحمت، همان عطیه در قبال استدعای حاجتمند است، و در این سوره سخنی هم از انذار و تهدید آمده، و در آخر به مساله حشر و قیامت منتهی می گردد.

و مضامین آیات آن به دو مساله خلاصه می شود: یکی دعوت به اینکه یگانگی او در ربوبیت را بپذیرند، و دوم اینکه به معاد معتقد شوند و این سوره به شهادت سیاق آیاتش در مکه نازل شده است.

[افاده کمال تسلط خدا بر ملک در جمله "بِإِيدِهِ الْمُلْكُ"]

"تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ" کلمه "تبارک" در باره هر چیزی استعمال شود از کثرت صدور خیرات و برکات از آن چیز خبر می دهد.

و جمله "الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ" از آنجا که مطلق است شامل تمامی ملک‌ها می گردد، و این تعبیر یعنی "خدایی که ملک به دست اوست" استعاره به کنایه است، می خواهد به طور کنایه از کمال تسلط خدا بر ملک خبر دهد، و بفهماند آن چنان ملک در مشیت او است که به هر نحو بخواهد در آن تصرف می کند، همانطور که یک انسان نیرومند موم را در دست خود به هر شکل بخواهد در می آورد و می چرخاند، پس خدای تعالی به نفس خود مالک هر چیز و از هر جهت است، و نیز مالک ملک هر مالک دیگر است.

پس توصیف خدای عز

و جل به اینکه ملک به دست اوست، توصیفی است وسیع تر از توصیف او به "ملیک" در جمله "عِنْدَ مَلِیکٍ مُّقْتَدِرٍ" «۱»، و صریح تر و مؤکدتر است از توصیف او در جمله "لَهُ الْمُلْكُ" «۲».

و جمله "وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ" اشاره است به اینکه قدرت خدای تعالی محدود

---

(۱) سوره قمر، آیه ۵۵.

---

(۲) سوره تغابن، آیه ۱.

صفحه ی ۵۸۵

به هیچ حدی و منتهی به هیچ نهایی نیست، و لازمه اطلاق ملک هم به حسب سیاق همین است، هر چند که صرف نظر از سیاق، مطلق آوردن ملک (که از صفات فعل است) از لوازم اطلاق قدرت است که از صفات ذات است.

در این آیه شریفه علاوه بر آنچه افاده نمود، اشاره ای هم به حجتی دارد که با آن حجت بر امکان معاد استدلال می شود، و توضیحش به زودی می آید.

[وجه اینکه فرمود: "خَلَقَ الْمَوْتَ ..."]

"الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلِغَكُمْ أَحْسَنَ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ" کلمه "حیات" در مورد چیزی بکار می رود که آن چیز حالتی دارد که به خاطر داشتن آن حالت دارای شعور و اراده شده است. و کلمه "موت" به معنای نداشتن آن حالت است، چیزی که هست به طوری که از تعلیم قرآن برمی آید معنای دیگری به خود گرفته، و آن عبارت از این است که همان موجود دارای شعور و اراده از یکی از مراحل زندگی به مرحله ای دیگر منتقل شود، قرآن کریم صرف این انتقال را موت خوانده با اینکه منتقل شونده شعور و اراده خود را از دست نداده، هم چنان که از آیه "نَحْنُ قَدْزَنَا بَيْنَكُمُ الْمَوْتَ ... فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ" «۱»

این معنا استفاده می شد، بنا بر این دیگر نباید پرسید: چرا در آیه مورد بحث فرموده: "خدا موت و حیات را آفریده" مگر مرگ هم آفریدنی است؟ چون گفتیم: از تعلیم قرآن برمی آید که مرگ به معنای عدم حیات نیست، بلکه به معنای انتقال است. امری است وجودی که مانند حیات خلقت پذیر است.

علاوه بر این اگر مرگ را امر عدمی بگیریم، همانطور که عامه مردم هم چنین می پندارند، باز خلقت پذیر هست، چون این عدم با عدمهای صرف فرق دارد و مانند کوری و تاریکی، عدم ملکه است، که حظی از وجود دارد.

[مفاد اینکه در تعلیل آفرینش موت و حیات فرمود: "لِيُبْلُوَكُمْ أَئِيَّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا"]

جمله "لِيُبْلُوَكُمْ أَئِيَّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا" بیانگر هدف از خلقت موت و حیات است، و با در نظر گرفتن اینکه کلمه "بلاء" (که مصدر لیبلوکم است) به معنای امتحان است، معنای آیه چنین می شود: خدای تعالی شما را اینطور آفریده که نخست موجودی زنده باشید، و سپس بمیرید، و این نوع از خلقت مقدمی و امتحانی است، و برای این است که به این وسیله خوب شما از بدتان متمایز شود، معلوم شود کدامتان از دیگران بهتر عمل می کنید، و معلوم است که این امتحان و این تمایز برای هدفی دیگر است، برای پاداش و کیفری است که بشر با آن مواجه خواهد شد.

---

(۱) ما در میان شما مرگ را مقدر ساختیم ... در آنچه که نمی دانید. سوره واقعه، آیه ۶۰ و ۶۱.

صفحه ی ۵۸۶

---

آیه مورد بحث علاوه بر مفادی که گفتیم افاده می کند، اشاره ای هم به این نکته دارد که مقصود بالذات از خلقت رساندن جزای خیر به بندگان بوده،



چون در این آیه سخنی از گناه و کار زشت و کیفر نیامده، تنها عمل خوب را ذکر کرده و فرموده خلقت حیات و موت برای این است که معلوم شود کدامیک عملش بهتر است. پس صاحبان عمل نیک مقصود اصلی از خلقتند، و اما دیگران به خاطر آنان خلق شده اند.

ذیل آیه هم که می فرماید: "وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ" مطالب صدر را تایید نموده می فهماند او عزیز است، چون ملک مطلق و قدرت مطلقه خاص او است، پس هیچ کس نیست که بر او غالب شود، و اگر مخالفین و عاصیان خود را قدرت مخالفت و عصیان داده به منظور آزمایش بوده، و به زودی از آنان انتقام می گیرد. و نیز می فهماند او غفور است، چون از بسیاری گناهان در دنیا عفو می کند، و بسیاری از آنها را به طوری که وعده داده در آخرت می آمرزد.

و در عین حال با آوردن این دو نام، هم عاصیان را تخویف کرد و هم تطمیع نمود، چون وقتی این دو نام در سیاق دعوت ذکر شوند، تخویف و تطمیع را می رساند.

این را هم باید دانست که مضمون آیه شریفه صرف ادعای بدون دلیل نیست، و آن طور که بعضی پنداشته اند نمی خواهد مساله خلقت مرگ و زندگی را برای آزمایش، در دلها تلقین کند. بلکه مقدمه ای بدیهی و یا نزدیک به بدیهی است که به لزوم و ضرورت بعث برای جزا حکم می کند. برای اینکه انسانی که به زندگی دنیا قدم نهاده، دنیایی که دنبال آن مرگ است، ناچار عملی و یا به عبارتی اعمالی دارد که آن اعمال هم یا خوب است یا بد ممکن نیست عمل او

یکی از این دو صفت را نداشته باشد، و از سوی دیگر به حسب فطرت مجهز به جهازی معنوی و عقلایی است، که اگر عوارض سویی در کار نباشد او را به سوی عمل نیک سوق می دهد، و بسیار اندکند افرادی که اعمالشان متصف به یکی از دو صفت نیک و بد نباشد و اگر باشد در بین اطفال و دیوانگان و سایر مهجورین است.

و آن صفتی که بر وجود هر چیزی مترتب می شود، و در غالب افراد سریان دارد، غایت و هدف آن موجود به شمار می رود، هدفی که منظور آفریننده آن از پدید آوردن آن همان صفت است، مثل حیات نباتی فلان درخت که غالباً متتهی می شود به بار دادن درخت، پس فلان میوه که بار آن درخت است هدف و غایت هستی آن درخت محسوب می شود، و معلوم می شود منظور از خلقت آن درخت همان میوه بوده، و همچنین حسن عمل و صلاح آن، غایت و هدف از خلقت انسان است، و این نیز معلوم است که صلاح و حسن عمل اگر مطلوب است برای خودش مطلوب نیست، بلکه بدین جهت مطلوب است که در به

هدف رسیدن موجب شودی دیگر

صفحه ی ۵۸۷

دخالت دارد. آنچه مطلوب بالذات است حیات طیه ای است که با هیچ نقصی آمیخته نیست، و در معرض لغو و تأثیم قرار نمی گیرد، بنا بر این بیان، آیه شریفه در معنای آیه زیر است که می فرماید: "كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً" (۱).

"الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا..."

آن خدایی که هفت آسمان را آفرید، در حالی که طباق هستند، یعنی مطابق و مثل همند. البته

مفسرین اینطور احتمال داده اند. و ما در تفسیر سوره "حم سجده" مطالبی که می توانستیم در این باره ایراد کنیم ایراد نمودیم.

[بیان اینکه مقصود از نبودن تفاوت در خلق ارتباط و اتصال اجزاء عالم و وحدت نظام جاری در آن است

"ما تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ" - راغب می گوید: کلمه "فوت" به معنای دور شدن چیزی است از انسان، به طوری که دست یافتن به آن دشوار باشد. و در قرآن کریم آمده که: "وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِنْ أَوْجِحِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ - اگر از زنان شما چیزی نزد کفار مانده باشد" آن گاه می گوید: کلمه "تفاوت" که مصدر باب "تفاعل" از ماده "فوت" است، به معنای اختلاف دو چیز در اوصاف و خصوصیات است، گویا این از آن دور و آن از این دور است، خصوصیات این در آن نیست و خصوصیات آن در این نیست، این کلمه هم در قرآن آمده می فرماید: "ما تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ - در خلقت خدا چیزی که از مقتضای حکمت خارج باشد وجود ندارد" «۲».

پس منظور از نبودن تفاوت در خلق، این است که تدبیر الهی در سراسر جهان زنجیروار متصل به هم است، و موجودات بعضی به بعض دیگر مرتبند، به این معنا که نتایج حاصله از هر موجودی عاید موجود دیگر می شود، و در نتیجه دادنش به موجوداتی دیگر وابسته و نیازمند است. در نتیجه اصطکاک اسباب مختلف در عالم خلقت، و برخوردشان نظیر برخورد دو کفه ترازو است که در سبکی و سنگینی دائماً در حال مقابله می باشند، این می خواهد سبکی کند او نمی گذارد، او می خواهد سنگینی کند این نمی گذارد، این می خواهد بلند

پس منظور از نبودن تفاوت در خلق این شد که خدای عز و جل اجزای عالم خلقت را

(۲) مفردات راغب، م\_\_\_\_\_، اده " ف\_\_\_\_\_، ت " .

"فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ" - کلمه "فطور" به معنای اختلال و بی نظمی

است. و مراد از "ارجاع بصر"، تکرار نظر است، و این کنایه است از اینکه اگر بخواهی یقین کنی که در سراسر خلقت تفاوتی نیست باید با دقت نظر کنی.

"ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ" کلمه "خاسی" اسم فاعل از ماده "خسا" است، و این ماده به معنای نارسایی در دید چشم، و یا به قول راغب «۱» سرسری دیدن و گذشتن است. راغب در معنای کلمه "حاسر" گفته: این ماده به معنای خستگی در اثر تمام شدن نیرو است، به چنین کسی، هم حاسر می گویند و هم محسور، اما حاسر به این تصور که خود او خودش را خسته کرده، و اما محسور به این تصور که تمام شدن نیرو خسته اش کرده. و اینکه فرمود: "يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ" هم ممکن است به معنای حاسر باشد، و هم به معنای محسور «۲».

و کلمه "کر تین" تثنیه کره است که به معنای رجعت و برگشتن است، و اگر به صیغه تثنیه آورده صرفاً برای این بوده که تکثیر و تکرار را برساند، و چنین معنا دهد که در خلقت آسمانها و زمین بنگر، آیا هیچ تفاوت و ناسازگاری در بین موجودات آن می بینی؟ و دوباره و سه باره و چند باره برگرد و نظر بیفکن، که اگر چنین کنی نظرت خسته می شود و از کار می افتد، و هیچ تفاوتی نخواهی دید. پس در این دو آیه به این نکته اشاره شده که نظام جاری در عالم نظامی است واحد و

---

(۱) مفردات راغب ماده "خسا".

(۲) مفردات راغب، م، ماده "حس" حسر

صفحه ی ۵۸۹

متصل الاجزاء و مرتبط الأبعاض.

[اشاره به مراد

از اینکه فرمود ستارگان را رجوم برای شیاطین قرار دادیم

"وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ..."

کلمه "مصایح" جمع مصباح (چراغ) است، و اگر ستارگان را چراغ نامیده به خاطر نوری است که از آنها تلالو می کند، و ما قبلاً- در سوره حم سجده- در این باره بحث کردیم.

"وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ"- یعنی ما ستارگان را که آسمان را با آنها زینت دادیم رجم هایی- تیرها- قرار دادیم، و با آنها شیاطینی را که به آسمان نزدیک می شوند تا خبرهای آسمانی را استراق سمع کنند، تیرباران می کنیم، هم چنان که در جای دیگر فرمود: "إِلَّا مَنْ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ مُبِينٌ" (۱)، و نیز فرموده: "إِلَّا مَنْ خَطَفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ" (۲).

بعضی از مفسرین گفته اند جمله مورد بحث دلالت دارد بر اینکه مراد از کواکب که آسمان را زینت داده تمامی ستارگان آسمان است، چه ثوابت و سیارات، و چه شهاب ها، چون ثوابت و سیارات هر یک در جای خود، و در مدار خود قرار دارد، و نمی تواند منظور از رجوم باشد، و دو کلمه "کواکب" و "نجم"، همانطور که بر ستارگان فعلی اطلاق می شود، بر شهابها نیز اطلاق می شود.

بعضی (۳) دیگر گفته اند: شهابها تکه هایی هستند که از کواکب جدا می شوند، و به وسیله آنها شیطانها رجم می شوند، و اما خود کواکب به هیچ وجه فرو نمی ریزند، مگر وقتی که خدا بخواهد همه را فانی سازد. این وجه با نظریه های علمی امروز موافق تر است، و اما اینکه رجم شیطانها به وسیله شهابها چه معنا دارد، قبلاً مختصری در باره اش بحث کرده ایم.

"وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ"- یعنی ما برای شیطانها که همانا اشرار

از جنیان هستند عذاب دوزخ را تهیه کرده ایم که آتشی است مشتعل.

"وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبُئْسَ الْمَصِيرُ" بعد از آنکه پاره ای از نشانیهای ربوبیت خدای تعالی را ذکر کرد، به دنبالش تهدید کافران و منکران به ربوبیت او را آورد، و قرار این سوره بر همین منوال است که حجت ها را آمیخته با تهدید و انذار بیاورد.

---

(۱) مگر کسی که استراق سمع کند، که تیرهای شهاب دنبالش می کند. سوره حجر، آیه ۱۸.

(۲) مگر شیطانی که بخواهد چیزی بر باید که شهاب فروزان دنبالش می کند. سوره صافات، آیه ۱۰.

(۳) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۲۳.  
صفحه ی ۵۹۰

---

و مراد از "لِلَّذِينَ كَفَرُوا" عموم کسانی هستند که به ربوبیت خدا کافر باشند، چه وثنی های بت پرست، که به کلی ربوبیت خدا را برای عالم منکرند، و می گویند خدای تعالی تنها رب اربابهای ایشانست، و چه آنهایی که اصلاً منکر ربوبیت هستند، و چه آنهایی که مثل یهود و نصاری بین خدا و پیامبرانش جدایی انداخته، یکی آن خدایی را قبول دارد که موسی را فرستاده، و آن دیگری خدایی را می پرستد که عیسی را فرستاده، و هر یک به خدا و پیغمبر دیگری کافر شدند.

آیه شریفه در عین اینکه جنبه تداخل را دارد، چنان هم نیست که نسبت به ماقبل خود مربوط و متصل نباشد بلکه هم به آیه "الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَتَيْكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ" اتصال دارد (چون در آن سخن از مرگ و مغفرت رفته، و در این سخن از عذاب جهنم رفته است) و هم به آیه قبلیش اتصال دارد. چیزی که هست نسبت به

آیه قبلش جنبه تعمیم بعد از تخصیص را دارد، در آیه قبلی عذاب سعیر را در خصوص شیطانها ذکر می کرد، و در این آیه عذاب جهنم را شامل عموم کافران می داند.

[وصف جهنم و حکایت سؤال و جواب ملائکه موکل بر دوزخ با دوزخیان

"إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهيقاً وَ هِيَ تَفُورُ تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ" راغب می گوید: کلمه "شهيق" به معنای طولانی شدن زفير است، و "زفير" به معنای رد نفس، و به عبارت دیگر "بازدم" است، البته بازدمی کشیده «۱».

و "فوران" که مصدر فعل "تفور" است، بنا به گفته صاحب مجمع البيان «۲» به معنای ارتفاع جوشش است. و کلمه "تميز" به معنای تقطع و تفرق است، و کلمه غيظ به معنای شدت خشم است.

و معنای آیه این است که: وقتی کفار در جهنم ریخته می شوند، صدای شهیقی از آن می شنوند، شهیقی که چون مغناطیس آنان را به داخل خود می کشاند، همانطور که با شهیق هوا داخل سینه کشیده می شود، در حالی که جهنم جوشان است، و ایشان را مانند نخودی که در دیک جوشان بالا و پائین می شود بالا و پائین می کند، به طوری که گویی از شدت غضب می خواهد متلاشی شود.

"كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ" هر دسته ای که داخل جهنم می شوند خازنان جهنم از ایشان می پرسند: مگر برای شما

---

(۱) مفردات راغب، ماده "شهق".

(۲) مجمع \_\_\_\_\_ع البیان، ج ۱۰، ص ۳۲۴.

\_\_\_\_\_ صفحه ی ۵۹۱

پیامبری نیامد، و شما را از چنین عذابی انذار نکرد؟ کلمه "فوج" - به طوری که راغب «۱» می گوید- به معنای جماعتی است که به سرعت از جایی عبور کنند، و در این جمله



اشاره است به اینکه کفار دسته دسته داخل دوزخ می شوند، هم چنان که آیه زیر هم به این معنا اشاره نموده، می فرماید: "وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا" «۲»، و این به خاطر آن است که هر متبوعی با تابعین گمراه خود داخل می شوند، هم چنان که در آیه زیر فرموده: "وَيَجْعَلُ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمُهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ" «۳»، که در ذیل آیه ای از سوره انفال توضیح این معنا گذشت.

کلمه "خزنه" جمع خازن است، که به معنای نگهبان چیزی است که ذخیره اش کرده باشند، و منظور از خزنه ملائکه ای است که موکل بر آتشند، و انواع عذابهای جهنم را تدبیر می کنند و در باره همانها است که می فرماید: "عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظُ شِدَادٍ" «۴»، و نیز می فرماید: "وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرٌ ... عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً" «۵».

و معنای آیه این است که: هر دسته ای که در جهنم ریخته می شوند و یا به سوی آن سوق داده می شوند، ملائکه موکل بر دوزخ و نگهبانان آن از در توبیخ می پرسند: مگر برای شما نذیر، یعنی پیامبری که شما را از چنین عذابی بترساند نیامده؟! "قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا ..."

این جمله حکایت پاسخی است که دوزخیان به فرشتگان خازن دوزخ می دهند، و در آن اعتراف می کنند به اینکه نذیر برایشان آمد، و از آتش دوزخ اندازشان کرد، ولی تکذیبش کردند و افترا به او بستند.

"وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ" - این جمله بیان تکذیب ایشان است، و همچنین جمله "إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ".

ولی بعضی «۶» گفته اند: جمله دومی کلام فرشتگان نامبرده

---

(۱) مفردات راغب، ماده "فوج".

(۲) کسانی که کافر شدند دسته دسته به سوی دوزخ سوق داده می شوند. سوره زمر، آیه ۷۱.

(۳) خبیث ها را روی هم قرار داده، جمع می کند، و در جهنم قرار می دهد. سوره انفال، آیه ۳۷.

(۴) آتشی که بر آن فرشتگانی موکلند که خیلی سخت گیر و خشن هستند. سوره تحریم، آیه ۶.

(۵) و تو نمی دانی دوزخ چیست؟ ... نوزده نفر (از فرشتگان عذاب) بر آن گمارده شده اند! ما کسی را به جز ملائکه صاحبان دوزخ نکردیم. سوره مدثر، آیات ۲۷-۳۱.

(۶) مجمع الیـــــان، ج ۱۰، ص ۳۲۴.

صفحه ی ۵۹۲

از آنکه اعتراف کردند- می گویند: شما در ضلالتی روشن بوده اید. ولی این احتمال و همچنین احتمال دیگری که بعضی «۱» داده اند که: جمله مذکور کلام ملائکه نامبرده از زبان پیامبران آن کفار باشد، از سیاق آیه بعید است.

[موارد استعمال "سمع" و وجه اینکه دوزخیان در جواب فرشتگان گفتند: "لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ ..."]

"وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ" کلمه "سمع" گاهی در معنای شنیدن صدا و سخن اطلاق می شود، و گاهی در غرضی که عقلا از شنیدن سخن دارند، و غرض عقلا از شنیدن سخن این است که به مقتضای آن ملتزم شوند، اگر مقتضای آن این است که کاری را انجام دهند یا ترک کنند انجام داده و یا ترک کنند، و اما ماده "عقل" بیشتر در نیروی تشخیص خیر از شر و نافع از مضر استعمال می شود، البته گاهی هم در غایت و غرض از این تشخیص به کار می رود، و غرض از تشخیص خیر و شر این است که

آدمی به مقتضای آن عمل کند، و به آن ملتزم و معتقد باشد، در مقام به دست آوردن خیر و نافع برآید، و شر و مضر را ترک کند. آیه شریفه زیر، عقل و سمع را در غرض از عقل و سمع استعمال کرده، می فرماید: "لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ" (۲)، چون معنای این کلام این است که با این وسائل درک، مطالب را درک می کنند، ولی به مقتضای آن ملتزم نیستند، و عمل نمی کنند.

و چون بیشتر مردم تنها از نیروی سمع استفاده می کنند، نه از نیروی عقل، چون از درک دقائق امور و ادراک حقیقت آن و راه یابی به مصالح و مفاسد واقعی عاجزند، و از نیروی عقل تنها خواص از مردم بهره مند می شوند، لذا در آیه اول کلمه "نسمع" را و سپس "نعقل" را آورد.

"لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ" - منظور از "سمع"، استجابت دعوت رسولان، و التزام به مقتضای سخن ایشان است، که خیرخواهان امینند، و منظور از "عقل"، التزام به مقتضای دعوت به حق ایشان است، تا آن را تعقل کنند و با راهنمایی عقل بفهمند که دعوت ایشان حق است، و باید انسان در برابر حق خاضع شود.

و معنای آیه این است که: دوزخیان در پاسخ فرشتگان می گویند: اگر ما در دنیا رسولان را در نصایح و مواعظشان اطاعت کرده بودیم، و یا حجت حق آنان را تعقل می کردیم،

---

(۱) تفسیر ابی سعود، ج ۶، ص ۵.

(۲) دل و عقل دارند، ولی با آن نمی فهمند، و چشم دارند با آن نمی بینند و گوش دارند

با آن نمی شنوند، آنان چون چارپایان و بلکه گمراه تر از آنهایند. سوره اعراف، آیه ۱۷۹.

صفحه ی ۵۹۳

---

امروز در زمره اهل جهنم نبودیم، و همانند ایشان در آتش جاودانه، معذب نمی شدیم.

بعضی «۱» از مفسرین گفته اند: اگر در آیه، هم سمع را آورد و هم عقل را، برای این بود که تکالیف دینی دایر مدار ادله سمعی و عقلی است.

"فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحِقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ" جمله قبلی را از روی ندامت گفتند، ندامت از اینکه چرا در برابر خدای تعالی کوتاهی نموده و خیری را که خدا برایشان در نظر گرفته بود از دست دادند و در این جمله اعتراف می کنند به اینکه آنچه کرده اند اثرش همین است که امروز داخل آتش شوند، و جا داشت که آن طور عمل نکنند، و آن گناه و ذنبی که به آن اعتراف می کنند همین است.

و اگر کلمه "ذنب" را مفرد آورد، از این بابت است که منظور از آن معنای مصدری است، هر چند که در اصل مصدر است و کلمه "سحق" در جمله "فَسُحِقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ" - به طوری که راغب «۲» گفته - به معنای آن است که چیزی را با دست تکه تکه و خرد کنی، و این جمله نفرینی است به آنان.

"إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ" بعد از آنکه حال کفار و جزایی که در برابر کفر دارند بیان کرد، در مقابل آن حال مؤمنین به غیب را بیان کرد تا تقسیم را تمام کرده باشد، و از اوصاف مؤمنین خصوص خشیت و ترس از خدا را آورد، چون مقام، مقام انذار و وعید بود، و اگر خشیت آنان را

خشیت به غیب خواند، برای این است که آن عذابی که به آن ایمان آورده اند و از آن می ترسند عذابی است در پرده غیب، نه عذابی که امروز با حواس خود آن را احساس کنند.

[جواب به شبهه ای در باره معاد، با بیان علم فراگیر و احاطه مطلق خداوند بر اعمال و احوال موجودات

"وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ" در این جمله شبهه ای را که ممکن بود در دلها خلجان کند برطرف نموده و آن شبهه به غیر از استبعاد، اساسی ندارد. توضیح اینکه: بعد از آنکه رشته سخن به بیان ربوبیت برای تمامی موجودات کشیده شد، و معلوم شد که همین معنا مستلزم بعث قیامت برای کیفر و پاداش است، و نیز بعد از آنکه سخن از ملک مطلق و قدرت مطلقه خدا و خلقت و تدبیر او به میان آمد، و سخنی از آگاهی خدا و احاطه به احوال و اعمال موجودات نرفت، با اینکه مساله بعث و جزا بدون علم خدا تصور ندارد، لذا جا داشت کسی توهم کند که اعمال موجودات با کثرت بیرون از شماری که دارد چگونه برای خدا ممکن است همه آنها را ضبط کند،

---

(۱) تفسیر کشاف، ج ۴، ص ۵۷۹.

(۲) مفردات راغب، م\_\_\_\_\_اده "س\_\_\_\_\_حق".

صفحه ی ۵۹۴

---

مخصوصاً نیات درونی انسانها که راهی برای به دست آوردن آن نیست، چگونه به حساب می آید؟ و این توهم ناشی از این است که انسان هر چیزی را با وضع خودش مقایسه می کند، و با سنگ و ترازوی خودش می سنجد، و چون خودش قادر به چنین آمارگیری و ضبط گسترده ای نیست، تا چه رسد به ضبط

نیات درونی که اعمال قلب و پنهان در زوایای دل است، لذا از خود می پرسد خدا چطور این ها را ضبط می کند؟!.

آیه شریفه این شبهه را دفع نموده، می فرماید: سخن چه آهسته باشد و چه با صوت بلند، نسبت به خدای تعالی یکسان است، چون او دانای به نیات است. سیاق آیه شهادت می دهد به اینکه منظور از این یکسانی، یکسانی همه اعمال ظاهری و پنهانی نسبت به خدای تعالی است چه سخنان و چه اعمال دیگر نه تنها سخنان آهسته و بلند. و اگر آن را در خصوص سخنان ذکر کرد از این جهت بود که معنای پنهان و آشکار در سخنان روشن تر بود، (یک عمل را اگر بخواهیم پنهانی انجام دهیم باید مکانی خلوت پیدا کنیم، و به زحمت بیفتیم، لیکن یک سخن را به آسانی می توان پنهان و آشکار کرد، و بیش از این هزینه ای ندارد که آن را با صدای بلند و یا آهسته و بیخ گوش طرف بگوید).

"أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ" استفهامی است انکاری، که حجتی را بر علم خدا به اعمال ظاهری و باطنی، و سری و علنی خلق در بر دارد. بیان آن حجت این است که اعمال خلق - که یکی از آنها اعمال اختیاری خود او است -، هر چند که نسبتی به خود او دارد، و لیکن در حقیقت این خدای سبحان است که آن عمل را اراده و از طریق اختیار بنده اش و اقتضای سایر اسباب ایجاد می کند، پس در حقیقت خالق آن اعمال هم خدا است، چون او است که صاحب عمل را آفریده، و صاحب عمل با همه آثار

و اعمالش و روابطی که بین او و بین آثارش موجود است، و او را به آثارش می‌رساند و آثارش را از او ظاهر می‌کند، همه و همه مخلوق خدایند، "اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ" «۱»، "الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى" «۲»، پس خدای سبحان محیط به خلاق است، هم به عین و جسم آنها، و هم به آثار و اعمالشان، چه ظاهرش و چه باطنش، چه اینکه پنهان بدارند، و چه آشکار کنند، و چگونه تصور دارد که محیط باشد ولی آگاه نباشد؟!

---

(۱) خدا آفریننده هر چیز است و هر چیزی به او تکیه دارد. سوره زمر، آیه ۶۲.

(۲) خدای تعالی کسی است که آفرید، و تمام عیار آفرید، و مقدر و سپس هدایت کرد. سوره اعلی، آیه ۲ و ۳.

صفحه ی ۵۹۵

---

در ضمن در این آیه اشاره ای است به اینکه خلقت خدا تنها شامل جرم موجودات نیست، بلکه آثار و اعمال آنها هم مخلوق او است، برای اینکه در این آیه برای اثبات علم خدا به آثار و احوال و اعمال یک مخلوق استدلال کرده است به اینکه به خود آن مخلوق علم دارد، و اگر آثار و احوال و اعمال یک موجود از وجود خود آن موجود خارج بود، این استدلال تمام نبود.

علاوه بر این، احوال و اعمال یک موجود از مقتضیات خود آن موجود است، (و معنای فلاّن موجود همین است که دارای فلاّن احوال و اعمال باشد، و گر نه موجودی دیگر می‌بود) و بنا بر این، وقتی خود موجود منسوب به خداست، قهرا احوال و اعمالش هم منسوب به اوست.

وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ" - یعنی خدای تعالی در باطن اشیا هم نفوذ دارد، (حتی از نور هم لطیف تر است)، و به جزئیات وجود اشیا و آثارش آگاه است، جمله مورد بحث جمله ای است حالیه که مطالب قبل خود را تعلیل می کند و دو اسم لطیف و خبیر از اسمای حسناى خدا است، که در آخر آیه آمده، تا مضمون آن را تاکید کند.

بحث روایتی [(روایاتی در ذیل جمله: "لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا" و در ذیل برخی دیگر از آیات گذشته)]

در کافی به سند خود از سفیان بن عینه از امام صادق (ع) روایت کرده که در ذیل آیه "لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا" فرموده منظور این نیست که معلوم کند کدامیک بیشتر عمل می کنید، بلکه منظور این است که معلوم کند عمل شما کدامش صواب تر و درست تر است، و درستی عمل به خشیت از خدا و نیت صادق است، (خلاصه منظور مقدار نیست بلکه کیفیت است).

آن گاه فرمود: و مهم هم همان کیفیت است، انجام خود عمل خیلی دشوار نیست، این دشوار است که انسان آن را خالص انجام دهد، و هم چنان خالص باقیش بدارد، و آگاه باشید که عمل خالص آن عملی است که نخواهی مردم تو را در برابر آن بستایند، و جز خدا کسی را منظور نداشته باشی. آری نیت مهم تر از عمل است، آگاه و هوشیار باشید که ارزش عمل به همان نیت است. و در پایان این آیه را تلاوت کردند: "كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ" یعنی هر کسی بر نیت خود عمل می کند «۱».

و در مجمع البیان آمده که ابو قتاده گفت: من از رسول خدا (ص) از جمله "أَيُّكُمْ



أَحْسَنُ عَمَلًا" پرسیدم، که منظور از آن چیست؟ فرمود: منظور این است \_\_\_\_\_

(۱) اصل \_\_\_\_\_ ول \_\_\_\_\_ افی، ج ۲، ص ۱۳، ح ۴.

صفحه ی ۵۹۶

که کدام یک از شما عقل بهتری دارید. آن گاه فرمود: عقل آن کس از شما کاملتر است که خوفش از خدا بیشتر باشد، و بهتر در اوامر و نواهی او نظر کند، هر چند که عمل مستحبی او کمتر باشد. «۱»

و نیز در همان کتاب از ابن عمر نقل کرده که گفت: رسول خدا (ص) آیه "تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ ... أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا" را تلاوت کرد، و در معنای جمله آخر فرمود: یعنی کدامتان از حرامهای خدا بیشتر می پرهیزد، و واجبات خدا را سریع تر انجام می دهد «۲».

و در تفسیر قمی در ذیل آیه شریفه "الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا" آمده که یعنی روی هم قرار گرفته اند «۳».

و در همان کتاب در باره جمله "من تفاوت" فرموده: یعنی از فساد «۴».

و نیز در همان کتاب در ذیل جمله "ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ" آمده که: در ملکوت آسمانها و زمین نظر بیفکن «۵».

و در همان کتاب در باره جمله "بمصایح" آمده که: یعنی به ستارگان «۶».

و در همان کتاب در باره جمله "سَمِعُوا لَهَا شَهيقًا" آمده: یعنی صدای افتادن در آتش را می شنوند «۷».

و در همان کتاب در رابطه با جمله "تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ" آمده: یعنی غیظ بر دشمنان خدا «۸».

و در همان کتاب در باره جمله "وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ" آمده که فرمود: منظور این نیست که گوشها نشنیدند، و فهم ها درک نکردند، نه، هم شنیدند و هم درک کردند، ولی اطاعت نکردند

و نپذیرفتند، دلیل بر اینکه هم شنیدند و هم فهمیدند این است که می فرماید: "فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ" «۹».

مؤلف: معنی این آیه دلالت دارد بر اینکه منظور از شنیدن و تعقل نکردن همان اطاعت نکردن و نپذیرفتن بعد از شنیدن و فهمیدن است، و خدای تعالی همین جمله "اگر می شنیدیم و می فهمیدیم" را اعتراف به گناه خواند، و معلوم است که وقتی عملی گناه می شود که فاعلش به بدی آن عمل علم داشته باشد، یا علم سمعی یعنی دلیل نقلی، و یا علم عقلی یعنی دلیل عقلی.

---

(۱ و ۲) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۲۲.

(۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۷۸.

ترجمه آیات او است آن کسی که زمین را برای شما رام کرده پس در اقطار آن آمد و شد کنید و از رزق آن بخورید و بدانید که زنده شدن بار دیگر شما به سوی او است (۱۵).

چگونه خاطرتان جمع و ایمن از این است که فرشتگان آسمان، زمین را در زیر پایتان بشکافند یا اینکه اگر چنین کنند زمین چون گهواره درمی آید؟ (۱۶).

و آیا ایمن هستید از اینکه آنان که در آسمانند سنگ پاره ها را بر سرتان ببارند اگر اینطور است پس به زودی خواهید فهمید که تهدید چیست (۱۷).

---

صفحه ی ۵۹۸

این غفلت تنها از شما نیست کسانی هم که قبل از شما بودند پیامبران را تکذیب کردند و نمی دانند که به چه عقوبتی گرفتار شدند (۱۸).

مگر پرواز مرغان بر بالای سر خود را ندیدند که چگونه پر و بال خود را باز و بسته می کنند و جز رحمان کسی

آنها را در فضا نگه نمی دارد. آری او به هر چیزی بینا است (۱۹).

آیا چه کسی است آن کسی که شما او را به جای رحمان یاور و لشکر خود می پندارید تا شما را یاری کند؟ نه، کافران هیچ یک از آنچه گفتیم ندارند تنها سرمایه آنان غرور است و بس (۲۰).

و یا کسی را که خدا می دانید اگر الله به شما رزق ندهد او می دهد؟ نه، هرگز، بلکه این کفار با روشن شدن حق از آن دوری می کنند و در گریز از آن لجاجت می ورزند (۲۱).

پس آیا کسی که با صورت روی زمین می خزد هدایت یافته تر است و یا آن کس که استوار و راست قامت در صراط مستقیم گام برمی دارد؟ (۲۲).

بیان آیات [پاره ای از نشانه های تدبیر الهی

در این آیات پشت سر هم، نشانه های تدبیر الهی را ذکر می کند، تدبیری که ربوبیت آن جناب را اثبات می نماید، و این نشانه ها را با انذار و تخویف ذکر نموده، می فرماید: "هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا"، دنبالش می فرماید: "أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ" که بعد از انذار در آیه "الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ" و آیه "الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ..." و آیه "وَلَقَدْ زَيَّنَّا..." قرار گرفته.

"هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ" کلمه "ذلول" در مرکب ها به معنای مرکب رام و راهوار است، مرکبی که به آسانی می توان سوارش شد، و اضطراب و چموشی ندارد. و کلمه "مناكب" جمع منكب است، که نام محل برخورد استخوان بازو با شانه است، و اگر نقاط مختلف زمین را منكب ها خوانده، استعاره است. راغب

«۱» می گوید استعاره آوردن منکب برای زمین، مثل استعاره آوردن "ظهر- پشت" برای زمین در آیه ۴۵ سوره فاطر است: "ما تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ- هیچ جنبنده ای بر پشت زمین زنده و باقی نمی گذاشت". و اگر زمین را- چون اسبی- رام خواند، و قطعات آن را "پشت"، (گرده) و منکب (شانه) نامید، به این اعتبار بود که زمین برای انواع تصرفات

---

(۱) مفردات راغب، م، \_\_\_\_\_، ب، \_\_\_\_\_، "نک" \_\_\_\_\_، "ب".

صفحه ی ۵۹۹

---

انسان رام است، نه چموشی- زلزله- دارد، و نه از تصرفات بشر امتناع می ورزد. مفسرین دیگر در توجیه ذلول بودن و منکب داشتن زمین توجیهاات مختلفی دارند که تمام آنها به همین توجیه ما برمی گردد.

امر در جمله "بخورید از رزق آن" امر وجوبی نیست، بلکه تنها جواز و اباحه را می رساند. و کلمه "نشور" و همچنین کلمه "نشر" به معنای احیای مردگان بعد از مردن است، و اصل این کلمه به معنای نشر طومار و جامه، یعنی گشودن آن بعد از جمع کردن و پیچیدن آن است.

و معنای آیه این است که خدای تعالی آن کسی است که زمین را منقاد و رام شما کرد، تا بتوانید بر پشت آن قرار بگیرید، و از این قطعه به آن قطعه اش بروید، و از رزقش که او برایتان مقدر فرموده بخورید، و به انواع مختلفی برای به دست آوردن آن رزق در زمین تصرف کنید.

"وَ إِلَيْهِ النُّشُورُ"- یعنی طومار زندگی مردگان که با مرگ پیچیده شده، دوباره در قیامت در محضر او باز می شود، مردگان را از زمین درمی آورد، و برای حساب و سپس جزا زنده می کند، پس به همین دلیل رب و مدبر امر زندگی دنیائیان

او است، که در زمین جایگزینتان نموده، به راه و روش زندگی در آن هدایتتان کرد، و نیز حکومت بر شما در میراندن و زنده کردن و حساب و جزاء برای او است.

و در نامیدن زمین به نام ذلول، و تعبیر اینکه بشر روی شانه های آن قرار دارد، اشاره ای است روشن به اینکه زمین نیز یکی از سیارات است، و این همان حقیقتی است که علم هیئت و آسمان شناسی بعد از قرنهای مگو مگو و بحث به آن دست یافته.

"أَأَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ" بعد از آنکه در آیه قبل اقامه حجت کرد بر ربوبیت خدای سبحان، اینکه در این آیه بشر را تهدید می کند، و نیز در برابر بی اعتنایی و سهل انگاریش در مساله ربوبیت، او را توبیخ می نماید که تا کی از خدا بی خبرید، و شکر نعمت هایش را به جا نمی آورید؟ یعنی در برابر ربوبیتش خاضع نمی شوید و شریک های خود تراشیده را دور نمی ریزید؟

و مراد از کلمه "مَنْ فِي السَّمَاءِ" آن کس که در آسمان است "فرشتگانی هستند که موکل بر آسمان و حوادث عالمند، و اگر ضمیر مفرد - یخسف - به کلمه "من" برگردانده، با اینکه این کلمه در معنا جمع است، به این جهت است که کلمه مذکور در لفظ مفرد است. و وقتی گفته می شود: "خسف الارض بقوم كذا" معنایش این است که زمین زیر پای فلان قوم  
\_\_\_\_\_ صفحه ی ۶۰۰

شکافته شد، و همه را در شکم خود فرو برد. و کلمه "مور" که مصدر فعل "تمور" است، به طوری که صاحب مجمع گفته به معنای تردد در آمد و شد است، نظیر کلمه "موج"

که آن نیز به همین معنا است «۱».

و معنای آیه این است که چگونه با خاطر جمع و دل آسوده به ربوبیت خدای تعالی کفر ورزیده اید، و چه ایمنی از ملائکه ساکن آسمان و موکل بر امور عالم دارید از اینکه زمین را زیر پایتان بشکافند، و به امر خدا شما را در شکم زمین پنهان سازند، در حالی که زمین هم چنان متزلزل و مضطرب باشد و چون گهواره آمد و شد داشته باشد؟.

بعضی «۲» از مفسرین گفته اند: مراد از "کسی که در آسمان است" خدای سبحان، و منظور از "در آسمان بودن خدا" این است که سلطنت و تدبیر امور خدا در آسمان است، و گر نه معنا ندارد خدا در مکان بگنجد، و آسمان و عالمی از عوالم او را در خود جای دهد. ولی از نظر ما هر چند معنای بی اشکالی است لیکن خلاف ظاهر آیه است.

"أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَيَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرٍ" کلمه "حاصب" به معنای باد تندی است که ریگ و شن و سنگ با خود بیاورد. و معنای آیه این است که: "آیا از ملائکه آسمان ایمن شده اید، که باد سنگ و ریگ دار بر شما بفرستند" همانطور که بر قوم لوط فرستادند، و قرآن جریانشان را چنین حکایت کرده: "إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ" «۳».

"فَسَيَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرٍ" - کلمه "نذیر" مصدر به معنای انداز است، و این جمله به خاطر اینکه حرف "فاء" بر سر دارد، متفرع بر مطلبی است که از آیات قبل استفاده می شود، و آن عبارت است از اینکه مشرکین به ربوبیت خدای تعالی کافر شدند، و

از عذاب او ایمن گشتند، لذا در جمله مورد بحث می فرماید: پس به زودی خواهند فهمید معنای انذار چیست، و معنای آیه روشن است.

بعضی «۴» از مفسرین گفته اند: کلمه "نذیر" صفت مشبهه و به معنای بیم رسان است.

که منظور از آن رسول خدا (ص) است، لیکن این سخن بی پایه است.

"وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ" مراد از کلمه "نکیر" عقوبت و دگرگون شدن نعمت است، ممکن هم هست به \_\_\_\_\_

(۱ و ۲) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۲۷.

(۳) ما بر آنان باد تندی فرستادیم، تنها آل لوط و فرزندان نجات یافتند. سوره قمر، آیه ۳۴.

(۴) تفسیر \_\_\_\_\_ فخر رازی، ج ۳۰، ص ۷۰.

\_\_\_\_\_ صفحه ی ۶۰۱

معنای انکار باشد، و این آیه نظیر شاهی است که بر صدق جمله "فَسَيَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ" شهادت داده، وعید و تهدید آن را تصدیق می کند.

و معنای آیه این است که امت های منقرض گذشته آیات مرا تکذیب کردند، پس چگونه بود عقوبت من و دگرگون ساختن نعمتم؟ و یا چگونه بود انکار من بر آنان که هلاک و منقرضشان کردم؟

در این آیه التفاتی از خطاب به غیبت به کار رفته، در آیات جلوتر مردم کافر مورد خطاب قرار گرفته بودند، و در این آیه غایب به حساب آمده اند "مِنْ قَبْلِهِمْ" - قبل از ایشان"، و نکته این التفات برای آن است که اشاره کند به اینکه کفار به خاطر جهالت و اهمالشان در تدبیر در آیات ربوبیت خدا، و بی باکیشان نسبت به خشم پروردگارشان کوچکتر از آنند که خدا با آنان سخن بگوید، و آنان را به چنین شرافتی مشرف سازد، بدین جهت از آنان روی گردانیده معارفی را که

می خواست بیان کند، به پیامبرش خطاب کرد.

[ذکر آیت پرواز پرندگان (أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ... و بیان وجه اینکه فرمود جز خدا کسی طیور را در فضا نگه نمی دارد]

"أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَفَاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ" منظور از اینکه "طیر فوق انسانها باشند" این است که بالای سر انسان در هوا پرواز می کنند، و منظور از کلمه "صافات" و کلمه "يقبضن" این است که مرغان در هوا بال خود را باز می کنند، و سپس می بندند، و اگر این دو کلمه را به صیغه جمع آورد، با اینکه سخن از طیر- مفرد- داشت نه طیور، بدان جهت بود که مراد از کلمه "طیر" جنس مرغان است، نه یک مرغ.

و جمله "مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ" به منزله جواب است از سؤالی تقدیری و فرضی، گویا شخصی پرسیده: منظور قرآن از اینکه توجه مردم را به سوی پرواز طیور و باز و بسته شدن بالهای آنها در هوا جلب کرده چیست؟ در این جمله پاسخ داده که منظور این است که بفهمند جز خدا کسی طیور را در فضا نگه نمی دارد.

گو اینکه ماندن طیور در فضا و ساقط نشدن آنها مستند به اسبابی طبیعی است، هم چنان که ماندن انسان در زمین هم همین طور است، و ماندن و شنا کردن ماهی های سنگین وزن در روی آب نیز اینطور است، و همه امور طبیعی همین طور مستند به اسباب و علل طبیعی است، و لیکن همه این علل طبیعی به خدای تعالی منتهی می شود، و به همین جهت صحیح است که ماندن مرغان در هوا



را به خدا نسبت دهیم. خواهی گفت: این اختصاص به مرغان ندارد، چرا در آیه خصوص مرغان را نام برد؟ جوابش این است که بعضی از اسباب طبعی

---

صفحه ی ۶۰۲

برای همه شناخته شده نیست، مثل ماندن مرغان در فضا و آمد و شد کردن در هوا، که در بدو نظر سؤال انگیز است، و به محض مشاهده آن انسان را منتقل به خدای سبحان می کند، و می فهماند سبب حقیقی و اعلای پیدایش مرغان، خداست، و پروازشان هم مستند به او است.

و بعضی دیگر اینطور نیستند، نظیر ایستادن و زندگی کردن انسان در روی زمین، که انسان معمولی را منتقل به این معنی نمی کند، و لذا می بینیم خدای سبحان در کلامش نظر بندگان خود را به آن گونه امور جلب می کند، تا زودتر و بهتر به وحدانیت خدای تعالی در ربوبیت پی ببرند.

و در کلام الهی نمونه های بسیاری از این قبیل امور آمده، نظیر نگهداشتن آسمانها بدون ستون، و نگه داشتن زمین از متلاشی شدن، و نگه داری کشتی ها بر روی آب، و اختلاف میوه ها و رنگها و زبانها و امثال آن، که سبب طبیعی نزدیک آنها از نظرها پنهان است، و در نگاه اول ذهن از توجه به آن امور به آسانی منتقل می شود به اینکه خدا آنها را ایجاد کرده، و اگر بعدها در اثر دقت و تحقیق متوجه سبب طبیعی و نزدیک آن گردد، آن وقت در پدید آورنده سبب طبعیش فکر می کند، تا در آخر باز به خدای تعالی منتهی شود، و بفهمد که "إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى".

در تفسیر کشاف در پاسخ اینکه چرا در مقابل کلمه "صافات" فرمود: "قابضات"، و

به جای آن فعل "يَقْبِضَنَّ" را آورد؟ می گوید: علتش این است که اصل در طیران و پرواز، گشودن بالها است نه جمع کردن آنها، چون طیور در فضا مانند ماهیان در دریا شناورند، و اصل در شناوری باز کردن و گشودن بال است، و اما جمع کردن و بستن آن برای این است که به این وسیله جلو برود، و از بالی که زده بود نتیجه بگیرد، پس اصل در پرواز و شنا همان بال زدن است، و بدین جهت عمل اصلی را به صیغه اسم فاعل (صافات) آورد، و عمل غیر اصلی را به صیغه فعل مضارع (يقبضن) تا بفهماند عمل طیور مانند ماهیان همان بال زدن است، و اما بال جمع کردن برای نتیجه گیری از بال زدن است، و خودش مقصود اصلی نیست «۱».

و این سخن وقتی درست است که آیه شریفه بخواهد یکی از آیات الهی را خاطرنشان سازد، آیتی که از مجموع جمله "صَافَاتٍ وَ يَقْبِضَنَّ" استفاده می شود، و آن مساله طیران است، ولی احتمال دارد آیه شریفه بخواهد دو آیت را ارائه دهد، یکی نیفتادن مرغان در حال بال زدن،

---

(۱) تفسیر کشاف، ج ۴، ص ۵۸۱  
صفحه ی ۶۰۳

و یکی نیفتادنشان در حال بال جمع کردن.

و در اینکه بعد از یادآوری ذلول بودن زمین، و سوار بودن انسان بر منکب های زمین، مساله پرواز طیور در هوا را آورد، لطفی نهفته است که بر کسی پوشیده نیست.

"أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَّكُمْ يَنْصُرُكُم مِّنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنَّ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي غُرُورٍ" این آیه توبیخ و سرکوبی کفار است، که به جای خدای تعالی معبودهایی دیگر گرفتند تا یاریشان کنند، و

به همین جهت سیاق آیه قبلی را که سیاق غیبت بود به سیاق خطاب برگردانید تا توییخ و سرکوبی رخ به رخ انجام گیرد، و سرزنش دردناک تر شود.

و معنای جمله "أَمَّنْ هَذَا الَّذِي..."، این است که: نه، بلکه می پرسم. آن چه کسی است که به آن اشاره می شود، که این یاور شما و لشکر شما است غیر از رحمان، اگر خدای رحمان سرنوشت شومی و یا عذابی برای شما مقدر کرده باشد آیا آن یاور، شما را یاری می کند؟ نه، پس غیر از خدا کسی نیست که شما را یاری کند. و این بیان اشاره است به اینکه پندار مشرکین خطا است، مشرکین بت ها را نمی پرستند، مگر به خاطر همین که آنان را در شدائد یاری کنند، با اینکه این مشرکین و خدایانشان هر دو ملک خدایند، و بت ها نه برای خود، مالک نفع و ضرری هستند، و نه برای دیگران.

و چون مشرکین از این توییخ و سرکوبی خدا پاسخی نداشتند بدهند، لذا خود خدای تعالی از آن سؤال ملامت آمیز جواب داد، که: "إِنَّ الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ" یعنی غرور آن چنان به آنان حمله ور شده که از هر طرف احاطه شان کرده، خیال کرده اند اعتقادشان به الوهیت آلهه اعتقاد درستی است.

"أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُّوا فِي عُتُوٍّ وَ نُفُورٍ" کلمه "أم" در اینجا نیز به معنای "بلکه" است، می فرماید: بلکه می پرسم آن چه کسی است که به آن اشاره می شود، و گفته می شود: این است آنکه شما را روزی می دهد، و آیا اگر خدا روزی خود را از شما دریغ بدارد، آن کس به جای خدا شما را روزی

آن گاه خود خدای سبحان پاسخ می دهد به اینکه: "بَلْ لَّجُّوا فِي عُتُوٍّ وَ نُفُورٍ"، یعنی حق برای آنان روشن شده ولی در برابر آن خاضع نمی شوند تا تصدیقش کنند، و آن گاه پیرویش نمایند، بلکه در دور شدن از حق و نفرت از آن هم چنان ادامه داده، و بیشتر جلو می روند.

[تمثیلی برای بیان حال مؤمن طالب بصیرت و کافر جاهل و لجوج

"أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ" کلمه "مکب" اسم فاعل از "إكباب" (باب افعال) است، و "إكباب الشیء" علی وجهه "به

صفحه ی ۶۰۴

معنای آن است که کسی را به رو به زمین بیندازی، در کشف گفته معنای عبارت "أکب" این است که داخل شد در کب و دارای کب شد «۱».

آیه مورد بحث استفهامی است انکاری از یکسان بودن دو حالت سر پا راه رفتن و با صورت روی زمین خزیدن، و این تعریض و توییحی است از کفار، که در ضمن روی سخن را هم از آنان برگردانید، و از شرافت حضور و خطاب محرومشان کرد، ساده تر بگویم در آیه قبلی کفار را مخاطب قرار داده بود، ولی بعد از آنکه در آخر آن آیه سخن از لجاجت ایشان رفت، در آیه مورد بحث دیگر خطاب را ادامه نداد، بلکه آنان را غایب فرض کرد، و این خود مزید بر تعریض است، و منظور آیه این است که کفار در لجاجت و سرکشی عجیبی که دارند، و در نفرتشان از حق مثل کسی می مانند که راهی را که می خواهد طی کند با خزیدن روی زمین، آنهم به صورت، طی کند، و

معلوم است که چنین کسی نه بلندبهای مسیر خود را می بیند نه پستی ها را، و نه نقاط پرتگاه و سرآشویی ها را، پس چنین کسی هرگز نظیر آن کس دیگر که سر پا و مستقیم راه می رود نمی تواند باشد، چون او جای هر قدم از قدمهای خود را می بیند، و احياناً اگر موانعی هم سر راهش باشد مشاهده می کند، و علاوه بر این می داند که این راه به کجا منتهی می شود، و این کفار راه زندگی خود را مثل آن شخص خزنده طی می کنند، اینها با اینکه می توانند مستقیم راه بروند، خوابیده روی زمین می خزند، یعنی با اینکه حق را تشخیص می دهند متعمداً چشم خود را از شناختن آنچه که باید بشناسند می بندند، و خود را به ندیدن می زنند و با اینکه می توانند طبق وظیفه ای که باید عمل کنند از عمل کردن به وظیفه چشم می پوشند در برابر حق خاضع نمی شوند، و در نتیجه بصیرتی به امور ندارند، به خلاف مؤمنین که راه زندگی را تشخیص می دهند، و بر صراط مستقیم پایدار و استوارند، و در نتیجه از هلاکت ایمنند.

از آنچه گذشت روشن گردید که مثل آورده شده در آیه، مثلی است برای عموم، حال هر کافر جاهل و لجوج را که به جهل خود ادامه می دهد، و حال هر مؤمن طالب بصیرت و جویای حق را ممثل می سازد.

بحث روایتی [(روایتی دال بر اینکه قلب بر چهار قسم است، در ذیل آیه "أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ ..." )]

در کافی به سند خود از سعد از ابی جعفر (ع) روایت کرده که فرمود: قلب \_\_\_\_\_

(۱) نفس \_\_\_\_\_ یر کش \_\_\_\_\_ اف، ج ۴، ص ۵۸۲.

\_\_\_\_\_ صفحه ی ۶۰۵

چهار قسم است،

قلبی است که در آن هم نفاق است و هم ایمان، و قلبی است به کلی منکوس و زیر و رو شده، و قلبی است مطبوع و مهر شده، و قلبی است ازهر، پرسیدم قلب ازهر کدام است؟ فرمود قلبی است که در آن نوری چون چراغ هست.

و اما قلب مطبوع قلب منافق است، و قلب ازهر قلب مؤمن است، اگر خدا به او نعمتی دهد شکر می گزارد، و اگر مبتلایش کند صبر می کند. و اما قلب منکوس قلب مشرک است، آن گاه این آیه را در معنای قلب منکوس تلاوت کرد: "أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ"، و اما قلبی که هم نفاق در آن هست و هم ایمان قلب مردمی است که در طایف بودند، اگر أجل یکی از آنها در حال نفاق می رسید، هلاک شده بود، و اگر در حال ایمان می مرد نجات می یافت «۱».

مؤلف: این روایت را تفسیر برهان هم از ابن بابویه و او به سند خود از فضیل از سعد خفاف از ابی جعفر (ع) نقل کرده، در نقل وی آمده: قلب چهار قسم است تا آخر این حدیث نقل کرده و لیکن در "قلب ازهر" کلمه "انور" را زیادی دارد، (قلب ازهر انور) «۲».

و اما اینکه امام فرمود: "قلب مردمی است که در طائف بودند" منظور از طائف چند فرسنگی مکه معظمه نیست بلکه منظور از طائف شیطانی است که بسیار به سراغ دل آدمی می آید، و پیرامون دل طواف می کند، هم چنان که فرمود: "إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ" «۳»، پس معنای روایت

چنین است که قومی با طائف شیطانی زندگی می کنند، و شیطان لحظه به لحظه پیرامون دلشان طواف می کند تا بمیرند، اگر در حالی که همان شیطان طوافگر با ایشان باشد بمیرند، هلاک شده اند، و اگر در حال ایمان بمیرند نجات یافته اند.

این را هم باید دانست که در اینجا روایاتی است که جمله شریفه "أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ..." را بر منحرفین از ولایت علی (ع) و پیروان ولایت او، و دوستانش تطبیق می کند، که البته جنبه تفسیر ندارد، بلکه از باب تطبیق کلی بر مصداق است.

---

(۱) اصول کافی، ج ۲، ص ۳۰۹، ح ۲.

(۲) تفسیر برهان، ج ۴، ص ۳۶۴، ح ۴.

(۳) کسانی که از خدا می ترسند، وقتی طائفی از شیطان با آنان تماس پیدا می کند، به یاد خدا می افتند، و ناگهان دارای بصیرت می شوند. سوره اعراف، آیه ۲۰۱.

ترجمه آیات بگو او همان کسی است که شما را هستی داد و برایتان گوش و چشم و دل قرار داد ولی شکر شما اندک است (۲۳).

بگو او همان کسی است که شما خاکیان را در زمین خلق کرد و به سوی او محشور می شوید (۲۴).

و (به خاطر همان عتو و نفور و ناسپاسیشان) می گویند این وعده ای که می دهید چه وقت انجام می شود اگر راست می گوئید؟ (۲۵).

بگو علم آن تنها و تنها نزد خداست و اما من فقط بیم رسانی روشنگرم (۲۶).

---

صفحه ی ۶۰۷

همین که آن وعده را نزدیک ببینند اثر نومیدی و خسران در چهره کفار نمایان می شود و به ایشان گفته می شود این است آنچه قبلا وعده اش را به شما دادند (و شما می پرسیدید پس کی می رسد) (۲۷).

بگو به من خبر دهید اگر (فرضا)

خدا، من و پیروان مرا هلاک کند و یا بر ما رحم کند (چه دخالتی در سرنوشت شما کفار دارد و) کافران را چه کسی از عذاب دردناک پناه می دهد (۲۸).

بگو آن کس همان رحمان است که ما به وی ایمان آوردیم و بر او توکل کردیم پس به زودی خواهید دانست چه کسی در ضلالت آشکار است (۲۹).

بگو اگر آبی که شما به وسیله آن زنده اید در طبقات زمین فرو برود چه کسی است که آبی گوارا برایتان بیاورد؟ (۳۰).

بیان آیات این آیات نشانه های دیگری از ربوبیت خدای تعالی را به مشرکین تذکر می دهد تا به وسیله آن به وحدانیت خدا در خلقت و تدبیر رهنمونشان شود، و در آن مطالب را توأم با تخویف و تهدید بیان می کند، هم چنان که گفتیم همه سوره اینطور است، چیزی که هست باید این را در نظر بگیریم که خدای تعالی بعد از آنکه در جمله "بَلْ لَّجُوا فِي عُتُوٍّ وَ نُفُورٍ" به لجاجت و عناد آنان در باره حق اشاره کرد، سیاق را از خطاب به آنان برگردانید، و روی سخن از ایشان برتافته خطاب را متوجه رسول خدا (ص) کرد، و فرمود: حالا- تو با آنان سخن بگو، و بگوششان بخوان، و آیات و نشانه های ربوبیت من در خلقت و تدبیر را که همه بر یگانگی من در ربوبیت دلالت دارند به یادشان بیاور، و از عذاب من اندازشان کن "قُلْ هُوَ الَّذِي ... " "قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ ... " "قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ ... " "قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِيَ اللَّهُ ... " "قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ ... " "قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا ... " که در



همه این آیات می فرماید: تو بگو چنین و چنان.

[مقصود از انشاء بشر (هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ...)]

"قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ" کلمه "انشاء" به معنای ایجاد ابتدایی چیزی و تربیت آن است، و در اینکه در آخر این آیه بشر را عتاب کرده به اینکه "قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ" - چه کم است شکرگزاریتان" و همچنین در آخر نظیر این آیه مانند آیه ۷۸ سوره مؤمنون و آیه ۹ سوره الم سجده دلالت دارد بر اینکه انشای بشر و ایجاد او و مجهز کردنش بـجهـ از حس و فکر، از اعظم نعمت های الهی

صفحه ی ۶۰۸

است، که با هیچ مقیاسی نمی توان عظمت آن را اندازه گیری کرد.

و منظور از انشای بشر صرف خلقت او نیست، بلکه منظور خلقت بدون سابقه او است، یعنی حتی در ماده هم سابقه نداشت، و در ماده چیزی به نام انسان نبود، هم چنان که در آیه زیر خلقت جسم و ماده بشر را سابقه دار می داند، و از پدید آوردن جسمش تعبیر به خلقت می کند، ولی وقتی به خود او می رسد از ایجادش تعبیر به انشاء نموده، می فرماید: "وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً ... ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ" «۱».

که از آن فهمیده می شود انسان سمیع و بصیر، و متفکر شدن مضغه به وسیله ترکیب شدن نفس بشر با آن مضغه، خلقتی دیگر است، و سنخیتی با خلقت انواع صورتهای مادی قبل، یعنی صورت خاکی و گلی و نطفه ای و علقه ای و مضغه ای ندارد، اینها همه اطواری است

که ماده انسان به خود گرفته، و اما خود انسان دارای شعور در هیچ یک از این اطوار وجود نداشته، و شبیه به هیچ یک از آنها نیست، و این همان انشا است.

و نظیر آیه سوره مؤمنون "وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ" «۲» است، (کلمه "اذا- ناگهان" را از نظر دور ندارید).

پس اینکه فرمود: "هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ" اشاره است به خلقت انسان، و جمله "وَجَعَلَ لَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ" اشاره است به مجهز شدن انسان به جهاز حس و فکر «۳»، و منظور از جعل، جعل انشایی سمع و بصر و افئده است، هم چنان که جعل نفس آدمی انشایی است، و در جای دیگر در باره انشایی بودن آنها فرموده "وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ لَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ" «۴».

---

(۱) ما انسان را از چکیده ای از گل آفریدیم، سپس او را نطفه کرده در جایی محفوظ قرار دادیم، سپس نطفه را علقه خلق کردیم، و علقه را مضغه خلق کردیم ... و سپس او را موجودی دیگر انشا نمودیم.

سوره مؤمنون، آیات ۱۲-۱۴.

(۲) و یکی از نشانه های ربوبیت منحصره او این است که شما را از خاک خلق کرد، و سپس ناگهان بشری شدید، و منتشر گشتید. سوره روم، آیه ۲۰.

(۳) پنج جهاز برای حس می باشد: "لامسه"، "ذائقه"، "شامه"، "سامعه"، و "بصره" و پنج جهاز نیز برای حواس باطنی، که همه ابزار فکرنده می باشد: "حس مشترک"، "خیال"، "واهمه"، "حافظه" و "متصرفه" - مترجم.

(۴) او کسی است که برای شما سمع و ابصار و افئده انشا کرد، و چه اندک است شکر شما.

پس انسان هر چند که به صفات بسیاری از قبیل حواس پنجگانه ظاهری و باطنی از سایر موجودات، یعنی جمادات و نباتات ممتاز است، ولی در آیه به دو صفت سمع و بصر اکتفاء کرده، و این یا به خاطر این بوده که این دو مهم تر از سایر امتیازات است، و یا احتمالاً برای این بوده که اصلاً منظور از آن دو همه صفات و حواس ظاهری است، و در آیه بر جزء اطلاق شده و کل اراده شده است، و منظور از کلمه "افئده" که جمع "فؤاد-قلب" است، نفس متفکر آدمی است که انسان با این امتیاز از سایر حیوانات ممتاز می شود.

"قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ" - یعنی کم شکر می گزارید، شکری که شایسته این نعمت و یا همه نعمت های عظمای الهی باشد، بنا بر این کلمه "ما" زایده و کلمه "قلیلاً" مفعول مطلق است، و تقدیر کلام "تشکرون شکراً قلیلاً" می باشد.

و بعضی «۱» از مفسرین کلمه "ما" را مصدریه گرفته اند، که بنا بر این، معنای جمله "قلیلاً شکرکم" می شود.

"قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ" مصدر "ذره" که فعل "ذراکم" از آن مشتق است، به معنای خلقت است، و منظور از خلق کردن ایشان در زمین این است که خلقتشان وابسته به زمین است، و کمال آنان جز به اعمالی وابسته به ماده زمینی تمام نمی شود، آری خدای تعالی مواد زمینی را در دل بشر زینت داده، به طوری که دلها به سوی آن مجذوب شود، و به این وسیله افراد صالح از طالح ممتاز گردند، هم چنان که فرمود: "إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِيَبْلُوهُمْ أَئِنَّهُمْ

أَحْسَنُ عَمَلًا وَ إِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا" (۲).

و جمله "وَ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ" اشاره است به مساله بعث و جزا و قیامت و وعده ای است قطعی.

"وَ يَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ" منظور از این وعده همان قیامت موعود است. در این جمله سخن کفار و منکرین معاد را حکایت می کند که در آمدن آن عجله کردند، البته استعجالشان به منظور استهزا بوده.

"قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَ إِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ" این جمله، جواب از استعجال ایشان است که می گفتند "پس این وعده کی

---

(۱) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۲۹.

(۲) این ماییم که آنچه روی زمین است زینت زمین کردیم تا ایشان را بیازماییم، کدامشان بهتر عمل می کنند، و ما به زودی آنچه روی زمین است چون خاک خشک از نظرشان می اندازیم. سوره کهف، آیه ۷ و ۸. صفحه ی ۶۱۰

---

می رسد ..."، و حاصل جواب این است که علم به اینکه قیامت چه وقت می رسد نزد خدا است، و غیر از خدای تعالی کسی را از آن آگاهی نیست هم چنان که خودش در جای دیگر قرآن فرموده: "لَا يُجَلِّئُهَا لَوْفَتِهَا إِلَّا هُوَ" (۱) و من بجز اینکه نذیری آشکار هستم مسئولیت و اختیاری ندارم، من تنها مامورم به شما خبر دهم که به زودی به سوی خدا محشور می شوید، و اما اینکه چه وقت محشور می شوید، نمی دانم.

این معانی از آیه و سیاقی که آیه در آن قرار دارد یعنی سیاق سؤال و جواب استفاده می شود، و بنا بر این، لام در کلمه "العلم" لام عهد است و مراد، علم به وقت حشر است، و اما اگر الف و

لام را برای جنس بدانیم، هم چنان که از جمله "إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ" با قطع نظر از چیز دیگری همین جنس استفاده می شود، در نتیجه معنایش این می شود که به طور کلی حقیقت علم نزد خداست، و احدی به هیچ مقدار از آن علم احاطه نمی یابد، مگر به اذن خدای تعالی، هم چنان که فرمود: "وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ" (۲) و خدا نخواسته که من از آن علم بی کرانش جز این را بدانم که شما به زودی محشور می شوید، و شما را از آن روز انذار کنم، و اما اینکه وقت رسیدن آن روز چه زمانی است علمی بدان ندارم.

"فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ..."

کلمه "زلفه" به معنای "قرب- نزدیکی" است. و مراد از آن "قرب- نزدیک" است، و ممکن هم هست از باب "زید عدل" باشد، و ضمیر در جمله "رأوه" به وعد، و به قول بعضی (۳) به عذاب برمی گردد. و معنای آیه این است که: وقتی آن وعده و یا عذاب را نزدیک بینند آن وقت روی کسانی که کفر ورزیدند ترش می شود، و در سیمایشان اثر خسران و نومیدی هویدا می گردد.

"وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ" - بعضی (۴) از علمای لغت گفته اند: "تدعون" بدون تشدید دال و "تدعون" با تشدید، هر دو به یک معنا است، مثل دو کلمه "تدخرون" بی تشدید و "تدخرون" با تشدید. و معنای جمله این است که به ایشان گفته می شود: این عذاب که می بینید همان وعده ای است که به شما دادند، و شما همواره می پرسیدید پس آن قیامت و عذاب چه وقت است، و با



دست اوست، و ما از زحمت او امید خیر داریم، و اما شما چه می کنید، چه کسی را دارید که از عذاب الیم خدا که به خاطر کفرتان به خدا مستحق آن شده اید، پناهتان دهد؟

"قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَّنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ" ضمیر به خدایی برمی گردد که رسول الله مامور شده بشر را به توحید او دعوت کند، و کفار همان خدا را می خوانند تا او را هلاک سازد. و معنای آیه این است که بگو آن خدایی که من شما را به توحید او می خوانم، و شما او را به نفرین من و علیه مؤمنین می خوانید، همان رحمانی است که نعمتش هر چیزی را فرا گرفته، و ما به او ایمان آورده بر او توکل کرده ایم، بدون اینکه به چیزی غیر او متمایل شویم، و یا اعتماد کنیم، پس ای مردم کافر! به زودی خواهید فهمید چه کسی در ضلالت آشکار است؟ ما و یا شما؟

در کشف گفته: اگر بررسی چرا مفعول فعل "امنا" را که ضمیر در "به" باشد، بعد از فعل آورد، و مفعول فعل "توکلنا" را که ضمیر در "علیه" باشد جلوتر از فعل آورد، و خلاصه \_\_\_\_\_

(۱) تفسیر فخر رازی، ج ۳۰، ص ۷۵.

(۲) تفسیر \_\_\_\_\_ فخر رازی، ج ۳۰، ص ۷۶.

\_\_\_\_\_ صفحه ی ۶۱۲

چرا نفرمود: "امنا به و توکلنا علیه"؟ در پاسخ می گویم: علتش این بود که کلمه "آمنا" در مقام تعریض به کافران بود، که قبلاً ذکرشان به میان آمده بود، پس گویا فرموده: "ایمان آوردیم به رحمان، و مثل شما به او کفر نورزیدیم، آن گاه فرمود: و بر خصوص او

توکل کردیم- چون مقدم شدن کلمه (بر او) انحصار را می رساند- و توکل نکردیم بر آنچه شما بر آن توکل نمودید، شما بر رجال و اموالتان توکل کردید، و ما بر خدای رحمان و بس «۱».

"قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ" کلمه "غور" به معنای فرو رفتن آب در زمین است، و منظور از این مصدر اسم فاعل- غائر- است، و کلمه "معین" به معنای آب جاری در روی زمین است. و معنای آیه این است که: مرا خبر دهید اگر آب شما به زمین فرو رود، و روی زمین آبی نماند، چه کسی است که در روی زمین برایتان آب جاری سازد؟

در این باره روایاتی است که آیه شریفه را بر ولایت علی (ع) و دشمنی آن جناب تطبیق می کند، که البته منظور از آنها تفسیر نیست بلکه تطبیق کلی بر مصداق است «۲».

---

(۱) تفسیر کشاف، ج ۴، ص ۵۸۳.

(۲) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۷۹.

## تفسیر نمونه

### سوره ملک

#### مقدمه

این سوره در مکه نازل شده و دارای ۳۰ آیه است

#### محتوای سوره ملک

این سوره که سرآغاز جزء ۲۹ قرآن مجید است از سوره هایی است که بنابر مشهور، تمام آن در مکه نازل شده ، همانگونه که غالب سوره های این جزء مکی است ، بلکه به گفته بعضی از مفسران تمام سوره های این جزء مکی است <۱> به عکس سوره های جزء قبل که مدنی بود، ولی چنانکه خواهیم گفت : سوره دهر (یا سوره انسان ) از این قاعده مستثنی است و در مدینه نازل شده است .

سوره ((ملک)) که نام دیگرش سوره ((منجیه)) (نجاتبخش)



و نام سومش ((واقیه)) یا ((مانعه)) است (زیرا تلاوت کننده خود را از عذاب الهی یا عذاب قبر نگاه می دارد) از سوره های بسیار پرفضیلت قرآن می باشد، و مسائل زیادی در آن مطرح شده که عمدتاً بر سه محور دور می زند.

۱ - بحثهایی پیرامون ((مبدء)) و صفات خداوند، و نظام شگفت انگیز خلقت مخصوصاً آفرینش آسمانها و ستارگان، و آفرینش زمین و مواهب آن، و همچنین آفرینش پرندگان، و آبهای جاری و آفرینش گوش و چشم و ابزار شناخت.

۲ - بحثهایی پیرامون ((معاد)) و عذاب دوزخ، و گفتگوهای ماءموران عذاب با دوزخیان، و مانند آن.

۳ - انذار و تهدید کافران و ظالمان به انواع عذابهای دنیا و آخرت.

و به گفته بعضی از نظر محور اصلی تمام سوره را همان مالکیت و حاکمیت خدا تشکیل می دهد که در نخستین آیه آمده است. <۲>

#### فضیلت تلاوت سوره

روایات زیادی در فضیلت این سوره از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اهل بیت (علیهمالسلام) نقل شده است:

از جمله در حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می خوانیم: من قراء سوره تبارک فکانما احیا لیلہ القدر! ((کسی که سوره تبارک را بخواند چنان است که گوئی شب قدر را احیا داشته)). <۳>

و در حدیث دیگری از همان حضرت آمده است: وددت ان تبارک الملک فی قلب کل مؤمن: ((دوست می داشتم که سوره تبارک در قلب همه مؤمنان ثبت بود)). <۴>

در حدیثی از امام

محمد بن علی الباقر می خوانیم که فرمود: سوره الملک هی المانعہ تمنع من عذاب القبر، و هی مکتوبه فی التوراه سوره الملک و من قراءها فی ليله فقد اکثر، و اطاب ، و لم یکتب من الغافلین ... ((سوره ملک سوره ((مانعه )) است ، یعنی از عذاب قبر ممانعت می کند، و در تورات به همین نام ثبت است ، کسی که آنرا در شبی بخواند بسیار خوانده ، و

خوب خوانده ، و از غافلان محسوب نمی شود)). <۵>

و احادیث در این زمینه بسیار است .

البته اینهمه آثار عظیم مربوط به خواندن بدون فکر و عمل نیست ، هدف خواندنی است آمیخته با الهام گرفتن برای عمل .

تفسیر :

هیچ نقصی در جهان هستی نمی بینی

این سوره با مسأله مهم مالکیت و حاکمیت خداوند و جاودانگی ذات پاک او آغاز می شود که در واقع کلید همه بحثهای این سوره است . <۶>

می فرماید: ((پربرکت و زوال ناپذیر است کسی که حکومت جهان هستی به دست او است ، و او بر همه چیز قادر است )) (تبارک الذی بیده الملک و هو علی کل شیء قدیر).

((تبارک )) از ماده ((برکت )) در اصل از ((برک )) (بر وزن برگ ) به معنی سینه شتر است ، و هنگامی که ((برک البعیر)) گفته شود مفهومی این است که شتر سینه خود را به زمین زد، سپس این کلمه به معنی دوام و بقاء و زوال ناپذیری آمده ، و در مورد هر نعمتی که پایدار و بادوام باشد گفته شده است ، مخزن آب را از این رو ((برکه ))

می گویند که آب مدتی طولانی در آن باقی می ماند.

در آیه فوق در حقیقت دلیل مبارک بودن ذات پاک خدا ذکر شده و آن مالکیت و حاکمیت او بر جهان و قدرت او بر همه چیز است ، و به همین دلیل وجودی است زوال ناپذیر و پربرکت .

در آیه بعد به هدف آفرینش مرگ و حیات انسان که از شؤون مالکیت و حاکمیت خدا است اشاره کرده ، می فرماید: ((او کسی است که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدامیک بهتر عمل می کنید)) (الذی خلق الموت و الحیاه لیبلوکم ایکم احسن عملا).

((مرگ )) اگر به معنی فنا و نیستی باشد مخلوق نیست ، چرا که خلقت به امور وجودی تعلق می گیرد، ولی می دانیم که حقیقت مرگ انتقال از جهانی به جهان دیگر است ، و این قطعا یک امر وجودی است که می تواند مخلوق باشد.

و اگر مرگ در اینجا قبل از حیات ذکر شده به خاطر تاءثیر عمیقی است که توجه به مرگ در حسن عمل دارد. گذشته از اینکه مرگ قبل از زندگی بوده است .

منظور از آزمایش خداوند چنانکه قبلا نیز گفته ایم نوعی پرورش است ،

به این معنی که انسانها را به میدان عمل می کشد تا ورزیده و آزموده و پاک و پاکیزه شوند. و لایق قرب خدا گردند. <۷>

قابل توجه اینکه هدف ((آزمایش حسن )) عمل معرفی کرده ، نه کثرت عمل ، و این دلیل بر این است که اسلام به ((کیفیت )) اهمیت می دهد نه به کمیت مهم آن است که عمل خالصانه

و برای خدا مفید و جامع باشد، هر چند از نظر کمیت کم باشد.

لذا در اینکه منظور از ((احسن عملا)) چیست در بعضی از روایات اسلامی از پیغمبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که فرمود: اتمکم عقلا و اشدکم لله خوفا، و احسنکم فیما امر الله به و نهی عنه نظرا، و ان کان اقلکم تطوعا! ((منظور این است که کدامیک از شما عقل و خرد کامل تر، و خداترسی بیشتر، و آگاهی فزون تر بر اوامر و نواهی الهی دارید، هر چند اعمال مستحبتان کمتر بوده باشد)). <۸>

بدیهی است عقل کامل عمل را پاکتر و نیت را خالص تر و پاداش را بیشتر می کند.

و در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم: لیس یعنی اکثر عملا، و لکن اصوبکم عملا، و انما الاصابه خشیه الله و النیه الصادقه، ثم قال الابقاء علی العمل حتی یخلص. اشد من العمل، و العمل الخالص الصالح الذی لا ترید ان یحمدک علیه احد الا الله عز و جل:

((منظور این نیست کدامیک بیشتر عمل می کنید، بلکه منظور این است کدامیک صحیح تر عمل می کنید، و عمل صحیح آن است که توأم با خداپرستی

و نیت پاک باشد، سپس فرمود: نگهداری عمل از آلودگی سخت تر است از خود عمل، و عمل خالص صالح، عملی است که نمی خواهی احدی جز خدا تو را به خاطر آن بستايد)). <۹>

در مورد هدف آفرینش انسان در تفسیر سوره ((ذاریات)) ذیل آیه ۵۶ ((و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون))

بحث مشروحي داشتيم در آنجا هدف ((عبوديت خدا)) ذکر شده ، و در اینجا ((آزمایش حسن عمل))، روشن است که مسأله آزمون و امتحان از مسأله عبودیت جدا نیست ، همانگونه که کمال عقل و خداترسی و نیت خالص که در روایات بالا به آن اشاره شده ، روح عبودیت را تشکیل می دهد.

به این ترتیب عالم میدان آزمایش بزرگی است برای همه انسانها، وسیله آزمایش ، مرگ و حیات ، و هدف این آزمون بزرگ رسیدن به حسن عمل ، که مفهومی ((تکامل معرفت ، و اخلاص نیت ، و انجام هر کار خیر)) است .

و اگر می بینیم بعضی از مفسران ((احسن عملا)) را در اینجا به معنی یاد مرگ کردن ، یا آماده برای مرگ شدن ، و امثال آن تفسیر کرده اند در حقیقت اشاره به مصداقهای از این معنی کلی است .

و از آنجا که در این میدان آزمایش بزرگ انسان گرفتار لغزشهای فراوانی می شود، نباید این لغزشها او را مأیوس کند، و از تلاش و کوشش برای اصلاح خویش باز دارد، در پایان آیه به بندگان وعده یاری و آمرزش داده می گوید: ((و او شکست ناپذیر و بخشنده است )) (و هو العزيز الغفور)

آری او قادر بر هر چیز، و آمرزنده هر انسان توبه کاری است .

بعد از بیان نظام مرگ و زندگی ، به نظام کلی جهان پرداخته ، و انسان را به مطالعه مجموعه عالم هستی دعوت می کند، تا از این طریق خود را برای آن آزمون بزرگ آماده کند، می فرماید: ((همان خدائی که هفت آسمان را بر روی یکدیگر

آفرید)) (الذی خلق سبع سموات طباقا).

درباره ((آسمانهای هفتگانه کمی قبل از این در تفسیر آیه ۱۲ سوره طلاق بحث کرده ایم ، و در مورد ((طباقا)) در اینجا باید بیفزاییم که بر اساس این تعبیر آسمانهای هفتگانه هر کدام فوق دیگری قرار دارد، زیرا معنی ((مطابقه )) در اصل آن است که چیزی را فوق چیز دیگری قرار دهند.

حال اگر آسمانهای هفتگانه را اشاره به کرات هفتگانه منظومه شمسی بدانیم که با چشم غیر مسلح قابل رؤیتند، هر کدام فاصله معینی از خورشید دارند و هر یک فوق دیگری است .

و اگر آنچه را از ستارگان ثوابت و سیار می بینیم همه را جزء آسمان اول بشمریم معلوم می شود که در مراحل بالاتر عوالم دیگری است که یکی برتر از دیگری قرار دارد.

و به دنبال آن می افزاید: ((در خلقت خداوند رحمان هیچ نقص و تضاد و عیبی نمی بینی )) (ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت ).

با تمام عظمتی که عالم هستی دارد هر چه هست نظم است و استحکام ، و انسجام ، و ترکیبات حساب شده ، و قوانین دقیق و اگر بی نظمی در گوشه ای از جهان راه می یافت آن را به نابودی می کشید.

از نظام عجیب و شگفت انگیزی که بر یک دانه اتم ، و ذرات الکترون و پروتون حاکم است گرفته ، تا نظامات حاکم بر کل منظومه شمسی ، و منظومه های دیگر و کهکشانها، همه در سیطره قوانین دقیقی قرار دارند که آنها

را در مسیر خاصی پیش می برند، خلاصه همه جا قانون است و حساب ، و همه جا نظم

است و برنامه .

و در پایان آیه برای تاءکید بیشتر می فرماید: ((بار دیگر نگاه کن و عالم را با دقت بنگر، آیا هیچ شکاف و خلل و اختلافی در جهان مشاهده می کنی؟! (ارجع البصر هل ترى من فطور).

((فطور)) از ماده ((فطر)) (بر وزن سطر) به معنی شکافتن از طول است ، و به معنی شکستن (مانند افطار روزه ) و اختلال و فساد نیز می آید، و در آیه مورد بحث به همین معنی است .

منظور این است که هر چه انسان در جهان آفرینش دقت کند کمترین خلل و ناموزونی در آن نمی بیند.

و لذا در آیه بعد برای تاءکید همین معنی می افزاید: ((بار دیگر دیده خود را باز کن ، و دو مرتبه به عالم هستی بنگر، سرانجام چشمانت به سوی تو باز می گردد در حالی که خسته و ناتوان شده ، و در جستجوی خلل و نقصان در این عالم بزرگ ناکام مانده است ))! (ثم ارجع البصر كرتين ينقلب اليك البصر خاسئا و هو حسير).

((كرتين)) از ماده ((كر)) (بر وزن شر) به معنی توجه و بازگشت به چیزی است ، و ((كره)) به معنی تکرار و ((كرتين)) تشبیه آن است ، ولی بعضی از مفسران گفته اند که منظور از ((كرتين)) در اینجا معنی تشبیه نیست ، بلکه منظور توجه ای مکرر و پی در پی و متعدد است .

بنا بر این حداقل قرآن در این آیات دستور به مردم می دهد که سه بار در عالم هستی بنگرند، و اسرار آفرینش را مطالعه کنند، و به یک معنی بارها

و بارها دقیق شوند

و هنگامی که نتوانستند کمترین خلل و نقصانی در این نظام عجیب بیابند به آفریننده این دستگاه و خالق این جهان و علم و قدرت بی پایان آشنا تر شوند.

((خاسی ۷)) از ماده ((خساء)) و ((خسوء)) (بر وزن مدح و خشوع) هرگاه در مورد چشم به کار رود به معنی خسته و ناتوان شدن است، و هرگاه در مورد ((سگ)) به کار رود به معنی دور کردن آن است.

((حسیر)) از ماده ((حسر)) (بر وزن قصر) به معنی برهنه کردن است، و از آنجا که انسان به هنگام خستگی تاب و توان خود را از دست می دهد و گوئی برهنه از نیروهای خود می شود به معنی خستگی و ناتوانی آمده است، بنابراین ((خاسی ۷)) و ((حسیر)) در آیه فوق هر دو به یک معنی و برای تاءکید در موضوع درماندگی و ناتوانی چشم از دیدن نقصانی در نظام عالم هستی است.

بعضی میان این دو چنین فرق گذاشته اند ((خاسی ۷)) به معنی ناکام و ((حسیر)) به معنی ناتوان است.

به هر حال از این آیات دو نتیجه مهم می توان گرفت: نخست اینکه قرآن به همه رهروان راه حق، دستور مؤ کد می دهد که هر چه می توانند در اسرار عالم هستی و شگفتیهای جهان آفرینش بیشتر مطالعه و دقت کنند، و به یک بار و دو بار قناعت ننمایند، چه بسیار اسراری که در نگاه اول و دوم خود را نشان نمی دهد، دیده های تیزبین لازم است که بعد از چندین نگاه آنها را بیابد.

دیگر اینکه هر قدر انسان در این نظام دقیق



تر و باریکتر شود انسجام آن را بهتر درک می کند، انسجامی خالی از هرگونه نقص و خلل و کثری و اعوجاج .

و اگر در نظر سطحی و ابتدائی بعضی از پدیده های این جهان به عنوان شرور و آفات و فساد دیده می شود (همچون زمین لرزه ها، سیلابها و بیماریها و

حوادث ناگواری که گهگاه در زندگی انسانها رخ می دهد) در مطالعات دقیق تر روشن می شود که آنها نیز اسرار و فلسفه های دقیق و مهمی دارد. <۱۰>

این آیات اشاره روشنی به برهان نظم دارد که می گوید: وجود نظم در هر دستگاه نشانه وجود علم و قدرتی در پشت آن دستگاه است ، و گر نه حوادث اتفاقی حساب نشده ، و تصادفهای کور و کر، هرگز نمی تواند مبداء نظام و حساب گردد، همانگونه که در حدیث معروف مفضل از امام صادق (علیه السلام ) آمده است : ان الالهال لا یاتی بالصواب ، و التضاد لا یاتی بالنظام :

((مهمل کاری هرگز نتیجه درست نمی دهد، و تضاد مبداء نظام نمی گردد))! <۱۱>

آخرین آیه مورد بحث نظری به صفحه آسمان افکنده ، و از ستارگان درخشنده و زیبا سخن به میان آورده : می گوید: ((ما آسمان پایین را با چراغهای پرفروغی زینت بخشیدیم ، و آنها را تیرهایی برای شیاطین قرار دادیم ، و برای آنها عذاب آتش دوزخ فراهم ساختیم )) (و لقد زینا السماء الدنيا بمصابیح و جعلناها رجوما للشیاطین و اعتدنا لهم عذاب السعیر).

یک نگاه به آسمان در یک شب تاریک و پرستاره ، و توجه به آن عوالم رؤیائی دوردست ، و تصور

نظامهائی که بر آنها حاکم است ، و دقت در زیبایی و ظرافت و عظمت و سکوت اسرارآمیز و پرابهتی که بر آنها سایه افکنده ، انسان را در جهانی مملو از عرفان و نور حق وارد می کند، و در عوالمی از عشق پروردگار سیر می دهد که با هیچ زبانی قابل توصیف نیست .

این آیه بار دیگر این حقیقت را تاءکید می کند که تمام ستارگانی که ما

می بینم همه بخشی از آسمان اول است ، آسمانی که از میان آسمانهای هفتگانه به ما نزدیکتر می باشد، و به همین دلیل به عنوان ((السماء الدنيا)) (آسمان نزدیک و پایین ) از آن تعبیر شده است .

تعبیر به ((رجوم)) (تیرها) اشاره به شهابها است که همچون تیری از یکسوی آسمان به سوی دیگر پرتاب می شود، می دانیم ((شهب)) باقیمانده ستارگانی است که طی حوادثی از هم متلاشی شده ، بنا بر این اگر می گوید ما کواکب را تیرهائی برای شیاطین قرار دادیم اشاره به همین سنگریزه های مخصوص است .

و اما اینکه چگونه شیاطین با تیره های شهاب که سنگهای کوچک سرگردانی در آسمانها هستند نشانه گیری می شوند شرح آن را در تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۴۲ (ذیل آیه ۱۸ سوره حجر) و در جلد ۱۹ صفحه ۱۵ به بعد (ذیل آیه ۲۰ سوره صافات ) مشروحا بیان کرده ایم .

عظمت عالم آفرینش

با اینکه قرآن مجید از محیط عقب افتاده عصر جاهلیت عرب برخاست ولی غالباً تاءکید می کند که مسلمانان در اسرار با عظمت عالم هستی بیندیشند، مطلبی که در عصر جاهلیت مفهوم نداشت ، و این

خود دلیل روشنی است بر اینکه قرآن از مبداء دیگری صادر شده ، و هر قدر علم و دانش پیش می رود عظمت تاء کیدات قرآن در این زمینه آشکارتر می گردد.

می دانیم کره زمینی که ما در آن زندگی می کنیم با تمام بزرگی که دارد در مقابل مرکز منظومه شمسی یعنی قرص ((خورشید)) به اندازه ای کوچک است که اگر یک میلیون و دویست هزار کره زمین را روی هم بگذارند تازه

به اندازه قرص آفتاب می شود!

از سوی دیگر منظومه شمسی ما جزئی از یک کهکشان عظیم است که همان کهکشان ((راه شیری)) نام دارد. <۱۲>

طبق محاسبات دانشمندان فلکی تنها در کهکشان ما بالغ بر یکصد میلیارد (۱۰۰ ۰۰۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ستاره وجود دارد که خورشید ما با تمام عظمتش یکی از ستاره های متوسط آن محسوب می شود!

از سوی سوم در این جهان بزرگ آنقدر کهکشان وجود دارد که از حساب و شماره بیرون است . و هر قدر تلسکوپهای نجومی عظیمتر و مجهزتر می شوند کهکشانهای تازه ای کشف می شود!

و چه بزرگ است خدائی که این طرح عظیم را با آن نظام دقیق ریخته العظمه لله الواحد القهار اگر گوش شنوا و فکر بیدار داشتیم در دوزخ نبودیم !

از آنجا که در آیات گذشته سخن از نشانه های عظمت و قدرت خدا و دلایل آن در عالم آفرینش بود، در آیات مورد بحث سخن از کسانی می گوید که این دلایل را نادیده گرفته ، و راه کفر و شرک را پیش می گیرند، و همچون شیاطین ، عذاب الهی را به جان می خرند.

نخست می فرماید:

((برای کسانی که

به پروردگارشان کافر شدند عذاب جهنم است و بد جایگاهی است)) (و للذین كفروا بربهم عذاب جهنم و بئس المصیر).

سپس به شرح گوشه ای از این عذاب وحشتناک پرداخته می افزاید: ((هنگامی که کفار در آن افکنده می شوند صدای وحشتناکی از آن می شنوند و این در حالی است که پیوسته می جوشد و غلیان دارد)) (إذا القوا فيها سمعوا لها شهيقا و هي تفور).

آری هنگامی که آنها با نهایت ذلت و حقارت در آن پرتاب می شوند

فریاد وحشتناک و طولانی جهنم برمی خیزد، و تمام وجود آنها را در وحشت فرو می برد.

((شهيق)) در اصل به معنی صدای زشت و منکری همچون صدای الاغ است، و گاه گفته اند از ماده ((شهوق)) به معنی طولانی بودن گرفته شده (لذا کوه بلند را جبل شاهق می گویند) بنابراین ((شهيق)) به معنی ناله طولانی است.

بعضی گفته اند ((زفير)) صدائی است که در گلو می پیچد، و ((شهيق)) صدائی است که در سینه رفت و آمد می کند، و به هر حال اشاره به صداهای وحشت انگیز و ناراحت کننده است.

سپس برای مجسم ساختن شدت خشم ((دوزخ)) می افزاید: ((نزدیک است از شدت غضب پاره پاره شود))! (تکاد تمیز من الغیظ). <۱۳>

درست همانند ظرف عظیمی که روی آتش فوق العاده پرحرارتی گذارده اند و چنان می جوشد و زیر و رو می شود که هر زمان بیم تلاشی شدن آن می رود، و یا همچون انسان خشمگینی که می جوشد و می خروشد و فریاد می کشد و نزدیک است منفجر گردد، آری چنین است

منظره دوزخ این کانون خشم خدا!

سپس ادامه می دهد: ((هر زمان گروهی از کافران در آن افکنده می شوند نگهبانان دوزخ از روی تعجب و تویخ از آنها سؤ ال می کنند مگر شما رهبر و راهنما نداشتید؟ مگر انذارکننده الهی به سراغ شما نیامد؟)) پس چرا به این روز سیاه افتاده اید؟! (کلما القی فیها فوج سالهم خزنتها الم یاتکم نذیر).

آنها باور نمی کنند که انسانی آگاهانه و با داشتن رهبر آسمانی به چنین سرنوشتی گرفتار شود، و چنین جایگاهی را برای خود انتخاب کند.

((ولی آنان در پاسخ می گویند: آری انذارکننده به سراغ ما آمد، ولی ما او را تکذیب کردیم و گفتیم خداوند هرگز چیزی نازل نکرده و خداوند وحی بر کسی نفرستاده است ، تا به هوای نفس خویش ادامه دهیم ، حتی به آنها گفتیم شما در گمراهی عظیمی هستید!)) (قالوا بلی قد جاءنا نذیر فکذبنا و قلنا ما نزل الله من شی ء انتم الا فی ضلال کبیر).

نه تنها آنها را تصدیق نکردیم ، و به پیام حیاتبخششان گوش فرا ندادیم ، بلکه به مخالفت برخاسته ، و این طیبیان روحانی را گمراه خواندیم ، و از خود راندیم .

بعد به دلیل اصلی بدبختی و گمراهی خود اشاره کرده ، ((می گویند: اگر ما گوش شنوا داشتیم ، و عقل خود را به کار می گرفتیم ، هرگز از دوزخیان نبودیم ))! (و قالوا لو کنا نسمع او نعقل ما کنا فی اصحاب السعیر).

آری ((اینجاست که به گناه خود اعتراف می کنند، دور باشند دوزخیان از رحمت خدا))! (فاعترفوا بذنبهم فسحقا لاصحاب السعیر).

در این آیات ضمن بیان

سرنوشت وحشتناک دوزخیان ، انگشت روی علت اصلی بدبختی آنها گذارده شده است ، می گوید: از یکسو خداوند گوش شنوا عقل و هوش داده ، و از سوی دیگر پیامبرانش را با دلائل روشن فرستاده ، اگر این دو با هم ضمیمه شوند سعادت انسان تاءمین است .

ولی هنگامی که انسان گوش دارد اما با آن نمی شنود، و چشم دارد و نمی بیند، و عقل دارد و نمی اندیشد، اگر تمام پیامبران الهی و کتب آسمانی به سراغ او آیند اثری ندارد!

در روایتی آمده است که جمعی در محضر پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) مدح و ستایش از مسلمانی کردند، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: کیف عقل الرجل؟! : ((عقل او چگونه است))؟

عرض کردند: ای رسول خدا! ما از تلاش و کوشش او در عبادت و انواع کارهای خیر سؤال می کنیم ، شما از عقلش سؤال می فرمائید؟

فرمود: (ان الاحق یصیب بحمقه اعظم من فجور الفاجر، و انما یرتفع العباد غدا فی الدرجات ، و ینالون الزلفی من ربهم علی قدر عقولهم !. ((مصیبتی که از ناحیه حماقت احمق حاصل می شود بدتر است از فجور فاجران و گناه بدکاران ، خداوند فردای قیامت مقام بندگان را به مقدار عقل و خرد آنها بالا می برد، و بر این اساس به قرب خداوند نائل می گردند)). <۱۴>

((سحق)) (بر وزن قفل) در اصل به معنی سائیدن و نرم کردن است ، و به لباس کهنه نیز گفته می شود، ولی در اینجا به معنی دوری از

رحمت خدا است ، بنا بر این فسحقا لاصحاب السعیر مفهومش این است که دوزخیان از رحمت خدا دور باشند، و از آنجا که نفرین خداوند تواءم با تحقق خارجی است این جمله دلیل بر این است که این گروه به کلی از رحمت خدا دورند.

### ارزش والای عقل و خرد

این نخستین بار نیست که قرآن مجید به ارزش فوق العاده عقل و خرد اشاره می کند، و گناه عمده دوزخیان و عامل اصلی بدبختی آنها را از کار انداختن این نیروی الهی می شمرد، بلکه هر کس با قرآن آشنا باشد می داند که در مناسبتهای مختلف اهمیت این موضوع را آشکار ساخته است ، و علی رغم دروغپردازیهای کسانی که مذهب را وسیله تخدیر مغزها، و نادیده گرفتن فرمان عقل و خرد می شمردند، اسلام اساس خداشناسی و سعادت و نجات را بر عقل و خرد می نهد، و روی سخنش در همه جا با ((اولوالالباب)) و ((اولوالابصار)) و اندیشمندان و دانشمندان است .

در منابع اسلامی آنقدر روایت در این زمینه وارد شده که از حساب بیرون است ، جالب اینکه کتاب معروف ((کافی)) که از معتبرترین منابع حدیث است مشتمل بر کتابهایی است که نخستین کتابش به نام کتاب ((عقل و جهل)) است ، و هر کس روایاتی را که در این زمینه در این کتاب نقل شده ملاحظه کند به عمق بینش اسلام در این باره پی می برد، و ما در اینجا به ذکر دو روایت قناعت می کنیم :

در حدیثی از علی (علیه السلام) (در همین کتاب) آمده است : جبرئیل بر آدم

نازل شد و گفت من مامورم که تو را میان یکی از این سه موهبت مخیر کنم ، تا یکی را برگزینی ، و بقیه را رها کنی ، آدم گفت : آنها چیست ؟ جبرئیل در پاسخ گفت : ((عقل )) و ((حیاء)) و ((دین)).

آدم گفت : من عقل را برگزیدم ، جبرئیل به ((حیاء)) و ((دین )) گفت او را رها کنید و به دنبال کار خود بروید، گفتند ما ماموریم همه جا با عقل باشیم و از آن جدا نشویم ! جبرئیل گفت : حال که چنین است به ماموریت خود عمل

کنید، سپس به آسمان صعود کرد!! <۱۵>

این لطیفترین تعبیری است که ممکن است درباره عقل و خرد، و نسبت آن با ((حیا)) و ((دین )) گفته شود، چرا که اگر عقل از دین جدا گردد با اندک چیزی بر باد می رود، یا به انحراف کشیده می شود، و اما ((حیا)) که مانع انسان از ارتکاب زشتیها و گناهان است آن نیز ثمره شجره معرفت و عقل و خرد است .

این نشان می دهد که ((آدم )) سهم قابل ملاحظه ای از عقل داشت که به هنگام مخیر شدن در میان این سه چیز، مرحله بالاتر عقل را برگزید، و در سایه آن هم دین را تصاحب کرد و هم حیا را.

در حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام ) می خوانیم : من کان عاقلاً- کان له دین ، و من کان له دین دخل الجنة : ((کسی که عاقل باشد دین دارد، و کسی که دین داشته باشد داخل بهشت می شود)) (بنابراین بهشت جای عاقلان است



البته عقل در اینجا به معنی معرفت راستین است ، نه شیظنهای شیاطین که در سیاستمداران جبار و ظالم جهان دیده می شود که به گفته امام صادق (علیه السلام ) شبیهه بالعقل ، و لیست بالعقل ((شبهه عقل است ولی عقل نیست ))! < ۱۷ > آیا خالق جهان ، از اسرار جهان آگاه نیست ؟

به دنبال بحثهایی که در آیات گذشته پیرامون کفار و سرنوشت آنها در قیامت بیان شد، قرآن در آیات مورد بحث به سراغ مؤمنان و پادشاهای عظیم آنها می رود.

نخست می فرماید: ((کسانی که از پروردگارشان در نهان می ترسند

مغفرت و پاداش عظیمی دارند)) (ان الذین یخشون ربهم بالغیب لهم مغفرة و اجر کبیر).

تعبیر به ((غیب )) در اینجا ممکن است اشاره به معرفت خدای نادیده ، و یا معاد نادیده ، و یا همه اینها بوده باشد.

این احتمال نیز در تفسیر آیه داده شده است که اشاره به ترس از خداوند در مورد معاصی پنهانی باشد، چرا که اگر انسان معصیت پنهان نکند به طریق اولی معصیت آشکار نخواهد کرد، و یا این تعبیر اشاره به مقام خلوص نیت در پرهیز از گناهان ، و انجام اوامر الهی می باشد، زیرا عمل پنهانی از ریا دورتر است .

جمع میان این تفسیرها نیز مانعی ندارد.

تعبیر به ((مغفرة )) به صورت ((نکره )) و همچنین ((اجر کبیر)) اشاره به عظمت و اهمیت آن است ، یعنی آنچه این مغفرت و اجر و پاداش عظیم است که برای همه ناشناخته خواهد بود.

سپس برای تاءکید می افزاید: ((اگر گفتار خود را پنهان کنید یا آشکار، خداوند به آنچه در دلهاست آگاه

است)) (و اسروا قولکم او اجهروا به انه علیم بذات الصدور).

بعضی از مفسران شاءن نزولی برای این آیه از ((ابن عباس)) نقل کرده اند که جمعی از کفار یا منافقان پشت سر پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) سخنان ناروایی می گفتند و جبرئیل به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خبر می داد، بعضی از آنها به یکدیگر گفتند: اسروا قولکم : ((سخنان خود را پنهانی بگوئید تا خدای محمد نشنود))! آیه فوق نازل شد و گفت : چه آشکار بگوئید و چه پنهان خدا از آن آگاه است . <۱۸>

آیه بعد در حقیقت به منزله دلیلی است برای آنچه در آیه قبل آمد می فرماید: آیا آن کسی که موجودات را آفریده از حال آنها آگاه نیست ؟ در حالی که او از دقیقترین اسرار با خبر و نسبت به همه چیز عالم است )) (الا یعلم من خلق و هو اللطیف الخیر).

در تفسیر جمله ((الا یعلم من خلق)) احتمالات گوناگونی داده اند: بعضی گفته اند منظور این است که آیا خدائی که دلها را آفریده از اسرار درون آنها آگاه نیست ؟

یا اینکه : خدائی که بندگان را آفریده آیا از اسرار بندگان بی خبر است ؟

یا اینکه خداوندی که تمام عالم هستی را آفریده از همه اسرار جهان آگاه است ، آیا انسان که موجودی از این خلقت عظیم است اسرارش بر خدا پوشیده است ؟!

به هر حال برای درک این حقیقت باید به این نکته توجه داشته باشیم که خلقت خداوند دائمی است ، یعنی لحظه به لحظه فیض

وجود از ناحیه او به مخلوقات می رسد، و چنان نیست که آنها را بیافریند و به حال خود واگذارد.

اصولا ممکنات وابسته وجود او هستند، و اگر لحظه ای پیوند آنها از ذات پاکش قطع شود راه فنا پیش می گیرند، توجه به این پیوند دائمی و خلقت مستمر بهترین دلیل بر علم خداوند نسبت به اسرار همه موجودات در هر زمان و هر مکان است .

توصیف خداوند به ((لطیف)) از این نظر است که لطیف از ماده ((لطف)) به معنی هر موضوع دقیق ، ظریف ، و هر گونه حرکت سریع و جسم لطیف است بنابراین لطیف بودن خداوند اشاره به علم او نسبت به اسرار دقیق و ظریف

آفرینش است ، و گاه به معنی خلقت اجسام لطیف و کوچک و ذره بینی و مافوق ذره بینی آمده است .

اشاره به اینکه هر قدر نیات قلبی شما پنهان و مخفی باشد، و یا سخنان خود را در مجالس محرمانه بگوئید، و یا اعمال خلاف را در خلوتگاهها انجام دهید خداوند لطیف از همه آنها باخبر است .

بعضی از مفسران در تفسیر ((لطیف)) گفته اند: (هو الذی یکلف الیسیر و یعطى الكثير): ((او کسی است که تکلیف را آسان می کند و پاداش را فراوان می دهد)).

در حقیقت این نیز یکنوع ظرافت و دقت در رحمت است .

بعضی نیز گفته اند توصیف خداوند به لطیف ، به خاطر این است که در درون همه اشیاء نفوذ دارد و جایی در همه جهان از او خالی نیست .

اما همه اینها به یک حقیقت بازمی گردد، و تاءکیدى است بر عمق آگاهی خداوند و علم

او به اسرار نهان و آشکار. هیچ مجرمی از مجازات او درامان نیست !

به دنبال بحثهایی پیرامون دوزخیان و بهشتیان ، و کافران و مؤمنان در آیات پیشین گذشت در آیات مورد بحث برای ترغیب و تشویق به پیوستن به صفوف بهشتیان ، و برحذر بودن از راه و رسم دوزخیان ، به ذکر بخشی از نعمتهای الهی ، و سپس به قسمتی از عذابهای او، اشاره می کند.

می فرماید: ((او کسی است که زمین را برای شما رام کرد)) (هو الذی جعل لکم الارض ذلولاً).

((پس بر شانه ها و صفحه زمین راه بروید، و از روزیهای پروردگار بخورید، و بدانید بازگشت همه به سوی او است ))  
(فامشوا فی مناكبها و کلوا من رزقه و الیه النشور).

((ذلول )) به معنی ((رام )) جامعترین تعبیری است که درباره زمین ممکن است بشود.

چرا که این مرکب راهوار با حرکات متعدد و بسیار سریعی که دارد آنچنان آرام به نظر می رسد که گوئی مطلقاً ساکن است ، بعضی از دانشمندان می گویند زمین چهارده نوع حرکت مختلف دارد که سه قسمت آن حرکت به دور خود، و حرکت به دور خورشید، و حرکت همراه مجموعه منظومه شمسی در دل کهکشان است ، این حرکات که سرعت زیادی دارد چنان نرم و ملایم است که تا براهین قطعی بر حرکت زمین اقامه نشده بود کسی باور نمی کرد حرکتی در کار باشد!

از سوی دیگر، پوسته زمین نه چنان سفت و خشن است که قابل زندگی نباشد، و نه چنان سست و نرم است که قرار و آرام نگیرد، بلکه کاملاً برای

زندگی بشر رام است ، اگر

فی المثل غالب سطح زمین باتلاقیهائی بود که همه چیز در آن فرو می رفت ، یا ماسه های نرمی که پای انسان تا زانو در آن فرو می نشیند یا سنگهای تیز و خشنی که با مختصر راه رفتن بدن انسان را کوفته و مجروح می کند، آنوقت معنی ناآرامی زمین روشن می شد.

از سوی سوم ، فاصله آن از خورشید نه چندان کم است که همه چیز از شدت گرما بسوزد، و نه چندان دور است که همه چیز از سرما بخشکد، فشار هوا بر کره زمین آنچنان است که آرامش انسان را تاءمین کند، نه آن قدر زیاد است که او را خفه کند، و نه آن قدر کم است که از هم متلاشی شود، جاذبه زمین نه آنقدر زیاد است که استخوانها را درهم بشکند، و نه آن قدر کم است که با یک حرکت انسان از جا کنده شود و در فضا پرتاب شود!

خلاصه از هر نظر ((ذلول)) و رام و مسخر فرمان انسان است ، جالب اینکه بعد از توصیف زمین به ذلول بودن دستور می دهد که بر ((مناکب)) آن راه بروید، و می دانیم ((مناکب)) جمع ((منکب)) (بر وزن مغرب) به معنی شانه است ، گوئی انسان پا بر شانه زمین می گذارد و چنان زمین آرام است که می تواند تعادل خود را حفظ کند.

در عین حال اشاره ای است به اینکه تا گامی برندارید و تلاشی نکنید بهره های از روزیهای زمین نخواهید داشت !

تعبیر به ((رزق)) نیز تعبیر بسیار جامعی است که تمام مواد غذایی زمین را اعم از

حیوانی و گیاهی و معدنی شامل می شود.

ولی بدانید اینها هدف نهائی آفرینش شما نیست ، اینها همه وسائلی است در مسیر ((نشور)) و رستاخیز و حیات ابدی شما.

به دنبال این تشویق و تبشیر به سراغ تهدید و انذار می رود، و می افزاید: ((آیا خود را از عذاب کسی که حاکم بر آسمان است در امان می دانید که دستور دهد زمین بشکافد و شما را در خود فرو برد، و دائما به لرزش خود ادامه دهد))؟! (ءءمنتتم من فی السماء ان یخسف بکم الارض فاذا هی تمور).

آری اگر او دستور دهد این زمین ذلول و آرام طغیان می کند، و به صورت حیوان چموشی درمی آید، زلزله ها شروع می شود، شکافها در زمین ظاهر می گردد و شما و خانه ها و شهرهایتان را در کام خود فرو می بلعد، و باز هم به لرزه و اضطراب خود ادامه می دهد.

جمله ((فاذا هی تمور)) (آن پیوسته حرکت می کند و ناآرام است ) ممکن است اشاره به این باشد که خدا می تواند فرمان دهد زمین شما را فرو برد و پیوسته از نقطه ای به نقطه ای دیگر در درون خود منتقل سازد حتی قبر شما هم آرام نباشد!

یا اینکه زمین آرامش خود را برای همیشه از دست دهد، و زلزال دائمی بر آن حاکم گردد، درك این معنی برای کسانی که در بعضی از مناطق زلزلهخیز زندگی کرده اند و دیده اند گاه زمین در چند شبانه روز مطلقا آرامشی ندارد و خواب و خوراك و راحت را از همگان سلب می کند، بسیار آسان است ،

اما برای غالب ما مردم که به آرامش زمین عادت کرده ایم مشکل است .

تعبیر به ((من فی السماء)) (کسی که در آسمان است) اشاره به ذات پاک خدا است که حاکمیت او بر کل آسمانها - تا چه رسد به زمین - مسلم است ، بعضی نیز گفته اند اشاره به فرشتگان خدا است که در آسمانها هستند و مامور اجرای فرمان او می باشند.

سپس می افزاید: ((لازم نیست حتما زلزله ها به سراغ شما آید بلکه می تواند این فرمان را به تندبادها دهد، آیا شما خود را در امان می دانید که خداوند حاکم بر آسمانها تندبادی مملو از سنگریزه بر شما فرستد و شما را زیر کوهی از آن مدفون سازد))؟! (اءم اءمنتم من فی السماء ان یرسل علیکم حاصبا).

((و به زودی خواهید دانست تهدیدهای من چگونه است))؟! (فستعلمون کیف نذیر).

درک این معنی نیز برای کسانی که شنهای روان و بادهای ((حاصب)) (بادهائی که توده های ریگ را با خود حرکت داده ، از جایی به جای دیگر منتقل می کند) دیده اند بسیار ساده است ، آنها می دانند که ممکن است در چند لحظه خانه ها یا آبادیهائی زیر توده ای از ریگها و شنهای روان مدفون گردد، و یا کاروانهائی که در وسط بیابان در حرکتند در زیر آن دفن شوند!

در حقیقت آیات فوق به این معنی اشاره می کند که عذاب آنها منحصر به عذاب قیامت نیست ، در این دنیا نیز خداوند با مختصر تکان زمین ، یا حرکت بادهای ، می تواند به زندگی آنها پایان دهد، و بهترین دلیل این امکان ،

وقوع آن در امتهای پیشین است .

لذا در آخرین آیه مورد بحث می گوید: ((کسانی که پیش از آنها بودند آیات الهی و رسولان او را تکذیب کردند، اما بین مجازات من در حق آنها چگونه بود))؟!

(و لقد کذب الذین من قبلهم فکیف کان نکیر). <۱۹>

گروهی را با زلزله های ویرانگر، و اقوامی را با صاعقه ها، و جمعی را با طوفان یا تندباد مجازات کردیم ، و شهرهای ویران شده و خاموش آنها را به عنوان درس عبرتی باقی گذاردیم . به این پرندگان بالای سر خود بنگرید

در آیات آغاز این سوره به هنگامی که بحث از قدرت و مالکیت خداوند بود سخن از آسمانهای هفتگانه و ستارگان و کواکب آنها به میان آمد، ولی در نخستین آیه مورد بحث همین مسأله قدرت با ذکر یکی از موجودات به ظاهر کوچک عالم هستی تعقیب می شود، می فرماید:

((آیا آنها به پرندگانی که بالای سرشان بالهای خود را گسترده و گاه جمع می کنند نگاه نکرده اند))؟! (اء و لم یروا الی الطیر فوقهم صافات و یقبضن ). <۲۰>

این اجسام سنگین بر خلاف قانون جاذبه از زمین برمی خیزند، و به راحتی تمام بر فراز آسمان ، ساعتها، و گاه هفته ها و ماهها! پشت سر هم به حرکت سریع و نرم خود ادامه می دهند، بی آنکه هیچ مشکلی داشته باشند.

بعضی به هنگام پرواز غالباً بالهای خود را گسترده اند (صافات ) و گوئی نیروی مرموزی آنها را به حرکت درمی آورد.

در حالی که بعضی دیگر دائماً بال می زنند (ممکن است یقبضن اشاره به همین معنی باشد).

بعضی دیگر گاه بال می



زنند، و گاه بال را می گسترانند.

گروه چهارمی مدتی بال می زنند، هنگامی که سرعت گرفتند بالها را به کلی جمع کرده و در اقیانوس هوا شیرجه می روند (مانند گنجشکها!) خلاصه

در عین اینکه همه پرواز می کنند هر کدام برای خود برنامه مخصوصی دارند.

چه کسی بدن آنها را به گونه ای آفریده که به راحتی در هوا سیر می کنند؟!، و چه کسی این قدرت را به بالهای آنها بخشیده ، و دانش پرواز را به آنها آموخته ؟ مخصوصا در پروازهای پیچیده دستجمعی پرندگان مهاجر که گاه چندین ماه به طول می انجامد، و هزاران کیلومتر راه را پیموده ، و از فراز کشورهای زیادی ، از کوهها و دره ها و جنگلها و دریاها می گذرند، و به مقصد خود می رسند، راستی چه کسی اینهمه نیرو و آگاهی به آنها داده است ؟!

لذا در پایان آیه می افزاید: جز خداوند رحمن کسی آنها را بر فراز آسمان نگه نمی دارد، چرا که او به هر چیز بینا است و نیاز هر مخلوقی را می داند (ما یمسکهن الا الرحمن انه بكل شیء بصیر).

او است که وسایل و نیروهای مختلف را برای پرواز در اختیار آنها گذارده ، آری خداوند رحمان که رحمت عامش همه موجودات را فرا گرفته به پرندگان نیز آنچه لازم داشتند بخشیده است ، نگهدارنده پرندگان در آسمان ، همان نگهدارنده زمین و موجودات دیگر است ، و هر زمان اراده کند نه پرنده قدرت به پرواز دارد و نه زمین آرامش خود را حفظ می کند.

تعبیر به ((صافات و یقبضن )) (بالها را گسترده و

جمع می کنند) ممکن است اشاره به پرندگان مختلف باشد، یا اشاره به حالات مختلف یک پرنده . <۲۱>

درباره شگفتیهای جهان پرندگان و عجائب مسأله پرواز آنها در جلد ۱۱ تفسیر نمونه صفحه ۳۳۸ تا ۳۴۱ (ذیل آیه ۷۹ نحل) مشروحا بحث کرده ایم .

در آیه بعد به این معنی اشاره می کند که کافران در برابر قدرت خداوند هیچگونه یار و مددکاری ندارند، می فرماید: آیا کسی که لشکر شما است می تواند شما را در برابر خداوند یاری دهد؟!)

(اءمن هذا الذی هو جند لکم ینصرکم من دون الرحمن) . <۲۲>

نه تنها نمی توانند شما را در گرفتاریها یاری دهند، بلکه اگر بخواهد همانها را مامور عذاب و نابودی شما می کند، مگر آب و باد و خاک و آتش خدمتگزار و ارکان حیات شما نیستند؟ ولی خداوند همینها را مامور نابودی اقوام سرکش ساخت ، و نیز تاریخ بسیار به خاطر دارد که نزدیکترین افراد به پادشاهان و فراعنه و گردنکشان عامل مرگ آنها شدند. و در تاریخ معاصر هم بسیار دیده شده که وفادارترین نیروهای دولتها بر ضد آنان قیام کرده ، و فرمان مرگشان را صادر کردند!

ولی کافران تنها گرفتار غرور و غفلتند)) (ان الکافرون الا فی غرور) پرده های غرور و جهل بر عقلهای آنها افتاده ، و به آنان اجازه نمی دهد اینهمه درس عبرت را بر صفحات تاریخ یا در گوشه و کنار زندگی خود ببینند.

((جند)) در اصل به معنی زمین ناهموار و سفتی است که سنگهای فراوانی در آن جمع است ، و به همین مناسبت به انبوه لشکر نیز ((جند)) گفته شده .

بعضی

از مفسران ((جند)) را در آیه مورد بحث اشاره به بتها می دانند، که هرگز در قیامت قادر به یاری مشرکان نیستند، ولی ظاهر این است که آیه

مفهوم وسیعی دارد که بتها یکی از مصادیق آن است .

باز برای تاءکید بیشتر می افزاید: ((یا آنکس که شما را روزی می دهد اگر روزی خود را از شما بازدارد چه کسی می تواند شما را بی نیاز کند))؟! (ءمن هذا الذی یرزقکم ان امسک رزقه ). <۲۳>

هر گاه به آسمان دستور دهد نبارد، و زمینها گیاهی نرویند، و یا آفات مختلف نباتی محصولات را نابود کنند، چه کسی توانائی دارد غذائی در اختیار شما بگذارد؟ و یا اگر روزیهای معنوی و وحی آسمانی از شما قطع کند چه کسی توانائی راهنمائی شما را دارد؟

اینها حقایقی است آشکار، ولی لجاجت و خیره سری ، حجابی است در برابر درک و شعور آدمی : و لذا در پایان آیه می فرماید: ((بلکه آنها در سرکشی و فرار و فاصله گرفتن از حقایق اصرار و لجاجت می ورزند)) (بل لجوافی عتو و نفور).

هم امروز با تمام پیشرفتی که در جهات مختلف زندگی بشر مخصوصا در صنایع غذائی حاصل شده ، اگر فقط یکسال مطلقا باران نبارد، چه فاجعه ای در تمام جهان رخ می دهد، و یا اگر لشکر ملخها و آفات نباتی همه جا را فرا گیرد چه مصیبتی واقع خواهد شد؟

چهار عامل برای ناکامی انسانها

در آیات گذشته خواندیم که نداشتن گوش شنوا و عقل بیدار مهمترین

عاملی است که دوزخیان را به دوزخ می کشاند، و در آیات مورد بحث خواندیم که چهار عامل دیگر یعنی

((غرور))، ((لجاجت))، ((سرکشی)) (عتو) و ((فاصله گرفتن از حق)) (نفور) سبب بدبختی و گمراهی انسان می شود.

اگر درست دقت کنیم می بینیم ، این عوامل نیز با عامل گذشته در ارتباط است ، زیرا این صفات زشت پرده بر گوش و چشم بصیرت انسان می افکند، و او را از درک حقایق مانع می شود. راست قامتان جاده توحید

در تعقیب آیات گذشته ، پیرامون کافران و مؤمنان ، در نخستین آیه مورد بحث وضع حال این دو گروه را در ضمن مثال جالبی منعکس ساخته ، می فرماید: ((آیا کسی که به رو افتاده حرکت می کند، به هدایت نزدیکتر است ، یا کسی که راست قامت در صراط مستقیم گام برمی دارد و پیش می رود))؟! (اء فمن یمشی مکبا علی وجهه اءهدی اءم من یمشی سویا علی صراط مستقیم).

در اینجا افراد بیایمان و ظالمان لجوج مغرور، به کسی تشبیه شده اند که از جادهای ناهموار و پریچ و خم ، می گذرد، در حالی که به رو افتاده ، و با دست و پا، یا به سینه حرکت می کند، نه راه را به درستی می بیند، و نه قادر بر کنترل خویشتن است ، نه از موانع با خبر است و نه سرعتی دارد؟ کمی راه می رود و درمانده می شود.

ولی مؤمنان را به افراد راستقامتی تشبیه می کند که از جادهای هموار و صاف مستقیم با سرعت و قدرت و آگاهی تمام ، به راحتی پیش می رود.

چه تشبیه جالب و دقیقی ؟ که آثار آن در زندگی این دو گروه کاملا نمایان

است و با چشم خود می بینیم .

بعضی مظهر این دو گروه را پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم ) و ابو جهل شمرده اند، البته اینها

مصادقهای روشنی برای آیه فوق است ، ولی عمومیت مفهوم آیه را محدود نمی کند.

در تفسیر مکبا علی وجهه ، احتمالات متعددی گفته شده :

آنچه با مفهوم لغوی آن سازگارتر است همان است که در بالا گفتیم ، و آن کسی است به رو افتاده و با دست و پا و سینه به پیش می رود.

ولی بعضی دیگر گفته اند: منظور این است که ایستاده راه می رود، اما سر به زیر افکنده ، و مسیر خود را به هیچوجه مشاهده نمی کند.

در حالی که بعضی دیگر معتقدند: منظور کسی است که تعادل خود را حفظ نمی کند، چند گام پیش می رود، بر زمین می خورد و برمی خیزد، و این وضع پی در پی تکرار می شود.

از بعضی از کلمات راغب در مفردات نیز چنین برمی آید که منظور کسی است که تمام توجهش به وضع خویش است ، و از غیر خود غافل است ، ولی معنی اول به قرینه مقابله با وضع مؤ منان که از آن تعبیر به سویا شده است ، مناسبتر به نظر می رسد.

و به هر حال آیا این وضع کافر و مؤ من در آخرت است ؟ یا در هر دو جهان ؟ دلیلی بر محدود بودن معنی آیه در دست نیست ، آنها هم در زندگی دنیا چنینند و هم در آخرت .

آری افراد بی ایمان چون خودخواه و خودپرست و لجوجند، و جز منافع مادی و

زودگذر خویش را نمی بینند، و از آنجا که مسیر آنها مسیر هواپرستی است ، به کسی می مانند که از سنگلاخی عبور می کند در حالی که بر سینه و دست و پا می خزد، اما کسانی که در پرتو ایمان از قید هوای نفس رسته اند بینشی عمیق ، و مسیری صاف و روشن دارند.

در آیه بعد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم ) را مخاطب ساخته می افزاید: ((بگو او کسی است که شما را آفرید، و برای شما چشم و گوش و قلب قرار داد، اما کمتر سپاسگزاری می کنید)) (قل هو الّٰذی اٰنشاکم و جعل لکم السّمع و الابصار و الافئده قليلا ما تشکرون ).

خداوند، هم وسیله مشاهده و تجربه را در اختیار شما قرار داد (چشم ) و هم وسیله آگاهی بر نتیجه افکار دیگران (گوش ) و هم وسیله اندیشیدن در علوم عقلی (قلب ) را، خلاصه تمام ابزار لازم برای آگاهی به علوم عقلی و نقلی را در اختیار شما گذارده است ، اما کمتر کسی سپاس اینهمه نعمتهای بزرگ را بجا می آورد، زیرا شکر نعمت آن است که هر نعمتی را در مسیر هدفی که به خاطر آن آفریده شده است به کار گرفته شود، آیا همه از چشم و گوش و عقل به درستی در این راه استفاده می کنند؟!

بار دیگر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم ) را مخاطب ساخته ، می فرماید: ((بگو او کسی است که شما را در زمین خلق کرد و به سوی او بازگشت می کنید و نزد او جمع می شوید)) (قل

هو الذی ذراء کم فی الارض و الیه تحشرون).

در حقیقت آیه نخست ، ((مسیر)) را مشخص می کند، و آیه دوم ((ابزار و وسائل کار)) را، و این آیه ((هدف و مقصد)) را، یعنی در راه راست و صراط مستقیم ایمان اسلام گام بردارید، و از تمام ابزار شناخت بهره گیرید، و به سوی زندگی جاویدان حرکت کنید.

قابل توجه اینکه در آیه قبل ، تعبیر به ((انشاء کم)) شده ، و در این آیه به ((ذراء کم))، ممکن است تفاوت این دو تعبیر در این باشد که جمله اول اشاره

به ایجاد کردن انسان از عدم است (یعنی هیچ نبودید و شما را آفرید) و جمله دوم اشاره به آفرینش انسان از ماده خاکی است ، یعنی شما را از خاک آفریدیم .

سپس در همین رابطه ، به گفتار منکران معاد و پاسخ آنها پرداخته ، می فرماید: ((آنها از روی استهزاء می گویند: اگر راست می گوئید این وعده قیامت چه زمانی است))؟! (و یقولون متی هذا الوعد ان کنتم صادقین).

چرا دقیقا تاریخ آن را تعیین نمی کنید؟ چرا تکلیف همه را از این نظر روشن نمی سازید؟.

در اینکه منظور از ((هذاالوعد)) چیست ! دو احتمال ذکر کرده اند: نخست وعده قیامت ، دیگر وعده مجازاتهای گوناگون دنیا، مانند زلزلهها و صاعقهها و طوفانها، ولی با توجه به آیه گذشته معنی اول مناسبتر به نظر می رسد هر چند جمع میان هر دو معنی نیز ممکن است .

در آیه بعد به آنها چنین پاسخ می گوید: ((به آنها بگو علم و آگاهی این موضوع ، مخصوص خدا است ، و من تنها انذار

کننده آشکاری هستم)) (قل انما العلم عند الله و انما انا نذیر مبین).

این تعبیر درست شبیه چیزی است که در آیات متعدد قرآن، از جمله آیه ۱۸۷ اعراف آمده است (قل انما علمها عند ربی): ((بگو علم به زمان وقوع رستاخیز فقط نزد پروردگار من است)).

و باید چنین باشد چرا که اگر تاریخ قیامت معلوم بود هرگاه فاصله

زیادی داشت مردم در غفلت فرو می رفتند، و اگر فاصله کم بود حالتی شبیه به اضطراب پیدا می کردند، و در هر حال، هدفهای تربیتی ناتمام می ماند.

در آخرین آیه مورد بحث می افزاید: ((هنگامی که آن وعده الهی و عذاب را از نزدیک مشاهده کنند، صورت کافران زشت و سیاه می شود))، به گونه ای که آثار غم و اندوه از آن می بارد (فلما رءوه زلفه سیئت وجوه الذین كفروا)

((و به آنها گفته می شود: این همان چیزی است که تقاضای آن را داشتید))! (و قیل هذا الذی کنتم به تدعون).

((تدعون)) از ماده ((دعاء)) است، یعنی پیوسته دعا و تقاضا می کردید قیامت واقع شود، اکنون واقع شده است، و راه فراری از آن نیست. <۲۴>

این مضمون در حقیقت شبیه همان است که در آیه ۱۴ ذاریات خطاب به کفار آمده است که روز قیامت به آنها گفته می شود: (هذا الذی کنتم به تستعجلون): ((این همان چیزی است که برای آن عجله داشتید)) و به هر حال ناظر به عذاب قیامت است همانگونه که اکثر مفسران گفته اند، و دلیلی می شود بر اینکه: جمله ((متی هذاالوعد)) نیز اشاره به



وعده قیامت است .

حاکم ابو القاسم حسکانی می گوید: هنگامی که کافران مقامات علی (علیه السلام) را نزد خداوند مشاهده کردند، صورتهای آنها (از شدت خشم و غضب) سیاه شد. <۲۵>

در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) نیز همین معنی نقل شده که این آیه درباره

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) و یارانش نازل گردیده است . <۲۶>

البته این تفسیر که از طرق شیعه و اهل سنت ، نقل شده از قبیل نوعی تطبیق است ، و گرنه مورد آیه ، مربوط به رستاخیز و قیامت است و این قبیل تطبیقها در لسان روایات کم نیست . چه کسی آب جاری در اختیار شما قرار می دهد؟

آیات فوق که آخرین آیات سوره ((ملک)) است و همه با کلم ((قل))

خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شروع می شود ادامه بحثهایی است که در آیات قبل با کفار شده ، که جنبه های دیگرش در این آیات ، منعکس است .

نخست به آنها که غالباً انتظار مرگ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و یارانش را داشتند و گمان می کردند که با مرگ وی آئین او برجیده می شود و همه چیز پایان (و غالب دشمنان شکست خورده درباره رهبران راستین همیشه همین انتظار را دارند) می فرماید: ((بگو اگر خداوند مرا و تمام کسانی که با من هستند، هلاک کند، یا مورد ترحم قرار دهد چه کسی کافران را از عذاب دردناک پناه می دهد))؟ (قل اءراءیتم ان اهلکنی الله و من معی او رحمتا فمن یجیر الکافرین

من عذاب الیم).

در بعضی از روایات آمده است که کافران مکه ، به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم ) و مسلمانان نفرین می کردند و تقاضای مرگ او را داشتند به گمان اینکه اگر آن حضرت از دنیا برود، دعوتش نیز برچیده می شود، آیه فوق نازل شد و به آنها پاسخ داد.

شیه همین معنی در آیه ۳۰ سوره طور آمده است ، آنجا که می گوید: (ام یقولون شاعر نتریص به ریب المنون): ((آنها می گویند محمد شاعری است که انتظار مرگش را می کشیم))!

غافل از اینکه مصطفی را الطاف حق وعده داده که گر بمیرد نمی رد نام حق ، آری وعده پیروزی این آئین و سیطره آن را بر تمام جهان به او داده است ، و حیات و مرگ پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم ) چیزی را تغییر نمی دهد.

بعضی تفسیر دیگری برای این آیه ذکر کرده اند که به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم ) می فرماید: بگو ما با داشتن ایمان به خدا میان خوف و رجا هستیم شما درباره خود چه می اندیشید؟!

ولی تفسیر اول صحیحتر به نظر می رسد.

و در ادامه همین سخن می افزاید: ((به آنها بگو که او خداوند رحمان است ، ما به او ایمان آورده ایم ، و توکل کرده ایم ، و به زودی می دانید چه کسی در گمراهی آشکار است )) (قل هو الرحمن آمنا به و علیه توکلنا فستعلمون من هو فی ضلال مبین ).

یعنی ما اگر به خدا ایمان آورده ایم ، و او را

ولی و وکیل و سرپرست خود برگزیده ایم ، دلیلش روشن است ، او خدای رحمان است ، رحمت عامش همه جا رسیده ، و فیض انعامش دوست و دشمن را فرا گرفته ، و نگاهی کوتاه به جهان هستی و صفحه زندگی شاهد این مدعا است ، اما معبودهای شما چه کاری کرده اند؟!

گرچه ضلال و گمراهی شما همینجا آشکار است ، ولی در آخرت برای شما روشنتر خواهد شد، و یا در همین دنیا به هنگامی که اسلام با امدادهای الهی بر لشکر کفر پیروز می گردد، پیروزی معجزه آسا، حقیقت روشنتر خواهد گشت .

این آیه در حقیقت نوعی دلداری به پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم ) و مؤمنان است که تصور نکنند در این مبارزه گسترده حق و باطل تنها هستند، بلکه خداوند بخشنده مهربان یار و یاور آنها است .

در آخرین آیه به عنوان ذکر یک مصداق از رحمت عام خداوند که بسیاری از مردم از آن غافلند، می گوید: ((به آنها بگو به من خبر دهید اگر آبهای مورد استفاده شما در زمین فرو رود چه کسی می تواند آب جاری در

دسترس شما قرار دهد))؟! (قل اءراءیتم ان اءصبح ماؤ کم غورا فمن یاتیکم بماء معین ).

می دانیم زمین از دو قشر مختلف تشکیل شده : ((قشر نفوذ پذیر)) که آب را در خود فرو می برد و در زیر آن ((قشر نفوذ ناپذیر)) است که آب را در آنجا نگاه می دارد، تمام چشمه ها، چاه ها، قناتها از برکت این ترکیب خاص به وجود آمده ، زیرا اگر تمام روی زمین تا

اعماق زیاد قشر نفوذپذیر بود آبها چنان در زمین فرو می رفتند که هرگز دست کسی به دامانشان نمی رسید، و اگر همه نفوذناپذیر بودند آبها روی زمین می ایستادند و تبدیل به یک باتلاق می شدند، یا به زودی به دریاها می ریختند، و به این ترتیب تمام ذخائر زیر زمینی آب از دست می رفت .

این نمونه کوچکی از رحمت عام خدا است که مرگ و حیات انسان سخت با آن گره خورده است .

((معین)) از ماده ((معن)) (بر وزن طعن) به معنی جریان آب است ، و گاه گفته اند از ((عین)) گرفته شده ، و میم آن زائده است ، لذا بعضی از مفسران ((معین)) را به معنی آبی گرفته اند که با چشم دیده می شود هر چند جاری نباشد.

ولی بیشتر آنرا به همان معنی آب جاری تفسیر کرده اند، گرچه آب نوشیدنی منحصر به آب جاری نیست ، ولی بدون شک آبهای جاری بهترین نوع آنها محسوب می شوند، خواه به صورت چشمه ها باشد یا نهرها و یا قنات و چاه های جوشان .

بعضی از مفسران نقل کرده اند که یکی از کفار هنگامی که این آیه را شنید که می گوید: ((اگر آبهای مورد استفاده شما در زمین فرو رود چه کسی

آب جاری در اختیار شما می گذارد)) گفت : ((رجال شداد و معاول حداد))! ((مردان قوی پنجه و کلنگهای تیز. آب را از اعماق زمین بیرون می کشند))! اما شب خواهید آب سیاه چشمان او را فرا گرفت ، در این حال صدائی شنید که می گوید: ((آن مردان قوی پنجه

و کلنگهای تیز را بیاور تا این آب را از چشم تو بیرون کشند!!

اما امروز می دانیم که اگر قشر ((نفوذ ناپذیر)) زمین از میان برود هیچ انسان قوی پنجه ، و هیچ کلنگ تیز نمی تواند آبی استخراج کند. <۲۷>

در روایاتی که از ائمه اهلبیت (علیهمالسلام) به ما رسیده ، آیه اخیر به ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) و عدل جهان گستر او تفسیر شده است ، از جمله در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) در تفسیر این آیه می خوانیم :

((نزلت فی الامام القائم (علیه السلام) یقول ان اصبح امامکم غائبا عنکم ، لا تدرون این هو؟ فمن یتیکم بامام ظاهر یتیکم باخبار السموات و الارض ، و حلال الله و حرامه ، ثم قال : و الله ما جاء تاویل هذه الایه ، و لا بد ان یجی ء تاویلها.

((این آیه درباره امامی نازل شده است که قیام به عدل الهی می کند (حضرت مهدی) می گوید: اگر امام شما پنهان گردد، و نمی دانید کجاست ؟ چه کسی برای شما امامی می فرستد که اخبار آسمانها و زمین ، و حلال و حرام

خدا را برای شما شرح دهد)).

سپس فرمود: ((به خدا سوگند تاویل این آیه نیامد و سرانجام خواهد آمد)). <۲۸>

روایات در این زمینه فراوان است و باید توجه داشت که همه از باب ((تطبیق)) است ، و به تعبیر دیگر ظاهر آیه مربوط به آب جاری است که مایه حیات موجودات زنده است ، و باطن آیه مربوط به وجود امام و علم و عدالت جهان گستر او است که آن نیز مایه

حیات جامعه انسانی است .

بارها گفته ایم که آیات قرآن معانی متعدد، و ظاهر و باطن دارد، ولی این نکته را نیز مؤ کدا تکرار می کنیم که پی بردن به بطون آیات جز برای پیامبر و امام معصوم ممکن نیست و هیچکس حق ندارد چیزی به عنوان باطن آیه از پیش خود مطرح کند، آنچه ما می گوئیم مربوط به ظواهر آیات است ، و آنچه مربوط به بطون آیات است فقط باید از معصومین بشنویم .

سوره ((ملک)) با حاکمیت و مالکیت خداوند شروع شد، و با رحمانیت او که آنهم شاخهای از حاکمیت و مالکیت او است پایان می گیرد، و به این ترتیب آغاز و انجامش کاملاً منسجم است .

خداوند! ما را مشمول رحمت عام و خاصت گردان ، و از آب حیات ولایت اولیائت سیراب فرما.

پروردگارا! ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) آن چشمه آب حیات را تسریع کن ، و تشنگان جمالش را با ظهورش سیراب گردان .

بارالها! به ما چشم بینا و گوش شنوا و عقل دانا، مرحمت فرمودی ، حجابهای خودخواهی و غرور را از مقابل آنها بگیر، تا چهره حقیقت را آنچنان که هست ببینیم ، و در صراط مستقیم هدایت تو راست قامت گام برداریم .

آمین یا رب العالمین

### تفسیر مجمع البیان

آشنایی با این سوره این سوره در شمار سوره ها، شصت و هفتمین سوره است که در سال هفتم از بعثت و پس از سوره طور، در مکه و کنار کهن ترین معبد توحید و تقوا بر جان مصفای پیامبر آزادی و عدالت فرود آمده است.

۱ - نام این سوره فرمانروایی بر کران تا

کران هستی در دست توانای خداست، و او بر هر چیزی تواناست. این سوره با این فراز بلند و این آیه آغاز می گردد، و نام آن نیز از همین آغازین آیه آن دریافت می شود که می فرماید:

تبارک الذی بیده الملك.

به این سوره «مُنْجِیَه» نیز گفته شده است، چرا که هر کس هماره آن را تلاوت کند و با آن همراه و همدم باشد، او را از عذاب قبر نجات خواهد داد، چرا که این در روایت آمده است.

و نیز نام دیگرش «واقیه» است، چرا که از پیامبر آورده اند که فرمود:

انْهَا الْوَاقِیَهِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ. (۱)

تلاوت این سوره انسان را از عذاب قبر پناه می دهد و نگاه می دارد.

۲ - فرودگاه آن همه مفسران و محدثان بر این عقیده اند که همه آیات این سوره مبارکه در مکه و در کنار خانه خدا بر قلب نورانی پیامبر مهر و روشنائی فرود آمده است.

۳ - شمار آیه ها و واژه های آن از دیدگاه قاریان مکه و پاره ای از قاریان اخیر مدینه، این سوره دارای ۳۱ آیه است، اما دیگر قاریان، آیات آن را ۳۵ آیه به شمار آورده اند، و دلیل این تفاوت دیدگاه آن است که گروه نخست «قد جائنا نذیر» را یک آیه شمرده اند، اما دیگران آن را نصف آیه به حساب آورده اند.

گفتنی است که این سوره از ۲۳۵ واژه و ۱۲۱۲ حرف پدید آمده است.

۴ - پاداش تلاوت آن درباره فضیلت این سوره و پاداش تلاوت آن روایات متعددی رسیده است، که برای نمونه به برخی از آن ها می نگریم:

۱ - از پیامبر گرامی آورده اند

که فرمود:

مَنْ قَرَأَ سُورَةَ تَبَارَكَ فَكَأَنَّمَا أَحْيَا لَيْلَهُ الْقَدْرِ. (۲)

هر کس سوره «ملک» را آن گونه که شایسته است تلاوت کند و در آن برای عمل بیندیشد، بسان آن است که گویی شب قدر را شب زنده داری داشته است.

۲ - و نیز آورده اند که فرمود:

وَدِدْتُ أَنْ تَبَارَكَ الْمَلِكُ فِي قَلْبِ كُلِّ مُؤْمِنٍ. (۳)

دوست می دارم که سوره «ملک» در صفحه قلب همه مردم با ایمان و کمال جو ثبت شود.

۳ - و نیز آورده اند که فرمود:

إِنَّ سُورَةَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ مَا هِيَ إِلَّا ثَلَاثُونَ آيَةً شَفَعَتْ لِرَجُلٍ، فَأَخْرَجَتْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ النَّارِ، وَادْخَلَتْهُ الْجَنَّةَ وَهِيَ سُورَةُ تَبَارَكَ. (۴)

در کتاب خدا سوره ای است که تنها ۳۰ آیه دارد و در روز رستاخیز با شفاعت خویش، تلاوت گران و عمل کنندگان به قرآن را از آتش دوزخ رهایی بخشیده و به بهشت پرتراوت و زیبا اوج می بخشد، و آن سوره «ملک» است.

«ابن مسعود» آورده است که: وقتی مرده ای را به قبر می سپارند، از سمت پای او فرشته عذاب وارد قبر می گردد، اما به او گفته می شود: شما را بر کیفر او راهی نیست، چرا که او سوره «ملک» را تلاوت می کرد. فرشته عذاب از بالای سر او وارد قبرش می گردد، اما زبان او به حرکت می آید و می گوید: شما را راهی برای کیفر این بنده خدا نیست، چرا که او به وسیله من سوره «ملک» را تلاوت می کرد. آری، این سوره عذاب قبر را از انسان دور می سازد. در تورات نیز نام بلند آن آمده است و هر کس شبان گاهان آن را تلاوت کند چنان است که گویی آن را بسیار خوانده، و نیکو تلاوت



کرده است.

۴ - از امام باقر (ع) آورده اند که فرمود:

سوره الملک هی المانعہ، من عذاب القبر، و هی مکتوبہ فی التورہ سورہ الملک، و من قرأ فی لیلہ فقد اکثر، و اطاب و لم یکتب من الغافلین... (۵)

سوره «ملک»، سوره «مانعه» خوانده شده است، چرا که از عذاب قبر جلوگیری می کند. این سوره در تورات نیز به عنوان سوره «ملک» نوشته شده است و کسی که آن را شایسته تلاوت کند و در معارف آن بیندیشد، در شبانگاہی که آن را خوانده، بسیار خوانده و پاکیزه تلاوت کرده و از غفلت زدگان به حساب نمی آید.

آن گاه افزود: من پس از نماز عشاء و پیش از رکوع نافله آن را می خوانم...

۵ - و از حضرت صادق آورده اند که فرمود:

من قرأ سورہ تبارک... فی المکتوبہ قبل أن ینام لم یزل فی امان اللہ حتی یصبح، و فی امانہ یوم القیامہ حتی یدخل الجنہ ان شاء اللہ. (۶)

هر کس در نمازش پیش از آن که بخوابد، سوره «ملک» را تلاوت کند، آن شب را تا بامداد در امان خدا خواهد بود، و اگر هماره آن را بخواند، در روز رستاخیز در امان اوست تا به بهشت پر طراوت و نعمت خدا وارد گردد، انشاء اللہ.

۵ - دور نمایی از مفاهیم آن این سوره مبارکه که سر آغاز جزء بیست و نهم از قرآن شریف و از سوره های مکی است با نام بلند و یاد الهام بخش خدای فرزانه و بنده نواز آغاز می گردد، آن گاه با طرح موضوع بسیار مهم فرمانروایی او بر کران تا کران هستی، یک سلسله از معارف و

مفاهیم بلند و انسان پرور را به تابلو می برد، و پس از آن با ترسیم وصف و ویژگی دیگر ذات بی همتای او - که بخشاینده است - پایان می گیرد.

اگر بر آن باشیم که تابلویی کوچک از مفاهیم ارزشمند این سوره را در چشم انداز خویش پیش از مطالعه آن قرار دهیم، با این معارف و نکات روبه رو می گردیم:

۱ - جاودانگی ذات بی همتای خدا،

۲ - فرمانروایی و مالکیت او،

۳ - دو معمای ناشناخته مرگ و حیات،

۴ - فلسفه آزمون در زندگی انسان،

۵ - راز نگونساری و سقوط به دوزخ،

۶ - گوشه ای از عذاب سهمگین رستاخیز برای کفرگرایان و اصلاح ناپذیران،

۷ - پرتوی از پاداش پرشکوه خردمندان خدا ترس،

۸ - پاداش ها در سرای آخرت بر اساس زندگی خردمندانه دنیا خواهد بود و نه...

۹ - علم و آگاهی خدا،

۱۰ - پرتوی از نعمت های او در زمین و زمان،

۱۱ - آفرینش شگفت انگیز پرندگان و راز پرواز آنها،

۱۲ - چرا این همه خیره سری و اصلاح ناپذیری،

۱۳ - یک سلسله پرسش های تفکرانگیز و بیدارگر،

۱۴ - ترسیم جالبی از راز رستگاری حق طلبان و رمز تیره روزی حق ستیزان و ده ها نکته ظریفی که خواهد آمد.

۱ - با برکت است [نام آن] خدایی که فرمانروایی [کران تا کران هستی به دست اوست؛ و او بر هر چیزی تواناست.

۲ - همان کسی که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدامین شما نیکو کارترید؛ و اوست آن پیروزمند بسیار آمرزنده.

۳- همان کسی که هفت آسمان را [به صورت طبقه طبقه پدید آورد، در آفرینش

[خدای بخشاینده هیچ گونه ناهماهنگی نخواهی دید؛ پس چشم [به سوی آسمان بازگردان؛ آیا هیچ شکافی [در آن می نگری؟!]

۴ - سپس دگرباره چشم [به سوی آن بازگردان تا دیده ات رانده و درمانده به سوی تو برگردد.

۵ - و بی تردید نزدیکترین آسمان [به زمین را به [وسیله چراغهایی آراستیم، و آنها را وسایل راندنی برای شیطان ها قرار دادیم، و عذاب آتش افروخته را برای آنان آماده ساخته ایم.

نگرشی بر واژه ها

تبارک: این واژه به مفهوم ماندگاری و جاودانگی و زوال ناپذیری و خیر و برکت آمده، و از ریشه «برک»، به مفهوم فرود پرنده بر زمین گرفته شده است.

طابقاً: این واژه را پاره ای مصدر، به مفهوم مطابقت و هماهنگی داشتن پاره ای با پاره ای دیگر گرفته اند؛ برخی نیز آن را جمع گرفته اند، بسان «جمال» که جمع «جمل» است.

تفاوت: این واژه به مفهوم ناهماهنگی و پراکندگی آمده است.

فطور: این واژه از «فطر» به مفهوم شکافتن از طول و نیز شکستن و فساد آمده است.

خاصی ء: به مفهوم ذلیل و ورشکسته آمده است. پاره ای نیز آن را به مفهوم دوری از چیزی که از آن دوری می خواهد. و به سگ هنگامی که گفته می شود: «اخصاً» منظور این است که: دور شو!

حسیر: خستگی و درماندگی؛ به همین جهت به شتر کندرو و وامانده نیز گفته می شود.

سعیر: آتش شعله ور.

اعتدنا: این واژه در اصل «اعدنا» - به مفهوم آماده ساخته ایم - بوده است که «دال» به «تاء» تبدیل شده است.

تفسیر

جاودانگی ذات بی همتای خدا

در آغازین آیه این سوره مبارکه، قرآن شریف پس از یاد بلند

و نام پرشکوه آفریدگار هستی، در اشاره به عظمت و بلندی مقام و قدرت بی همانند او، از جاودانگی و زوال ناپذیری ذات بی همتایش خبر می دهد و می فرماید:

تَبَارَكَ الَّذِي يَدِّهُ الْمُلْكُ پربرکت و زوال ناپذیر و جاودانه است آن کسی که فرمانروایی کران تا کران هستی به دست توانای اوست.

به باور «ابومسلم» منظور این است که: بلند مرتبه و بزرگ است آن خدایی که تدبیر جهان به دست اوست، و ذات بی همتای او و کارهایش از آنچه بر او نارواست برتر و بالاتر است.

اما به باور پاره ای منظور این است که: بزرگ و جاودانه است آن خدایی که سرچشمه هستی است.

از دیدگاه برخی منظور این است که: جاودانگی ذات بی همتا و صفات والای خدا، به حق بزرگ و زوال ناپذیر است، چرا که اگر او نبود و چنین وصف و ویژگی هایی نداشت، کران تا کران هستی باطل و بیهوده و تباه بود. و این بدان دلیل است که پدیده و چیزی در جهان جامه هستی نمی پوشد، جز این که آن پدیده بر اساس تقدیر و اندازه گیری آن پدیدآورنده و نظام بخش فرزانه، جامه هستی پوشیده و جلوه ای از تدبیر آشکار و نهان اوست.

و از دیدگاه برخی دیگر منظور این است که: بزرگ و پرشکوه است آن کسی که همه برکت ها و نعمت ها از اوست، و بدین سان به ذات بی همتای او تصریح نشده و تنها به این نکته اندیشاننده توجه داده شده است که: بزرگ و با عظمت است آن ذات زوال ناپذیری که در خور ستایش و بزرگداشت واقعی است.

واژه «ملک» در آیه شریفه به مفهوم فرمانروایی گسترده و مالکیت

تدبیر و تقدیر می باشد و منظور آیه این است که: پربرکت و زوال ناپذیر است نام آن تدبیرگر والایی که فرمانروایی کران تا کران هستی و تدبیر امور و شئون آن به اراده حکیمانه و دست توانای اوست.

وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و او بر هر چیزی تواناست.

او، هم می تواند نعمت ها و موهبت ها را به بندگانش ارزانی دارد، و هم آنان را به خاطر ناسپاسی و گناه به کیفر کردارشان برساند.

به باور پاره ای منظور این است که: و او بر هر چیزی که باید توانا و دانا باشد، بر انجام آن تواناست. و این بیان از این آیه شریفه اخص است که می فرماید:

و هو بكل شیء علیم. (۷)

و ذات بی همتای او به هر چیزی داناست؛ چرا که هیچ پدیده ای در کران تا کران هستی نیست، جز این که برای ذات پاک او معلوم است و این وصف نشانگر آن است که خدا همواره به این وصف و ویژگی آراسته است، نه این که چنین بوده است؛ چرا که نمی توان او را به صفتی وصف نمود که همواره در ذات او موجود نباشد.

دو معمای ناشناخته آن گاه در اشاره به هدف آفرینش دو پدیده شگفت انگیز و دو معمای ناشناخته مرگ و حیات می فرماید:

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ

همان خدایی که مرگ و زندگی را پدید آورد تا انسان ها ذات بی همتای او را بشناسند و سپاس او را به جا آورند و او را آن گونه که شایسته و بایسته است بندگی کنند.

به باور پاره ای منظور این است که: آن خدایی که مرگ را برای عبرت آموزی و عبرت اندوزی

آفرید، و زندگی را برای بندگی و بهره‌وری از آن و بر گرفتن توشه.

در مورد دلیل تقدّم «مرگ» بر «حیات» در آیه، دیدگاه‌ها متفاوت است:

۱ - به باور پاره‌ای این تقدّم بدان دلیل است که «مرگ» به قهر و خشم و نابودی نزدیکتر است.

نظیر این مورد و این آیه شریفه آن آیه است که می‌فرماید:

... و یهب لمن یشاء اناثاً و یهب لمن یشاء الذکور. (۸)

فرمانروایی مطلق آسمانها و زمین از آن خداست؛ هر که را بخواهد پدید می‌آورد، و به هر کس بخواهد فرزند دختر می‌بخشد و به هر کس بخواهد فرزند پسر می‌دهد.

با این بیان به باور برخی همان گونه که در این آیه دختر - که در برابر پسر ناتوان است - مقدم شده است، در آیه مورد بحث نیز پدیده مرگ که به نابودی و زوال و فنا نزدیکتر است پیش از پدیده «حیات» آمده است.

۲ - اما از دیدگاه پاره‌ای دیگر، تقدّم مرگ بر حیات بدان جهت است که مرگ به خودی خود بر همه پدیده‌ها نزدیکتر و بر حیات مقدم است؛ چرا که همه پدیده‌ها در آغاز در حکم مردگان بوده‌اند و خدا آن‌ها را بر اساس تدبیر و تقدیر حکیمانه اش از خاک، و آن گاه از دیگر راه‌ها پدید آورده و به آنان حیات و هستی بخشیده است.

با این بیان می‌توان گفت که مرگ بدان جهت که نوعی امر عدمی است، بر حیات و زندگی، که نوعی وجود است، مقدم می‌باشد و به همین دلیل در آیه، پیش از آن آمده است.

و شاید هم بدان دلیل که هماره در برابر دیدگان انسان‌ها

باشد، تا دریابند که سرانجام همه شورها و خروش ها و تلاش های سازنده و تخریبی و عادلانه و ظالمانه مرگ است و آن گاه پاسخگویی به عملکردها.

لِيُنْزِلَ عَلَيْكُمْ مِنْكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا

آری، او پدیده مرگ و زندگی را آفرید تا شما انسان ها را بیازماید که کدامین شما نیکوتر و شایسته تر رفتار می کنید و از نظر عملکرد نیکو کردارترید.

با این بیان، او مرگ و حیات را آفرید تا شما را در پرتو آزادی و قدرت مقایسه و انتخاب، و آن گاه برنامه و مقررات و رواها و نارواها و فرمان ها و هشدارها بیازماید، تا به شایستگان پاداش شایسته و به زشتکاران کیفر مناسب بدهد.

پاره ای برآنند که منظور آیه این است که: او همان کسی است که مرگ و حیات را پدید آورد، تا شما انسان ها را بدین وسیله بیازماید که کدامین تان بیشتر به یاد مرگ هستید و خویشتن را با خودسازی و خودشکوفایی و پالایش و توبه برای دیدار آماده می سازید و بر مرگ دیگران شکیبایی پیشه می سازید.

و پاره ای دیگر بر آنند که: او همان کسی است که مرگ و زندگی را آفرید، تا شما را بیازماید که کدام یک به انجام دستورات او کوشاتر و جدی تر، و بر دوری از آنچه نهی فرموده است دقیق و آماده ترید.

«ابوقتاده» آورده است که از پیامبر گرامی از تفسیر آیه پرسیدم، که فرمود:

يقول: ايكُم احسن عقلاً ثم قال: اتمکم عقلاً و اشدکم لله خوفاً، و احسنکم فيما امر الله به و نهى عنه نظراً و ان كان اقلکم تطوعاً. (۹)

منظور آیه این است که: کدامین شما از نظر خرد و اندیشه نیکوتر، و در توحید گرایی و یکتاپرستی مسئول تر و پروا پیشه تر،



و از نظر تعمق در فرمان ها و هشدارهای خدا و معارف و مفاهیم کتاب پرشکوه او ژرفنگرتر و آگاه تر هستید، گرچه عملکرد شما در بخش کارهای مستحب کمتر باشد.

فرزند «عمر» آورده است که: پیامبر گرامی آیه مورد بحث را تلاوت کرد و فرمود:

ایکم احسنکم عقلاً، و اورع عن محارم الله، و اسرع فی طاعه الله. (۱۰)

منظور آیه این است که: تا شما را بیازماید که کدامین تان در خرد نیکوتر، و در پرهیز از محرمات خدا پروا پیشه تر و دقیق تر، و در انجام دستور او سریع تر و کوشاترید.

و از «حسن» آورده اند که می گفت: ایکم ازهد فی الدنيا و اترک لها.

تا کدامین شما در زندگی دنیا پارسا تر و در ترک دنیاداری و دنیاپرستی جدی تر و کوشاترید.

وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ

و او سخت شکست ناپذیر و بسیار آمرزنده است.

آری، او اگر بخواهد از گناهکاران و ظالمان انتقام گیرد و آنان را به کیفر بیداد و گناهانشان برساند، تواناست، و اگر هم بخواهد کسی را که روی توبه به بارگاه او آورده است، ببخشد و او را بیامرزد بخشاینده و آمرزنده است.

پس از ترسیمی تکاندهنده از نظام مرگ و حیات، اینک در اشاره به نظام هستی و وصف ذات توانا و بی همتای پدیدآورنده و نظام بخش آن می فرماید:

الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا

همان خدایی که هفت آسمان را به صورت طبقه طبقه بر روی هم پدید آورد.

به باور پاره ای منظور از «طباق» در آیه تشابه می باشد، که در این صورت مقصود این است که: همان خدایی که هفت آسمان را به صورت مشابه و همانند هم از نظر نظم و ترتیب و هدفداری و حکمت

پدید آورد.

مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَافُوتٍ در آفرینش آن آفریدگار دانا و توانا هیچ عیب و نقصی نخواهد بود، و هرچه بنگری تفاوتی نخواهی یافت، و درخواستی یافت که همان نشانه های نظم و حکمت و هدفداری و ظرافت و شکوه و عظمت، در همه پدیده ها هویداست؛ اگرچه این پدیده های بی شمار در ظاهر و صورت باهم متفاوتند.

از آیه شریفه این نکته دریافت می گردد که: کفر و ناسپاسی و گناه و سرکشی و ظلم و بیداد به خاطر همان تفاوتی عمیقی که با توحید و پروا و عدالت و حق شناسی دارند، آفریده ذات بی همتای او نبوده و کار بندگان بیدادگر و گناه ورز می باشد.

به باور پاره ای منظور آیه این است که: هان ای فرزند انسان، نیک بنگر و بیندیش تا دریابی که در آفرینش آن ها هیچ عیب و انحراف و کجی و کاستی نیست، بلکه کران تا کران هستی با همه عظمت و بهت آوری اش راست و درست و حکیمانه است.

فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ

بار دیگر به این پدیده های شگفت انگیز جهان هستی بنگر، و نیک در آنها نظر کن و بیندیش، آیا هیچ شکاف و بی نظمی و اختلاف و بی هدفی در آن ها می نگری و می یابی؟

به باور پاره ای منظور این است که: و به گونه ای پیاپی و بی امان و با تدبر و تعمق و ژرف نگری بسیار بر کران تا کران هستی و پدیده های بی شمار آن بنگر و بیندیش، آیا هیچ نشانی از بهم ریختگی و بی نظمی و فقدان تدبیر و برنامه و هدفداری می نگری؟

به باور «سفیان» منظور این است که: آیا در کران تا کران هستی نشانی از بی نظمی

و گسیختگی می یابی؟

و از دیدگاه «ابن عباس» و «قتاده»: آیا سستی و بی هدفی در پدیده ها خواهی دید؟

آن گاه در آیه بعد می افزاید:

ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ

دگر باره دیده بگشا، و جهان هستی را نیک بنگر، تا دیده ات رانده و درمانده از رسیدن به هدف به سوی تو باز گردد.

به باور برخی منظور این است که: و هر آنچه می خواهی چشم باز کن و با دقت، کران تا کران هستی و پدیده های آفرینش را بنگر تا دیده ات درمانده از رسیدن به هدف و غرق در بهت و حیرت از نظام شگفت انگیز آفرینش به سوی تو باز گردد.

گفتنی است که در آیه، نگرش را به گونه ای تکراری و پیایی اراده می کند و نه درماندگی و نرسیدن به هدف را؛ و این بسان همان جمله معروف است که گفته می شود: «لبیک و سعدیک و...» و منظور این است که: هر گاه خدا را به راستی بخوانی، او شنوا و پذیرنده است، و هر دعایی را پس از پذیرش دعای دیگر می پذیرد.

«ابن عباس» می گوید: منظور تکرار همان حقارت و واماندگی است، چرا که هر کس چیزی را بارها و بارها می طلبد و به آن دست نمی یابد، هربار از آن دور و وامانده شده است، و کسی که بارها بر کران تا کران آفرینش می نگرد تا بی نظمی و بی هدفی و نشانی از ضعف و ناتوانی و از هم گسیختگی بیابد و نمی یابد، هر بار دچار حقارت و واماندگی می شود.

به باور «قتاده» منظور از «و هو حسیر»، لنگ و وامانده و ناکام می باشد، چرا که به هدف و مقصد نرسیده

است.

در آخرین آیه مورد بحث به نگرش بر آسمان زیبا و دل انگیز توجه می دهد و می فرماید:

وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَ مَا نَزْدِيكَ تَرِينَ آسْمَانِ هَا بَه زَمِينَ رَا بَه وَسِيلَه چَرَاغِ هَا ی پَرَفِرُوعِ وَ نَوْرِ افشَانِ آرَاسْتِیمِ.

منظور از آسمان نزدیک یا آسمان دنیا، همان آسمانی است که مردم با چشمان غیر مسلح آن را می بینند، و واژه «مصباح»، جمع «مصباح» به مفهوم چراغ و چراغ ها می باشد و منظور از آن چراغ ها، ستارگان زیبایی هستند که در شب های تاریک و پر ستاره بسان چراغ هایی روشن و روشنگر سوسو می کنند و با نمایش وصف ناپذیر و جالب خود حال و هوایی رؤیایی پدید می آورند.

وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَ آن هَا رَا وَسَا یِل رَا نَدَنی بَرَا ی شَیْطَانِ هَا قَرَار دَا دِیمِ، که بَرَا ی اسْتِرَاقِ سَمْعِ بَه آسْمَانِ هَا نَزْدِیکِ می گَرَدَنَد.

در این مورد «جایی» می گوید: از ستارگان جرقه هایی جدا می گردد که شیطان ها به وسیله همان جرقه ها به رگبار بسته می شوند، اما خود ستارگان، تا آن گاه که پدید آورنده آنها اراده فرموده است، خواهند بود.

وَ اَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ

و ما بَرَا ی اَینِ شَیْطَانِ هَا، اَفزُونِ بَرِ آنِ وَسَا یِل رَا نَدَنِ وَ دُورِ سَاخْتَنِ، عَذَابِ آتَشِ اَفروخْتَه رَا نِیزِ فَرَا هَمِ سَاخْتَه اَیمِ.

با این بیان از آیه شریفه چنین دریافت می گردد که شیطان ها نیز بسان انسان ها به رعایت مقررات و قوانین موظف شده اند.

۶- و بَرَا ی آنانِ که بَه پَرُورِدِ گَارِشانِ کُفَرِ و رَزِیدَنَد، عَذَابِ دُوزَخِ اسْت؛ وَ چَه بَدِ فَرَجَامی اسْت!

۷- هَنگَامی که دَرِ آنِ [آتَشِ شَعْلَه وَرِ دُوزَخِ اَفکَنَدَه شُونَد، اَزِ آنِ [آتَشِ] که دَرِ حَالِ جُوشَشِ اسْت خُرُوشی [سَهْمِگِینِ] می شَنُوند.

۸- [آن خُرُوشِ

هراس انگیز به گونه ای است که گویی نزدیک است از شدت خشم [بر ستمکاران پاره پاره گردد؛ هرگاه گروهی در آن افکنده شوند، نگهبانان آن، از آنان می پرسند: مگر بیم دهنده ای برای شما نیامد؟!]

۹ - [آنان می گویند: چرا، بیم دهنده ای برای ما آمد، اما [او را] دروغگو انگاشتیم و گفتیم: خدا هیچ چیز فرو نفرستاده است [و] شما تنها در [بیهوده بافی و] گمراهی بزرگی هستید!]

۱۰ - و گویند: اگر [پیام حق را] می شنیدیم یا خرد خود را به کار می گرفتیم، [اینک] در زمره دوزخیان نبودیم.

۱۱ - آن گاه به گناه خود اقرار می کنند، پس بر اهل آتش برافروخته، دوری از رحمت خدا باد.

نگرشی بر واژه ها

شهیق: این واژه به مفهوم آخرین درجه صدا و فریادی است که به ناگاه به صورت آواز و یا ناله از سینه بر می خیزد. و نیز به صدای بریدن نفس به هنگام جان کندن، و نیز صدای خاص شدت یافتن و شعله ور شدن آتش به هنگام طلب هیزم و سوخت گفته می شود. به همین تناسب است که به صدای «عرعر» الاغ و یا گورخر نیز گفته می شود.

به باور پاره ای «شهیق» به مفهوم صدایی است که در سینه می پیچد و «زفیر» صدایی است که در گلو می پیچد.

فور: این واژه به مفهوم خیزش و بلند شدن چیزی به سبب جوشیدن آمده است؛ نظیر به جوش آمدن «دیگ». «فواره» نیز از همین ماده است، چرا که آب از آن می جوشد و به طرف آسمان بلند می شود. همین گونه فوران و خیزش خون از زخم و یا دمل، و نیز فوران آب از زمین.

گفتنی است که آن جایگاه و بازگشتگاه انسان در آیه شریفه به وسیله واژه «بئس» - که برای نکوهش و مذمت به کار می رود - وصف شده است، در حالی که آن بازگشتگاه و یا هر کیفر خردمندانه و حکیمانه ای نیکو و سودبخش است و نه زشت و درخور نکوهش؛ چرا که انسان را به تلاش و

کوشش بر می انگیزد تا از زشت کاری و ستم دوری جوید و به سوی ارزش ها و والایی ها شتاب گیرد.

با این بیان می توان «جایگاه» را با واژه «بئس» وصف کرد، امّا نمی توان کیفرکننده ظالمان و گمراهان، یا فاعل «عقاب» و کیفر را بر این قیاس نمود و با این واژه وصف کرد، چرا که در اینجا، نکوهش به طور مستقیم به فاعل می خورد؛ و روشن است که حکمت و فلسفه کیفر عادلانه و انسانی برای کارهای ناروا و ظالمانه، همان هشدار است که خردمندان و خردوزران را از دست یازیدن به قانون شکنی و بیداد مانع می گردد؛ برای نمونه هنگامی که گفته می شود: اگر کسی نماز خویش را نخواند و روزه نگرفت و حج نکرد و یا به گناه و زشتی دست یازید، جایگاه او دوزخ است، همین هشدار، مکلف را به انجام فرایض و دوری گزیدن از حرام و ناروا ترغیب می کند و او را از پایمال ساختن مقررات خدا و حقوق انسان ها، به تناسب ایمان و باور قلبی و عملی اش باز می دارد.

آن گاه در اشاره به گوشه ای از آن عذاب و کیفر تکاندنده سرای آخرت می فرماید:

إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَ هِيَ تَفُورُ

هنگامی که کفرگرایان و حق ناپذیران به آن آتش سوزان دوزخ افکنده می شوند، از آن آتش شعله ور، صدای هراس انگیز و تکاندنده ای بسان صدای جوشش و غلیان دیگ را می شنوند که این صدا بر ترس و هراس آنان می افزاید.

به باور پاره ای: و آن آتش شعله ور و هراس انگیز، آنان را به جوشش و غلیان می آورد.

سپس می افزاید:

تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ

آن خروش هراس انگیز به گونه ای

است که نزدیک است از شدت خشم و غضب بر ستمکاران و حق ستیزان پاره پاره و متلاشی گردد؛ درست بسان ظرف بزرگی که بر روی آتش بسیار پر حرارت و شعله ور قرار می گیرد، که از شدت جوشش و غلیان فریاد می کشد؛ به گونه ای که گویی در حال انفجار است.

در آیه شریفه خدای دادگر، از شدت هیجان و غلیان آتش، به عنوان خشم بر ظالمان و کفرانگران تعبیر می کند، و این نشانگر خشم خدا بر آنان است و منظور این است که آنان با احساس درد و شدت عذاب تکه تکه و پاره پاره می شوند.

در ادامه آیات می فرماید:

كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ

هرگاه گروهی از آنان بر آتش پرتاب گردند، نگهبانان آتش دوزخ از روی سرزنش و نکوهش از آنان می پرسند که: آیا پیام آور و هشداردهنده ای برای شما نیامد؟!

آیا کسی به سوی شما نیامد تا مقررات و پیام های خدا را به شما برساند و از آتش دوزخ هشدارتان دهد تا اینک گرفتار نگردید؟

آن گاه پاسخ آنان را در برابر فرشتگان ترسیم می کند که:

قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ

چرا، بیم دهنده ای از سوی خدا به سراغ ما آمد و هشدارها داد، اما ما پیام ها و هشدارهای او را دروغ انگاشتیم، و نپذیرفتیم و به او گفتیم: که خدا هرگز پیام و برنامه ای از آسمان فرو نفرستاده و به کسی وحی نفرموده است، و هشدار شما پایه و اساسی ندارد.

إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ

آن گاه فرشتگان به آن تیره بختان می گویند: اینک شما تنها در عذابی سخت و سهمگین



جای خواهید داشت.

به باور پاره ای منظور این است که: و ما به آنان گفتیم: شما از مرز راستی و درستی عبور کرده و تنها در گمراهی بزرگی هستید، که ما را هشدار می دهید و بر این اندیشه هستید که خدا کتاب و برنامه فروفرستاده است.

و در ترسیم راز تیره بختی و گرفتاری خویش می گویند:

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ

اگر ما در زندگی گوش شنوا داشتیم و پیام پیامبران را می شنیدیم و اگر در زندگی خردورز بودیم و به دور از تعصب و دیگر آفت های بیداری و هشاری و هدایت، خرد خود را به کار می گرفتیم، اینک هرگز از دوزخیان نگونبخت نبودیم.

از پیامبر گرامی آورده اند که فرمود:

ان الرجل ليكون من اهل الجهاد، و من اهل الصَّلاه و الصيام، و ممن يأمر بالمعروف و ينهى عن المنكر و ما يجزى يوم القيامة الا على قدر عقله. (۱۲)

کسانی هستند که در زندگی دنیا به جهاد و دفاع برخاسته و نماز و روزه را ارج نهاده و به انجام رسانده اند و نیز به ارزش ها و والایی ها و قانون گرایی و عدالت فراخوانده و از قانون گریزی و گناه هشدار داده اند، اما در روز رستاخیز بر همه این کارهایشان به اندازه خردمندی و خردورزیشان در زندگی، پاداش داده می شوند، و نه به اندازه انجام کارهایشان.

و نیز «انس بن مالک» آورده است که: گروهی در حضور پیامبر از مردی به خوبی یاد کردند و او را به شایسته کرداری وصف نمودند، اما آن حضرت به جای پرسش از کارهای شایسته او، فرمود: خرد آن بنده خدا چگونه است؟ کیف عقل الرجل؟

آنان گفتند:

ای پیامبر خدا! ما از عبادت و تلاش او در انجام کارهای شایسته سخن می‌گوییم، اما شما از عقل و خرد او می‌پرسید! چرا؟

قالوا: یا رسول الله! نخبرک عن اجتهاده فی العباده و اصناف الخیر و تسألنا عن عقله؟

آن حضرت فرمود:

انّ الاحق یصیب بحمقه اعظم من فجور الفاجر.

رنج و مصیبتی که به دلیل سبک مغزی و کم خردی حکومت‌ها و تاریک اندیشی جامعه‌ها دامانگیر آنان می‌گردد، بسیار بدتر و سهمگین‌تر از فسق و فجور بدکاران و گناهکاران است، و آنان را به رنج و انحطاط می‌کشد!

آن گاه افزود:

و انّما یرتفع العباد غداً فی الدرجات و ینالون الزلفی من ربهم علی قدر عقولهم. (۱۳) و بر این اساس است که خدای فرزانه در روز رستاخیز مقام بندگان خود را بر اساس چگونگی خردمندی و خردورزی آنان اوج می‌بخشد و آنان با این ملاک و معیار به مقام قرب نایل می‌آیند، نه بر اساس انجام نماز و یا گرفتن روزه یا انفاق و دیگر کارها:

آن گاه می‌افزاید:

فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ این جاست که دوزخیان تیره بخت به گناه خویش اعتراف می‌کنند، امّا این اقرار و اعتراف، دیگر سودی برایشان نخواهد داشت.

واژه «اقرار» از ریشه «قر»، «یقر»، «قراراً» آمده که به مفهوم «ثبات» است.

و واژه «اعتراف» از «معرفت» بر گرفته شده و واژه ذنب «مصدر» است، که نه به صورت تشبیه بسته می‌شود و نه جمع؛ و هنگامی که به صورت «ذنوب» آمد، نشانگر تفاوت و اختلاف در جنس گناهان است و نه شمار آن‌ها.

در ادامه آیه می‌فرماید:

فَسُحِقًا لِّلْأَصْحَابِ السَّعِيرِ

پس بر این دوزخیان و اهل آتش شعله‌ور، دوری از رحمت و مهر خدا

این فراز از آیه در حقیقت نفرینی است بر آنان و منظور این است که: اینک که چنین است خدا آنان را از مهر و رحمت خود دور سازد و به عذاب دوزخ گرفتارشان کند.

پرتوی از آیات درآیاتی که گذشت دو نکته بسیار دقیق و سرنوشت ساز درخور بازنگری دیگر است:

۱ - مصاحبه با دوزخیان از آیاتی که گذشت قرآن شریف، مصاحبه کوتاه، اما تکانه‌دهنده و درس آموزی را از دوزخیان به تابلو می‌برد و روشنگری می‌کند که آنان چگونه پس از ورود به آتش شعله‌ور دوزخ، از سوی فرشتگان و نگهبانان آتش مورد پرسش قرار می‌گیرند و در پاسخ آنان، به راز سقوط خویش در دوزخ انگشت می‌گذارند و به صراحت اعتراف و اقرار می‌کنند که مهم‌ترین راز نگونساری و سقوط آنان به آتش شعله‌ور دوزخ، آن بود که در زندگی دنیا خرد خویش را به کار نینداخته و خردمندانه و خردورزانه زندگی نکرده‌اند!

و آن گاه با حسرت و افسوسی جانکاه آه می‌کشند که: اگر ما نیز در زندگی خویش گوش شنوا و چشم بینا و اندیشه پویا و خردکوشا و دل‌حق‌پذیر داشتیم و می‌اندیشیدیم و خردمندانه زندگی می‌کردیم، اینک از دوزخیان تیره بخت نبودیم.

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ (۱۴) ۱۲ - به یقین آن کسانی که در نهان از پروردگار خود می‌ترسند، آمرزش و پاداش پرشکوهی خواهند داشت.

۱۳ - و [برای خدای دانا و آگاه، اگر] سخن خود را نهان دارید، یا آن را آشکار سازید، [یکسان است؛ چرا که در حقیقت او به [رازهای نهفته

در [ژرفای سینه ها داناست.

۱۴ - آیا آن کسی که [کران تا کران هستی را] آفریده است، [راز سینه ها را] نمی داند؟! با این که او همان [خدای دقیق و آگاه است.

۱۵ - اوست کسی که زمین را برای شما رام گردانید؛ پس در کرانه های آن گام سپارید و از روزی او بخورید؛ و [رستاخیز و [برانگیخته شدن [همگان] به سوی اوست.

۱۶ - آیا از آن کسی که در آسمان است امنیت یافته اید که شما را در [قعر] زمین فرو برد، آن گاه ناگهان [زمین به لرزه در آید؟

۱۷ - آیا از آن کسی که در آسمان است امنیت یافته اید که تندبادی از ریگ بر [سر] شما فرو فرستد؟ آن گاه به زودی خواهید دانست که هشدار دادن من چگونه است!

۱۸ - و بی گمان کسانی که پیش از اینان بودند [پیام رسانان خدا را] دروغگو شمردند؛ پس [نیک بیندیشید که عذاب و] انکار من [در برابر عملکرد ظالمانه آنان] چگونه بود!

۱۹ - [آیا در نشانه های قدرت خدا نیندیشیده و آیا به پرندگان بر فراز سرشان ننگریسته اند که [چگونه گاه بال می گسترند و [گاه] بال می زنند؟! جز خدای بخشاینده [هیچ کس آن ها را] در سینه آسمان نگاه نمی دارد؛ بی گمان او بر هر چیزی بیناست.

۲۰ - آیا آن کسی که خود برای شما [بسان سپاهی است، [و] جز خدای بخشاینده شما را یاری می رساند، کیست؟ کفرگرایان [و حق ستیزان جز گرفتار فریبی [بزرگ] نیستند.

۲۱ - آیا آن کسی که اگر [خدا رزق و] روزی خود را از [شما مردم] باز دارد، به شما روزی

می رسانند، کیست؟ [به راستی آیا جز او روزی رسانی هست؟ روشن است که هرگز؛] بلکه آنان در سرکشی و حق گریزی خیرگی می کنند.

نگرشی بر واژه ها

لطف: این واژه در مورد خدا به مفهوم مهر و رحمت و لطف و مدارا آمده است.

لطیف: این واژه از ماده «لطف» بر گرفته شده، و در مورد خدا به مفهوم رفق و مهر و مدارا نمودن او در حق بندگان خود آمده است.

ذلول: به مرکب رام - که در سواری سرکشی و چموشی نمی کند - گفته می شود.

مناکب: این واژه جمع «منکب» به مفهوم اوج و شانه و بلندی هر چیزی آمده است، اما وقتی گفته شد: «مناکب زمین» منظور سطح زمین و روی آن است.

نشور: به زنده شدن، و زندگی پس از مرگ و جهان دیگر گفته می شود. به همین جهت واژه «نشر» به مفهوم زنده شد، و «انشاء الله» به معنای «او را زنده ساخت»، آمده است.

حاصب: این واژه به مفهوم سنگ هایی است که پی در پی افکنده می شوند و نیز به مفهوم ریگ و یا سنگریزه ای است که با آن، دیگری را می زنند، و نیز به مفهوم تندبادی که سنگریزه و ریگ با خود می بارد، آمده است صف: چیدن و قرار دادن چیزی بر خط راست به صورت پیایی.

قبض: جمع کردن پدیده هایی که گسترده اند، و نیز به مفهوم باز بودن آمده است.

تفسیر

پاداش پرشکوه خداترسان راستین

در آیات پیش خدای فرزانه به حق ناپذیران و ظالمان هشدار داد، اینک در ترسیم پاداش پرشکوه کسانی که به راستی از او حساب برند و مسئولانه زندگی کنند، می

فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

بی گمان آن کسانی که در نهان از پروردگارشان می ترسند، برای آنان آمرزش و پاداشی پرشکوه خواهد بود.

روشن است که منظور از ترس و هراس از خدای دادگر، ترس از کیفر و عذاب او برای ستمکاران و قانون شکنان و پایمال کنندگان حقوق و حرمت انسان ها و مقررات خداست، و نه ترس از ذات بی همتای او؛ و ثمره این ترس و پروا نیز این است که خدا ترس از سویی به وظائف خویش عمل می کند، و از دگر سو در نهان و آشکار از او حساب می برد و گناه نمی کند و آن گاه در خور پاداشی پرشکوه می گردد.

نکته دیگر این است که ترس در نهان، خداشناسی و پروای خالص است و از هر گونه سوداگری و ریاکاری به دور می باشد و در خور پاداش بسیار، و گرنه ترس در آشکار و دوری جستن از گناه در برابر چشم دیگران چندان هنری نیست.

پاره ای برآنند که منظور آیه این است که: به یقین آن کسانی که از پروردگار خویش - که او را ندیده اند - می ترسند، و به خاطر ترس از عذاب و کیفر عادلانه و حکیمانه او از گناه دوری می جویند، برای آنان چنین آمرزش و پاداشی است.

پاره ای دیگر برآنند که منظور آیه این است که: بی گمان آن کسانی که از پروردگار خود می ترسند و در جایی که هیچ آفریده ای آنان را نمی بیند گناه نمی کنند، برای آنان آمرزش و پاداشی پر شکوه خواهد بود، و این بدان دلیل است که بیشتر گناهان و قانون شکنی ها در نهان و پشت پرده انجام می شود، و این خدا ترسان واقعی،

در نهان از زشت کاری و گناه دوری می جویند تا ذات بی همتای او را کمتر از مخلوق قرار ندهند. و روشن است که وقتی کسی در نهان از او حساب برد و گناه نکرد، در آشکار گناه نمی کند تا افزون بر خشم خدا، خشم و نارضایتی بندگان او را نیز بر ضد خود برانگیزد.

آن گاه در هشدار به گناهکاران و ظالمانی که با مخفی کاریها دست به گناه و ستم می یازند، می فرماید:

وَ أَسْرُوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنْ كُنْتُمْ عَلِمْتُمْ أَنَّ هَذَا نَهْيٌ لَكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

چرا که او به رازهای نهفته در ژرفای سینه ها داناست.

آری، او بر اندیشه های مترقی و نیت های خالص مردم با ایمان، و نیز نفاق و ریاکاری و سوداگری بازیگران و نفاقگرایان داناست، از این رو می خواهید گفتار و اندیشه خود را بیان کنید و می خواهید نهان دارید، خدایی که به رازهای سینه ها داناست، بی گمان به رازهای نهفته در سخنان شما نیز داناست.

«ابن عباس» در این مورد آورده است که: پاره ای از مردم سست ایمان و دو چهره، گاه از پیامبر گرامی بدگویی و عیب جویی می نمودند، که فرشته وحی پیامبر را از گفتار آنان آگاه ساخت؛ از این رو آنان به یکدیگر گفتند که آنچه در مورد پیامبر می خواهید بگویید، آن را نهان دارید و بلند و آشکار نگویید تا به گوش آن حضرت یا خاندانش نرسد!

درست آن گاه بود که این آیه بر قلب مصفای آن بزرگوار فرود آمد که: و اسرّوا قولکم او اجهرّوا به...

در سومین آیه

مورد بحث در قالب پرسشی اندیشاننده، روشنگری می کند که:

أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ أَيَا آن خدایی که کران تا کران هستی را آفریده است، راز سینه ها و یا مفهوم نهانی سخنان را نمی داند و از حال شما آگاه نیست؟

در تفسیر آیه دیدگاه ها متفاوت است:

۱- به باور برخی منظور این است که: آیا آن قدرتی که سینه ها را آفریده است، نمی داند که در اعماق آن ها چیست؟

۲ اما به باور برخی دیگر، آیا آن خدایی که انسان را پدید آورده است، نمی داند که چه رازی در دل نهان می دارد؟

۳- و از دیدگاه پاره ای منظور این است که: آیا خدا آفریده و مخلوق خود را نمی شناسد و از آن بی خبر است.

گفتنی است در دو دیدگاه اول و دوم، «من» در آیه شریفه به مفهوم «آفریدگار» آمده است، اما در دیدگاه سوم به مفهوم آفریده.

وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ

با این که او دقیق و آگاه است.

در تفسیر واژه «لطیف» دیدگاه ها متفاوت است:

۱- به باور برخی منظور این است که: خدا به تدبیر امور بندگان خود دقیق است، و با ظریف ترین و لطیف ترین سبک و شیوه کار آنان را تدبیر می کند؛ به گونه ای که به کسی ذره ای ستم روا نمی دارد؛ چرا که ظرافت و لطافت تدبیر همان تدبیر نافذ و دقیقی است که حقوق و حرمت هر کسی رعایت گردد و به کسی ستم نشود.

۲ - پاره ای برآنند که واژه «لطیف» به مفهوم کسی است که در ظرافت و لطافت تدبیر در اوجی قرار دارد که کسی به آن مرحله راه نمی یابد.

گفتنی است واژه «لطیف» بر



وزن «فعلیل» به مفهوم اسم فاعل آمده است، درست بسان دو واژه «قدیر» و «علیم» که به مفهوم قادر و عالم آمده اند.

۳- و از دیدگاه برخی واژه «لطیف» به مفهوم لطف کننده است، بسان واژه «مبدع» که به معنی ابداعگر آمده است؛ و خدا بدان دلیل لطیف است که در برابر وظائف و تکالیف اندکی که برای بندگان مقرر داشته است، پاداشی پرشکوه به آنان ارزانی می دارد.

در ادامه آیات، قرآن شریف به ترسیم پرتوی از نعمت های خدا به بندگان می پردازد و می فرماید:

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا

او همان کسی است که زمین را برای شما رام گردانید تا بر روی آن هر آنچه می خواهید انجام دهید.

به باور برخی منظور این است که: او همان کسی است که زمین را برای شما رام ساخت تا رفتن و انجام کار بر روی آن راحت و آسان باشد.

و پاره ای نیز واژه «ذلّول» را به مفهوم آماده برای تصرف و بهره برداری و کشاورزی و آبادانی معنا کرده اند که در این صورت منظور این است که: او همان کسی است که زمین را برای شما رام ساخت تا بر روی آن راه بروید و برای بهره وری از آن به کشاورزی و دامداری و کارهای صنعتی بپردازید.

فَاَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا

پس بر شانه های زمین و بر روی آن گام سپارید و در راه ها و دره های آن، و هر کجا می خواهید بروید.

به باور «ابن عباس» و «قتاده» منظور این است که: و بر فراز کوه های آن گام سپارید؛ چراکه واژه «منکب» به مفهوم اوج و بلندای هر چیز است.

با این بیان اگر این فعل امر و

دستور گام سپردن در زمین را به مفهوم فرمان بگیریم، منظور این است که: پس در راه اطاعت و عبادت خدا گام سپارید؛ اما اگر نه به مفهوم فرمان، بلکه به مفهوم اباحه بگیریم، منظور از آن، تشویق مردم به سوی تجارت و خرید و فروش و یافتن رزق و روزی و کسب سود است.

وَ كُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَ از روزی های پروردگارتان - که در کران تا کران زمین و کوه ها و بر فراز درختان و در دل زمین رویانیده است - بخورید که برایتان حلال و رواست.

وَ إِلَيْهِ الشُّورُ

و بدانید که رستاخیز و برانگیخته شدن همگان به سوی داوری و حکم اوست.

پاره ای برآیند که: و بدانید که رستاخیز و زنده نمودن همگان، برای حسابرسی است، و تنها اوست که زنده می کند و بر پدید آوردن رستاخیز تواناست.

در آیه بعد خدای فرزانه به هشدار کفرگرایان پرداخته و آنان را از دست یازیدن به گناه و زشتی و انکار نقش تربیتی و پروردگاری ذات بی همتای او برحذر می دارد و می فرماید:

أَمْ أَنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ

آیا به راستی شما خود را از عذاب کسی که فرمانروای آسمان هاست در امنیت می نگرید، که با اشاره و فرمانی زمین را بشکافد و شما را به کیفر گناهانتان به قعر زمین فرو برد؛ آن گاه زمین به لرزه در آید و به لرزش خود ادامه دهد؟

به باور پاره ای منظور از «فرمانروای آسمان» در آیه، نه ذات پاک آفریدگار هستی، بلکه فرشته ای است که از سوی او به کیفر ظالمان و اصلاح ناپذیران گمارده شده

است.

واژه «مور» در آیه به مفهوم لرزش و حرکت زمین بسان موج برداشتن آن است.

و می افزاید:

أَمْ أَمِنتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا

آیا شما از آن قدرتی که فرمانروای آسمان هاست، امنیت یافته اید که تند بادی از ریگ و سنگریزه بر سر شما فرو فرستد؛ درست همان گونه که بر جامعه «لوط» فرو فرستاد؟

به باور پاره ای منظور این است که: آیا از فرمانروای آسمان ها ایمن هستید که بر شما به کیفر ظلم و گناهانتان سنگ ببارد؟

فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ

و به زودی - پس از فرود عذاب و دیدن آن - خواهید دانست که هشدارها و اندازهای من چگونه است!

و آن گاه در اشاره به کیفر جامعه ها و امت های سرکش و بیداد پیشه پیشین می فرماید:

وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ

و بی گمان کسانی که پیش از این جامعه و مردم بودند نیز پیام رسانان خدا را دروغگو انگاشته و آنان را تکذیب کردند و کار را به انکار یکتایی خدا کشاندند، اینک بیندیشید و بر فرجام کار آنان بنگرید و ببینید که کیفر من در برابر ظلم و بیداد و حق ستیزی آنان چگونه بود! و چگونه نعمت هایی که به آنان ارزانی شده بود، همه را گرفتیم و بلا- و بدبختی به کیفر کردارشان بر آنان باریدن کرد.

در ادامه آیات به ترسیم پرتوی دیگر از قدرت شگفت انگیز پدید آورنده توانای هستی پرداخته و خردمندان را به نگرش بر پرندگان و راز پرواز آنها توجه می دهد و می فرماید:

أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَّاتٍ وَيَقْبِضْنَ

آنان در نشانه های قدرت خدا نیندیشیده، و آیا به پرندگان که بر فراز سرشان در حال پروازند، ننگریسته اند که چگونه گاه بال می گسترند و گاه بال می زنند و بال های خود را پس از گسترانیدن می بندند؛ به گونه ای که گویی سینه آسمان و هوا و فضا برای آنها بسان آب دریاست و آن ها شناگرند؟

به باور پاره ای منظور این است که: و آیا به پرندگان که بالای سر آنان در حال پرواز هستند ننگریسته اند، که چگونه پاره ای از آن ها با بال گسترده پرواز می نمایند و پاره ای بال خود را گاه باز و گاه می بندند و پرواز می کنند؟

دو واژه «صفیف» و «دیفیف» که در تقسیم بندی پرندگان به کار می رود، از همین باب می باشند، که واژه نخست به مفهوم پرواز با بال گسترده و گشاده، و واژه دوم به مفهوم پرواز به صورت بال زدن و گشودن آمده است. و بدین سان دو گروه پرندگان را با این دو وصف و ویژگی وصف می کنند.

در ادامه آیه می فرماید:

مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ جَزَ خَدَايْ بَخْشَايِنْدَه بَه وَسِيلَه مَسْخَر سَاخْتَن هَوَا بَرِ اَنَهَا، كَسِي اَن هَا رَا بَر فِرَاز اَسْمَان بِي كِرَان نَگَه نَمِي دَارَد وَ اَز سَقُوط اَنَهَا جَلُوكِيرِي نَمِي كُنْد؛ بَه كُونه اِي كَه اِكْر اَيْن مَسْخَر سَاخْتَن هَوَا بَرَاي اَنَهَا نَبُود، اَن هَا تَوَان پَرَوَاز نِدَاشْتَنَد وَ بَر زَمِين مِي اِفْتَادَنَد.

و بدین سان روشن می شود که نگهدارنده پرندگان در فضای بی کران برای پرواز، همان تدبیرگر آسمان و زمین است. و این روشن ترین و محکم ترین دلیل بر یکتایی و قدرت خدا و این واقعیت ظریف و دقیق است که: آن خدایی که بر تسخیر هوا و فضا تواناست و این

پدیده های شگفت انگیز را برای پرواز، مسخر پرندگان ساخته است، ذات پاک و بی همتای او بر هر کار و بر هر چیزی تواناست.

علی بن عیسی در این مورد می گوید: واژه «صف» به مفهوم چیدن و قراردادن چیزهایی پی در پی بر خط راست و مستقیم آمده، و واژه «قبض» به مفهوم باز و گسترده بودن چیزی، و یا جمع کردن و برچیدن آنها آمده است، و واژه «امساک» به مفهوم خودداری ورزیدن و نگهداشتن از سقوط معنا می دهد.

إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ

چرا که ذات یاک و بی همتای او بر هر چیزی بیناست.

در آیه بعد در اشاره به ناتوانی کفرگرایان و اصلاح ناپذیران در برابر قدرت بی کران خدا می فرماید:

**أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصَرُّكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ** آیا آن کسی که خود برای شما بسان سپاهی است گران - و جز خدای بخشاننده شما را یاری می رساند - کیست؟

«ابن عباس» می گوید: آن کسی که سپاه شما باشد و بخواهد شما را از عذاب خدا نجات بخشند کیست؟ به راستی آیا جز خدای یکتا کسی می تواند شما را از عذاب او برهاند؟

آغاز آیه با استفهام یا پرسش انکاری آغاز می گردد و منظور این است که: هان ای کفرگرایان! بدانید که اگر خدای بخشاینده بخواهد شما را به کیفر کردار تان عذاب کند، هیچ سپاهی نیست که بتواند شما را یاری کند و از فرود عذاب او جلوگیری نماید.

واژه «جند» در آیه شریفه، مفرد آمده است و به همین دلیل هم در ادامه آیه می فرماید:

هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ...

و منظور این است که: هان ای کفر گرایان! با کدامین

قدرت و نیرو خدای فرزانه را نافرمانی می کنید؟ آیا به راستی برای شما سپاه گرانی است که می تواند از شما در برابر خدا و کیفر عادلانه او دفاع کند و عذاب او را از شما دور سازد؟

و بدین سان روشنگری می کند که خدایان دروغین و بت های رنگارنگی که به جای خدا آن ها را می پرستید از هیچ قدرت و توانی بهره ور نیستند و نمی توانند شما پرستشگران تیره بخت و تاریک اندیش را یاری کنند.

إِنَّ الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ

و کفرگرایان و اصلاح ناپذیران تنها گرفتار فریب و غرورند.

آری، شیطان با وسوسه ها و گمراهگریهای خود، آنان را به ورطه غرور و غفلت می کشد و پرده های جهل و نادانی را بر روی وجدان و خرد و فطرت آنان می افکند و به آنان چنین وانمود می کند که عذاب در کار نخواهد بود.

به باور پاره ای منظور این است که: و کفرگریان در پرستش بت ها و خدایان دروغین به جای خدای یکتا تنها در کام غرور و غفلت هستند و چنین می پندارند که این پرستش های بی اساس و خفت آور برایشان سودبخش خواهد بود؛ در حالی که چنین پنداری جز پوچ و بی اساس نخواهد بود.

و در آخرین آیه مورد بحث می فرماید:

أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسِكْ رِزْقَهُ آيَا آن کسی که اگر خدا رزق و روزی خود را از شما باز دارد، به شما روزی می رساند، کیست؟

ممکن است در این جا منظور اسباب رزق و روزی، نظیر باران باشد که در آن صورت منظور این است که: اگر خدای بخشنده اسباب رزق و روزی را از شما بگیرد و باز دارد، آن قدرتی که آن

را برای شما باز آورد، کیست؟

بَلْ لَّجُّوا فِي عُتُوٍّ وَ نُفُورٍ

روشن است که جز خدای بخشاینده، نه قدرتی می تواند باران بفرستد و نه رزق و روزی برای انسان ها و دیگر جانداران، اما کفرگرایان و ظالمان به جای پذیرش حق، در کام بداندیشی و حق گریزی فرو رفته و در سرکشی و فرار از حق پافشاری می کنند.

«فَرَّاء» در این مورد می گوید: خدای فرزانه در آغاز آیه مورد بحث با پرسشی تفکرانگیز و بیدارگر کفرگرایان را در برابر برهان و دلیلی آشکار قرار می دهد و از آنان می پرسد که: به راستی اگر خدای بخشاینده روزی خود را از شما باز دارد، چه کسی به شما رزق و روزی می دهد؟

و کفرگرایان با اندک دقت و تأمل در می یابند که جز ذات بی همتای او خدایی نیست، اما به جای حق پذیری و اقرار بر یکتایی خدا دم فرومی بندند و حقیقت را کتمان می کنند!

به همین جهت در آخر آیه روشنگری می گردد که آنان در حق گریزی و حق ناپذیری پافشاری و لجاجت می کنند.

پرتوی از آیات

چهار آفت رشد و خودشکوفایی در زندگی

در آیات روح بخش و انسان پروری که گذشت با این درس الهام بخش روبه رو می گردیم که: این خصلت های نکوهیده کفرگرایان و ظالمان که در آیات به آنها اشاره رفت، اگر گریبان هر فرد و جامعه ای را بگیرند، افزون بر این که آنان را از رشد و شکوفایی و پیشرفت و رستگاری در دنیا و آخرت باز می دارند، در سرای آخرت نیز آنان را به عذاب دردناک دوزخ گرفتار می سازند.

این آفت ها عبارتند از:

۱ - غرور و غفلت،

۲ - لجاجت

و یکدندگی،

۳ - مستی و سرکشی

۴ - تاریک اندیشی و اصلاح ناپذیری،

۵ - و دیگر حق گریزی و خیرگی به جای سر فرود آوردن در برابر واقعیت ها.

آری، این ها آفت هایی هستند که راه کمال و جمال را بر روی انسان می بندند و او را افزون بر انحطاط و عقب ماندگی در دنیا، در سرای آخرت نیز به دوزخ و آتش شعله ور آن سرنگون می سازند. (۱۵) ۲۲ - پس آیا آن کسی که به رو در افتاده [و نگونسار] راه می رود، راه یافته تر است یا کسی که با قامت راست بر راهی راست گام می سپارد؟

۲۳ - [هان ای پیامبر!] بگو: اوست آن کسی که شما را پدید آورد و برایتان گوش و دیدگان و دل ها آفرید؛ [راستی که چه اندک سپاس [او را] می گزارید!]

۲۴ - بگو: اوست آن کسی که شما را در زمین پراکنده ساخت و [روز رستاخیز] تنها به سوی او برانگیخته می شوید.

۲۵ - و می گویند: اگر راست می گوئید، این وعده [فرارسیدن رستاخیز] کی خواهد بود؟

۲۶ - بگو: علم [و آگاهی آن تنها نزد خداست، و من فقط هشدار دهنده ای روشنگرم.

۲۷ - پس هنگامی که [تحقق آن [لحظه موعود] را نزدیک بنگرند، چهره های کسانی که کفر ورزیده اند زشت می گردد؛ و [به آنان] گفته می شود: این است آن چیزی که [فرارسیدن آن را] [با شتاب] می خواستید.

۲۸ - بگو: به من خبر دهید، که اگر خدا مرا و کسانی را که با من هستند نابود کند، یا بر ما [مهر و] رحمت آورد [ شما را چه سود؟ و] چه کسی کفرگرایان



را از عذابى دردناك پناه مى دهد.

۲۹ - بگو: اوست خداى بخشاینده؛ به او ایمان آوردیم و تنها بر او توکل نمودیم؛ و به زودى خواهید دانست که چه كسى خود در گمراهى آشكارى است.

۳۰ - بگو: به من خبر دهید که اگر آب [سرزمین های شما] به زمین [فرو رود، چه كسى برای شما آبی روان [پدید] می آورد؟

نگرشی بر واژه ها

مُكِبّ: به مفهوم كسى که بر چهره در افتاده است، و تلاش بیهوده می کند تا به جای حرکت بر روی پا و بر شاهراهی درست و راست، در بیراهه ای پر پیچ و خم و پرسنگلاخ حرکت کند. در آیه تشبیه جالبی است که فرد حق ستیز و اصلاح ناپذیر - که به جای هدایت پذیری و گام سپردن در راه درست، با لجاجت و یکدندگی در باطل و بیداد و پندارهای خود پافشاری می کند - به كسى تشبیه شده است که به رو در افتاده و بر چهره حرکت می کند. به همین جهت هنگامی که گفته می شود: «کبّته فأکب»، منظور این است که: او را بر چهره در افکندم و افتاد.

زلفه: این واژه به مفهوم قربت و نزدیک شدن آمده است، و مفرد و جمع آن یکسان می باشد؛ گر چه گاه به «زلفا» نیز جمع بسته می شود. واژه «مزدلفه» نیز از همین ریشه است، که به خاطر نزدیک بودن آن به مکه با این عنوان خوانده شده است.

سیّت: به مفهوم «زشت و سیاه گردید» آمده است. این واژه از ریشه «ساء» برگرفته شده، که به مفهوم «اندوهگین گردید» می باشد، و «اساء» نیز از همین باب است که به مفهوم

«اندوهگین نمود»، آمده است.

ماء غور: منظور آبی است که بر زمین فرو رفته و خشکیده است. واژه «غور» مصدر می باشد و وصف به مصدری برای نشان دادن مبالغه در معناست، بسان این جمله که گفته می شود: «هؤلاء زور فلان و ضیفه» این گروه زائران و میهمانان آن بزرگوار هستند.

معین: این واژه را برخی از «عین» گفته اند و برآند که «میم» بر آن اضافه شده است؛ نظیر واژه «مبیع» که از «بیع» برگرفته شده و «عین» بر آن افزون شده است.

تفسیر

ترسیم الهام بخشی از حق طلبان و حق ناپذیران در آیات پیش ضمن، بحث های متنوعی، از ایمان آوردگان و کفرگرایان سخن رفت، اینک در قالب مثالی جالب و تشبیه و ترسیمی زیبا از دو گروه حق طلب و حق ستیز یا توحیدگرا و کفرگرا و خود کامه می فرماید:

أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

آیا کسی که بر چهره در افتاده و به صورت نگونسار حرکت می کند و راه را از بیراهه، و دوست را از دشمن، و درست را از نادرست نمی تواند بنگرد و بشناسد، به هدایت و راهیابی درست نزدیک تر است یا آن کسی که با قامتی ایستاده در شاهراه راست و صاف گام می سپارد و به پیش می تازد؟ راستی کدامین این دو تن؟

در آیه مورد بحث، منظور از فردی که به صورت نگونسار و بر چهره افتاده و به رو حرکت می کند، فرد و جامعه کفرگرا و اصلاح ناپذیری است که بر اساس هواها و هوس ها و دنباله رویهای بزه منشانه زندگی می کند و از شناخت حق و باطل و عدل و

ظلم و آزادی و اسارت بی بهره است؛ اما منظور از کسی که بر روی پا ایستاده و در شاهراهی درست و مستقیم گام می سپارد و چپ و راست و پیشارو و پشت سر و دوست و دشمن و حق و باطل را می بیند و به دقت گام بر می دارد تا نلغزد و سقوط نکند و در راه راست استقامت و پایداری می ورزد و از زیان ها دوری می جوید و به سودهای ماندگار می اندیشد، فرد و جامعه توحیدگرا و کمال جو و اصلاح طلب است.

اما به باور «قتاده» منظور از این بیان این است که در سرای آخرت دو گروه توحید گرا و کفرگرا این گونه بر انگيخته می شوند؛ درست نظیر این آیه که می فرماید:

...و نحشرهم يوم القيامة على وجوههم عميا و بكما و صما... (۱۶)

و روز رستاخیز آنان را کور و لال و کر، به روی چهره هایشان در افتاده و نگونسار خواهیم انگيخت...

آن گاه روی سخن را به پیامبر گرامی می کند و می فرماید:

قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ هَانِ اِيْ پيامبر! به این کفرگرایان و اصلاح ناپذیران بگو: او همان کسی است که شما را از هیچ پدید آورد.

وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ

و برای شما گوش ها و چشم ها و دل ها قرار داد، تا به وسیله دستگاه شنوایی، شنیدنی ها را بشنوید، و به وسیله دیدگانتان دیدنی ها را تماشا کنید، و به وسیله دل ها و مغزها بیندیشید و خردورزانه عمل کنید، و بکوشید تا به آگاهی و دانایی نایل آید و خردمندانه زندگی نمایید.

قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ

راستی که چه اندک سپاس خدا را می گزارید!

پاره ای برآند که: راستی که

سپاس شما اندک و ناچیز است! و بدین صورت «ما» را مصدريه گرفته اند.

سپس می افزاید:

قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ هَانِ أَيُّ پیامبر! بگو: او کسی است که شما را در زمین پدید آورد.

پیام آیه این است که: هان ای کفرگرایان! آن خدای یکتا که من او را وصف می کنم و مردم را به پرستش ذات بی همتای او فرا می خوانم، همان خدایی است که شما را در زمین پدید آورد.

وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

و سرانجام در روز رستاخیز به سوی او برانگیخته خواهید شد؛ و ذات بی همتای اوست که به نیکوکرداران شما پاداش و به گناهکارانتان کیفر خواهد داد.

در چهارمین آیه مورد بحث در طرح پرسش کفرگرایان می فرماید:

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ

و کفرگرایان و حق ناپذیران به انگیزه تمسخر و ریشخند، به پیامبر و مردم توحیدگرا می گویند: اگر شما راست می گوئید این وعده فرارسیدن رستاخیز کی خواهد بود؟

آن گاه در پاسخ آنان می فرماید:

قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ

هان ای پیامبر! به آنان بگو: دانش و آگاهی از هنگامه فرارسیدن روز رستاخیز ویژه خداست و تنها او از آن آگاه است، و من تنها هشدار دهنده ای روشنگرم و برای شما مردم آنچه از معارف و مفاهیم و مقررات آسمانی به وسیله فرشته وحی بر من فرود آمده است، به روشنی بیان می کنم.

سپس در اشاره به حال و روز آنان به هنگامه فرود عذاب و دیدن آن می فرماید:

فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا

پس هنگامی که تحقق آن لحظه سهمگین را نزدیک بینند،

چهره های کسانی که کفر ورزیده اند زشت و سیاه می گردد.

آنچه آمد، ترجمه آیه است و در تفسیر آن دیدگاه ها اندکی متفاوت است:

۱ - به باور «مجاهد» منظور این است که: پس هنگامی که آن کفرگرایان و ظالمان، نزدیک شدن عذاب خدا و کیفر عملکرد بیدادگرانه خود را در روز «بدر» دیدند چهره آنان زشت می گردد.

۳ - از دیدگاه بیشتر مفسران، گرچه قالب و واژه های به کار رفته در آیه به صورت «ماضی» است، اما مفهوم آن از آینده خبر می دهد و منظور این است که: پس هنگامی که در آستانه رستاخیز برانگیخته شدند و عذاب دردناکی را که برایشان آماده شده است، دیدند، چهره آنان سیاه می گردد.

۴ - و از دیدگاه برخی دیگر منظور این است که: آثار غم و اندوه و افسوس و حسرتی دردناک بر چهره ظالمان پدیدار می گردد و خواری و ذلت بر آنان فرو می بارد.

وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدْعُونَ

و به آنان گفته می شود: این همان چیزی است که برای رسیدن آن شتاب می کردید، و خدا را برای رسیدن آن با عجله می خواندید.

«فرأء» بر این باور است که واژه «تدعون» به همراه تشدید و یا بدون آن، بسان «تدخرون» و «تدّخرون» به یک معنا آمده و منظور این است که: و به کفرگرایان و ظالمان گفته می شود: این همان چیزی است که شما برای رسیدن آن شتاب می نمودید و خدا را با شتاب می خواندید.

«این زید» می افزاید: آری، شما بودید که می گفتید:

اللَّهُمَّ إِنَّ كَانْ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَهُ مِنَ السَّمَاءِ... (۱۷)

بارخدایا، اگر این کتاب، همان حق

است و از سوی تو فرود آمده است، پس بر ما از آسمان سنگ‌هایی را بیاران، یا عذابی دردناک بر سر ما بیاور!

به باور «حسن» منظور این است که: و به آنان گفته می‌شود: این همان چیزی است که شما آن را انکار نموده و ادعا می‌کردید که نه حساب و کتابی خواهد بود و نه بهشت و دوزخی.

«حاکم حسکانی» در کتاب خویش آورده است که: به بیان «اعمش» و روایت او، منظور آیه این است که کفرگرایان و اصلاح‌ناپذیران هنگامی که در روز رستاخیز موقعیت والا و مقام بلند امیرمؤمنان را در بارگاه خدا بنگرند، چهره آنان سیاه می‌گردد و به اندوه و افسوس سخت گرفتار می‌گردند؛ که چرا با ولایت آسمانی آن حضرت مخالفت کردند

لَمَّا رَأَوْا لَعْلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الزَّلْفَى سَيِّئَ وَجْهِ الَّذِينَ كَفَرُوا. (۱۸)

از حضرت باقر در این مورد آورده اند که فرمود:

فلما رأوا مكان عليّ (ع) من النّبيّ (ص) سيّئ وجه الذين كفروا، يعنى الذين كذبوا بفضله. (۱۹) هنگامی که کفرگرایان و حق‌ناپذیران موقعیت معنوی و مقام والای علی (ع) را در نظر پیامبر دیدند، چهره آنان زشت و سیاه گردید و برتری او را دروغ شمردند.

در ادامه آیات در همین مورد می‌افزاید:

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكْنِي اللَّهُ وَ مَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمْنَا فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ هان ای پیامبر! به این کفرگرایان و حق‌گریزان بگو! به من خبر دهید که اگر خدا مرا و کسانی را که با من هستند، همه را نابود کند و یا مهر و رحمت بی‌کران خویش را بر ما فرود آورد، شما را چه سود؟ افزون بر

این اگر کفرگرایان و ظالمان به خاطر پافشاری در کفر و اصلاح ناپذیری خود در خور عذاب سخت او گردند، چه کسی می تواند آنان را از عذاب خدا پناه دهد و یا کیفر کردار مرگ اندیشانه و ظالمانه آنان را از آنها دور دارد؟

از دیدگاه پاره ای از مفسران پیشین این آیه پاسخ گروهی از کفرگرایان و اصلاح ناپذیران است، چرا که آنان در آرزوی مرگ پیامبر و یاران او بودند؛ از این رو به آنان گفته شد: اگر خدا پیامبر و یاران او را نابود سازد، آن گاه چه کسی شما را از عذاب خدا امان می دهد؟

و از دیدگاه پاره ای دیگر منظور این است که: همان ای کفرگرایان! اگر خدا من و یارانم را گرفتار عذاب کند و یا مهر و رحمت خویش را بر ما بباراند و ما را مورد عفو و بخشایش خود قرار دهد، برای شما سودبخش خواهد بود؟ در آن صورت آیا کسی هست که شما را از عذاب خدا پناه دهد؟ به بیان دیگر پیامبر گرامی روشنگری می کند که: ما با عبادت و اطاعت خدا، میان بیم و امید زندگی می کنیم، امّا شما چه خواهید کرد که در صورت ادامه پافشاری به کفرتان، گرفتار عذاب خواهید گردید و کسی نمی تواند شما را از عذاب خدا برهاند و هرگز امیدی برای نجات و رستگاری نخواهید داشت؟

و نیز در همین مورد می افزاید:

قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ هَانِ ای پیامبر! به کفرگرایان بگو: او خداوند بخشنده است...

منظور این است که: آن خدایی که من شما را به سوی او دعوت می کنم، بسان این خدایان دروغین نیست؛ بلکه خدای یکتا و بی همتا

و بخشاینده است، و تنها اوست که همه نعمت ها را به بندگان خود ارزانی کرده است.

أَمَّا بِهٖ آری، ما به این خدای بی همتا ایمان آورده ایم.

وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا

و بر او توکل و اعتماد نموده، و همه کارهای خود را به او وانهاده ایم.

فَسَيَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ و به زودی در آستانه رستاخیز، شما اصلاح ناپذیران و ظالمان خواهید دانست، که از میان ما و شما چه کسی در گمراهی و تیره بختی آشکاری سرگردان است!

پاره ای واژه «فستعلمون» را با «ی» خوانده اند که در آن صورت منظور این است که: پس کفرگرایان به زودی خواهند دانست که از میان ما دو گروه توحیدگرا و کفرگرا، کدام یک در گمراهی آشکاری است!

و در آخرین آیه مورد بحث می فرماید:

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ بگو: به من خبر دهید که اگر آب های چاه ها و چشمه سارهایی که از آنها بهره ور می گردید، در زمین فرو رود و همه آنها به ناگاه خشک شوند، در آن صورت چه کسی می تواند آب جاری و زلال برایتان روان سازد؟

به باور «ابومسلم» و «جبایی» در آن صورت چه کسی می تواند چشمه ها را بار دیگر با جوشش آب روان سازد و چاه ها را پر آب گرداند؟

و به باور پاره ای دیگر نظیر «ابن عباس»: در آن صورت چه کسی می تواند آب روان را برای شما باز آورد؟

و بدین سان قرآن شریف روشنگری می کند که: ارزانی دارنده همه نعمت های خوردنی، نوشیدنی و پوشیدنی خداست؛ پس تنها او را بپرستید، و خدایان دروغین را شریک و همتای او مپندارید، و تنها سپاس نعمت های



او را گزارید.

«مقاتل» در تفسیر آیه بر آن است که: منظور از واژه «ماء کم» در آیه شریفه، دو چاه «زمزم» و «میمون» می باشند که دو چاه قدیمی و تاریخی بودند، و آب مردم مکه را تأمین می نمودند.

و واژه «معین» به چاهی گفته می شود که چشم انسان، آب آن را می بیند و دلو آب به راحتی به آن می رسد.

پرتوی از سوره مبارکه به پایان سوره دیگری رسیدیم و از کنار خرمن خرمن گل و لاله از معارف زندگی ساز و مفاهیم جانبخش و درس هاس آموزنده و انسان پرور گذر کردیم و جان را عطرآگین ساختیم.

آری، این سوره با طرح موضوع حساس و ظریف فرمانروایی و مالکیت خدا آغاز گردید، و پس از ترسیم درس های متنوعی، سرانجام با طرح موضوع بخشاینده گی و ویژگی «رحمانیت» خدا که شاخه ای از حاکمیت اوست - به پایان رسید، و در میان آن آغاز و «حسن مطلع» و این زیبایی و «حسن ختام» بحث های ارزشمندی را به تابلو برد.

نگرش درست و اندیشه شایسته و زندگی خردمندانه، یا الهام از آن ها می تواند رستگاری این سرا و رستگاری سرای آخرت را برای انسان تضمین کند.

امید که ما به لطف او بتوانیم در زمره خردمندان برانگیخته شویم، نه تاریک اندیشان و اصلاح ناپذیران و خودکامگان قرون و اعصار؛ که نه مقررات خدا را پاس می دارند و رعایت می کنند، و نه حقوق و حرمت بندگان او را.

### تفسیر اطيّب البیان

سوره ملک، غرض سوره :بیان عمومیت ربوبیت خدای متعال برای تمام عالم و دعوت به پذیرش یگانگی او در ربوبیت و دعوت به اعتقاد به معاد.

(۱) (تبارک الذی بیده الملك و هو علی کل شی

ء قدیر): (پربرکت است خدایی که ملک بدست اوست و او بر هر چیزی تواناست) (مبارک) یعنی مصدر صدور خیرات و برکات. می فرماید: پر خیر و برکت است خدایی که ملک بدست اوست و او کمال تسلط را بر آن دارد و قدرت او نامحدود است و بر هر امری تواناست.

(۲) (الذی خلق الموت و الحیوه لیلوکم ایکم احسن عملا و هو العزیز الغفور): (آنکس که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدامیک خوشرفتارترید و او عزیزی آمرزنده است) (حیات) یعنی آنکه شیء بگونه ای باشد که دارای شعور و اراده باشد. و (موت) به معنای نداشتن آن حالت است، منتها در سیاق آیات قرآنی انتقال موجودزنده از سرایی به سرای دیگر موت نامیده شده، هر چند که شعور و اراده او باقی می ماند، و به این معنا (موت) به معنای عدم حیات نیست، بلکه انتقال است و امریست وجودی که مانند حیات، خلقت به آن تعلق گرفته و آفریده شده است. به هر جهت می فرماید: خدایتعالی شما را اینطور آفریده که ابتدا موجودی زنده باشید و سپس بمیرید و این نحوه خلقت به منظور امتحان شماست تا خوب و بدتان ازهم متمایز شود و معلوم گردد (در مرحله علم فعلی) کدامتان از دیگران بهتر عمل می کنید و این تمایز به جهت آنست که خداوند شما را مطابق اعمالتان جزا بدهد، از همینجاستفاده می شود که مقصود بالذات در خلقت، صاحبان عمل نیک هستند و دیگران بخاطر آنها خلق شده اند، در خاتمه می فرماید: خداوند عزیز است، چون قدرت و ملک مطلق دارد و هیچ کس

نمی تواند بر او غالب شود و غفور است ، بنابر این نقایص و گناهان بندگان را می پوشاند و آیه شریفه با ذکر این دو نام گنه کاران را، هم تخویف و هم تطمیع می کند و آنها را در حالت خوف و رجاء نگه می دارد.

(۳) (الذی خلق سبع سموات طباقا ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل تری من فطور): (آن خدایی که آسمانها را مطابق بیافرید، و تو در خلق خدای رحمان هیچ تفاوتی نمی بینی ، با دقت دوباره نظر کن ، آیا هیچ اختلال و فطوری در نظام عالم می بینی ؟)

(۴) (ثم ارجع البصر کرتین ینقلب الیک البصر خاسئا و هو حسیر): (سپس دوباره نظر بیانداز، مسلما دیده ات از خستگی و ناامیدی فرو می افتد و اختلالی نخواهی یافت) می فرماید: او همان خدائست که آسمانهای هفتگانه را مطابق و مثل هم آفرید و توای پیامبر (و نیز هر فردی که شأنیت دیدن داشته باشد) در خلقت خدا هیچ چیزی که از مقتضای حکمت خارج باشد نمی بینی و تدبیر الهی در سراسر جهان زنجیروار به هم متصل است و موجودات با یکدیگر در ارتباطند، مانند کفه های یک ترازو و در عین اختلاف در بدست آمدن غرض خالق خود اتفاق دارند و خداوند هر موجودی را به گونه ای آفریده که بتواند به آن هدفی که برایش خلق شده برسد و یک موجود مانع از فوت غرض دیگری نگردد. و اگر خدای تعالی را با نام رحمان یاد کرد، به جهت آنست که سراسر خلقت نشأت گرفته از رحمت عام اوست ، به هر جهت می فرماید، تو در سراسر

جهان هیچ تفاوتی نمی بینی و اگر باز هم با دقت نظر کنی خواهی دید که هیچ اختلال و بی نظمی در عالم خلقت وجود ندارد و اگر دوباره و چند باره هم برگردی و نظر کنی ، فقط نظرت خسته می شود و از کار می افتد و هیچ تفاوت و اختلالی نخواهی دید، لذا نظام جاری در عالم ،نظامی واحد و متصل و مرتبط است .

(۵) (و لقد زينا السماء الدنيا بمصابيح وجعلناها رجوما للشياطين و اعتدنا لهم عذاب السعير): (و به تحقیق ما آسمان دنیا را با چراغهایی آراستیم و آنها را وسیله راندن شیطانها قرار دادیم و برای آن شیاطین عذاب دردناک آتش را مهیا کرده ایم) می فرماید: ما آسمان دنیا را با زینت کواکب (اعم از سیارات و ستاره ها) آراسته ایم و نیز شیاطینی را که به قصد استراق سمع و شنیدن اخبار غیبی به حریم ملکوت نزدیک می شوند، بوسیله شهابها (تکه های جدا شده از ستارگان) می رانیم و برای شیاطین که اشرار جنیان هستند عذاب آتش فروزان دوزخ را مهیا نموده ایم .

(۶) (و للذين كفروا بربهم عذاب جهنم و بئس المصير): (و برای کسانی که کفر ورزیدند عذاب جهنم را آماده کردیم که چه بد بازگشتگاهی است )

(۷) (اذا القوا فيها سمعوا لها شهيقا و هي تفور): (زمانی که در آتش افکنده می شوند صدای مهیب آن را می شنوند و آن در حالت فوران ایشان را به درون خود می کشد)

(۸) (تکاد تمیز من الغیظ كلما القی فیها فوج سالهم خزنتها الم یا تکم نذیر): (گویا از شدت غضب می خواهد متلاشی شود، هر زمان که گروهی داخل آن می شوند، خازنان دوزخ از آنها می پرسند: آیا برای شما بیم

دهنده ای نیامد؟) مراد از کافران عموم افرادی هستند که منکر ربوبیت خداوند باشند، که شامل وثنی های بت پرست که بکلی منکر ربوبیت خدا بر خودشان هستند و کسانی مثل یهود و نصاری که بین خدا و پیامبران جدایی انداخته اند و هر یک به خدا و پیغمبر گروه دیگر کافر شده اند، می باشند، در این آیه عموم کافران را تهدید و انذار نموده است به اینکه خداوند عذاب جهنم را برایشان تدارک دیده و وقتی که کفار در جهنم ریخته می شوند، صدای طولانی و نعره ای از آن می شنوند که آن صدا مانند مغناطیس آنها را به داخل خود می کشد، (همانطور که بوسیله دم، هوا به درون سینه کشیده می شود) در حالیکه آتش جهنم فوران و جوشش می کند و آنقدر در غلیان است که گویا از شدت خشم و غضب می خواهد منفجر شود و هر زمان که گروهی داخل جهنم می شوند ملائکه موکل بر آتش از آنها می پرسند، آیا برای شما پیامبر بیم دهنده ای نیامد و شما را از چنین عذابی انذار نکرد؟

(۹) (قالوا بلی قد جاءنا نذیر فکذبنا و قلنا ما نزل الله من شیء ان انتم الا فی ضلال کبیر): (گفتند: بله، آمد ولی ما تکذیب کردیم و گفتیم: خدا هیچ پیغمبی نازل نکرده و جز این نیست که شما در ضلالتی بزرگ هستید)

(۱۰) (و قالوا لو کنا نسمع او نعقل ما کنا فی اصحاب السعیر): (و گفتند: اگر گوش داده بودیم یا تعقل می کردیم، از دوزخیان نبودیم)

(۱۱) (فاعترفوا بذنبهم فسحقا لاصحاب السعیر): (پس به گناه خود اعتراف کردند و نابودی و دوری از رحمت بر یاران دوزخ باد) این

کلام حکایت پاسخ دوزخیان به فرشتگان موکل بر دوزخ است که در آن اعتراف می کنند که پیامبر و بیم رسان برایشان آمده ، ولی آنها او را تکذیب کرده اند و گفته اند خدا هیچ دین و شریعتی نازل نکرده و جز این نیست که شما هم مانند ما هستید و در ادعای پیامبری خود در ضلالتی بزرگ می باشید (۱۰۳). و در ادامه از روی حسرت می گویند: اگر ما در دنیا نصایح و مواعظ انبیاء را شنیده و اطاعت کرده بودیم و یا در باره حجت‌های حقه ایشان تعقل می کردیم ، امروز در زمره اهل جهنم نبودیم و همراه آنها در آتش عذاب نمی شدیم ، (چون راه شناخت حق از باطل تعقل است) در نهایت دوزخیان به گناهان خود اعتراف کردند و فهمیدند که اثر طبیعی آن اعمال همین است که امروز وارد دوزخ شوند و جا داشت که در دنیا اینگونه عمل نمی کردند، سپس در مقام نفرین بر آنها می فرماید: نابودی و خردی بر اهل آتش باد.

(۱۲) (ان الذین یخشون ربهم بالغیب لهم مغفره و اجر کبیر): (بدرستی کسانی که از پروردگار خود با اینکه او را ندیده اند، پروا و خشیت دارند، آمرزش و اجری بزرگ دارند) در مقابله با وضع کافران و جزائی که برای ایشان مقرر فرمود، در اینجا به وضع مؤمنان می پردازد و چون در مقام انذار و وعید بود، از میان اوصاف مؤمنین به خشیت و ترس از خدا اشاره نمود و (خشیت از غیب) یعنی اینکه مؤمنان به چیزی ایمان آورده اند و از آن هراس دارند که در پرده غیب است و نمی توانند آن را با حواس خود ادراک کنند و مؤمنان را به

جهت همین خشیت ، وعده مغفرت و اجر عظیم می دهد.

(۱۳) (و اسرؤا قولکم اواجہروا به انه علیم بذات الصدور): (و شما سخن خود را چه پنهان بدارید و چه فاش بگویید، همانا او دانای به اسرار سینه هاست )

(۱۴) (الا یعلم من خلق و هو اللطیف الخیر): (آیا کسی که موجودات را آفریده و با خبر از لطائف و دقائق است و نسبت به هر چیز آگاه است ، از حال شما آگاه نیست ؟) در مقام اثبات علم نامحدود و مطلق الهی است و می خواهد بفرماید خدا از اعمال موجودات با همه کثرت آن ، آگاهی دارد، چون خداوند دانای به نیات و راز نهفته سینه هاست و همه سخنان آشکار و نهان شما را می داند و هیچ چیز از حیطه علم او بیرون نیست و چگونه تصور دارد خدایی که آفریننده خلایق و محیط به عین و جسم آنها و محیط بر آثار و اعمال ایشانست و ظاهر و باطن آنها را می شناسد آگاه نباشد، با اینکه اولطیف است ، یعنی در باطن اشیاء نفوذ دارد و به جزئیات وجود اشیاء و آثارشان آگاه است و از همه احوال آنها با خبر می باشد. و این در واقع یک حجت کامل است با این بیان که : اعمال اختیاری انسان هر چند نسبتی با خود انسان دارد، اما در واقع این خدای سبحان است که آن عمل را اراده کرده و از طریق اراده بنده اش و اقتضای سایر اسباب ، ایجاد می کند، پس در حقیقت خالق آن اعمال هم خداست ، یعنی خدای سبحان خالق عین اشیاء و همه آثار و اعمال و روابط میان آنهاست ، یعنی این

خداست که رابطه بین عمل و صاحب عمل را برقرار می سازد و او رابط میان هر شیء و آثار آن است و آن شیء را به آثارش می رساند، همچنانکه فرمود: (الله خالق کل شیء و هو علی کل شیء وکیل (۱۰۴) خدا خالق هر چیز است و او بر هر چیز وکیل می باشد)، پس با این حال چگونه ممکن است عملی از اعمال خلق از او پنهان و مخفی بماند؟

(۱۵) (هو الذی جعل لکم الارض ذلولا- فامشوا فی مناكبها و کلوا من رزقه والیه النشور): (اوست آنکه زمین را برای شما رام کرده ، پس در اقطار آن آمد و رفت کنید و از رزق آن بخورید و بدانید که زنده شدن مجدد شما بسوی اوست) می فرماید: خدای تعالی آن کسی است که زمین را منقاد و رام شما کرد، تا بتوانید بر پشت آن قرار بگیرید و از یک قسمت آن به قسمت دیگر آن بروید و از رزقش که او برای شما مقدر فرموده بخورید و به انواع مختلف در زمین تصرف کنید و اوست که نهایت و زندگی مجدد در سرای دیگر بسوی اوست ، در تعبیر (ذلول) و (مناكب) اشارتی وجود دارد که زمین نیز یکی از سیارات است .

(۱۶) (ء امنتم من فی السماء ان یخسف بکم الارض فاذا هی تمور): (آیا ایمن هستید از اینکه فرشتگان آسمان ، زمین را در زیر پایتان بشکافند؟ که در این صورت زمین بصورت گهواره به تلاطم در می آید)

(۱۷) (ام امنتم من فی السماء ان یرسل علیکم حاصبا فستعلمون کیف نذیر): (آیا ایمن هستید از اینکه آنها که در آسمانند سنگ پاره ها را بر سرتان ببارند، و



بزودی خواهید فهمید که تهدید چگونه است) می خواهد بفرماید چگونه با خاطر جمع و خیال آسوده به ربوبیت خدای متعال کفرورزیده اید و چه ایمنی از ملائکه ساکن آسمان و موکل بر امور عالم دارید، از اینکه زمین را زیر پایتان بشکافند و شما را به امر خدا در زمین پنهان سازند، در حالیکه زمین همچنان متزلزل و مضطرب بوده و چون گهواره در حرکت باشد؟ البته بعضی مفسران، (من فی السماء) را به خدای سبحان تفسیر کرده اند و گفته اند هر چند خدا در مکان نمی گنجد، اما سلطنت و تدبیر امور الهی در آسمان است. در ادامه می فرماید: و یا ایمن هستید از اینکه ملائکه آسمان بادسنگ آور و باران ریگ دار بر شما بفرستند (همانطور که بر قوم لوط فرستادند)؟ پس بزودی خواهید فهمید که معنای انذار چیست، امنیت از عذاب یعنی چه؟ (و همیشه از گذشته های دور شنیده شده که هنگام نزول بلا- غنی و فقیر، یا قوی و ضعیف با هم گرفتار می شوند و همانطور که در فارسی گفته شده خشک و تر با هم می سوزند).

(۱۸) (ولقد کذب الذین من قبلهم فکیف کان نکیر): (و به تحقیق افراد قبل از اینهانیز تکذیب کردند، پس عقوبت و انکار من نسبت به آنها چگونه بود؟) (نکیر) یعنی عقوبت و دگرگون شدن نعمت و یا انکار. می فرماید: امتهای منقرض گذشته، آیات را تکذیب کردند، پس عقوبت من و تغییر نعمت من نسبت به آنها چگونه بود و یا انکار من نسبت به آنها چگونه بود؟ و البته در زلزله ها و سایر بلایای عمومی نشانه هایی برای گروهی که تفکر نمایند وجود دارد.

(۱۹) (اولم یروا الی الطیر فوقهم صافات و

يقبضن ما يمسكهن الا الرحمن انه بكل شىء بصير): (آيا پرواز مرغان بالای سر خود را ندیدند که چگونه بال و پر خود را باز و بسته می کنند و جز خدای رحمان کسی آنها را در فضا نگه نمی دارد، آری او به هر چیزی بیناست) در این آیه شریفه نشانه ای از نشانه های تدبیر الهی را ذکر می کند و می فرماید، آیا به پرندگان که در بالای سر شما در آسمان پرواز می کنند و بال خود را گشوده و سپس می بندند، نظر نکرده اید تا دریابید که فقط خدای رحمان است که آنها را در فضا نگه می دارد؟ هر چند ماندن پرندگان در فضا و عدم سقوط آنها مستند به اسبابی طبیعی است، همچنان که همه امور دیگر در عالم طبیعت مستند به اسباب و علل طبیعی است، ولی همه علل در نهایت به خدای سبحان منتهی می شود، و این امر اختصاص به پرندگان ندارد، اما ذکر این مورد خاص برای این است که امر پرواز پرندگان امری شگفت انگیز است که از ابتدا بشر را به فکر واداشته و در انتها می فرماید: خداوند به همه چیز بیناست و بر هر چیز احاطه دارد.

(۲۰) (امن هذا الذی هو جند لكم ينصرکم من دون الرحمن ان الکافرون الا فی غرور): (آیا چه کسی است، آنکه شما او را به جای رحمان، یاور و لشکر خود می پندارید، تا شما را یاری کند؟ کافران جز غرور سرمایه ای ندارند)

(۲۱) (امن هذا الذی یرزقکم ان امسک رزقه بل لجوا فی عتو و نفور): (و یا کیست آنکه، اگر خدا به شما روزی ندهد، او بدهد؟ نه)

هرگز بلکه کافران در سرپیچی و نفرت از حق لجاجب می ورزند)

(۲۲) (افمن یمشی مکبا علی وجهه اهدی امن یمشی سویا علی صراط مستقیم): (آیا کسی که با صورت بر روی زمین می خزد، هدایت یافته تر است و یا آنکس که استوار و راست قامت در صراط مستقیم گام بر می دارد؟) در این آیات کفار را از جهت اتخاذ معبودهای دیگر توبیخ می کند و می فرماید و بلکه می پرسم ، آن چه کسی است که به آن اشاره می شود که این یاور شما و لشکر شماست غیر از خدای رحمان ، اگر خدای رحمان سرنوشت شوم یا عذابی را برای شما مقدر کرده باشد، آیا آن یاور، شما را یاری می کند؟ و چون مشرکان جوابی از این سؤال نداشتند، خود خدای متعال در پاسخ می فرماید: جز این نیست که کافران در غرور هستند، یعنی غرور و فریب آنچنان به آنان حمله ور شده و از هر جانب آنها را احاطه کرده که خیال کرده اند اعتقادشان به آلهه ، اعتقاد درستی است . و در ادامه می فرماید، بلکه می پرسم آن چه کسی است که به آن اشاره می شود و گفته می شود: این است که به شما روزی می دهد، و اصولا اگر خدای بخشنده روزی را از شما دریغ بدارد، آن کس ، می تواند به جای خدا شما را روزی دهد؟ و خود خدای سبحان در پاسخ می فرماید، نه اینطور نیست ، بلکه کافران حق را دریافته اند، اما آن را تصدیق نمی کنند و همچنان در دوری از حق و نفرت از آن بیشتر پیش می روند. آنگاه در مقام تعریض و توبیخ کفار می فرماید: آیا دو

حالت سرپا و مستقیم راه رفتن و باصورت روی زمین خزیدن با هم یکسانند؟ یعنی کفار در لجاجت و سرکشی عجیبی که دارند و در نفرت از حق مانند کسی هستند که راهی را که می بایست طی کند باخزیدن روی صورت طی می کند و مسلما چنین کسی بلندیها و پستیها را تشخیص نمی دهد و پرتگاه و سراشیبی را از سایر قسمتها نمی تواند بشناسد. و لذا راه درست و حق را نمی تواند تشخیص دهد، به خلاف شخصی که ایستاده و سر پا راه می رود، چون او هر قدم از قدمهای خود را می بیند و مواقع و پرتگاهها را مشاهده می کند و می فهمد که راه به کجا منتهی می شود، بنابر این از هلاکت ایمن است و این استفهام انکاری و تشبیه در این آیه که حالت هر کافر لجوج و جاهل و هر مؤمن طالب بصیرت و جویای حق را ممثل می سازد، برای برانگیختن نفوس مردم به تمیزهدایت و پیمودن راه حق است.

(۲۳) (قل هو الذی انشا کم و جعل لکم السمع و الابصار و الافئده قليلا ماتشکرون): (بگو اوست آنکه شما را هستی داد و برایتان گوش و چشم و دل قرار داد، ولی چه کم سپاس می گزارید)

(۲۴) (قل هو الذی ذرا کم فی الارض و الیه تحشرون): (بگو اوست آنکه شما را در زمین بیافرید و به سوی او محشور می شوید) خطاب به رسول خدا ص می فرماید، به آنها بگو: خداست که شما را ابتداء و بدون هیچ الگو و زمینه ای آفریده به نحو بی سابقه و حتی بدون ماده شما را ایجاد کرده و شما را به جهاز گوش و چشم و

قلب یا فکر، مجهز نموده و این امور از بزرگترین نعمات الهی است، (چون گوش و چشم نماینده همه حواس ظاهری و قلب نماینده نفس متفکر و ناطقه آدمی است) به همین دلیل در خاتمه می فرماید: چه کم شکر می گزارید، یعنی در برابر این نعمات عظیم، شکری که شایسته آنست بجا نمی آورید. و نیز به ایشان بگو: خداست که خلقت شما را وابسته به زمین قرار داده و کمال شما جز بواسطه اعمالی که به ماده زمینی وابسته است، تمام و کامل نمی شود، آری خداوند مواد زمینی و جسمانی را در قلب بشر زینت داده، تا به این وسیله آنها آزمایش شوند و افراد صالح از غیر ایشان مشخص گردند و در نهایت شما بوسیله بعث و در روز قیامت بسوی او باز می گردید و جزا داده می شوید و این وعده ای به حق است. و در جای دیگر به همین مضمون اشاره کرده و می فرماید: (انا جعلنا ما علی الارض زینه لها لنبلوهم ایهم احسن عملا و انا لجاعلون ما علیها صعیدا جرزا) (۱۰۷) این مائیم که آنچه در روی زمین است زینت کردیم تا ایشان را بیازماییم که معلوم شود کدامشان بهتر عمل می کنند و ما آنچه روی زمین است، چون خاک خشک از نظرشان می اندازیم

(۲۵) (و یقولون متی هذا الوعد ان کنتم صادقین): (و می گویند: اگر راست می گوئید، این وعده چه زمانی فرار می رسد؟)

(۲۶) (قل انما العلم عند الله و انما انا نذیر مبین): (بگو منحصر علم آن فقط در نزد خداست و همانا من فقط بیم دهنده ای آشکارم) یعنی کفار از روی استهزاء و به منظور تعجیز

به پیامبر مؤمنان می گفتند: اگر راست می گوئید، وعده قیامت چه زمانی واقع می شود؟ و خداوند در جواب آنها به پیامبر می فرماید که بگوئید: علم به زمان قیامت فقط در نزد خداست و غیر از او کسی از آن آگاهی ندارد و من به جز اینکه بیم دهنده ای آشکار هستم، مسئولیت و اختیاری ندارم و من فقط موظفم که به شما ابلاغ کنم که به زودی به سوی خدا محشور می شوید، اما علمی به زمان وقوع آن ندارم و نمی دانم که چه موقع آن سرنوشت شومی که برای اندازشدگان مقدر شده، به ایشان خواهد رسید.

(۲۷) (فلما راوه زلفه سیئت وجوه الذین کفروا و قیل هذا الذی کنتم به تدعون): (پس همینکه آن وعده را نزدیک بینند، اثر ناامیدی و خسران در چهره کافران نمایان می شود و به آنها گفته می شود: این است آنچه قبلا وعده اش را به شما دادند) یعنی وقتی آن وعده و یا عذاب را نزدیک بینند، آن وقت کسانی که کفر ورزیدند روی ترش می کنند و در چهره آنها اثر خسران و ناامیدی هویدا می گردد و به آنها گفته می شود: این عذابی که می بینید، همان وعده ایست که به شما می دادند و شما همواره می پرسیدید که این قیامت چه وقتی محقق می شود؟ و گوینده این کلام ملائکه هستند که به امر خدا اهل دوزخ را مخاطب قرار می دهند، البته بعضی مفسران (۱۰۸) آن را سخن اهل جهنم خطاب به یکدیگر دانسته اند.

(۲۸) (قل ارایتم ان اهلکنی الله و من معی او رحمنافمن یجیر الکافرین من عذاب الیم): (بگو به من خبر دهید، اگر

فرضا خدا من و پیروانم را هلاک کرده و یا برما رحم کند، شما کافران را چه کسی از عذاب دردناک پناه می دهد؟) خطاب به رسولخدا ص می فرماید به این کافران بگو، به من خبر دهید بینم ، اگر خدا من و مؤمنان را هلاک نموده و یا در اثر رحمت خود هلاک نکند، چه تفاوتی برای شما دارد، و شما کافران را که مستحق عذاب هستید، چه کسی از عذاب دردناک پناه می دهد، بعضی مفسران (۱۰۹) گفته اند: کفار مکه رسولخدا ص و مؤمنان را به هلاک و مرگ نفرین می کردند، لذا خدای متعال در پاسخ آنها این آیه را نازل فرموده

(۲۹) (قل هو الرحمن امنا به و علیه توکلنا فستعلمون من هو فی ضلال مبین ):(بگو او همان خدای رحمانست ، ما به او ایمان آوردیم و بر او توکل نمودیم ، پس بزودی خواهید دانست که چه کسی در گمراهی آشکار است ) خطاب به رسولخدا ص می فرماید، به این کفار بگو: آن خدایی که من شما را به توحید او دعوت می کنم و شما او را به نفرین ، علیه من و مؤمنین می خوانید، همان بخشنده ایست که نعمتش هر چیزی را فرا گرفته و ما به او ایمان آورده ، بر او توکل کرده ایم و همه امورمان را به او واگذار نموده ایم ، پس ای کافران ، بزودی خواهید فهمید که چه کسی در گمراهی آشکار است ، ما و یا شما؟

(۳۰) (قل ارايتم ان اصبح ماؤکم غورا فمن ياتيکم بماء معين ):(بگو به من خبر دهید اگر آب و مایه حیات شما ناگهان در طبقات زمین فرو برود، چه کسی

است که آبی گوارا برایتان بیاورد؟) مجدداً خطاب به رسول خدا ص می فرماید: به این کفار بگو مرا خبر دهید، اگر آب شما که مایه حیاتتان است، به زمین فرو رود و روی زمین آبی نماند، چه کسی هست که آن آب را در روی زمین برایتان جاری سازد، در این باره روایات فراوانی وجود دارد (۱۱۰) که می فرمایند این آیه شریفه بر ولایت علی ع و دشمنی با آن حضرت تطبیق می کند که البته این روایات از باب تطبیق کلی بر مصداق است. (به هر جهت مؤمنان همواره بین دو امر نیکو مرددند یا پیروزند و یا به رستگاری در بهشت نایل می شوند، پس رستگاری مؤمن در مرگ اوست، چون به جنت و رضوان الهی نایل می شود، اما کافر مرگش فقط او را به عذاب دردناک نایل میکند).

## تفسیر نور

علاوه بر این سوره، سوره فرقان نیز با کلمه «تبارک» آغاز شده است.

«تبارک» از مصدر «برکت» به معنای خیر پایدار است. به محلی که در آن آب جمع می شود، «برکه» می گویند.

هدف از آفرینش انسان چیست؟

پاسخ: قرآن چهار هدف را برای آفرینش انسان بیان کرده است:

الف) عبادت کردن. در قرآن می خوانیم: ما جن و انس را جز برای عبادت نیافریدیم. >> >و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون<< <<۳۱۶>>

ب) انتخاب راه صواب از ناصواب و رسیدن به رشد و کمال در سایه آزمایش های الهی: >> >خلق الموت و الحياه ليلوكم<<

ج) آبادی و عمران زمین. قرآن می فرماید: خداوند شما را از زمین آفرید و شما را بر آبادی آن گماشت: >> >هو انشأكم من الارض واستعمرکم فيها<< <<۳۱۷>>

د) رحمت بر مردم. قرآن هدف دیگر خلقت را رحمت خاص خداوند بر



مردم ذکر می کنند و می فرمایند: (انسانها) برای آن آفریده شدند که به رحمت خاص خداوند هدایت شوند: <<إِلَّا مِنْ رَحْمَةِ رَبِّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ<< ۳۱۸>

کار «حَسَن» و نیک چه شرایطی دارد؟

کار نیک، کاری است که از نظر هدف، زمان، مکان، ضرورت، تداوم، ابزار مورد استفاده، همکاران، بهره گیران، استقامت در کار، استحکام، نظم، آینده نگری در عمل، اولویت های مورد نیاز، نشاط، اعتدال، دقت، سرعت و سلامت کار، مورد سنجش و برنامه ریزی قرار گرفته باشد و

ه دور از آفت های عجب، حبط، ریا و سمعه انجام پذیرد.

خداوند متعال هم در دنیا حکومت دارد: <<بَيِّدَ الْمَلِكُ<< و هم در آخرت حاکم است. <<الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ لَّهُ<< ۳۱۹>

خداوند، حاکم یگانه است: <<لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمَلِكِ<< ۳۲۰>، <<بَيِّدَ الْمَلِكُ<< و حکومت او همراه با قداست است. <<الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ<< ۳۲۱>

جلوه های برکت خداوند هم در تکوین و آفرینش وجود دارد: <<تَبَارَكَ الَّذِي بَيَّيْدَ الْمَلِكُ... خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ<< و هم در تشریع و قانون گذاری. <<تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ<< ۳۲۲>

امام صادق علیه السلام ذیل آیه فرمود: مراد عمل بیشتر نیست، بلکه مراد بهترین عمل است و آن انجام عمل است همراه با خشیت الهی و نیت صادق و نیکوکاری. <<۳۲۳>

۱- گرچه قرآن درباره خودش و پیامبری که بر وی نازل شده، کلمه «تبارک» را به کار برده است، ولی سرچشمه تمام برکات، خداوند و قدرت اوست. <<تَبَارَكَ الَّذِي بَيَّيْدَ الْمَلِكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ<<

۲- تمام قدرت ها و حکومت ها از بین رفتنی هستند، تنها حکومت خداوند ابدی است. <<بَيَّيْدَ الْمَلِكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ<<

۳- حکومت های دنیا، جزئی، موقت و محدود است و لذا برکت گسترده ای ندارد. <<تَبَارَكَ الَّذِي بَيَّيْدَ الْمَلِكُ<<

۴- تقدیر مرگ و حیات، جلوه ای از

حاکمیت مطلق خداوند است. <<بیده الملک... خلق الموت و الحیاء>>

۵- حاکمان دنیایی، در همه امور قدرت ندارند، ولی خداوند حاکم و بر همه چیز قادر است. <<بیده الملک و هو علی کل شیء قدير>>

۶- مرگ به معنای فنا و نابودی نیست، بلکه امری وجودی است که آفریده شده و آن انتقال از این دنیا به دنیای دیگر است. <<خلق الموت>>

۷- آفرینش مرگ، آزمایشی برای ظهور صبر، و آفرینش حیات، آزمایشی برای ظهور شکر است. <<خلق الموت والحیاء لیلوکم>>

۸- آفریده ها همه هدفمندند و هیچ چیز، عبث آفریده نشده است و خداوند انسان را برای تکامل انتخابی آفریده است. <<لیلوکم>>

۹- جوهره انسان در لابلای گرفتاری ها و تلخ و شیرینی ها روشن می شود. <<خلق الموت والحیاء لیلوکم>>

۱۰- آزمایش الهی برای مشخص شدن علم خداوند نیست، زیرا او همه چیز را از قبل می داند؛ بلکه برای آن است که عملی از ما صادر شود. <<لیلوکم ایکم احسن عملاً>> (مثل استادی که معلومات شاگردش را می داند ولی او را امتحان می کند تا استحقاق نمره شاگرد جلوه کند).

۱۱- ملاک عمل، کیفیت است نه کمیت. <<أحسن عملاً>> (نه «اکثر عملاً»)

۱۲- آزمایش الهی همیشگی و برای همه است. <<لیلوکم>> (نشان استمرار است)

۱۳- به خوب بودن کار، قانع نباشیم، باید بهترین کار انجام شود. <<احسن عملاً>>

۱۴- تنها حکومت و قدرت خدا شکست ناپذیر است. <<بیده الملک... قدير... هو العزيز>>

۱۵- عزّت و قدرت خداوند همراه با رأفت و رحمت است. <<العزيز الغفور>>

۱۶- از شکست در آزمایش های الهی مأیوس نشوید، که او بخشنده است. <<الغفور>>

«طَباق»، یا مصدر «طابق» یا جمع «طَبَق» است؛ در صورت اول «سبع سماوات طباقاً» به معنای آن است که آسمان ها متناسب و مطابق

یکدیگرند و در صورت دوم به معنای آن است که آسمان ها هفت طبقه بر فراز یکدیگرند.

«تفاوت» از «فوت» به معنای بروز اختلال و ناهماهنگی و «فُطور» به معنای شکاف از طول است. «خاساً» به معنای خسته و ناکام و «حسیر» به معنای ناتوان است.

تلخی ها و کمبودها در نزد انسان های سطحی ناگوار به نظر می آید و گرنه محققان به هر چیز با دیده مثبت می نگرند. ترشی و فلفل برای کودک ناگوار است، ولی برای والدین او، ترشی به اندازه مربا، ارزشمند است.

«مصباح» از «صبح»، وسیله ای است که شب را همانند صبح، روشن کند، مانند چراغ.

در این آیات، سه تعبیر در مورد ستارگان آسمان آمده است. ۱. مصباح و چراغ؛ ۲. زینت و جلوه؛ ۳. رجم شیاطین.

در آیات هفتم و هشتم سوره صافات خواندیم که شیطان ها برای استراق سمع و شنود اخبار آسمان، قصد نفوذ به آن جا را دارند ولی هر بار مورد هدف قرار می گیرند و رانده می شوند و این گونه ستارگان وسیله حفظ آسمان هستند.

۱- نظام آفرینش بر اساس رحمت خداوند است. <<فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ>>

۲- نظام موجود، نظام احسن است و در نظام آفرینش، هیچ نقص و کمبودی وجود ندارد. <<مَاتَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ>>

۳- خداشناسی باید بر اساس نظر و دقت باشد، تا ایمان انسان به عظمت هستی و قدرت آفریدگار بیشتر شود. <<فَارْجِعِ الْبَصَرَ... ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ>>

۴- برای کسب معرفت، یک بار دیدن و نظر کردن کافی نیست. <<فَارْجِعِ الْبَصَرَ... ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ>> (در این آیه کلمه «تری» دو بار و کلمه «بصر» سه بار همراه با لفظ «کَرَّتَيْنِ» تکرار شده است.)

۵ - خداوندی که کار خود را محکم و

حکیمانه انجام داده است، از دقت نظر دیگران نگران نیست، بلکه دیگران را به بازدید دعوت می کند. >>فارجع البصر... ثم ارجع البصر<<

۶- خداوند از آفریدن خسته نمی شود: >>و ما مَسْنَا من لغوب<< >>۳۲۴< ولی چشم ما از نگاه به آفریده های او خسته می شود. >>ينقلب اليك البصر خاسئاً و هو حسير<<

۷- زینت، یکی از خواسته های فطری بشر است. (یکی از نعمت های ستارگان، زینت بودن آنها شمرده شده است. >>زینا السماء الدنيا<<

۸ - آفریده های الهی در عین استواری و استحکام، >>سبعاً شداداً<< >>۳۲۵< از زینت ویژه ای برخوردارند. (در معماری علاوه بر استحکام ساختمان، زیبایی نمای بنا نیز باید مورد توجه باشد.) >>زینا السماء الدنيا<<

۹- آفریده های الهی دارای کاربردهای گوناگونی هستند. >>مصایيح - رجوماً<<

۱۰- در برابر دشمن نباید انفعالی برخورد کرد؛ برخورد ما با دشمن باید تهاجمی باشد. >>رجوماً للشياطين<<

۱۱- شیاطین به آسمان ها نیز طمع دارند. >>رجوماً للشياطين<<

۱۲- شیاطین، ضربه پذیرند. >>رجوماً للشياطين<<

«الْقُوا» از «القاء» به معنای پرتاب شدن بدون اختیار است.

«شَهِيق» به زشت ترین و ناخوشایندترین صداها، همچون صدای گوش خراش خران گفته می شود. «تَفُور» از فوران، بیانگر شعله های عظیم دوزخ است که می جوشد و بالا می آید.

صدای ناخوشایند «شَهِيق» ممکن است از خود دوزخ باشد، >>لها شهيقا<< و ممکن است از اهل دوزخ باشد، چنانکه در آیه ۱۰۶ سوره هود می خوانیم: >>لهم فيها زفير و شهيق<<

۱- غضب و غیظ، گاهی به حد انفجار می رسد. >>تكاد تمیز من الغیظ<<

۲- دوزخیان، به درون آتش پرتاب می شوند. >>الْقوا فيها<<

۳- عذاب جهنم، همراه با تحقیر است: >>الْقوا فيها<<، گوش خراش است: >>سمعوا لها شهيقا<< و همراه با سؤال توبیخ است. >>سئلهم خزنتها<<

۴- عذاب الهی بعد از اتمام حجت است. >>الم یأتکم نذیر<<

در این سه آیه،

به سه اعتراف کافران در قیامت اشاره شده است:

(الف) اعتراف به آمدن انبیا و تکذیب آنان. <<بلی قد جاءنا نذیر فکذبنا>>

(ب) اعتراف به عدم تعقل و استماع سخن حق. <<لو کُنّا نسمع او نعقل>>

(ج) اعتراف به ارتکاب گناه. <<فاعترفوا بذنبهم>>

در آیه ۲۶ سوره فصّلت می خوانیم که مخالفان می گفتند: <<لا تسمعوا لهذا القرآن>> به این قرآن گوش فراندهید ولی در آن روز خواهند گفت: ای کاش گوش می دادیم. <<لو کُنّا نسمع>>

۱- خداوند که هدفش تکامل معنوی انسان است باید رهبر آسمانی بفرستد و گرنه این هدف عملی نمی شود. <<قالوا بلی قد جاءنا نذیر>>

۲- نتیجه انکار عمدی و آگاهانه دین دوزخ است. <<القوا فیها... جاءنا نذیر فکذبنا>>

۳- خلافتکار کار خود را توجیه می کند. (کافران برای توجیه تکذیب خود می گفتند: اصلاً خدا چیزی نازل نکرده است). <<فکذبنا وقلنا ما نزل الله من شیء>>

۴- ریشه تکذیب، عدم تعقل است. <<کذبنا... لو کُنّا نسمع او نعقل>> (تعالیم اسلام مطابق با عقل است، اگر تعقل می کردیم مؤمن می شدیم).

۵ - عقل واقعی آن است که انسان حق را بشنود، بپذیرد و پیروی کند تا از قهر الهی خود را نجات دهد. <<لو کُنّا نسمع او نعقل ما کُنّا فی اصحاب السعیر>>

۶- روحیه لجاجت به جایی می رسد که گمراهان، به پیامبران الهی نسبت گمراهی می دهند، آنهم گمراهی بزرگ! <<ان اتم الا فی ضلال کبیر>>

۷- اعتراف به گناه در دنیا ممکن است سبب عفو شود ولی در آخرت هرگز. <<فاعترفوا بذنبهم... اصحاب السعیر>>

۸ - کفار در قیامت هم شکنجه جسمی می شوند: <<اصحاب السعیر>>، هم شکنجه روحی. <<سُحِقاً>> (دور بودن از رحمت الهی)

طبق روایتی از تفسیر نورالثقلین امام رضا علیه السلام فرمود: مراد از لطیف، کوچکی و نازکی

نیست، بلکه مراد آن است که علم خدا در اشیا نفوذ دارد ولی درک او از سوی دیگران ممتنع است.

۱- در شیوه تربیت باید توییح بدان و تشویق خوبان در کنار هم باشد تا مورد مقایسه قرار گیرد. (آیات قبل سخن از کیفی دوزخیان بود و این آیه از بهشتیان سخن می گوید). <<إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ>>

۲- خشیت از خداوند زمانی کارساز است که دائمی باشد. <<يَخْشَوْنَ>> فعل مضارع و نشانه استمرار است.

۳- پاک شدن از گناهان، زمینه دریافت الطاف الهی است. <<لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَاجْرٌ كَبِيرٌ>>

۴- تقوی و خشیت واقعی آن است که انسان در درون خود نیز از خدا پروا داشته باشد و گرنه تقوای ظاهری، تظاهری بیش نیست. <<يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ>>

۵- ریا و نفاق را کنار بگذاریم که خدا به باطن ها آگاه است. <<عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ>>

۶- پنهان بودن، در علم عمیق خداوند اثری ندارد. او تمام نیت ها و راز دل ها را می داند. <<أَنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ>> («علیم» نشانه علم عمیق و گسترده است).

۷- علم خداوند به مخلوقات، به خاطر خالقیت اوست. (کسی که چیزی را ساخته و آفریده، از حالات آفریده خود آگاه است). <<إِلَّا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ>>

۸- ایمان به علم خداوند، بهترین عامل بازدارنده از نفاق و نهان کاری است. <<اسْرَوْا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ... إِلَّا يَعْلَمُ...>>

«مَنَكَب» به معنای شانه است و شانه بهترین عضو برای قرار گرفتن بار بر روی آن است. شانه زمین، یعنی قسمت هایی از زمین که بار رزق شما بر آن است.

زمین رام انسان است و با وجود چند نوع حرکت مختلف، آرام است. اگر به طور دائم زمین گرفتار زلزله یا آتشفشان بود، یا فاصله زمین با

خورشید دورتر و یا نزدیکتر بود و یا هریک از محاسبات موجود بر زمین حاکم نبود، زمین برای انسان رام نبود. >> جعل لکم الارض ذلولاً <

۱- خداوند، زمین را رام ساخته تا امکان تلاش و کوشش بشر بر روی آن فراهم باشد. >> جعل لکم الارض ذلولاً فامشوا فی مناکیها <<

۲- رزق از سوی خداوند است ولی برای بدست آوردن آن تلاش لازم است. >> فامشوا فی مناکیها و کلوا من رزقه <<

۳- هستی در حال حرکت و رو به تکامل است:

طبیعت برای انسان. >> جعل لکم الارض ذلولاً <<

انسان برای تلاش. >> فامشوا فی مناکیها <<

تلاش برای رزق. >> کلوا من رزقه <<

دنیا برای آخرت. >> الیه النشور <<

۴- کامیابی های دنیا نباید سبب غفلت از قیامت شود. >> کلوا... و الیه النشور <<

محتوای این دو آیه، شبیه آیه ۶۵ سوره انعام است که می فرماید: به مردم بگو: او قادر است که از آسمان یا زمین بر شما عذابی نازل نماید. >> قل هو القادر علی ان یبعث علیکم عذاباً من فوقکم او من تحت ارجلکم <<

«حاصب» به معنای تند بادی است که سنگریزه به همراه دارد.

نمونه فرو رفتن در زمین را در آخر سوره قصص درباره قارون می خوانیم که می فرماید: >> فخسفنا به << و نمونه نزول سنگریزه از آسمان را در ماجرای قوم لوط می خوانیم که فرمود: >> انا ارسلنا علیهم حاصباً << <۳۲۶>

قدرت خداوند در آرامش بخشیدن به زمین، جلوه ای از فرمانروایی اوست که در ابتدای سوره خواندیم: >> بیده الملک و هو علی کل شیءٍ قدیر << <۳۲۷>

احتمال تغییر و دگرگونی در هستی، انسان را از مغرور شدن و تکیه کردن به دنیا نجات می دهد. مولوی در مثنوی در این باره شعر زیبایی آورده است:

جمله ذرات زمین و آسمان

لشگر حقند گاه امتحان

باد را دیدی که با عادن چه



کرد

آب را دیدی که در طوفان چه کرد

آنچه بر فرعون زد آن بحر کین

و آنچه با قارون نمودست این زمین

و آنچه آن بایبل با آن پیل کرد

و آنچه پشه کله نمرود خورد

و آن که سنگ انداخت داودی بدست

گشت سیصد پاره و لشگر شکست

گر بگویم از جمادات جهان

عاقلانه یاری پیغمبران

مثنوی چندان شود که چهل شتر

گر کشد عاجز شود از بار پر

۱- قهر و کیفر خداوند، تنها در قیامت نیست. <<ءامنتم... أن یخسف بکم الارض>>

۲- هیچ کس خود را از قهر خدا در امان نداند و هر لحظه احتمال نزول قهر هست. <<ءامنتم من فی السماء>>

۳- آسمان، مرکز فرماندهی و تدبیر الهی است. <<من فی السماء>>

۴- آسمان، مرکز مأموران مطیع و تحت امر خداوند است. <<من فی السماء>>

۵- نظام حاکم بر طبیعت با اراده او است و هر لحظه می تواند آن را تغییر دهد. <<یخسف بکم الارض>>

۶- قهر الهی ممکن است از زیر پای انسان باشد و او را در زمین فرو برد. <<یخسف بکم الارض>> یا از بالای سر او، از آسمان نازل شود. <<یرسل علیکم حاصباً>>

۷- دست خداوند، باز است. هم می تواند از آسمان باران فرستد: <<یرسل السماء علیم مدراراً>> و هم می تواند از آسمان سنگ ببارد. <<یرسل علیکم حاصباً>>

۸ - تهدیدات الهی را جدی بگیریم. <<فستعلمون کیف نذیر>>

پرنده‌گان با دارا بودن حرکات دسته جمعی و طی مسافت‌های طولانی در چهار فصل، نشستن‌ها و پروازهای متوالی و بدون محدودیت مکانی، اما عدم سقوط و تصادم با یکدیگر، نشانه‌هایی از عظمت و قدرت الهی هستند.

کلمه «صافّات» به صورت اسم فاعل آمده است، یعنی پرنده با بال‌های باز پرواز می‌کند ولی کلمه «یقبضهنّ» به صورت فعل آمده،

زیرا پرنده گاهی بال های خود را جمع می کند.

۱- تهدیدهای خداوند را جدی بگیریم. (قهر خداوند درباره پیشینیان عملی شده است، قارون به زمین فرو رفت و بر قوم لوط از آسمان سنگریزه بارید. پس شما از تاریخ آنان عبرت بگیرید.) <<فکیف کان نکیر>>

۲- خداوند، پیامبرش را در برابر تکذیب مردم دلداری می دهد. <<لقد کذب الذین من قبلهم>>

۳- تاریخ گذشته، چراغ راه آیندگان است. <<کذب الذین من قبلهم>>

۴- تکذیب انبیا، رمز قهر الهی است. <<کذب... فکیف کان نکیر>>

۵- ابزارهای مادی شما را مغرور نکند. (گرچه پرنده از طریق بال زدن پرواز می کند ولی آنچه او را در هوا نگاه می دارد، قدرت خداوند است.) <<ما یمسکهنّ الاّ الرحمن>>

۶- هیچ چیز را برای خدا شریک قرار ندهید. <<الاّ الرحمن>>

۷- نعمت های الهی بر اساس رحمت است. <<ما یمسکهنّ الاّ الرحمن>>

۸- نظام هستی، زیر نظر خداوند اداره می شود. <<انه بکلّ شیء بصیر>>

در آیات قبل سخن از قدرت الهی در زمین و آسمان بود. او می تواند به زمین فرمان دهد که کفار را در خود فرو برد، او می تواند پرندگان را در آسمان نگاه دارد و.... این آیه عجز و ناتوانی بشر را به رخ او می کشد که این انسان با تکیه بر کدام لشکر و با چه حمایتی

ین همه در برابر خداوند، لجاجت از خود نشان می دهد. گویا مشرکان از ناحیه بت ها برای خود نیروئی احساس می کردند.

«غرور» به معنای فریب دهنده و «غرور» به معنای فریب است.

ابزارهای غرور متفاوتند و عامل آن شیطان است: «لا یغرنکم بالله الغرور» <۳۲۸> آرزوهای طولانی و وعده های اغفال گران وسیله غرورند.

در این دو آیه به عوامل بدبختی انسان اشاره شده است: غرور، لجاجت،

سرکشی و فرار از حق. «عُتُو» به معنای استکبار و تجاوز از حق است و «نفور» به معنای اظهار تنفر و گریز از حق است.

لجاجت، زمینه سرکشی و طغیان است و سرکشی، زمینه نفرت و فاصله گرفتن از حق.

تنها خداوند روزی رسان است. هم در دنیا روزی می دهد: <<خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ>> <۳۲۹> هم در برزخ روزی می دهد: <<بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ>> <۳۳۰> هم در قیامت روزی می دهد. <<يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ>> <۳۳۱>

۱- فرد مغرور را باید به ضعف ها و ناتوانی هایش متوجه نمود. <<أَمِنْ هَذَا الَّذِي...>>

۲- یکی از ابزارهای غرور، داشتن لشکر و سپاه است. <<جُنْدَ لَكُمْ يَنْصَرُكُمْ... أَلَا فِي غُرُورٍ>>

۳- کافران با تکیه بر قدرت های پوشالی، گرفتار غرور و فریب می شوند. <<جُنْدَ لَكُمْ يَنْصَرُكُمْ... انْ الْكَافِرُونَ أَلَا فِي غُرُورٍ>>

۴- خداوند مجبور نیست که رزق دهد، بلکه می تواند رزق دادن را قطع کند. <<انْ أَمْسِكْ رِزْقَهُ>>

۵ - یکی از راههای توجه به نعمتهای خدا، احتمال گرفته شدن نعمت ها است. <<انْ أَمْسِكْ رِزْقَهُ>> (در آیه ای دیگر می فرماید: <<انْ اصْبَحْ مَاءَ كَمْ غُورًا>> <۳۳۲> اگر آبها به عمق زمین فرو رفته بود و شما به آن دسترسی نداشتید.)

«مُكَبِّ» به معنای کسی است که به رو افتاده باشد و «انشاء» به معنای ایجاد همراه با ابتکار و «ذُرْأُ» به معنای آفریدن و تکثیر نسل است.

در این آیه کافر به کسی تشبیه شده است که به رو بر زمین افتاده باشد و بخواهد افتان و خیزان حرکت کند ولی مؤمن به کسی که راست قامت راه می رود، تشبیه شده است.

کلمه «سمع» مصدر است و مفرد و جمع را شامل می شود و لذا نیازی به آوردن آن به صورت جمع نیست ف بر خلاف «ابصار» و

«افئده» که به صورت جمع آمده اند.

کسی که از رو به زمین افتاده، دید ندارد، با زحمت و کند حرکت می کند، چون موانع راه را نمی بیند دست و صورتش آسیب می بیند، ذلیل و خوار می شود، دیگران می روند و او تنها می ماند. ولی کسی که ایستاده حرکت می کند، عزیز است، تند و سریع می رود، موانع راه را از د

شناسایی و بررسی می کند، لذا سالم می ماند و دیگران نیز با او همراهند.

امام باقر علیه السلام فرمود: قلب چهار گونه است، اما قلب وارونه قلب مشرک است. سپس این آیه را تلاوت فرمود: >>أَفَمَن يَمْشِي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ <<۳۳۳<

خودشناسی راهی برای خداشناسی است. حضرت علی علیه السلام می فرماید: گوش با استخوان می شنود و چشم با پیه می بیند. >>جَعَلَ لَكُم السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ <<

با این که شکر ما در برابر نعمت های خداوند بسیار کم است، ولی خداوند نعمت هایش را از ما نمی گیرد. در دعای ماه رجب می خوانیم: «یا من يعطی الكثير بالقلیل» ای خدائی که در برابر عمل و شکر کم، عطای بسیار می کنی.

۱- افراد لجوج و حق ستیز و حق گریز، به نوعی مسخ شده اند و به جای حرکت طبیعی مثل خزنده ها حرکت می کنند. >>بَل لِّجَوَا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ... مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ <<

۲- راه اسلام، هموار و مستقیم و دارای مقصدی روشن است و اگر امت اسلامی بر این راه رود، راست قامت و سرافراز است. >>يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ <<

۳- خلقت انسان بسیار مهم است به گونه ای که پیامبر مأمور می شود مردم را به مبدأ پیدایش و نعمتهای نهفته در آن پی در پی هشدار دهد. >>قُلْ هُوَ الَّذِي أَنشَأَكُمْ... قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ <<

۴- آفرینش خداوند ابتکاری است، نه شبیه

سازی از روی نمونه قبلی. >>انشأکم<<

۵- خدا همه ابزارهای شناخت را به انسان عطا فرمود تا با او اتمام حجت کند. (انسان های عادی تنها می شنوند و می بینند و عبرت می گیرند اما انسان های برتر، مطالبی را از طریق دل دریافت می کنند.) >>جعل لكم السمع و الابصار و الافئده<<

۶- شکر خداوند، تنها با زبان نیست بلکه شکر عملی که همان به کارگیری صحیح نعمت ها است، لازم است. >>قلیلاً ما تشكرون<<

۷- کسی که در آغاز خلقت شما را در زمین و از زمین آفرید، قدرت زنده کردن دوباره شما را نیز دارد. >>انشأکم، ذرأکم... الیه تحشرون<<

۸- خداوند در دنیا انسان ها را در زمین پخش می کند و در قیامت آنها را جمع می کند. >>ذرأکم، تحشرون<<

در قرآن، شش مرتبه جمله >>متی هذا الوعد<< از زبان مخالفان آمده است و پیامبر در پاسخ آنان می فرمودند: علم به قیامت فقط نزد خدا است.

علم غیب دو نوع است: نوعی که خداوند به برگزیدگان خود عنایت می کند: >>تلک من انباء الغیب نوحيها اليک<< <<۳۳۴> یعنی آنچه گفتیم از خبرهای غیبی است که به تو وحی کردیم.

و نوعی که فقط مخصوص خداست و حتی انبیای الهی به آن آگاهی ندارند، نظیر علم به زمان برپایی قیامت: >>انما العلم عندالله<< چنانکه در دعا می خوانیم: «بحق علمک الذی استأثرت به لنفسک» به حق آن علمی که برای خود نگاه داشته ای.

ندانستن جزئیات و زمان وقوع قیامت دلیل بر انکار کلیات آن نیست. اگر صدای زنگ در خانه بلند شد و شما کسی را که زنگ می زند نمی بینید، دلیل آن نیست که بگویید کسی پشت در نیست.

۱- کافر به دنبال بهانه است. (سؤال کردن از زمان وقوع قیامت،

طفره رفتن از اصل قیامت است.) <<متی هذا الوعد>>

۲- دشمن از طریق طرح سؤال و تحقیر و استهزا در صدد تضعیف مکتب و رهبر آسمانی است و لذا انبیا را متهم به دروغ گویی می کنند. <<متی هذا الوعد ان کتم صادقین>>

۳- هر دانستنی ارزش نیست (اگر زمان قیامت را بدانیم برای گروهی که به آن زمان نزدیک ترند، سبب وحشت و اضطراب و برای گروهی که با آن فاصله طولانی دارند، سبب غفلت و فراموشی می شود.) <<انما العلم عندالله>>

۴- رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خبر دادن از غیب نیست، بلکه هدایت و هشدار است. <<انما انا نذیر مبین>>

۵ - سخن پیامبران، روشن و بدون ابهام و پیچیدگی است. <<نذیر مبین>>

۶- افراد مغرور و لجوج را باید با شیوه هشدار، ارشاد نمود و بشارت و تشویق درباره این گونه افراد کارساز نیست. <<نذیر مبین>>

کلمه «زلفه» به معنای نزدیک است، به سرزمین مشعرالحرام «مزدلفه» می گویند چون به مکه نزدیک است.

کلمه «تَدْعُونَ» درخواست جدی و باعجله است. در آیه چهاردهم سوره ذاریات می خوانیم: <<یوم هم علی النار یفتنون ذوقوا فتنکم هذا الذی کتم به تستعجلون>> <<۳۳۵>> یاد کن روزی را که آنان با آتش شکنجه و عذاب شوند، شکنجه تان را بچشید، این همان است که با شتاب خوا

ن آن بودید و می گفتید: <<ایان یوم الدین>> <<۳۳۶>>

قرآن کریم در آیات متعددی به توصیف سیمای نیکوکاران و مجرمان در قیامت پرداخته است. درباره نیکوکاران می فرماید:

<<وجوهٌ یومئذٍ مسفره ضاحکه مستبشره>> <<۳۳۷>> در آن روز صورت هایی درخشان و خندان و شادمانند.

<<وجوهٌ یومئذٍ ناعمه>> <<۳۳۸>> صورت هایی در آن روز، شاداب و باطراوتند.

<<تعرف فی وجوههم نضره النعیم>> <<۳۳۹>> در چهره های آنان خرمی و طراوت را درک می کنی.

اما در باره منحرفان

و مجرمان می فرماید:

>> <وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ> <۳۴۰> بر صورت هایی در آن روز غبار و کدورت است، و سیاهی و تاریکی آن را فرا گرفته است.

>> <وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ> <۳۴۱> چهره هایی در آن روز ذلیل و فرو افتاده اند.

>> <تَلْفَحُ وَجُوهُهُمْ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالْحَمَلِ> <۳۴۲> شعله های آتش سخت به صورتهایشان می وزد و چهره آنان عبوس و شکسته و دندانهایشان به واسطه سوختن لب ها نمایان است.

>> <وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى وَجُوهِهِمْ عَمِيَائًا وَبُكْمًا وَصَمًّا> <۳۴۳> آنان را در قیامت کور و کر و لال و بر صورتهایشان محشور می کنیم.

>> <وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ> <۳۴۴> صورتهایی در آن روز به شدت عبوس و درهم کشیده اند.

>> <يَوْمَ يَسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى وَجُوهِهِمْ> <۳۴۵> روزی که در میان آتش به رو کشیده شوند.

۱- کفر در دنیا، سبب روسیاهی در آخرت است. <> <سَيِّئٌ وَجْهُ الَّذِينَ كَفَرُوا...>

۲- در قیامت علاوه بر عذاب جسمی، عذاب روحی تحقیر نیز وجود دارد. <> <هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدْعُونَ>

در روایات می خوانیم که کفار مکه آرزوی مرگ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مسلمانان را داشتند. این آیه می فرماید و بر فرض که آنان از دنیا بروند، چه کسی شما را از قهر خدا پناه خواهد داد؟

در سوره طور نیز این آرزو مطرح شده است: <> <أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَتَرَبَّصُّ بِهِ رَيْبَ الْمُنُونِ> <۳۴۶> آنان می گویند: محمد شاعری است که برایش حوادث تلخ و مرگ را انتظار می کشیم. در آیه ۱۲ سوره فتح نیز این آرزوی کفار مطرح شده است که پیامبر و مؤمنان از جبهه سالم برنگردد.

<> <بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَى أَهْلِيهِمْ>

می گویند کودکی گریز پای، مرگ استادش را از خداوند طلب می کرد، پدرش به او گفت: اگر می خواهی از



درس و بحث خلاصی یابی، باید مرگ مرا از خداوند طلب کنی، زیرا اگر معلم امروز تو هم بمیرد، من تو را نزد معلم دیگری خواهم فرستاد.

۱- شیوه احتجاج و گفتگوی با کفار را از وحی یاد بگیریم. <<قل ارايتم...>>

۲- پیامبر امین وحی است. <<قل...>> (حتی کلمه «قل» را حذف نمی کند).

۳- در شیوه تبلیغ، گاهی حقایق را باید در قالب فرض مطرح کرد. <<ان اهلکنی الله>>

۴- کفار، همان گونه که نسبت به شخص پیامبر بغض و کینه دارند، نسبت به پیروان او هم کینه دارند. <<اهلکنی الله و من معی>>

۵- مؤمن باید بین بیم و امید زندگی کند. <<اهلکنی الله... او رحمن>>

۶- هیچ چیز و هیچ کس نمی تواند مانع نزول قهر الهی بر کفار شود. <<فمن یجیر الکافرین من عذاب الیم>> (شعار بعضی از کافران، <<و ما نحن بمعذبین>> ۳۴۷) بود، یعنی ما گرفتار عذاب نمی شویم ولی قرآن می فرماید آنان به عذاب دچار می شوند).

۷- کسی که برای اولیای خداوند آرزوی درد و هلاکت کند، به عذاب دردناک گرفتار خواهد شد. <<عذاب الیم>>

زمین متشکل از بخش های نفوذپذیر و نفوذناپذیر است. اگر تمام قسمت های آن نفوذپذیر بود، آبی ذخیره نمی شد و اگر تمام زمین نفوذناپذیر بود، زمین به صورت باتلاق در می آمد.

«غور» به معنای فرورفتن در عمق است و «معین» به معنای آسان و روان است.

آخرین آیه به منزله تفسیر آیه قبل است. در آیه ۲۹ می فرماید: <<قل هو الرحمن>> و در آیه ۳۰، نمونه رحمت را آب روان، ذکر می کند. در آیه اول می فرماید: بر او توکل کردیم و در آیه بعد می فرماید: دلیل توکل بر او این است که اگر آب مورد نیاز به زمین فرو رود،

کس نمی تواند آن را بیاورد.

امام باقر علیه السلام (در تأویل آیه) فرمود: اگر امام شما غایب باشد چه کسی برای شما امام ظاهر می فرستد که اخبار آسمان ها و زمین و حلال و حرام را برای شما بگوید؟ <إِنْ أَصْبَحَ مَاءُ كَمْ غُورًا...> <۳۴۸>

۱- پیامبر وظیفه دارد موضع خود را در برابر نااهلان اعلام کند. <قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ>

۲- در برابر کفار، دو عامل ایمان و توکل وسیله نجات شماست. <آمَنَّا... تَوَكَّلْنَا>

۳- توکل، ثمره ایمان و ملازم آن است. <آمَنَّا... تَوَكَّلْنَا>

۴- ایمان به سرچشمه رحمت ارزش دارد نه به بت های جامد. <هُوَ الرَّحْمَنُ آمَنَّا>

۵- با توکل بر خداوند، کفار آرزوی خود را به گور خواهند برد. <عَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ...>

۶- پایان کار ملائک است نه آغاز آن. <فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ>

۷- ابتدا زیربنای اعتقادی خود را محکم کنید و بعد به تهدید دشمن پردازید. <آمَنَّا... تَوَكَّلْنَا... فَسَتَعْلَمُونَ...>

۸- قاطع و استوار سخن گفتن رهبر جامعه اسلامی سبب دلگرمی خودی ها و دلهره بیگانگان می شود. <قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ... فَسَتَعْلَمُونَ...>

۹- احتمال بروز خطر برای دوری از بی تفاوتی و غفلت کافی است. <إِنْ أَصْبَحَ مَاءُ كَمْ غُورًا>

۱۰- دست خداوند در تغییر قوانین هستی باز است. <إِنْ أَصْبَحَ مَاءُ كَمْ غُورًا>

«والحمد لله رب العالمين»

### تفسیر انگلیسی

For tabarakalladhi (blessed is He) refer to the commentary of Fatihah: ۲. What has been said about hamd in Fatihah: ۲ applies to tabarakallah also

Bi-yadihi means in the hands of Him who holds power and authority. Mulk means kingdom, dominion or sovereignty. Refer to the commentary of Baqarah: ۲۵۵ and Ali Imran: ۲۶. His authority carries out His will, or does all that He wills not only in the



and invisible realms of space, conceivable in terms of matter and energy by the  
.human intellect, but also beyond them

In order not to fall a pray to imaginary or conjectural theories of man-made gods created by a few exploiters to wield authority over the whole mass of mankind, man must understand and accept the omnipotent sovereignty of Allah. Then alone he can get rid of false leaders and establish a just, fair and orderly society for the overall welfare of all human beings. Sovereignty belongs to Allah. There is no god but Allah. The whole universe is His kingdom. Refer to page ١١ for the belief of the Christians  
.that God is in heaven which implies that He has no authority (kingdom) on the earth

Refer to the commentary of Yunus: ١٤; Hud: ٧; Kahf: ٧; Anbiya: ٢٥ for "that He may try  
".which of you is best in deed

Death is mentioned before life; and death is stated to have been created. This prove that death is not cessation of existence. Baqarah: ٢٨ says: "When you were dead He gave you life. Again He will cause you to die and again bring you to life." In Najm: ٤٤  
.also death is put before life

Death is not cessation of existence but a change of direction or transforming into another form. The state before our present life, or the state after, is not known to us or unknowable to us, but our present life is given to us as a trial to either do good and  
move to

a nobler state of existence or follow the evil delusions and go to a place where  
.existence is eternal damnation

Trial implies freedom of action and free will given to man, otherwise, if the theory of determinism is accepted, it would mean Allah does not know who will do what. Allah has given man intelligence, power of observation and contemplation and discretion to decide which path he will walk on. The idea of death reminds him about the life he will have after he crosses the frontiers of this life and enters a new state of existence. As he sows shall he reap. The consequences of his deeds in this life he shall face at once as soon as he leaves this world, and will continue to exist amid them, a state of  
.existence known as barzakh as per Muminun: ١٠٠, till the day of judgement

Intercession or forgiveness is not possible during this period. On the day of judgement intercession will be available and Allah shall forgive and grant pardon to those who will be recommended by the Holy Prophet and his Ahl ul Bayt. See  
.commentary of Baqarah: ٤٨

The law which will be applied to individuals and groups or communities has been  
:clearly stated in Zilzal: ٧ and ٨

;Whosoever has done (even) an atoms weight of good will behold it"

".And whosoever has done (even) an atoms weight of evil will behold that

Man must always be mindful of Allahs ever-prevalent authority so as to ward off evil  
and save himself from eternal damnation, and have hope

in His mercy so that he may turn repentant unto Him after giving up sinning and  
.evildoing

The perfect order and harmony in the vast space, visible and invisible to us, following  
precise laws of motion, proves absolute unity and supreme authority of a single  
.creator

:Aqa Mahdi Puya says

The physical and spiritual spheres are closely connected with each other in the  
continuous working of the universe. There is no gap, nor discontinuity. This  
.phenomenon is one of the signs of the unity of the creator

Islam does not impose regimentation but invites man to observe and study the  
external or visible world again and again, and as minutely as his faculties allow him.  
However closely he observes it, he shall find no flaw in it. It is his own faculties that he  
.will find incompetent to go beyond a certain compass

.See commentary of Hijr: ١٩ to ١٨; Saffat: ٩ to ١٠

:Aqa Mahdi Puya says

In the nearest or the lowest heaven there are stars and planets etcetera, but the  
other heavens are different, free from the application of laws governing the material  
.space of the lowest heaven

The disbelievers will burn in hell for ever. See commentary of Hud: ١٠٩ to ١٠٨; Ya Sin:  
.٣٠

The prophets of Allah and their divinely commissioned successors (particularly the  
Imams of the Ahl ul Bayt) were not only rejected and belied but also were persecuted  
.and martyred

Man has been given faculties to distinguish good from evil, and he is further helped by  
,the teachings of the Holy Prophet and his Ahl ul Bayt

but when he fails to follow the light of guidance his destination is degradation and  
blazing fire

When the disbelievers, hypocrites and deviators wilt pass through the ordeal of judgement to enter the fire of punishment they will freely confess their evil behaviour unto the Holy Prophet and his Ahl ul Bayt, but the time for repentance and amendment will have long been passed. The respite had come to its final end as soon  
as death seized them and the chance for remedy had been lost

(see commentary for verse ٩)

(see commentary for verse ٩)

(see commentary for verse ٩)

(see commentary for verse ٩)

(see commentary for verse ٩)

To fear the Lord is to love Him so dearly as not to do anything which is against His will, because though He cannot be seen with bodily senses, His presence is felt intensely  
by the true believer in his heart

(no commentary available for this verse)

.(See commentary of Anam: ١٠٤; Hajj: ٩٣ (for latif

.He who creates knows His own creation

:Aqa Mahdi Puya says

.In this verse the reference is to "man" in view of what has been said in verse ١٣

In Baqarah: ٧١ zalul is used for an animal trained and tractable; here it is used to refer to the intelligence and application of man with which he manages his affairs on the  
earth with reference to its resources

.See commentary of Bani Israil: ٢٨; Qasas: ٧٩ to ٨٢

Allah has made this earth amenable, manageable and serviceable to man, but if he breaks Allahs laws, His wrath shall destroy him and all his



works on the earth amid which he feels safe and secure. Refer to Araf, Hud, Yunus for  
.destruction of the people who rebelled against Allah and His messengers

:Aqa Mahdi Puya says

See my note in verse ٥. Here "heaven" refers to the omnipotent rule of Allah over all  
.the spiritual and material realms

.See commentary of Araf: ٨٠ to ٨٤ for the destruction of the people of Lut

.See commentary of Hajj: ٤٢ to ٤٤

At several places in the Quran man is invited to observe all that which has been created by Allah and contemplate on forms and functions of every kind so that he may sincerely believe in the creator of all creations. In this verse the particular reference is to the birds. Allahs infinite mercy provides for every creature those conditions which are best suited for its life. Those who have closely studied their forms and functions  
.made valuable contribution to the science of aeronautics

Allahs mercy and grace are the only two sources of mans strength. The greatest army of resources that man can muster is of no use against His wrath when it befalls upon him. His constant bestowal of mercy and grace is all-in-all for man; and he can never  
.survive without it

Sustenance refers to all that is necessary to sustain and develop life in all its phases, physical and mental as well as spiritual. If man follows obstinate impulses of rebellion and impiety and persists in indulging in wasteful, ostentatious and vain use of the sustenance made available to him he will ultimately

meet his perdition. Verse ٧٣ of Nahl says that sustenance is provided to man from the heavens and the earth. According to Ali Imran: ١٦٩ and Hajj: ٥٨ the soul receives sustenance even after the death of the body. Death is not cessation of life. Life continues. See commentary of Dhariyat: ٥ and ٦

.(Those who give their lives in the cause of Allah live with Him (see Baqarah: ١٥٤

.Refer to the commentary of Yunus: ٣٥; Rad: ١٦

Every man, except those who have been thoroughly purified and guided by Allah, is in need of guidance. Study the commentary of Yunus: ٣٥ and Baqarah: ١٢٤ to know who are the true guides chosen and appointed by Allah. They are the Holy Prophet and his Ahl ul Bayt

(no commentary available for this verse)

(no commentary available for this verse)

(no commentary available for this verse)

.The day of judgement is certain, but when it is to come is known only to Allah

(no commentary available for this verse)

:Aqa Mahdi Puya says

.As pointed out in Ma-idah: ١٧ Allah has the absolute authority over the entire universe

:Aqa Mahdi Puya says

.Allah s authority manifests itself through His all-pervading grace

:Aqa Mahdi Puya says

Allah alone is the source of all benefits, material as well as spiritual. If one advantage to mans survival or progress disappears a new substitute appears. It is the law of nature as willed by Allah

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفاً ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱. JAVA

۲. ANDROID

۳. EPUB

۴. CHM

۵. PDF

۶. HTML

۷. CHM

۸. GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱. ANDROID

۲. IOS

۳. WINDOWS PHONE

۴. WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتاهای خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می‌نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**www.Ghaemiyeh.com**

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹